رستاخیز کارگران

دوشنبه هفدهم آذرماه ۱۳۵۴ — 2 — شماره دوم — بهاء ده ریال

پیکار و تلاش بزرگ معدنچیان «شاه مهر» در اعماق زمین...

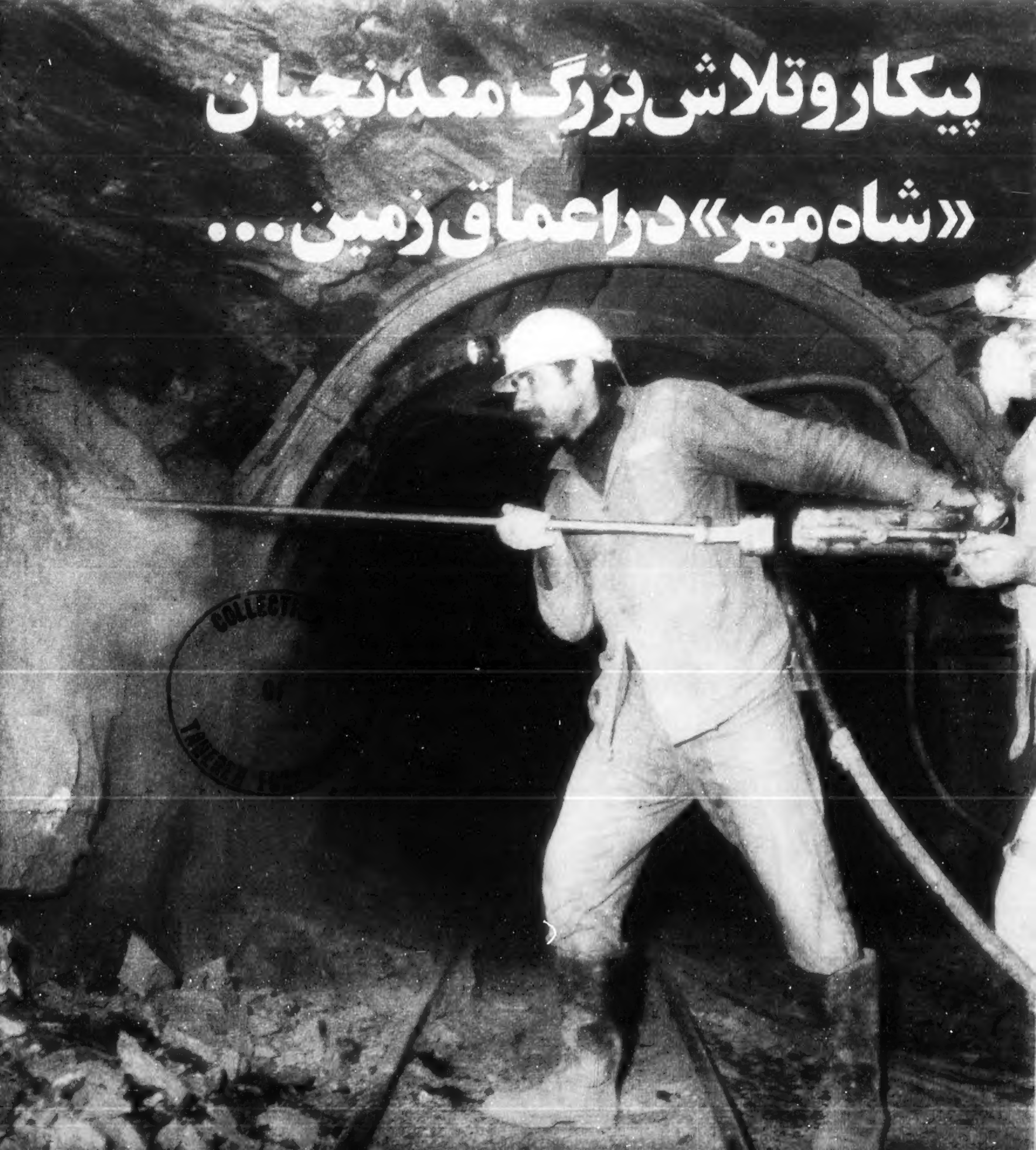

COLLECTION OF

کارگران خارک در نبرد با آهن و پولاد

۲۱ آذر

جمعه آینده --بیست ویکم آذر-- مصادف با سالروزنجات آذربایجان ،پیروزی ارتش دلیر ایران برخائنان، بیگانه پرستان و عوامل بداندیش ودشمنان وطن ما است.

بیست ویکم آذر ،پرافتخار روزیست که ارتش دلیر ایران ، بفرمان شاهنشاه آریامهر ، و با رهبری معظمله ،مردانه جنگید وخائنان وعوامل بیگانه را که در مغز علیل خویش رؤیای جدائی آذربایجان را از ایران،می پروراندند ،سرکوب کرد ونقشه‌های بیگانگان را نقش برآب ساخت.

هم از این رو ،ملت ایران ، هر سال با گرامی داشت این روز، که ورق زرینی از تاریخ دلیری وجانبازی ارتش نوین ایران را در بر دارد،سپاس خویش را به‌پیشگاه رهبر خردمند کشور، شاهنشاه آریامهر تقدیم میدارد و به‌روان سربازان شجاعی که با نثار خون خویش در راه استقلال وحفظ مرزهای کشور جان باختند ،درود می‌فرستد.

بالا بردن سطح مهارت فنی و میزان کارآئی کارگران

مهمترین وظیفه جامعه کارگری و صنعت...

اشاره دقیق و صریح شاهنشاه به نکات اصلی و مهم مسائل کارگری، در شرفیابی اخیر مدیر رستاخیز کارگران، مانند همیشه نمونه‌ای از رهنمود های گرانبها و واقع بینانه رهبر انقلابمان بود، که چه بوسیله همین نشریه و چه از طریق دیگر وسائل ارتباط‌جمعی، باید بطور ژرف وگسترده بمیان گروههای جامعه متحول‌ما رفته و مورد بررسی واستفاده وعمل قرارگیرد...

گرچه در مصاحبه شاهنشاه بسیاری از مسائل مربوط به جامعه انقلابی ایران را خصوصاً در ارتباط با نقطه‌نظرهای ملی و جهانی، بروشنی و صراحتی که ویژه صمیمیت و دلسوزی انساندوستانه معظم‌له است مطرح فرمودند ولی نکات دقیقی را که درباره سرنوشت درخشان و روش زندگی و سرمشق های کار و فعالیت گروههای کارگری و سازندگان کارهای صنعتی بیان فرمودند،از جهات خاصی حائز اهمیت ویژه میباشد که از دیدگاه این نشریه بدان اشاره میگردد، که از آن جمله است «بالا رفتن سطح مهارت‌فنی و کارآئی کارگران».

در این رهگذر از سخن، خصوصاً باید به این حقیقت تاریخی اشاره کنیم که صرفنظر از پیروزیهائی که بر اثر انقلاب شاه و ملت و بویژه اصول مربوط به مسائل کار و کارگری، نصیب کارگران وطن ماشده است، اصولا شاهنشاه مهربان و انساندوست ما از اولین روزهائی که زمام امور کشور را بدست گرفتند، صریحاً لزوم توجه بزندگی زحمتکشان اعم از کارگر و دهقان، را به مسؤولان و متصدیان کارها تأکید فرموده وحتی شخصاً در این موارد نظارت مستمر بعمل آورده‌اند...

و حق اینست که صادقانه اعتراف کنیم در پرتو عنایات و رهنمود های معظم‌له کارگران و کشاورزان به آنچنان رفاه و آسایشی دست یافته‌اند، که در هیچ یک از سیستم های کنونی جهان برای کارگر و کشاورز فراهم نیامده است.

و اکنون که معظم‌له مسئله ازدیاد مهارت‌فنی و بالا رفتن سطح کارآئی کارگران را مورد تأکید قرار داده و ضرورت آنرا یادآوری میفرمایند، درحقیقت یکی دیگر ازگرانبهاترین رهنمود هائی است که درعین اینکه برنامه صنعتی شدن حقیقی کشور را به ثمر میرساند، بویژه منافع خاص کارگران را مورد حمایت قرار میدهد...

و این بنظر ما حداقل انتظار و توقعی است که رهبر بزرگ انقلاب ما و حامی عالیقدر و صمیمی زحمتکشان ایران، از کارگران دارند و انگشت بر روی آن میگذارند... سخن کوتاه، اکنون که قوانین مترقی ما صریح‌تر و انسانی‌تر از قوانین کارگری همه کشورها، کارگران را تحت حمایت قرار داده، اکنون که وسایل رفاهی از هرجهت برای زحمتکشان مملکت، فراهم شده و میشود اکنون که رفاه و معاش کارگران ما مورد غبطه و رشک کارگران همه کشورها قرار میگیرد، آیا چه چیزی میتواند ضامن معتبر و حقیقی ادامه این آسایش و امکانات باشد . جز امکان بقاء و توسعه صنایع و بالا رفتن تولیدات ملی؟ حالا دیگر افزایش مهارت فنی و ازدیاد کارآئی و بازدهی کارگران است که باید و میتواند توسعه صنایع و ادامه فعالیتهای صنعتی را درحد اقتصادی و سودآور امکان‌پذیر سازد تا موجودیت عنصری بنام کارگر وصنعت تضمین گردد و محفوظ بماند...

خوشبختانه مسئله آموزش درحین کار و توسعه مؤسسات آموزشی فنی و آوردن تکنولوژی جدید جهان خارج به کشور و سایر موجبات تأمین این مهارت ها بنا به امر شاهنشاه فراهم شده و میشود و باید که کارگران عمیقاً این ضرورت را مورد نظر قرار داده و خود را همیشه در سطح کارگران و تولید کنندگان و سازندگان کالاهای صنعتی کشورهائی که صنعت راستین و سودآور و قابل دوام دارند درآورند... این تنها پاسخ شرافتمندانه‌ای است که کارگران صنایع ما باید در مقابل اینهمه امکانات و رفاه و احتراماتی که برایشان فراهم شده‌است بدهند و دین خود را نسبت به شاهنشاه و وطن ادا نمایند... و درواقع تنها با انجام این فریضه‌یعنی بالا بردن سطح مهارت و کارآئی و انجام کار سودآور و اقتصادی است که میتوان به استحکام صنعت و بقای جامعه صنعتی و آینده درخشان آن امیدوار بود.

رستاخیز کارگران

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران، این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود
دوشنبه هفدهم آذرماه ۲۵۳۴ شماره دوم
مدیر مسئول: محمد حسین کردبچه
نشانی: خیابان وصال شیرازی — چهارراه بزرگمهر
تلفن: ۶۶۶۰۴۴ — ۶۶۷۱۵۹ — ۶۶۴۰۷۹۹
هیئت تحریریه: ۶۶۳۷۵۵

در این شماره

«من خوشبخت‌ترین پسربچه ۱۲ ساله دنیا بودم...

ما درهر شماره یکی ازچهره های خود ساخته، که کار را، از کارگری ساده آغاز کرد ودرسایه کوشش پیگیر خویش توانست زندگی خود را آنگونه که آرزو داشت بسازد، بشما معرفی می کنیم..

«خود ساخته» این شماره، آقای دکتر حیدرقلی عمرانی، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی است، که کارخود را از کارگری ساده شروع کرده...

صفحات ۲۵ — ۲۴

حرفه و فن

«رستاخیز کارگران» تنها یک مجله سرگرم کننده نیست، بلکه بنا به وظیفه یی که درمقابل خواهران وبرادران شریف کارگر برای خود حس می کند، آموزش های حرفه یی وآشنا ساختن خوانندگان با مسائل حفاظت وبهداشت محل کار را، دنبال خواهد کرد.

دراین شماره «حرفه‌وفن» و «حفاظت وبهداشت» درصفحات ۴۲ تا ۴۴ چاپ شده‌است.

«رستاخیز کارگران» می پرسد... کارفرما پاسخ می دهد...

دراین شماره «رستاخیز کارگران» بامدیرعامل کارخانه سیمان ری به گفتگو نشسته است... ودراین گفتگو مدیرعامل کارخانه سیمان ری به پرسش های رستاخیز کارگران پیرامون اقداماتی که درزمینه رفاه کارگران این کارخانه انجام شده وخواهد شد، پاسخ گفته است....

آقای مدیر کل، آیا ده ورزشگاه برای میلیونها کارگر کافی است؟...

سرهنگ بیانی، مدیر کل اداره تربیت بدنی وتفریحات سالم وزارت کار وامور اجتماعی، به پرسش فوق که ازطرف رستاخیز کارگران مطرح شد، پاسخ داده است.

درصفحه ۹۷

بازدید شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو از کارخانجات ایران ناسیونال

شاهنشاه: هر کارگر ایرانی را به حداکثر درجهٔ مهارت

پیکان به ایران

در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو کارخانه های جدید و اتوماتیک ساخت پیکان که تولید کارخانجات صنعتی ایران — ناسیونال را به دویست هزار دستگاه پیکان در سال میرساند گشایش یافت و اعلیحضرتین مدت نود دقیقه از کارخانه جدید ساخت و تزئینات رنگ‌سازمان تهیه و توزیع لوازم یدکی و مرکز کامپیوتر این کارخانه بازدید بعمل آوردند.

کارخانجات‌صنعتی ایران‌ناسیونال تا کنون همه روزه تا دویست‌و پنجاه‌دستگاه پیکان‌ساخته و ببازار عرضه میکرد که اکنون این تعداد به ۳۵۰ دستگاه در روز افزایش یافته و در آینده — این میزان تولید بدو برابر افزایش خواهد یافت. با اتوماتیک شدن کارخانجات ساخت و تزئینات پیکان اکنون این واحد عظیم صنعتی مملکت بصورت یکی از مدرنترین کارخانه های اتومبیلسازی دنیا درآمده است.

شاهنشاه آریامهر در این بازدید، پس از استماع گزارش مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره و قائم مقام مدیر عامل کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال، درمیان ابراز احساسات پرشور کارگران ضمن بیاناتی فرمودند: «در سیزده ماه پیش پس از بازدید از کارخانه شما صحبتهائی کردم که امروز نتایج آنها را بچشم می‌بینند و در آینده نیز فکر میکنم که تمام هدفها و آرزوهائی که ما برای این واحد مهم‌صنعتی ایران داریم با کوشش وجدیت مدیران شما و خود شما کارگران مسلما به نتیجه برسد.»

رقابت، بهترین‌مشوق بهتر و بیشتر کار کردن است

شاهنشاه آریامهر افزودند: «خود واحد دویست‌هزار اتومبیل بی اهمیت نیست، ولی مسلماً نقشه‌هائی که برای این کارخانه هست نمیتواند باین رقم اکتفا بکند. برای اینکه ظرفیت هرچقدر بالا برود، قیمت تمام شده کمتر خواهد شد و هم بیشتر در دسترس مصرف کننده داخل خواهد بود و هم برای صادرات رقابت کافی و کامل با سایر اتومبیلهای ممالک دیگر دنیا میتواند انجام بدهد. البته این تنها کارخانه اتومبیل سازی نیست و نباید هم باشد، برای اینکه در هر کاری رقابت بهترین مشوق بهتر کار کردن و بیشتر کار کردن است.»

مراکز تهیه فولاد

شاهنشاه آریامهر در قسمت دیگری از بیاناتشان فرمودند: «همین اصفهان که سه‌چهار روز پیش بازدید میکردم، بندر عباس، کنگان، اهواز، خراسان مسلماً و شاید یک نقطه دیگری، تماماً مراکز تهیه فولاد خواهد بود و این فولادی که بخصوص باسیستم احیای مستقیم بدست خواهد آمد در ایران چون همه موادش در داخل مملکت موجود است بقیمت خیلی مناسبی بدست میآید و باعث میشود که قیمت تمام شده اتومبیل بحد اقل ممکن برسد و صادرات ایران را کاملا ممکن پذیر خواهد ساخت، البته نه باین منظور، ولی در اثر یکی از اصول منشور انقلاب ما که سهیم کردن کارگران در سهام کارخانجات میباشد و اگر احیاناً آن ۴۹ درصدی که برای اینکار درنظر گرفتیم بیش ازحدتوانائی کارگران آن کارخانه باشد سایر کارگرها و کشاورزان بتوانندآنها هم ازاین سهام استفاده کنند.

شاهنشاه با اشاره بر ریشه کن کردن استعمار فرد بوسیله فرد درصنایع کشور اهمیت افزایش مهارت فنی کارگران را مورد تأکید قرار دادند و فرمودند هر کارگر ایرانی باید عاشق کارش

شهبانو در مرکز رفاه خانواده دولاب

دیداری انسانی درمیان موجی از احساسات شورانگیز

* بدستور شهبانو یخچالهای جنوب شهر به پارک و میدان ورزشی تبدیل می‌شود

علیاحضرت شهبانو ضمن بازدید از مرکز رفاه خانواده دولاب وابسته به سازمان ملی رفاه خانواده ایران اوامری در جهت گسترش این مرکز صادرفرمودند.

علیاحضرت شهبانو بامداد روز هشتم آذرماه بمرکز رفاه خانواده تشریف فرما شدند و مورد استقبال وزیران آموزش و پرورش، رفاه اجتماعی و خانم ستاره فرمانفرمائیان مدیر عامل سازمان ملی رفاه خانواده ایران قرار گرفتند.

درجریان بازدیدعلیاحضرت شهبانواز مهد کودک این مرکز، چند برنامه رقص و آواز و نمایش بوسیله کودکان سه تا شش ساله اجرا شد و خانم فرمانفرمائیان بعرض رساند که در چهار کلاس مهد کودک جمعاً یکصدوشصت کودک روزانه نگاهداری میشوند و از غذای رایگان استفاده میکنند.

این کودکان متعلق به خانواده‌های نیازمند اجتماع بوده و از طریق مطالعه وضع اجتماعی و اقتصادی خانواده‌هایشان بوسیله مددکاران انتخاب میشوند.

علیاحضرت شهبانو سپس کلاسهای حرفه‌ای مرکز را مورد بازدید قرار دادند و در جریان بازدید از کلاسهای پیکار با بیسوادی که در آنها زنان به تحصیل اشتغال دارند، علیاحضرت شهبانو از وضع آنان پرسش فرمودند. در اینجا بعرض رسید ۴۶ نفر از زنان علاقمند در این کلاسها سرگرم تحصیلند.

علیاحضرت شهبانو سپس از برنامه های جوانان دیدن فرمودند. در این قسمت همه روزه ۱۶۰ نوجوان دختر و پسر اوقات فراغت خود را با تشکیل گروههای مختلف باجرای برنامه های سالم و سازنده میگذرانند.

گفتگو با کودکان

علیاحضرت شهبانو درجریان بازدید از این قسمت با جوانان بگفتگو پرداختند و از وضع آنان پرسش فرمودند. سپس کتابخانه، آشپزخانه، انبار و درمانگاه بهداشت و خانواده مورد بازدید علیاحضرت شهبانو قرار گرفت.

در جریان بازدید از این واحدها بعرض شهبانو رسید که درقسمتهای مختلف این مراکز و مراکز مشابه از وجود دانشجویانیکه بطور داوطلب با مرکز همکاری دارند استفاده میشود.

علیاحضرت شهبانو دانشجویان مذکور را مورد تفقد قرار دادند و در باره وضع آنان پرسشهائی فرمودند.

در پایان این بازدید نمایشنامه مردی با دو طبق بوسیله جوانان گروه تئاتر سازمان ملی رفاه خانواده ایران در پیشگاه شهبانو اجرا شد. در پایان این نمایشنامه علیاحضرت شهبانو بازیگران رامورد تفقدقرار دادندو پس ازامضای دفتر یاد بود مرکز در میان ابراز احساسات کارکنان و اعضای مرکز و نیز اهالی منطقه دولاب مرکز رفاه خانواده را ترک فرمودند.

اوامر شهبانو

علیاحضرت شهبانو هنگام ترک مرکز در زمینه امکان تبدیل یخچالهای قدیمی این منطقه به پارک و زمین ورزش برای جوانان و همچنین گسترش مرکز اوامری صادر فرمودند.

باید خود برساند

باشد و خود را بعدا کثر مهارت در کار برساند. اضافه‌بآن برای خاطر خودش، خانواده‌اش و بالاخره مملکتش و نتیجه کارش به بالاترین حد برسد و مدیران و سایر مهندسین و کسانیکه دریک چنین دستگاهی کار میکنند، بوسیله سرمایه‌گذاری خودشما ممکن است کــه واحدهائی مثل ۵۰۰، پانصد هزار واحد اتومبیل درسال بشود ایجاد کرد.

اگر یک چنین‌واحدی فقط در اختیار چند نفر یا یک خانواده باشد، این یک غولی است که همان جنبه احیاناً استثماری را میتواند پیدا کند، ولی این واحدی که ما امیدواریم بآن برسیم درآن موقع یک دسته‌گل خواهدبود که اقلا ۴۰ درصدش بشما مردم زحمت کش این مملکت و سایر همکاران شما یا هموطنان شما متعلق خواهد بود که باعث افتخار و پیشرفت صنعت‌دراین مملکت خواهد شد.

ابراز احساسات شدید

بیانات شاهنشاه آریامهر در میان ابراز احساسات شدید کارگران به پایان رسید و پس ازآن اعلیحضرتین در یک اتومبیل پیکان روباز قرار گرفتند و به بازدید از واحدهای جدید کارخانه پرداختند.

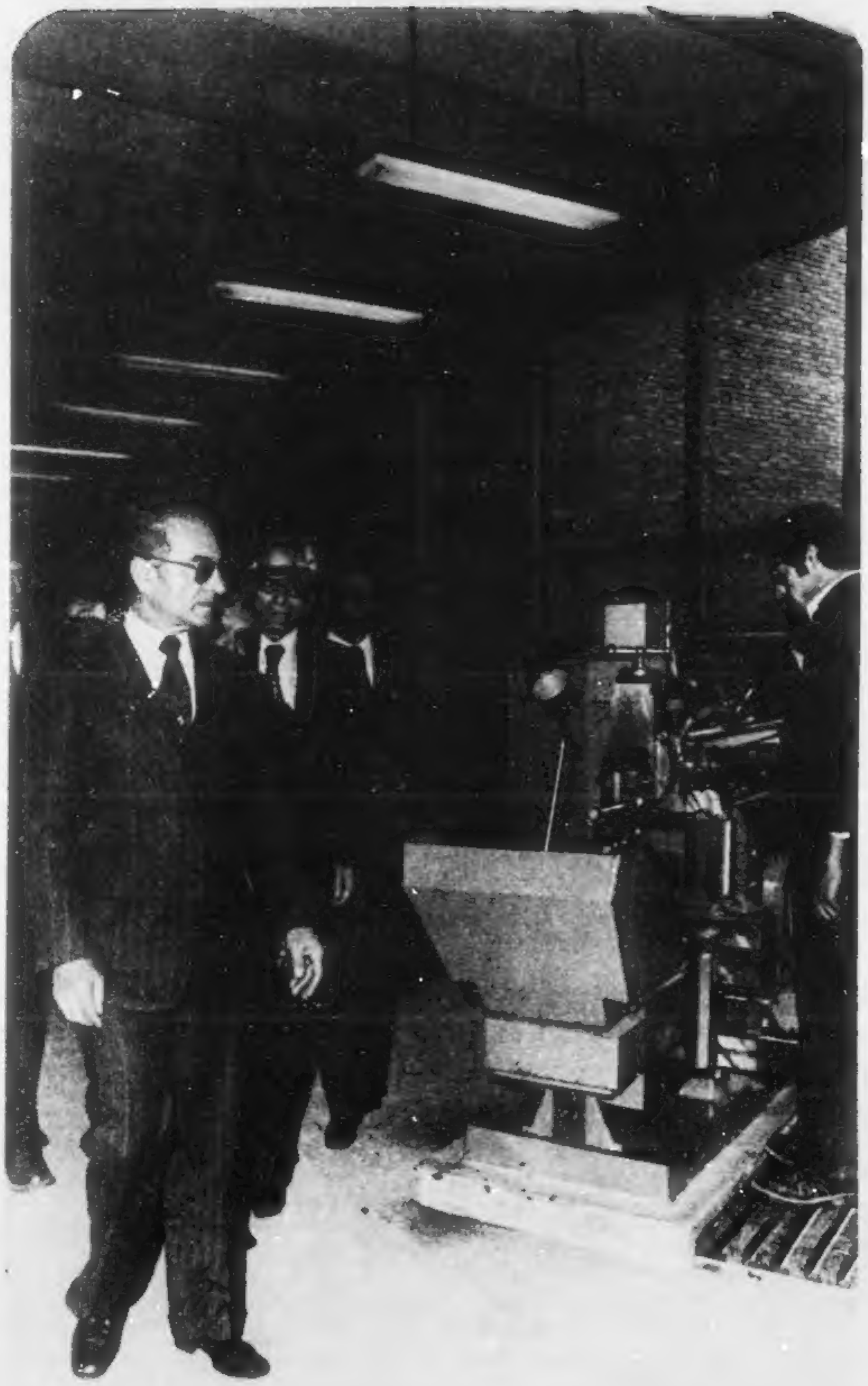

بازدید شاهنشاه از مجتمع ذوب آهن آریامهر

شاهنشاه آریامهر در سفر یک روزه‌ای به اصفهان از قسمتهای مختلف مجتمع ذوب‌آهن آریامهر بازدید فرمودند واز نزدیک فعالیتهای مجتمع بزرگ صنعتی را بررسی فرمودند. دراین بازدید آقای امیرعلی شیبانی مدیرعامل شرکت ملی ذوب‌آهن آریامهر ضمن عرض خیرمقدم معروض داشت که از ابتدای بهره‌برداری از مجتمع ذوب‌آهن آریامهر تاکنون بالغ بریک میلیون و ۹۷۰ هزار تن چدن ویک میلیون و ۳۰۰ هزارتن فولاد خام تولید شده است.

عملیات مرحله اول توسعه برای افزایش ظرفیت مجتمع به یک میلیون و ۹۰۰ هزار تن در سال پیشرفت داشته است. وبه‌رت آن توسعه وتجهیز معادن جدید واقدامات مربوط به تهیه طرح توسعه مراحل بعدی در جریان است.

شاهنشاه‌آریامهر، پس از گزارش مدیر عامل شرکت ملی ذوب‌آهن، از برابر صف رؤسای مختلف ذوب‌آهن آریامهر عبور فرمودند وآنان رامورد تفقدقراردادند.

شاهنشاه آریامهر در این هنگام درباره تعداد کارکنان وبرنامه افزایش کارکنان و مهندسان مجتمع ذوب‌آهن آریامهر وهمچنین وضع سکونت آنان پرسش‌هایی فرمودند که پاسخهای لازم بعرض رسید.

تربیت کمک‌مهندس

شاهنشاه سپس به آموزشگاه متالوژی ذوب‌آهن آریامهر تشریف فرما شدند وضمن بازدید از کارگاه‌های این آموزشگاه، درباره ظرفیت کلاس‌ها وداوطلبان آن پرسش‌هایی فرمودند وبعرض رسید دراین آموزشگاه قریب ۳۰۰ کارآموز برای شرکت ملی پتروشیمی و ۲۰۰ کارآموز پاکستانی برای تولید فولاد و ۷۰۰ کارآموز برای کارهای ذوب‌آهن در دو نوبت درحال تعلیم میباشند. این عده ازمیان دیپلمه‌ها انتخاب میشوند واز شش ماه تا دو سال دوره میبینند وبصورت کمک مهندس در استخدام ذوب‌آهن آریامهر درمی‌آیند.

ظرفیت تولید کوره بلند دوم

شاهنشاه‌آریامهر پس ازبازدید ازآموزشگاه متالوژی به محل کوره بلند دوم مجتمع ذوب‌آهن آریامهر که در دست ساختمان است تشریف فرما شدند وضمن بازدید از قسمتهای مختلف آن پرسش فرمودند که دومین کوره بلند مجتمع چه وقت آماده میشود؟ مدیرعامل شرکت ملی ذوب‌آهن آریامهر بعرض رسانید تا یکسال دیگر کوره بلند دوم آماده بهره برداری خواهد شد.

شاهنشاه آریامهر در باره ظرفیت وسایر مشخصات کوره بلند دوم ومجتمع ظرفیت کارخانه ذوب‌آهن آریامهر پرسش فرمودند وآقای شیبانی بعرض رسانید که با ایجاد کوره بلند دوم ظرفیت تولیدی ذوب‌آهن آریامهر بحدود دومیلیون تن درسال میرسد.

پس از بازدید از کوره بلند دوم، واحد تولید نسوز ذوب‌آهن آریامهر مورد بازدید شاهنشاه قرارگرفت. دراینجا بعرض رسید این واحد که خود بتنهایی یک واحد مستقل اقتصادی است، چهل هزار تن ظرفیت تولید دارد ومتجاوز از ۲۰۰ نوع محصول نسوز مختلف راتحویل کارخانه میدهد.

این نسوزها برای داخل مخزنهای فلزی وهرجا که بافلز مذاب وشمش گداخته سروکار دارد مورد استفاده قرار میگیرد وهمچنین سایرصنایع خصوصی کشورمیتواند از آن بهره برداری کند ومحصول آن تاکنون به بازار عرضه شده است.

پس از آن واحد فولادسازی ونورد مورد بازدیدشاهنشاه آریامهرقرارگرفت.

بررسی بودجه

با حضور آقای هویدا نخست وزیر و دکتر عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه و صفی اصفیا نایب نخست وزیر در امور اقتصادی و مسئولان سازمان برنامه و بودجه رئوس بودجه سال آینده که قریباً بمجلس شورایملی تقدیم خواهد شد، مورد رسیدگی قرار گرفت.

سفر ۳ روزه و پرموفقیت نخست وزیر به بحرین

آقای امیرعباس هویدا، نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران روز هشتم آذرماه بدعوت رسمی نخست وزیر بحرین به این کشور مسافرت کردند و مورد استقبال گرم و صمیمانه قرار گرفتند. سفر نخست وزیر سه روز بطول انجامید و در طول این سفر، پیرامون روابط دو کشور و حراست از امنیت خلیج فارس، بین مقامات ایران و بحرین مذاکرات مشروحی انجام پذیرفت.

این فرمان شاهنشاه است:
لزوم افزایش مهارت فنی و بهره و

شاهنشاه آریامهر، درشرفیابی اخیرمدیر«رستاخیز کارگران»، ضمن بیانات و رهنمودهای‌شان، لزوم ارتقاء مهارت فنی وبهره‌وری وبازدهی بهتر کارگران را مورد تاکید قرار دادند.فرمایشات ملوکانه دراین زمینه، ازهمان روزانتشار« رستاخیز کارگران» درتمام محافل اقتصادی وصنعتی وکارگری ایران تاثیری شگرف‌گذاشت وبااستقبال عمومی مواجه‌گردید، بطوریکه در تمام دستگاههای مسؤل ومحافل کارگری آمادگی اجرای اوامر ملوکانه احساس شد.« رستاخیز کارگران»، دراین شماره، باچندتن ازصاحبنظران ازطبقات مختلف دراینباره گفتگو کرده است که پاسخ هایشان رادراینجا مطالعه میکنید.

امیرقاسم معینی

امیرقاسم معینی وزیر کارو اموراجتماعی در یک گفتگوی اختصاصی با «رستاخیز کارگران» اظهار داشت: —«فرمایشات شاهنشاه‌آریامهر در مصاحبه با «رستاخیز کارگران» چنان درمجامع کارگری مؤثر افتاده است که هر کارگری احساس غرور می کند. شاهنشاه‌در قسمتی از این مصاحبه به‌استقبال کارگران از اصل سیزدهم انقلاب اشاره فرموده‌اند: «بااینکه مدت کمی از اعلام اصل سیزدهم میگذرد از استقبالی که کارگران کارخانجات مشمول بعمل آورده‌اند خیلی راضی هستیم»

دراین مورد بایستی بگویم درگزارشی که به شرفعرض ملوکانه رساندم ،ازاینکه کارگران چنین استقبالی کرده‌اند ،اظهارخرسندی‌فرمودند.

بطورمثال در کارخانه‌ای که ۴۰۲ نفر کارگر دارد ۳۴۵ نفرشان تقاضای خرید سهام را به‌صورت نقدی کرده‌اندواین اضافه بروامی‌است که برای خرید سهام می‌گیرند ،مثلا چندین نفر از کارگران همین کارخانه تقاضای خریدحداکثر سهامی را که به‌آنها تعلق میگیرد کرده‌اند و باز هم این اضافه بروامی است که برای خریدسهام به آنها تعلق می‌گیرد .این ازدیدگاه من و هر ایرانی ژرفنگری سخت غرور انگیز است. کارگری که در زمانی نه‌چندان دور حتی صد ریال پس‌انداز نداشت اینک در پرتوعنایات شاهنشاه بزرگوارخود علاوه بر بهره‌گیری از یک زندگی مرفه و امیدوار ،قادر است مقادیر قابل توجهی از پس‌اندازخود را درجهت صحیح و شایسته‌ای سرمایه‌گذاری کند.این قدرت مالی و فکری رهآورد انقلاب ایران است که در تمامی زمینه‌ها بویژه جامعه کارگری ایران به‌میزان وسیعی به چشم میخورد. هم اکنون نزدیک به ۴۰ واحد صنعتی سهام خود را عرضه کرده‌اند که خوشبختانه بااقبال بی‌سابقه کارگران‌روبرو شده‌اند و این مسئله در پرسشنامه هائی که از طریق وزارت کار تکمیل شده است بخوبی به چشم‌می‌خورد. ...

مسئله‌دیگری که باید به‌آن اشاره کنم انتظار بی‌صبرانه و عجولانه سایر کارگران در مورد خرید سهام است ،باین ترتیب که هرروز بوسیله تلفن و نامه ومراجعه به وزارت کار،این موضوع را پی‌گیری میکنند.»

تاثیر اصل سیزدهم‌انقلاب در زندگی کارگران‌واجتماع

وزیر کار و امور اجتماعی در پاسخ این سئوال که اجرای اصل سیزدهم انقلاب غیر از گسترش‌مالکیت صنعتی‌وبهبودزندگی کارگران چه تأثیری دراجتماع خواهد داشت و کارگران در قبال این مواهب چه‌وظیفه‌دارند ،گفت:

—اندیشهٔ والا و مترقی شاهنشاه ما هنگام پایه گذاری این اصل مهم و انقلابی تمامی‌این تأثیرها ووظایف را پیش بینی و روشن کرده‌است وظیفه‌کارگرانرا درقبال مواهبی که درچندسال اخیر بویژه دهه نخستین انقلاب به آنان ارزانی شده است ،میتوان از فرمایشات شاهنشاه در مصاحبه اخیر بخوبی دریافت. شاهنشاه دراین باره فرموده‌اند: —«انتظار متقابل از کارگران که آنقدر به آنها توجه شده است این است که هرروزمهارت بیشتری کسب کنند ومن دراین قسمت البته انتظارزیاد دارم.

چون اعتقاد و اطمینان‌به هوش و پشتکارو قابلیت بدنی ایرانی و تندی و حافظه ذهنی‌اش دارم — دلیلی نمی‌بینم که کارگر ایرانی از لحاظ بازده کارازهیچ کس عقب‌ترباشدواین یک دینی است که کارگرهای ایرانی به‌وطن خود دارند ودینی است که به‌خودشان دارند.»

و اما درمورد تأثیراجرای این اصل درزندگی کارگران و اجتماع باید بگویم همانطورکه شاهنشاه بارها خاطرنشان فرموده‌اند ،یکی از مهمترین اثرات اصل سیزدهم انقلاب افزایش تولید ، بهبود کیفیت و پائین آمدن قیمت‌ها خواهد بود ،چراکه همان کارگر تولید کننده، مصرف کننده نیز هست .بنابراین سعی خواهد کرد با بهبود بخشیدن به کیفیت کالائی که خود ناگزیر ازمصرف آن‌است با افزایش‌تولیداز قیمت تمام شده‌آن بکاهد .درنتیجه کالائی که در بازاربه‌مصرف کننده عرضه میشود ،با استاندارد مرغوبتر و قیمت کمتر خواهد بود، تأثیر دیگر اصل‌سیزدهم انقلاب ایجاد یک رابطه صمیمانه و دوستانه بین نیروی کارومدیریت است که این موضوع نیز به‌نوبه خود موجب رونق بیش‌ازپیش اقتصاد وصنایع خواهدشد و نیز سهام عرضه‌شده برای کارگر اندوخته سالم وپرثمری است که این‌طبقه شریف را به رفاه بیشتر می‌رساند و آینده‌اش را بخوبی تأمین‌می کند.»

امیرقاسم‌معینی درمورد بهره‌وری و ارتباط آن با دستمزد اظهار داشت: — «همانطورکه شاهنشاه‌آریامهر بارهاخاطرنشان فرموده‌اند افزایش دستمزد باید یک ارتباط منطقی و صحیح بابهره‌وری داشته باشد. دراین باره وزارت کار واموراجتماعی باهمکاری سازمان برنامه وبودجه ، وزارت‌صنایع ومعادن واطاق صنایع ومعادن وبازرگانی ،طرحی رابراساس فرمایشات ملوکانه تهیه میکند که بزودی به مرحله عمل درخواهدآمد.

براساس این طرح ، دریک مقطع زمانی مشخص رشته های‌گوناگون صنایع را از نظر بهره‌وری وبازدهی مورد مطالعه قرارداده واین بهره‌وری را با اصول فنی اندازه‌گیری میکنیم وبر پایه همین مطالعات به صاحبان هررشته از صنایع توصیه هائی ازنظر مدیریت ،کارائی کارگران ، مهارت فنی ، آموزش، تجهیزات وغیره میکنیم تا سازمان خود را بااصول علمی وفنی وفق دهند وپس از مدتی معین دریک مقطع زمانی دیگر مجددا عمل اندازه‌گیری بهره‌وری هررشته بطور جداگانه انجام میشود تا میزان‌بهبودی بهره‌وری کاروارتقاء کارائی درکارو نیز بهبود مدیریت‌در هررشته مشخص شود ، دراین مرحله‌اگر نتیجه رضایت بخش بود ، این توصیه ها به‌صورت‌استاندارد انجام میشودو درغیراین‌صورت علت کمبودها در هررشته مشخص میشودودر همان قسمت بازسازی‌وتوصیه های‌مجددی انجام‌میگیرد.»

شیخ الاسلام زاده

اوامری که شاهنشاه‌آریامهر درمصاحبه درمورد تأمین مسکن کارگران ، چه در زمان کاروچه درایام بازنشستگی آنان‌صادرفرمودند، ما را برآن داشت تا گفتگوی کوتاهی با دکتر شیخ‌الاسلام‌زاده وزیر رفاه اجتماعی داشته باشیم . وزیر رفاه اجتماعی در این گفتگوی اختصاصی به رستاخیز کارگران اعلام کرد:

— وزارت رفاه اجتماعی در زمینه واگذاری واحدهای مسکونی در شهرستانها و تهران اقدامات وسیعی را پی‌ریزی کرده است که مسلماً نتایج آن درسالهای آینده بخوبی نمودار خواهد شد ، لکن ازآنجائیکه شاهنشاه آریامهر بارها درفرمایشات خود تأمین مسکن کارگران را تأکید فرموده‌اند ، وزارت رفاه برنامه ویژه‌ای را طرح ریزی نموده است که براساس آن قادر خواهد بود تا پایان امسال حداقل ۱۰ هزار واحد مسکونی مناسب به کارگران سراسر ایران تحویل دهد .ازاین تعداد ۵۴۰۰ واحد درشهرستان تبریز ، ۱۵۸۵ واحد در اصفهان، ۵۰۰ واحد در بندرعباس ، ۵۰۰ واحد در کرمان ، ۱۹۲ واحد در زاهدان ، ۵۴۰ واحد درشیرازو ۹۸ واحد درتهران است که یا در دست تکمیل است و یا تا کنون به کارگران تحویل شده‌است.

همچنین عملیات ساختمانی ۵۰۰ واحد مسکونی دربوشهر ، ۱۸۹۰ واحد مسکونی در مشهد ، ۱۴۷۰ واحد درشهر کارگری شاهی و ۵۰۰ واحد دیگر در اصفهان آغاز شده است که تا اواسط سال آینده تکمیل و تحویل کارگران این مناطق خواهدشد.

وزارت مسکن و شهر سازی ، برای اجرای برنامه های خانه سازی درشرق تهران‌اقداماتی انجام داده است که نتایج آن تا چند هفته دیگر به اطلاع همگان خواهد رسید.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم برنامه‌ای است که مراحل نهائی خود را می‌گذراند و براساس آن وزارت رفاه اجتماعی با کمک بانک رفاه کارگران وشرکت خانه‌سازی ایران (وابسته به‌وزارت رفاه) تحت شرایط خاصی خانه سازی برای صاحبان صنایع را در زمینه احداث خانه های سازمانی کارگری آغاز خواهد کرد وازسوی دیگروزارت رفاه اجتماعی ازطریق بانک رفاه کارگران تا پایان مهرماه‌سال جاری‌یازده هزارو ۳۰۲ فقره وام مسکن کارگری به ارزش ۴ میلیارد و۹۵۲ میلیون ریال و ۵۴۲۵ فقره وام تعمیراتی به ارزش ۴۴۹ میلیون ریال با اقساط طویل‌المدت در اختیار کارگران سراسر کشورگذارده است که همین وام کمک‌مؤثری به تأمین مسکن گروه کثیری از کارگرانمیکند.

دکترشیخ‌الاسلام‌زاده‌افزود:

— دراجرای اوامر مطاع شاهنشاه‌آریامهر، قانون تأمین اجتماعی کارگران را نیز که بدون شک در شمارمترقی ترین قوانین جهان است تدوین و به تصویب رسانیده‌ایم. دراین قانون برای کارگران مزایائی پیش‌بینی شده است که در نوع خود بی‌نظیر است و حتی پیشرفته‌ترین کشور های جهان نیز از آن برخوردار نیستند . بموجب این قانون برای نخستین بار یک کارگر بعضویت هیئت مدیره سازمان‌بیمه های‌اجتماعی درآمده‌است.

وزیررفاه اجتماعی در پایان اظهارداشت:

— در حال حاضر ۴ میلیون تن کارگر و خانواده‌آنان زیر پوشش سازمان تأمین خدمات درمانی قرارگرفته‌اند که این رقم تا پایان برنامه پنجم عمرانی کشور به ۸ میلیون خواهد رسید و بدیهی است که براساس برنامه های پیش‌بینی شده تا پایان برنامه ششم عمرانی تمامی ملت ایران زیر چتر این سازمان قرار خواهند گرفت وهیچ فردایرانی ازمزایای تأمین‌اجتماعی ودرمانی‌محروم نخواهدماند.

سعیدوزیری

آقای منوچهر سعید وزیری نویسنده مشهوردرپاسخ خبرنگارما گفت:

مصاحبه شاهنشاه از هر جهت آموزنده

ری وبازدهی کار

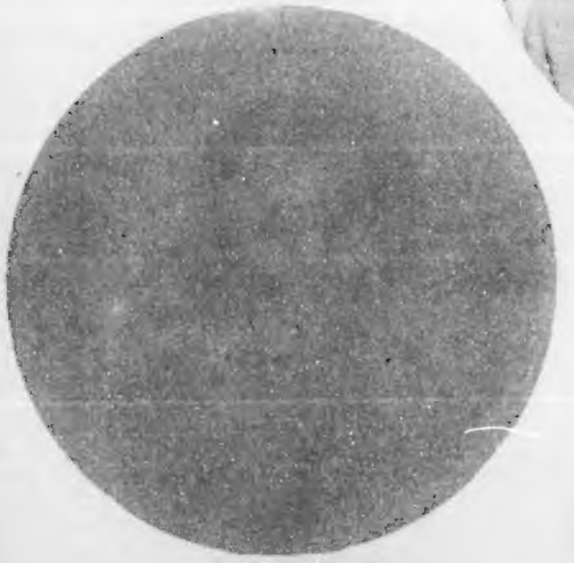

و هشدار دهنده و خیر خواهانه بود و این حد اقل توقع و انتظاری است که شاهنشاه از کارگران و جامعه صنعتی دارند که سطح مهارت‌های فنی و میزان کارآئی کارگران بالا و بالاتر برود، و باید کارگران و صاحبان صنایع و مسئولان مسائل کارگری صمیمانه در انجام و در برآوردن این انتظار شاهنشاه اقدام کنند...

بنظر من تا کنون مرتب بوسائل انقلابی در چهار چوب اصول انقلاب شاه و ملت و خصوصاً با حمایت‌های دائمی شخص شاهنشاه از کارگران و کشاورزان و با تدوین قوانین و مقررات مربوط به روابط کار کوشش شده که وسایل رفاه و آسایش برای کارگران فراهم گردد....

و حالا دیگر نوبت کارگران است که از این شرایط مناسب ، یعنی قوانین تنظیم کننده روابط کار و اصول حمایت کننده از کارگران، استفاده کرده و پایگاه خودشان رامحکمتروسالمتر بسازند....

اگر صنعت یک مملکت سالم و پیشرو و مقرون به صرفه و اقتصادی و قادر برقابت در بازارهای جهان نباشد ، طبعاً ادامه زندگی مرفه و قابل اعتماد نیز برای نیروهای انسانی وابسته به‌صنعت میسر ومقدورنخواهد بود...

کارگران باید با انجام کار کافی و بالا بردن مهارت فنی خود و بکار بردن روش های پیشرفته و مبتنی بر تکنو لوژی جهان مترقی صنعتی کارگاه و کارخانه و تأسیسات صنعتی را پر سودتر بسازند تا عملا با مشارکتی که در سود و در سهام صنایع دارند ، در آمد خودشان را بیشتر و زندگی شان را مرفه‌تر و آتیه خود را مستحکم‌تر کنند.

اکنون قوانین و شرایط اجتماعی و سیاسی و حمایت‌های دیگر بنفع کارگران در سایه رهبری‌های شاهنشاه ، و اجرای اصول انقلاب و همکاریهای متقابل صاحبان صنایع اعم از بخش دولتی و خصوصی ، جملگی جای خود را باز کرده‌اند و آماده‌اند، اما اگر نفس صنعت پا برجا نمانده و نتواند محصولات خود را در سطح جهانی از نظر کمیت و کیفیت لایق وقادر برقابت وبازار داشتن وسودآوری سازد دیگر چگونه می‌توان بـداشتن صنعت و متعلقـات آن از جمله «کارگر» امیدوارودلخوش داشت؟

علی خاقانی

* علی خاقانی نماینده کارگران در شورای آموزش وپرورش منطقه‌ای تهران :

— آنچه که شاهنشاه آریامهر درمورد بهره‌وری و ارتقاء بیش از پیش مهارت‌فنی کارگران در مصاحبه با ارگان کارگری حزب عنوان فرموده‌اند، برای ما کارگران ایرانی غرورانگیز است و تا سرحد جان خواهیم کوشید تا با الهام از رهنمودهای تعیین کننده رهبر انقلاب ایران سطح دانش فنی خود را بالا ببریم، البته برای اینکه در این راه زودتر به نتیجه مطلوب برسیم، همکاری سازمانهای آموزش دهنده و کارفرمایان بسیار ضروری بنظر میرسد، چرا که پیش از هرچیز باید برای ما امکانات تجربه‌اندوزی ورسیدن به مهارت‌فنی را فراهم آورند.

احداث مدارس صنعتی و حرفه‌ای، ایجاد مراکز آموزشی در مجاورت کارخانه‌ها، هماهنگ کردن زمان آغاز کلاسهای آموزشی با ساعات پایان کار کارخانه ها و نیز آموزش در حین کار از جمله مسائلی است که باید توجه بیشتری به آنها شود.

آموزش فنی به کارگران نه تنها اقتصاد خانواده کارگر را ازطریق دریافت دستمزد بیشتر به سطح مطلوبی می‌رساند بلکه ارتقاء مهارت کارگران، ارزش اجتماعی آنها را نیز بالا میبرد.

صدور فرمان شاهنشاه آریامهر مبنی بـر رایگان کردن تحصیل در مـدارس فنی و حرفه‌ای، بدون سپردن تعهـد خدمت ، و نیز تصویب قانون صندوق کارآموزی ،گام بلندی بود که‌در راه بالابردن‌مهارت‌فنـی کارگران برداشته شد، امامحدودیت اعتبار صندوق کارآموزی وبی توجهی برخی کار — فرمایان از احداث مراکز کارآموزی درمجاورت کـارگـاهها ، کمبـود مـدارس فنـی و حـرفـه‌ای کـه مـوجب پیدایش «کنکـور» در مـدخـل هنرستانهای صنعتی شده است ، کمبود دوره‌های شبانـه هنرستانهاو عدم انطباق‌ساعت شروع کلاسها باساعات بیکاری کارگران مانع‌ازآن است که عموم کارگران بتوانندمهارت‌فنی‌خود راافزایش دهند ،که در این رهگذر کمبود وسائل و تجهیزات‌فنی در دوره‌های‌راهنمائی تحصیلی نیز خود مسئله‌ای مهم بشمار می‌آید ، بااین حال من بعنوان یک کارگر ایرانی اعلام‌میکنم در اجرای اوامر شاهنشاه‌آریامهر با تمام وجود کوشا خواهیم بود ،تادین‌خود را به شاهنشاه ومملکتمان ادا کنیم.

خلیل الداغی
نماینده کارگر درمجلس شورایملی

اصل سیزدهم انقلاب

فرمایشات شاهنشاه آریامـهر و ابلاغ رضایت خاطر خطیر ملوکانه از استقبال کارگران کارخانجاتی که مشمول سیاست واگذاری سهام شده‌اند ، اعتماد صمیمانه کارگران به‌این اصل مهم و گرویدن کارگران به‌خرید سهام آنچنان عکس العملی در جامعه ایرانی داشت که کار فرمایان عصر رستاخیز نیز از آن با طیب خاطر استقبال کردند.

زنان کارگر

شرکت همه جانبه زنان در جامعه کارگری بازدیاد نیروی کار در جامعه صنعتی ایران کمک‌مؤثری‌می کند وموجب خواهد شد دیگر با کمبود افراد فنی و ماهر مواجه نشویم. این وظیفه نیز بعهده مسئولین سازمانها و مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای است و همچنین میبایستی به‌خانواده‌های کارگر آموزش داده شود تا معنویت و حقیقت انقلاب اجتماعی ایران و رستاخیز را لمس نمایند و در کنار برادران خود سهم خود را در رسیدن به‌تمدن بزرگ ایفا کنند . و خوشبختانه سازمان کارگران ایران همیشه سعی داشته‌است که ازوجود خواهران کارگر درسندیکا و اتحادیه‌های کارگری استفاده کنند ، تا باعث تشویق روز افزون خواهران کارگردر مسائل اجتماعی مملکت بشود.

نگاه:

حسین سرفراز

نیروئی در درون

کارگران ما به یک نقطه عطف رسیده‌اند. با رسالتی در برابر جامعه بزرگ خود که از آنها بحق انتظار بسیار دارند.

زندگی دگرگون شده کارگر ایرانی و شرایط نو پدیدی که جامعه کارگری را بسوی اعتماد و رفاه رهنمون شده است و در برابر اینهمه دست آورد زحمتکشان ایرانی، که بخش عظیمی از تولید ملی درگرو همت آنان است، باید که جواب صدائی که در حمایت آنها در زیر آسمان ایران زمین طنین بسته است، بدهند، و این میسر نمی‌شود، مگر اینکه نیروئی در درون، کارآئی کارگران هوشمند ایران را مضاعف سازد و این یکسره از وجدان کار برمی‌خیزد، نه از نظارتها و بازرسیها.

کارگری که پیشرفته‌ترین قانون‌های کار و رفاه را در کنار دارد و کارگری که خود در کارگاه و کارخانه تولیدی‌اش شریک و سهیم است و گردش انقلاب در مسیر رهائی، آزادی و آسایش او بوده است، اینک باید اندیشه کند که آنچه باو داده شده است ادای دینی را از او طلب میکند که میتواند به روند توسعه و پیشرفت اقتصاد و صنعت ایرانی کمال و سرعتی بسزا ببخشاید.

تردید نداریم که کارگران ما این معنی را دریافته اند و تردید نکنیم که کارگران ما از بوته این آزمایش نیز سرافراز بیرون خواهند آمد.

دکتر مهدی آهی

بحثی در ایجاد تفاهم جوانان و اجتماع

سخن در چگونگی ارتباط نوجوانان و جوانان و جوانان با خانواده‌ها و قرار گرفتنشان در مسیر تعهدات اجتماعی است.

شرکت در پیشبرد جامعه در راه تأمین سعادت فردی و خانوادگی و برخوردار ساختن همگان از مواهب زندگی تخیلات و آرزوهای همه از نوجوان تا بزرگسال را ارضاء خواهد کرد.

از سوی دیگر باید اعتراف نمود که فعالیت طبقهٔ جوان، بدون ارشاد از طریق آموزش فکری مربیان باتجربه و محیط خانوادگی سالم امکان پذیر نیست.

مسئلهٔ دیگر این است که اتکاء به آموزش، آنهم در طی یک دوره ۱۲ تا ۱۴ سال در آموزش تفکر سالم به جوانان کافی نیست و بیش از آموزش و نحوه استفاده از آن، یعنی پرورش فکر جوانان بحث‌انگیز است، چون جوان برای تنظیم زندگی روزانه خود، بدون شک با مشکلات ناشی از رقابت، کمبود قوه مالی با توجه به خواسته های خویش، احساسات و عواطف انسانی و فیزیکی مواجه میشود. مهمتر از همه، عدم دسترسی جوانان به امکانات لازم برای رفع مشکلات است. در اینجا است که تمام خواسته های انجام نشده، فشاری اجتناب ناپذیر بروجود جوانان آورده. در نتیجه واکنشهای روحی و عصبی جوان موجب میشود که در خانه و خانواده با محیط آموزشی و بالاخره در اجتماع واکنش های نامعقول و غیرمنطقی بروز دهد.

برای رهائی از این دگرگونیها و برای آنکه طبقهٔ جوان امروز یا فردا بتواند راهی معقول و مناسب محیط زیست خویش در پیش گیرد، باید اول از خانواده شروع کرد. یعنی وظایف اولیه را جزء مسئولیت مستقیم خانواده و سپس مربیان آموزشی دانست، زیرا طبقهٔ جوان بموجب داشتن نیروی جسمانی، غرور، یا عدم تفکر صحیح، سعی در آن دارد که هر دلیل و عقیده‌ای را که مغایر خواستهایشان است، و مبانی جامعه‌شناسی، دینی، اخلاقی، و قوانین طبیعی را مردود شناسد.

از اینروست که ایجاد محیط مناسب برای بحث آزاد و مبادله فکر در حالات دوستانه، و ارائهٔ نمونه‌های گویا در محیط خانواده و آموزش معقول وسیله ایست برای گشایش بن بست فکری آنان و جلوگیری از انحرافشان، زیرا در غیر اینصورت انحراف فکری آنان موجب گرایشات احساساتی و دوری از منطق و رفتار سلیم خواهد شد.

علیرضا سبیدی

نوسازی کارفرمائی

شاید یکی از مهمترین پدیده‌های دوران اخیر، نوسازی در امر کارفرمائی باشد. باید دید معنای این نوسازی چیست؟ میدانیم که در روابط و مناسبات کارگر و کارفرما، ارزش های خاصی که الزاماً ارزشهای اقتصادی است حکمرواست. حداقل توقع یک صاحب کار از کارگری که برای او کار می کند این است که به نسبت دستمزدی که دریافت می‌دارد، عملی را طبق یک برنامه مشخص تولیدی انجام دهد و خواسته کارگر نیز از کارفرمای خود این است که درمقابل کاری که انجام می‌دهد، حقوق مکفی دریافت دارد.

در نظام سرمایه‌داری که همه ارزش ها بر مدار سود و سرمایه می‌چرخد و باصطلاح خودمان هر که بامش بیش برفش بیشتر، حق معمولا بجانب کارفرماست یعنی کارگر به نسبت تلاش و کوشش تولیدی خود، حقوق واقعی‌اش را دریافت نمی کند. در نظام سوسیالیستی کارگر بعنوان یک مأمور تولیدی، بطور دربست در استخدام دولت است باین معنی که دولت نقش کارفرما را ایفا می کند و حقوق کارگر عملا در مشت اوست. معیار دستمزد کارگر کار او نیست بلکه به میزان ضرورتی است که حکومت تشخیص می‌دهد. لابد می پرسید که منظورما از این جمله چیست؟

فرض کنیم شما در یک واحد تولید فرآورده‌های پتروشیمی شاغلید و بناگاه یک بحران اقتصادی در مملکت بوجود می‌آید یا اینکه دستگاه تشخیص می‌دهد که اجرای فلان پروژه فضائی با یک هزینه و بودجه سنگین ضرورت دارد. در اینحالت اگر موقعیت ایجاب کند این بحران یا این طرح دولتی (حال چه درست چه غلط) گریبان شما را نیز میگیرد حتی اگر شما بهترین عامل تولید کارخانه خود باشید.

حال به بینیم، جامعه ما چه راهی را برای استیفای حقوق کارگران انجام داده است. اولا می‌دانیم که نظام اجتماعی ما که با یک انقلاب عمیق و بنیادی دگرگون شد، راهی سوای سرمایه داری و سوسیالیسم را طی می کند، این راه جدید یا بهتر بگوئیم این راه سوم بیشترین سهم را در نظام اقتصادی جامعه دارد و این نظام اقتصادی بیشترین توجه را به طبقه کارگر و رفاه واقعی او نشان داده است.

دکتر علی‌الله همدانی

کارگران و دین آنها بجامعه

انقلاب ایران دست‌آوردهای نوینی برای کارگران کشور ما داشته است که هریک از آن‌ها تاثیر بسیاری در زندگی اقتصادی و اجتماعی آنها بجای نهاد، بویژه دو اصل چهارم و سیزدهم که هریک بصورتی، نقشی اساسی و مهم در زندگی کارگران داشته است. زیرا بموجب اصل چهارم، کارگران در منافع حاصل از کارگاه بهرمند گردیده اند و در اثر اصل سیزدهم کارگران مقداری از سهام کارخانه‌ای را که در آن بکار اشتغال دارند خریداری میکنند و صاحب سهم میشوند و این هردو، هم از نظر حیثیت و اعتبار طبقهٔ کارگر و هم از لحاظ پیشرفت اقتصادی و اجتماعی وی واجد اهمیت بسیار است.

تردید نیست که دیگر طبقات اجتماعی کشور ما نیز از مواهب انقلاب برخوردار گردیده‌اند ولی کارگران کشورما به‌لحاظ نقش عظیمی که در پیشبرد هدفهای انقلاب بعهده داشته‌اند. از ثمرات انقلاب نیز بنحوی وسیعتر بهرمندگردیده‌اند و باتوجه چنین امری باید به اهمیت نقشی که درآینده درزمینهٔ اقتصادی و اجتماعی کشور بعهده خواهند داشت آگاهی کامل داشته باشند

این نقش بویژه در زمینهٔ شرکت هرچه بیشتر آنان در بهبود و بالابردن سطح کیفی و کمی صنایع کشور خودنمائی میکند. زیرا همزمان با ترقیات و پیشرفتهای چشمگیری که نصیب کشور ما گردیده‌است ضرورت‌ایجاب میکند که مانند دیگر کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان از تکنولوژی پیشرفته و مترقی بهره‌گیری کنیم تا بدین‌طریق بتوانیم هم‌تراز با آنان در بازارهای بین‌المللی به رقابت برخیزیم و درصحنهٔ داخلی نیز ملت خویش را از مواهب این تکنولوژی بهرمند سازیم. چنانکه هم‌اکنون دیگر کشورهای پیشرفته و صنعتی جهان بدین‌امر دست‌میزنند.

برای نیل بدین هدف و برای اینکه کارگران بتوانند از چنین تکنولوژی بهره‌گیرند ضرورتاً باید سطح دانش‌فنی و حرفه‌ای خودرا افزایش بخشند. چه بدین طریق‌هم بخود خدمت کرده‌اند و هم بجامعهٔ خود ولذا دینی را که به جامعه انقلابی‌خود داشته‌اند پرداخته‌انــــد. چه در قبال دست‌آوردهائی که کارگران در نتیجهٔ انقلاب‌نصیبشان گردیده لزوماً دینی هم به‌گردن آنها نهاده شده‌است و شاهنشاه آریامهر درمصاحبه چهارشنبه ۱۲آبانماه با مسؤلان‌مطبوعاتی حزب رستاخیز ملت ایران باواقع بینی و آینده‌نگری ژرف خویش، بدرستی بدین مطلب اشارهفرمودند که: «انتظارمتقابل ازکارگران کــــه آنقدر به‌آنها توجه شده است اینست که هرروز مهارت بیشتری کسب کنند و من در این قسمت لبته انتظار زیاد دارم». شاهنشاه‌آریامهر در قسمت دیگری از مصاحبه‌خودضمن اشاره‌به پیشرفت تکنولوژی‌در دیگر نقاط جهان‌و نیاز این تکنولوژی به کارگرماهر ومتخصص چنین میفرمایند: «چون اعتقادو اطمینان‌به هوش‌و پشتکارو قابلیت‌بدنی ایرانی‌و تندی‌و حافظه ذهنی‌اش دارم دلیلی نمی‌بینم که کارگرایرانی از لحاظبازده کاراز هیچ کس‌عقب‌ترباشدو این یک‌دینی است که کارگرهای ایرانی‌بوطن خود دارندودینی‌است که بخودشان‌دارند».

بدین‌سان ملاحظه میشود که رهبرخردمند ملت ایران این بار نیزمانند دیگر موارد رهنمود جدیدی برای آینده‌طبقه کارگر کشورماتعیین مینمایندو آن را بعنوان دینی که طبقه کارگر در قبال بهرمندی‌و تمتع از ثمرات انقلاب‌در برابرجامعه خود بعهده‌دارند، میشمارند.

سهیم شدن کارگران درسود کارخانه‌ها، با شرکت دادن آنها درمالکیت‌های صنعتی از طریق توزیع سهام، نمونه‌ای از این اقدامات رفاه‌گسترانه است.

این ضوابط جدید اقتصادی دوران جدیدی در تاریخ کارفرمائی ایران ایجاد کرد یا بعبارت دیگر امر کارفرمائی را با یک تحول بزرگ مواجه ساخت. باین ترتیب فاصله‌ای میان کارفرمائی دوران فئودالیسم و کارفرمائی مدرن‌وانقلابی پدیدآمد.

مناسبات کارگر و کارفرما، دگرگون شد. تضادها، ناسازگاریها و کشمکش‌هائی که بین منافع و مصالح کارگر از یکسو و منافع و مصالح سرمایه‌دار و صاحب کار ازسوی دیگر وجود داشت، جای خود را به مناسبات جدیدی داد. این مناسبات جدید و تازه مبتنی بر تفاهم و اشتراك منافع است. انقلاب اقتصادی ایران، یکبار برای همیشه بر این اندیشه خط بطلان کشید که صاحبان سرمایه، حتما و الزاما صاحبان سود نیز هستند. انقلاب اقتصادی ایران یکبار برای همیشه، باین اندیشه واهی خاتمه داد که صاحبان سرمایه حتما و الزاما صاحب حق نیز هستند و باین ترتیب مهمترین عامل پیدایش عدالت اقتصادی، یعنی رعایت حقوق دوجانبه کارگر و کارفرما، واقعیت خود را پیدا کرد.

تضاد میان افزارمندان و سرمایه‌داران کاهش یافت و با سهیم شدن کارگران درسود کارخانه‌ها و با مهارشدن سودهای بی رویه سرمایه‌داران و با سهیم شدن عملی طبقه کارگر در منافع واحدهای تولیدی، تاریخ معاصر عدالــت گمشده خود را باز یافت، و چرخهای اقتصادی جامعه، بسود طبقه افزارمند و درجهت مصالح اجتماعی و حقوقی او بحرکت درآمد و عاملی بنام استثمار سرمایه‌داری‌یا استثمار دولتـــی آنگونه که در نظام‌های دیگر رایج است، فرصت قد علم کردن و ابراز وجود پیدا نکرد. آنچه که باید در اینجا یادآوری کرد مواهبی است که انقلاب اقتصادی ما بوجود آورده است، وآن اینکه درمناسبات کارگر و کارفرما بیش از هر عامل ارزش های انسانی حاکم شده است، و همین ارزش عظیم است که‌فاجعه ضد انسانی شدن اقتصاد را از حوزهٔ جامعه ما بدور کرد.

دکتر محمدرضا عاملی

فرهنگ هستی یک‌ملت وراهنمای‌فردای‌آن‌ملت

اگر آنچه را که بر حسب انگیزه‌های گوناگونی ازفرد سرمیزند بطور کلی روش‌بنامیم و آنچه را که سبب گزیده شدن روشها بوسیله دیگران میشود، ارزش بنامیم. ساختمان و گسترش فرهنگ با دوعامل بستگی پیدامیکند، یکی عامل استعداد افراد که سبب پدیدآمدن روشهای گوناگون میگردد و هر چه افراد یک گروه استعداد بیشتری داشته باشند میتوانند روشهای بیشتر و متنوعتری بوجود آورند وچون روشهای گزیده شده بستگی بروشهای ارائه شده خواهد داشت، فرهنگی نیرومند تر و توانا تر خواهد بود که بتواند روشهــای ارائه شده بیشتری داشته باشد.

عامل دیگر عبارت از چگونگی ارزشهاست که سبب رواج یافتن یا متروك شدن روشها می‌شود و در این زمینه هر چه عرصه فرهنگی پهناور تر باشد روشها فرصت ارزیابی بیشتر می‌یابند، نه بیهوده متروك میشوند و نه بیهوده رواج می‌یابند. مثلا درقلمرو زبان‌فارسی، شناسائی این زبان ارزشهائی را بوجود آورده است. حال اگر کسی مثلا شعری بگوید و این شعر دارای ارزش باشد، بفرض آنکه در یک محیط ادبی ارزش آن شناخته نشود، در محیط های دیگر که در شهرها و روستاها بسیار پراکنده میباشد مورد ارزیابی قرارمیگیرد وسر انجام قدرآن شناخته میشود. و برعکس، اگر در محیطی بر اثر خصوصیاتی زودگذر در مورد ارزش و اهمیت شعر یا شاعری زیاده‌روی کرده باشند، آن شعر یا شاعر پس از برخورد بمحیطهای دیگر قلمروی شعر فارسی مورد ارزیابی — بدور از حب و بغض قرار میگیرد وقدرو ارزش واقعی اومعلوم میشود.

دو عامل خلاقیت و آفرینندگی که ویژه فرد یا گروه های کوچک میباشد و ارزشهائی که ویژه قلمروی یک فرهنگ میباشد، سبب میشود که فرهنگ بعنوان یک پدیده مستقل راه تکامل بپیماید. لازم بیاد آوری است که دراین مقال فرهنگ را بمعنی اعم، یعنی رابطه معنوی یک گروه آورده‌ایم که فرهنگ ملی شکل خاصی از آنست. در مورد فرهنگ ملی و قلمروی آن،سر زمین یک ملت باضافه هاله فرهنگی آن و باضافه بخشی ازمردم‌سرزمینهائی است که ساخته های فرهنگی آن ملت و درآن سامان نفوذ دارد. در این قلمرو — بمرور زمان ارزشهائی پدید می‌آید که این ارزشها مسیر خاصی را بحرکت آینده فرهنگ میبخشند بدین معنی که اگر با ضوابط دقیق بررسی نشود، میتوان معلوم داشت که در برابر روشها آینده یک ملت کدام یک ازآنها را خواهند پذیرفت و در برابر کدامیک مقاومت خواهد کرد و نیز چگونه تغییراتی را در مسیر افکار و عقاید یا دیگر روشها پدید خواهد آورد.

اینکه میگوئیم مسیر تحولات آینده روشها مشخص خواهد بود نباید چنین پنداشته شود که تحولات آینده ثابت و عاری از تغیر پذیری است. قالب تحولات آینده ساخته ارزشها است و ارزشها خود دستخوش دگرگونی میباشند، ولی با همه دگرگونیها چون خصوصیات خلاقیت فرد و خصوصیات گزینشگری قلمروی فرهنگ هر دو در آخرین تحلیل با خصوصیات خون یعنی خصوصیات زیستی انسانهائیکه قلمروی فرهنگ راپدید نمی‌آورند بستگی‌داردودگرگونی‌این خصوصیات با کندی بیشتر پیش میرود بنا بر این قالب دگرگونیها که با توجه با دینامیسم جمعیت تحول می‌پذیرد قالب ثابتی نیست، بلکه قالبی است که تحول آن با دینامیسم جمعیت بستگی دارد.

بطور خلاصه میتوان گفت که ملت‌درطی حیات خود بر اثر آفرینندگیهای فردی و جمعی روش هائی پدید می‌آورد.

این روشها درساختن ارزشها اثرمیگذارند و ارزشها در دور بعد سبب گزینش‌روشها میشوند. بعبارت دیگر ملت درمجموع بروزات و تجلیاتی دارد و معیارهائی برای پسندیدن از مجموع بروزات بکمک معیار ها پاره‌ای را میپسندد و بر میگزیند. این مجموعه خلاقیت باضافه مکانیسم پسندیدن و گزیدن فرهنگ یا ملت را بوجود می‌آورد که اگر خوب توجه کنیم حاصل همه‌ی وجود اوست تا بامروز، باضافه‌ی توانائیهائی که برای سیر فردای‌خود در نهاد دارد.

وقتی فرهنگ باین معنی شناخته شود، یک ملت عبارت خواهد بود ازفرهنگ آن‌ملت، آنچه باید حفظ شود فرهنگ ملت است و آنچه باید موجبات تکاملش باقی بماند فرهنگ ملت است و استقلال معنی و مفهومی جز آن ندارد که یک ملت بتواند در قالب فرهنگ ویژه خود زندگانی کند و از این رهگذر است که سیاست فرهنگی رکن بزرگ سیاست ملی را پدید می‌آورد.

«کارگر» از دید قا

باقانون کارآشناشویم

مهمترین وظیفه مطبوعات ، بویژه مطبوعات حزبی ، بالا بردن سطح دانش اجتماعی و سیاسی کلیه افراد جامعه و بخصوص توده حزبی است زیرا مطبوعات حزبی در میان سایر وسائل ارتباط جمعی رسالتی خاص دارند و آن بردن شعارهای حزب درمیان جامعه و آگاه ساختن آنان با پدیده‌های اجتماعی- اقتصادی و سیاسی موجود وآگاه ساختن افراد جامعه ازنظرگاه ودید حزب درمورد این پدیده‌ها و همچنین آشنا ساختن افراد جامعه به موضع وموقع حزب درقبال پدیده های یادشده میباشد.

« رستاخیز کارگران » ، درعین حال‌که‌ازاین امر کلی مستثنی نیست ، رسالتی خاص نیز دارد و آن آشنا ساختن نیروی عظیم کارگری کشور و توده های کارگری با یک سلسله مسائلی که بعنوان ره‌آورد نهضت پرجهش صنعتی شدن کشورتلقی توانند شد.

زیرا با پیشرفت هائی که در زمینه هـای گونـاگـون اقتصادی واجتماعی و بخصوص در مورد صنعتی شدن کشور نصیب کشور مـا گردیده ، یک سلسله مسائل جدیدی دربرابر نیروی کارگر و یا باصطلاح عامل کار کشور قرار گرفته است و آن فراهم‌آوردن امکاناتی بمنظور ایجاد محیط آرام وآمیخته باحسن رابطه بین دوعامل کاروسرمایه میباشد. تابدین‌طریق محیط صنعتی کشور با استفاده از چنین آرامش توفیق بیشتر درجهت جهش وگسترش هرچه بیشتربدست آورد.

نیل بدین منظور، یعنی فراهم‌آوردن محیط حسن تفاهم بین عامل کاروسرمایه یعنی کارگر و کارفرما ، دراثرآموزش وبالا بردن سطح دانش اجتماعی کارگران و بویژه آگاه ساختن آنـان بـا قوانین کاروتأمین اجتماعی و بویژه حقـوق ووظائفی که دراین قوانین برای دوعامل یاد شده پیش بینی گردیده است ، امکان پذیـر میباشد.

زیرا تجربه نشان داده است که هرگونـه عدم توافق بین کارگر و کارفرما درگـذشته ، ناشی ازآگاه نبودن آنان ازحقوق ووظایف یادشده و همچنین قوانین ومقررات کارو تأمین اجتماعی بوده است.

با توجه بچنین واقعیتی ، رستاخیز کارگران ، برآن است که ازاین پس درهرشماره خودقسمتی ازمقررات وقوانین کاروسایر قوانین در ارتبـاط بـا کارو کارگـر را بـرای کارگـران مورد بحث وبررسی قراردهد و کارگران را با آنچه درقوانین مذکورپیش بینی گردیده است، آشنا سازد.

برای اینکه بحثی که ازاین شماره ببعد در پیش داریم ، ناقص نباشد ، بی فایده نیست قبلا مختصری در مورد چگونگی ایجاد قوانین و مقررات مربوط به کار درایران و تحولاتی که درآن پدید آمده است بیان گردد.

تهیه و تنظیم قـوانین و مقـررات .کار، از پدیده های عصر انقلاب صنعتی است و همزمـان بـا صنعتی شدن کشور هـا ، وفـراهـم‌آمـدن گروههای کارگری در زیر یک سقف و در یک محل ، بنام کارگاه ، با توجه به شرائـط کار در قرن هجدهم و نوزدهم ، بتدریج لزوم تهیـه و تنظیم قوانین ومقرراتی بمنظور بهبود شرائط کار خودنمائی کرد و بویژه گزارش هائی که‌ازطرف بسیاری از پزشکان ، و خیراندیشان جامعـه در این زمینه تهیه گردیده وبدولت های وقت در کشورهای اروپائی تسلیم گردید— که همگی آنها نشان دهنده وضع نابسامان کارگران وبدی شرائط کار، زیادی مدت کار و کمـی سن کارگران بود — از یک سو و کوشش دولت ها بر این امر که سهم بیشتر و فعالیت عظیم تـری درمسائلی که بجامعه عظیم‌مردم کشورارتباط می‌یابد، داشته باشند و تنها هم خویش را به حفظ‌حدود کشوروایجاد نظم درداخل‌مملکت محدود نسازند ازسوی دیگر و سرانجام فعالیت های صنفی و حرفه‌ای سندیکاهای کارگری سبب گردید که قوانین و مقرراتی در جهت بهبود وضع کار کارگران تنظیم گردد و این قوانین از سال ۱۸۴۲ تاکنون همواره روبه تحول و تکامل بوده‌است چنانکه‌امروزدرتمامی کشورهای جهان — حتی کشورهای عقب مانده— نیز قوانین ومقرراتی دراین زمینه وجود دارد کشورماایران ، ازاین قاعدهٔ عمومی مستثنی میباشد زیرا ، درعین حال که قوانین ومقررات کار از پدیده های انقلاب صنعتی است ، در ایران باستان درعهد هخامنشیان ، درآن‌زمان که هیچگونه صنعتی جز صنایع کوزه‌گری و آجرسازی نبوده یک رشته قوانین و مقرراتی در مـورد طبقه‌بندی مشاغل، مزد کارگران، شرائط کارو غیره در ایران وجود داشته و این اطلاعات از/۱۸۰۰ لوحهٔ گلی که قریب ۱۵ سال قبل بدست آمده کاملا آشکارگردیده‌است و ازآن‌پس نیز کم‌وبیش مقرراتی در زمینهٔ کار کارگران صنایع دستی و پیشه‌وری تنظیم‌گردیده و بمرحلهٔ اجرا نهاده شده است ولی اولین‌آئین نامه‌ای که رسماً ازطرف دولت در زمینهٔ شرائط کار، بیمه وحفاظت کاردرایران تنظیم گردید، آئین نامهٔ کارخانجات صنعتی میباشد که در ۹ ، مرداد سال ۱۳۱۵ درزمان سلطنت رضاشاه کبیر تنظیم و بمرحلهٔ اجرا نهاده شد و پس ازآن قانون کار سال ۱۳۲۵ ، ۱۳۲۸ ، و ۱۳۳۹ بتدریج و باتوجه به تحولاتی که درزمینهٔ اقتصادی و اجتماعی نصیب کشور ما گردید تنظیم و تصویب و بمرحلهٔ اجرا نهاده شده است.

تردید نیست که هدف همه‌این قوانین بهبود روابط کارگر و کارفرما، و ایجاد نظمی معین دراین روابط بوده است . ولی تفاوت اساسی که در قوانین یادشده وجود دارد جنبه تکامل آنها نسبت به یکدیگر است. زیرا باتوجه به پیشرفت هائی که در زمینه های مختلف اقتصادی اجتماعی نصیب یک کشورمیگردد قوانین ومقررات آن کشور و ازجمله قوانین کار آن نیز باالهام ازاین دگرگونیها دستخوش تغییر تکامل میگردند، قوانین کار ایران نیز ازاین قاعده مستثنی نبوده‌اند . چنانکه قانون کار ۱۳۳۹ بسی کاملتر از سایر قوانین کار بوده وحاوی یک رشته مسائل جدیدی است وقانونی که هم‌اکنون در دست تهیه است بدون‌تردید باتوجه به نیازهای جامعهٔ انقلابی‌ما بسی کاملتر از قوانین گذشته خواهد بود . باتوجه به آنچه بیان گردید، ازشمارهٔ آینده به بحث و تفسیر در مورد هریک از مسائل موردنظر در قانون کار و سایر قوانین درارتباط با مسائل کارگری‌میپردازیم.

درموردقانون کار

سه رکن اساسی بحث مربوط به مقررات کارگری عبارتست از کارگر، کارفرما و کارگاه ولذا قبل ازبحث درمورد مقررات مذکور باید روشن سازیم که ازلحاظ قانون مفهوم هریک از عوامل مذکور چیست وچه نقشی در مقررات مذکوردارند....

کارگر

از لحاظ کلی، هرکس که در مقابل دریافت‌مزد به کاری مولداشتغال داشته باشد، کارگر نامیده میشود وبااین تعریف یک کارگر ساده که‌درکارخانه بکار اشتغال دارد ویادرهرجای دیگری کارمیکند تا بالاترین مقامات اداری، تخصصی وفنـی هرمؤسسه رامیتوان کارگرخواند.

قانون کار نیز کارگر را بدین‌طریق تعریف می کند: « کارگر ازلحاظ این‌قانون کسی‌است که به‌هرعنوان به‌دستور کارفرما در مقابل دریافت حقوق یامزد کارمیکند»

دراین تعریف چندمسأله بچشم میخورد:

الف: کارگر کاری را انجام دهد واین کارهرعنوانی داشته باشد مهم نیست.

ب: این کار به‌دستور وبرای کارفرما انجام‌می‌پذیرد.

پ: این کار در برابر مزدانجام می‌یابد.

منظور از مسأله اول اینست که نوع و عنوان کار بهیچوجه در تعریف کارگرمهم نیست و کارگر بهر کاری اشتغال‌ورزد ازنقطه نظر حقوق کاراهمیتی ندارد، ولذا هرکس در هر کاری وبهرعنوانی مشغول کارشود،میتوان وی را کارگردانست.

منظور از مسأله دوم یعنی انجام کار به‌دستور کارفرما اینست که کار مربوط به دیگری باشد و کارگر کار را برای دیگری انجام‌دهد.

بایددر این جا نکته‌ای را خاطرنشان ساخت وآن اینکه قوانین ومقررات مربوط‌به کار بیشترناظر به کاری است که‌درآن تبعیت وجود داشته‌باشد. بدین معنی که کارگر برای شخص دیگر وبدستور او بکار بپردازد. وحال آنکه اگرکسی برای خودش کارکندودر کارگاه کوچک مربوط بخود و باسرمایه خود بکار بپردازد بهیچوجه قانونی در زمینه کار بروی حکومت نخواهد کرد. بنابراین کاری که کارگر انجام میدهدباید حتماً متعلق به دیگری باشد وکارگر کار را برای او انجام دهدوهرگاه این تابعیت از میان برود کارگر مستقلا برای خود بکار بپردازد، قانون کار درمورد وی اجرانمیگردد.

ولی ذکر کلمه به‌دستور کارفرما، عملا مشکلی ایجاد مینماید ودر برخی‌موارد برای کارگران مسائلی بوجود میاورد زیرا دربرخی موارد کارفرما خود اقدام به‌استخدام کارگر نمیکند وهیچگونه دستوری درمورد کاروی صادر نمیکند ولذا هنگام اجرای‌قانون مشکلاتی برای کارگر بوجود میاید و کارفرما میتواند با توسل بدین قانون منکر رابطه حقوقی بین خود و کارفرما گردد . نمونه این گونه موارد ، موردی است که کارفرما خود انجام کاری را به مقاطعه بفرد دیگری میدهد وشخص دوم تعدادی کارگر استخدام میکند و پولی را که از کارفرما دریافت میدارد ، به عنوان مزد کارگران میپردازد و کارگر بدرستی نمیداند کارفرمای او کیست ؟ همین فردی که به وی مزد میپردازد و یا کارفرمای اولی که کار و کارگاه متعلق به اوست . مساله سوم ، پرداخت مزد به کارگر می‌باشد و این امر خود سوی دیگر تابعیت است . بدین معنی کارگری که برای شخص دیگری بنام کارفرما کارمیکند ، مسلماً برای دریافت مزد به چنین کاری اشتغال میورزد و اگر مزدی دریافت ندارد و یا در یک کارگاه خانوادگی بکار اشتغال ورزد ، و بهر تقدیر هرگاه مساله مزد مطرح نباشد این تابعیت وجود نخواهد داشت و لذا کارگر مذکور تابع وبشمول‌قانون کارنخواهد بود.

بدین‌سان ملاحظه میشود که هرکس که‌درمقابل مزد یاحقوق‌برای شخص دیگری بکار بپردازد، کارگر خوانده میشود.ولی آیا **همه کارگران باتعریف فوق مشمول قانون کار هستند** ؟ بعبارت‌دیگرهمه کارگران بنا بتعریفی که بیان شد از مزایای قانون کار استفاده خواهند کرد؟

جواب این‌سؤال منفی‌است وبعبارت دیگر همه این‌گونه افراد تابع‌قانون کار نیستند وباوجودیکه طی‌سالهای اخیر دامنه عمل مقررات کار ادامه یافته وبعدادبیشتری از افراد از مزایای مقررات مذکور بهرمند میشوند، ولی‌هنوز هم‌گروههای دیگری از افراد وطبقات هستندکه مشمول‌قانون کار نیستند.

و این امر نیز ناشی از آن است کـــه یااین گروههامشمول قوانین ومقررات دیگری هستند ویا کیفیت کار آنها به‌ترتیبی است که قانون کار را نمیتوان در مورد آنها اجرا کرد.

نون کارکیست؟...

درست است که در ماده یک قانون در بهنگام تعریف کارگر کلمه «بهرعنوان» درگردیده وبدین ترتیب دامنه عمل قانون را وسیع ترگردانیده است ولی باید دانست که در اینجا منظور عنوان شغلی افراد است یعنی هرشغلی که به‌آنها واگذار شود وآن شغل هر عنوانی که‌داشته‌باشد هیچگونه تفاوتی در این زمینه ندارد.معذلک باید خاطرنشان ساخت که‌گروههای زیادی از دامنه شمول قانون کار برکنار خواهند بود. برای پی‌بردن بدین امرکه چه افرادی مشمول قانون کار هستند باید خاطرنشان‌ساخت:

۱ — گروهی از کارگران مطلقاً از شمول قانون کاربر کنارند.

۲ — گروهی دیگر از برخی ازمقررات‌قانون کارمعافند.

الف: گروهی ازکارگران که مطلقاً از شمول‌قانون کارمعافند:

این گروه رامیتوان به دو دسته تقسیم کرد:

۱ — افرادی که مشمول قانون دیگری هستند.

۲ — افرادی که کیفیت کار آنها بنحوی است که نمیتوان قانون کار را درمورد آنها اجرا کرد.

ماده‌یک‌قانون‌کارناظربرگروه‌اول میباشدزیرا تبصره قانون مذکور چنین پیش بینی مینماید: «اشخاصی که مشمول قانون استخدام کشوری و یــــا سایر قوانین و مقررات استخدامی می‌باشند، مشمول مقررات این قانون نخواهند بود» بدین‌ترتیب درمیان‌گروه کارگران یاد شده، نیز دوگروه وجود دارند: اول آنها که مشمول قانون استخدام کشوری هستند. این افراد کلیه کارکنان سازمانهای دولتی را که مشمول قانون کار هستند دربرمیگیرد. و چون قانون استخدام کشور شامل حال این افراد میگردد، دیگر قانون دیگری درمورد آنها اجرا نخواهد شد، گروه دیگر، افرادی هستند که دیگر قوانین بر آنها حاکم است. مانند افراد مسلح ارتش شاهنشاهی و یا بانکهای دولتی و دیگر سازمانهای دولتی که قوانین خاص در مورد کارکنان آنها تنظیم و بتصویب رسیده است.

درمورد «سایر قوانین ومقررات استخدامی» بحث وگفتگوی بسیاری شده است که آیا مقررات استخدامی ما غیر از قوانین استخدامی است یا «قوانین و مقررات استخدامی» یک کلمه مترادف است.؟

زیرا اگر «قوانین» و «مقررات» را دو کلمه بدانیم نتیجه این میشود که هریک از مقررات استخدامی را، اعم از اینکه جنبه قانونی داشته باشد و یا نداشته باشد، دربرمیگیرد و افرادی که تابع آنچنان مقررات استخدامی باشند تابع قانون کار نخواهند بود و همین امر به کار-فرمایان چنین مؤسساتی امکان میدهد که از اجرای قانون کار خودداری نمایند و این امر بزیان کارگران خواهد بود. و حال‌آنکه اصل اینست که «قوانین و مقررات» دو کلمه مترادف هستند و لذا منظور اینست که قوانین استخدامی و یا بعبارت دیگرآن دسته ازمقررات استخدامی را که‌جنبه قانونی داشته‌باشد، دربرمیگیرد و لذاآندسته ازافرادی که تابع قوانین و مقررات قانونی استخدامی هستند و مقررات آنها در مجلسین به تصویب رسیده و جنبه قانونی یافته است، مشمول قوانین کار نخواهند بود.

گروه دیگری که جزواین گروه قرارمیگیرند ومشمول قانون کارنیستند، **کارگران کشاورزی هستند...** این گروه نیز تابع‌قانون کار نیستند. البته هنگامی که قانون کار جاری تهیه و تنظیم گردیده، هنوز قانون کار کشاورزی وجود نداشت وگروههای عظیمی از کارگران کشاورزی از قانونی که بتواند ازآنها حمایت کند محروم بودند. ولی اکنون قانون کار کشاورزی به تصویب رسیده است و این‌گروه که درابتدا به لحاظ کیفیت کارشان ازمشمول قانون کارمعاف بودند. اکنون به لحاظ اینکه قوانین ومقررات خاص آنها وجود دارد تابع آن قانون‌می‌باشند.

گروه دیگر، مستخدمین منازل، از شمول قانون کار معافند، معافیت این افراد به لحاظ کیفیت کار آنهاست. زیرا کیفیت و چگونگی کار این دسته ازکارگران بطوری است که بهیچوجه نمیتوان قانون کار را در مورد آنها اجراکرد. البته روش کار این دسته از کارگران همچنان سنتی است و یک کارگر که در خانه‌ای بکار اشتغال دارد بام تا شام درآن خانه میماند و جزو خانواده میشود و لذا اجرای تمامی مقررات قانون کار درمورد وی امکان‌پذیر نیست.

و سرانجام‌گروه دیگری که قانون کار در مورد آنها اجرا نمیشود **کارگران کارگاههای خانوادگی هستند.**

ماده ۷ قانون کار دراین زمینه چنین مقرر میدارد:

«کارگاههای خانوادگی که در آن کار منحصراً بوسیله صاحب کار و خویشاوندان نسبی درجه‌یک از طبقه اول انجام میشود مشمول مقررات این قانون نمیباشند.»

درتعریف وتفسیراین ماده‌چند نکته را باید موردتوجه قرار داد اولا آیا منظور قانونگزار کارگاههای خانوادگی بوده است و یا کارگران چنین کارگاههائی نیز منظورنظر قانون‌گزار بوده‌است؟

ثانیاً: کارگاههای خانوادگی چگونه کارگاههائی است؟

ثالثاً: چرا چنین کارگرانی از شمول قانون کارمعافند؟

درمورد نکته اول: باید یادآورگردید که برخی از اجراکنندگان‌و نیز آشنایان بمسائل کارگری معتقدند که قانون کار [illegible] که در ابتدای ماده [illegible] کارگاهها [illegible] کارگران این کارگاهها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ملاحظه خواهیم کرد که قسمتی از مقررات مربوط به کارگران میشود و برخی مربوط به کارگاه، فی‌المثل تأمین شرایط صحیح مربوط به هوا، گرما، سرما، نور و غیره در کارگاه ازجمله این مقررات و لذا منظورقانونگزاراین امر بوده است و لذا کارگران این کارگاهها مشمول قانون کار هستند. ولی برخی دیگر معتقدند که منظور هم کارگاه و هم کارگران آن میباشند و عملا نیز مشاهده شده است که کارگاههای خانوادگی و کارگران آن از شمول قانون کار معاف بوده‌اند وحتی مأموران اجرای قانون کار نتوانسته‌اند به این کارگاهها راه یابند و لذا میتوان نتیجه‌گرفت که کارگران این کارگاهها نیزمشمول‌قانون کارنیستند.

مسالهٔ دیگری که باید موردتوجه قرار گیرد اینست که کارگاه خانوادگی چگونه کارگاهی است. در این زمینه قبلا باید بین کارگاههای خانگی و کارگاه خانوادگی تفاوت قائل گردید.

زیرا کارگاههای خانگی، کارگاههائی است که در آن تعداد زیادی از کارگران در خانه‌ای بکار اشتغال داشته باشند و بعبارت دیگر کیفیت کار طوری است که کارفرما، کارگاه را در خانه خود برپا میکند و کارگران در خانه بکار اشتغال می‌ورزند. و ممکن است هیچگونه رابطه خانوادگی بین کارگر و کارفرما وجود نداشته باشد وحال‌آنکه کارگاه‌خانوادگی ممکن است اصولا در خانه نباشد و درجای دیگری باشد ولی خصوصیت آن اینست که کارگران از خویشاوندان نسبی درجه‌یک از طبقه اول باشند و منحصراً نیز همین افراد در کارگاه‌بکاراشتغال داشته باشند.

منظور از خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول: پدر و مادر کارفرما و فرزندان وی میباشند، که در قانون مدنی مشخص گردیده است.

حال با توجه بدین تعریف و مشخص‌شدن کارگاه خانوادگی این مساله موردتوجه قرار میگیرد که چرا کارگران کارگاههای‌خانوادگی از شمول‌قانون کارمعافند؟

دلیل این امر را باید درفلسفه تدوین وتنظیم وتحول قوانین کار دانست وآن جلوگیری از استثمار فرد از فرد است زیرا همانطور که در ابتدای این مقاله خاطرنشان گردید استثمار کارگران سبب گردیده است که قوانینی در جهت بهبود شرائط کار کارگران وحفظ و حمایت آنان وضع گردد، چنانکه قانون کار در مورد افرادی که برای خودشان کار میکنند [illegible] کارگری ندارند اجرا نمیشود. [illegible] موردی، امکان استثمار فرد وجود ندارد.

درمورد کارگاههای خانوادگی که در آن منحصراً کارفرما وپدرو مادر وفرزندانش کار میکنند مطلقا امکان استثمار وجود ندارد ولذا قانون کار نیز درمورد آنها اجرا نمیگردد زیرا نمیتوان تصور کرد که فردی فرزندان ویا پدرو مادر خودرا استثمار کند. بویژه‌آنکه در قانون یادشده است که منحصراً طرفین خویشاوندان در کارگاه بکار اشتغال داشته باشند. بعبارت دیگر هرگاه‌در کارگاه‌فرددیگری وجود داشته باشد وبکار اشتغال ورزد، دیگر کارگاه، خانوادگی نبوده ولذا افراد آن مشمول قانون کارخواهندبود.

نکته‌ای را که باید دراین زمینه خاطرنشان ساخت، اینست که درقانون تنها ازخویشاوندان نسبی نام برده شده است ولذا همسر کارفرما، مورد توجه قرار نگرفته وحال آنکه حق‌این بود که همسر کارفرما نیز دراین زمینه مورد توجه‌قرارگیرد.

گرچه قانونگزار افراد واعضای کارگاه خانوادگی را از شمول قانون معاف داشته، ولــــی عملا مــواردی پیش آمده است که فرزندی از پدرخود شکایت کرده وبسبب اخراج از کارگاه ویا عدم پرداخت مزد ویا کمی مزد به مراجع حل‌اختلاف مراجعه نموده و مراجع مذکور نیز به شکایت وی رسیدگی کرده‌اند. بدین ترتیب ملاحظه میشود که در برخی موارد قانون کار حتی درمورد کارگران کارگاههای خانوادگی نیزاجرامیگردد.

ب: کارگرانی که‌برخی‌ازموادقانون کار درموردآنهااجرانمیشود

این گروه کارگران را میتوان به سه‌دسته تقسیم کرد، زیرا همهٔ آنان بیک نحو ازقانون مستثنی نیستند، ولی درهر حال کیفیت و چگونگی کار این گروه از کارگران ویا وضع جسمی وبدنی آنها، درمجموع از جمله عوامل مهمی است که مانع از آن میشود که قانون کاربطور کامل درموردآنها به‌اجرا درآید.

۱— کارگرانی که‌بلحاظ کیفیت‌وچگونگی کار ازقسمتی ازمقررات‌قانون کارمعافند

این قسمت را که در تبصره‌های ۱ و ۲ و ۳ ماده ۶ قانون کار بدانها اشاره شده است. دربرمیگیرد. این گروهها عبارتند از:

الف— کارگران کارگاههای کوچک

تبصره یک ماده ۶ قانون کار چنین مقرر داشته است که: «وزارت کار می‌تواند کارگاههائی‌را که دارای کمتر از ده نفر کارگر هستند موقتا ازشمول قسمتی ازمواد این قانون معاف دارد،

بقیه دارد

«الماس سیاه» در عمق . . ۳۲ متری کوه

پیکار و تلاش بزرگ «شاه مهر» در اعماق

ایران امروز را چه کسانی میسازند؟ «کارگران رستاخیز» پاسخ این سؤال را دردورترین مناطق کشور جستجو می کند درمیان کارگرانی که باتلاش پیگیر، پایه های ایران نیرومند را استوارتر میسازند، کارگرانی که تاکنون کمتر از آنان شنیده‌ایم وتصویری‌مبهم از کار و زندگی‌شان درذهن داریم.

دومین گزارش «کارگران رستاخیز» را به کارگران معادن‌ذغال‌سنگ «شاه‌مهر» واقع درمنطقه زیرآب‌استان مازندران اختصاص داده‌ایم، دراین گزارش بافعالیت‌معدنچیانی آشنا می‌شوید که کیلومترها دل کوه را می‌شکافند تاغذای ذوب‌آهن، مادرصنایع ایران را فراهم آورند.

صدای «پونکرها»، هرلحظه بیشتر میشود، اما باز هم سنگ .... باز هم شن... یکی از کارگران چند لحظه دست از کار می کشد و در حالیکه عرق پیشانیش را پاك میكند، به صخره سخت مقابل خود خیره میشود، گوئی به زندگی فکر می کند و به تلاش برای سازندگی ایران نیرومند.

«پونکرها» دردست های نیرومند کارگران دو باره بغرش در می‌آیند، صخره‌ها در عمق . . ۳۲ متری کوه مقاومت می کنند، اما کارگران معدن مانند رزمندگان ازجان‌گذشته‌ای که به قلب سپاه میزنند، به دل صخره ها حمله میبرند، صدای پونکر ها زمین را می‌لرزاند، ناگهان کارگر جوانی فریاد میزند:

— هی بچه‌ها!شادزی..شادزی..شادزی...

صخره تسلیم شده است و معدنچیان معدن ذغال سنگ «شامهر» به رگه‌ای غنی از ذغال رسیده‌اند، رگه‌ای که ایران امروز و ایران فردا را نیرومندترمیسازد..

***

کارگران معدن، کارگرانی استثنائی هستند، زندگی و کارشان با دیگر کارگران تفاوت دارد. ازمحیط کارگرفته که دراعماق زمین یا در سینه کوههاست تا نحوه زندگی و تفریحشان ... بطور کلی دنیائی که کارگران معدن در آن زندگی می کنند، دنیای دیگری است.

در روحیه آنان رگه هائی از خشونت‌فضای تاریک‌و پیچ در پیچ تونل های معدن بچشم میخورد. آنها هیچگاه خود را جدا ازسنگهای سخت احساس نمی کنند و از رو در روشدن با حادثه نمی هراسند. وهمین فضای‌سخت است که تارهائی از خشونت در اطراف آنان تنیده است...

با سر زدن خورشید از تیغه های سربفلك کشیده کوه، پیکار کارگران معدن با سنگهای سخت آغازمیشود... گوئی نشانه هائی ازحماسه فرهاد کوه کن را درخون خود دارند. با کوه هائی که بشر را دربرابرعظمت وسختی خود به شگفتی واداشته است، پنجه در می‌افکنند، در دل خارائی آن رسوخ می کنند و با جسارت‌پیش میروند... تا به ذغال سنگ یا به عبارتی «الماس سیاه» دست یابند و یا فلزات را از اعماق سنگ و خاك بیرون بکشند و با تلاش پی‌گیر خود، چرخهای صنعت مملکت را به راه‌اندازند.

در افسانه ها خوانده‌ایم که کوههای مغرور ازاین که موجوداتی به این کوچکی با جسارت دل آنان را می‌شکافند بخودمی بچد و تصمیم به انتقام می‌گیرند/.. این انتقام گاه بصورت ریزش ناگهانی سقف، یا دیواره‌های معدن ظاهر میشود و یا در اثر آلودگی فضای معدن با گازهای سمی خطرناك... وچه بسیار که این کوهها، درسراسرجهان قربانی گرفت... اما امروز دیگر دفتر افسانه‌ی انتقام کوه بسته شده... وسایل جدید ومجهز حفاظتی راه یورش را بر کوه گرفته است. دیواره ها وسقف معادن آهن بندی شده‌اند...

دستگاههای مدرن تهویه، فضا را از آلودگی گازهای سمی تصفیه کرده است و کوه های مغرور شاهد مهار رسیدن سرکشی های خود بدست کارگران دلیرمعدن شده‌اند.

پس شگفت آور نیست، اگر سراغ این دلاوران صنعت میرویم وباآن دیدار می کنیم.

راه دشوار وصعب‌العبور

معادن ذغال‌سنگ «شاهمهر» در ۱۰ کیلومتری «زیرآب» نمونه‌ای از شکوهمندی تلاش انسانهاست. راهی که به این معادن ختم میشود در۲۰۰ کیلومتری «ارسسر» اصلی تهران‌گرگان جدا میشود. وجاده‌ایست دردست ساختمان آنچنان پراز دست‌انداز که به هیچ روی نمی‌توان‌باور کرد، این جاده خاکی به‌معادن پرارزش «شامهر» خواهدرسید.

نیمه‌شب بود که پابه‌این جاده‌نهادیم. طول جاده تا «شامهر» ۳۴ کیلومتر است، در آن‌وقت شب جاده کاملا خلوت بودوتاپایان راه حتی به یک اتومبیل هم‌برخوردنکردیم. راه در همان آغاز دوشاخه میشد، وما راهنمائی همراه نداشتیم، ناچار یکی از دوراه را درپیش گرفتیم. باران شدیدی که‌از ساعتها پیش می‌بارید، جاده را به‌رودخانه تبدیل کرده بود. اتومبیل باتکانهای شدید پیش‌میرفت،

در اطراف ماشبح درختان وتپه‌های کوچک وبزرگ به‌چشم می‌خورد. کم کم مه‌آسمان وزمین راپوشاند بطوری که تنها می‌توانستیم تادومتری خود را به‌بینیم.

نیم‌ساعت به‌این ترتیب پیش رفتیم، تکانهای سخت ماشین که ناشی از دست‌اندازهای کوچک وبزرگ‌بود امان مارا می‌برید. سرانجام از دور، درمیان غبار مه، چند لامپ کم‌نورتوجه ماراجلب کرد. در دوطرف جاده چندخانه بود. به«زیرآب» ۱۰ کیلومتری «شامهر» رسیده بودیم از «زیرآب»

لطفاً ورق بزنید

خبرنگار و عکاس رستاخیز کارگران در معادن ذغال‌سنگ «شاه‌مهر»

معدنچیان ق زمین...

عکسها از: علی رهبر

آتش شورو

در معادن «شامسهر» پونکرها در دستهای نیرومند کارگران به غرش درآمده‌اند.

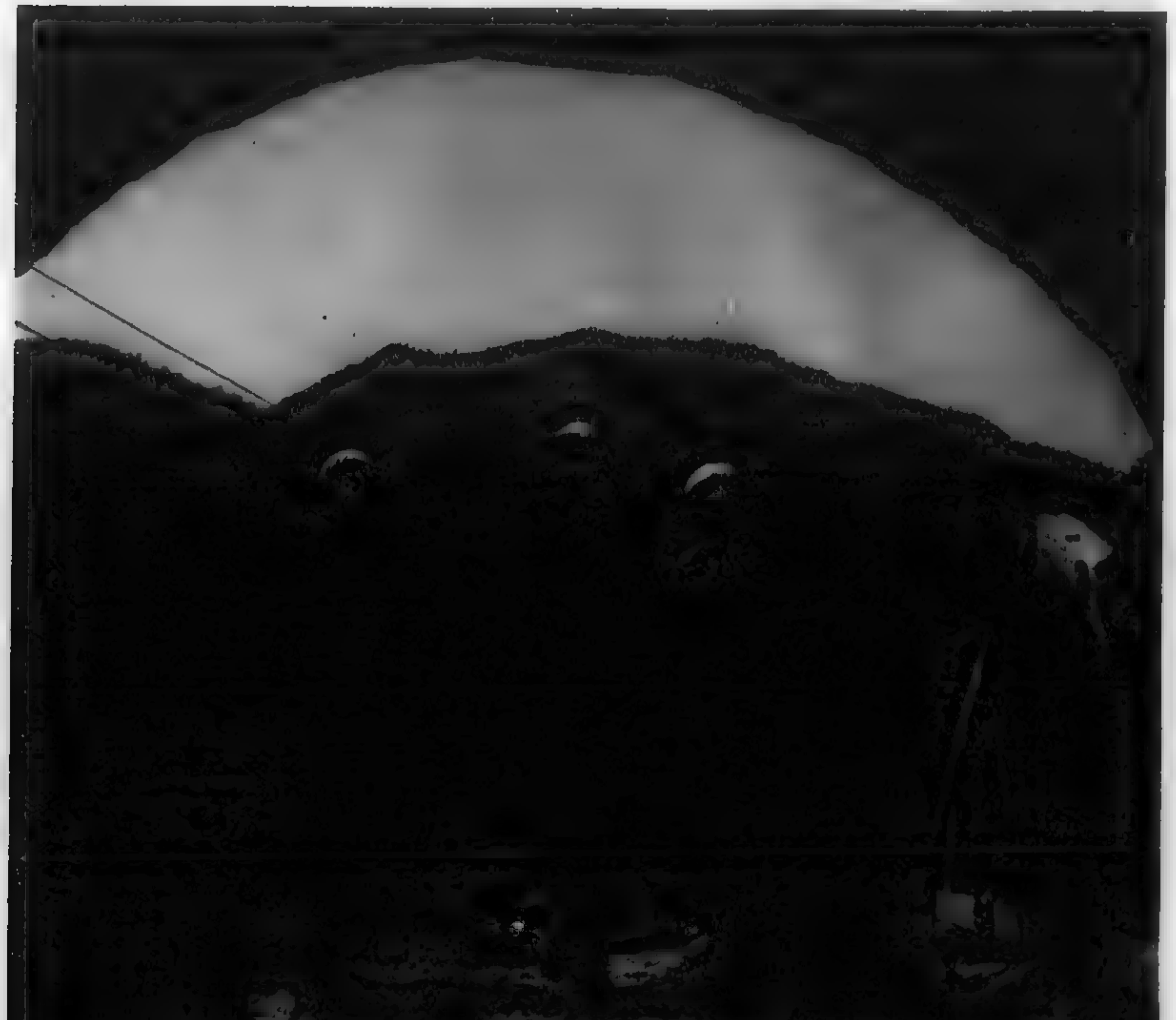

تا «شامسهر» راه به مراتب ناهموارتر بود و روزهای بعد متوجه شدیم، از کنار چه دره‌های عمیق وخطرناکی گذشته‌ایم!

در پایان راه چراغهای پرنور شهرك «شامسهر» نیروی تازه‌ای به‌ما داد. هرچه نزدیکتر میشدیم، آبادانی وتحرك بیشتری بچشم میخورد— شهرکی زیبا دردل تپه ماهورهای سرسبز...

«شامسهر» برسردوراهی «پل‌سفید» و «آلاشت» قراردارد این شهرك جدید مرکز فعالیتهای اداری ومحل‌سکونت کارمندان

درقلب معادن ذغال‌سنگ شامسهر

روز بعد ساعت ۲ بعد ازظهر به‌طرف معادن ذغال‌سنگ «شامسهر» که پانزده کیلومتر دورتر از شهرك قراردارد حرکت کردیم وساعتی بعد به‌محل معادن ذغال‌سنگ رسیدیم.

در حال حاضر در شامسهر دومعدن بزرگ شمارهٔ ۴ وشمارهٔ ۱۳ در دست بهره‌برداری است. البته معادن دیگری هم‌وجوددارد، ولی به‌علت پائین‌بودن ارزش اقتصادی آن دست‌نخورده مانده‌اند. معدن شمارهٔ ۱۳ دردل کوهی بزرگ قراردارد وتازه وارد هرگز باور نخواهد کرد که در سینه‌ی کوههای سرسبز وخرم، «شامسهر» ذخیره‌ای عظیم ازذغال سنگ نهفته باشد.

همه‌جا سبزاست، امادردل همین دنیای سبز، سنگهای سخت وسیاهی‌انباشته‌ شده‌است که یکی ازگرانبهاترین معادن ذغال‌سنگ ایران را تشکیل میدهد و نیروی بازوان سواسای ۱۵۰۰

کارگران معدن این نهفته ها را ازدل کوههای سخت بیرون می کشند.

به اتفاق عکاس مجله درحالی که‌لباسهای حفاظتی ویژه کارگران معدن را پوشیده بودیم و کلاه‌ضدضربه برسر داشتیم وارد تونل شدیم و باسرهای‌خم شده دردل تاریکی ها شروع به پیش روی کردیم. تاریکی لحظه به لحظه بیشتر میشد. با آنکه تمام شرایط ایمنی رادرمعدن به کاربرده بودند، لیکن به ما سفارش شده بود که ممکن است یک لحظه غفلت به‌بهای‌زندگی عده‌ای تمام شود. بااین ترتیب عکاس ما می باید در تنظیم نور دوربین دقت می کرد چرا که یک جرقه کوچک... یک ضربه ناچیز.. یک شیار ضعیف نور، کافیست تا گاز های مخفی شده رامنفجر کند و معدن فرو ریزد، حادثه‌ای که بارها در سراسر دنیا اتفاق افتاده و تلفات سنگین و دردناکی داشته است.

هوای تونل خنک بود. قطرات آب که از لایه های سیاه کوه به داخل تونل میچکید تازگی گوارائی به فضای اطراف میداد. اما این سوراخهای ریز همیشه هم، چنین‌آرام نیستند. ممکن‌است دراثر بی احتیاطی یک کارگر، بانفوذ بیش ازحد آب، سیلی جاری شود ودر یک لحظه همه چیز را درخود غرق سازد.

دنیای معدنچیان

اینک وارد دنیای تازه ای شده بودیم. چند لحظه بعد به یک در بزرگ آهنی رسیدیم وقتی وارد تونل شدیم، درخود بخود پشت‌سرما بسته شد... با اشارهٔ راهنما سوار لکوموتیو کوچکی شدیم که مخصوص حمل ذغال بود.

تقریباً یک ربع ساعت درحرکت بودیم که‌ازدور رشته های کمرنگ نورنمایان شدندو پس ازآن عدهٔ زیادی از کارگران را دیدیم که همه کلاه ایمنی بسر داشتند ومشغول کار بودند. درچند قدمی آنان ازلکوموتیو پیاده شدیم.. صدای تند دستگاههای پونکر که ذغال را ازدل کوه جدا میکردند لحظه ای قطع نمی‌شد.

ما ۳۲۰۰ متر در دل کوه پیشروی کرده بودیم. در دیواره ها و سقف تونل حفره هائی به طول ۷۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر و عرض چند متر وجود داشت. از دل همین حفره‌ها بود که زغال سنگ استخراج میشد. کارگران درمحفظه های ویژه‌ای دراز می کشند وبوسیلهٔ پونکر— که نوعی مته برقی است زغال را ازرگه ها جدامیکنند و به‌داخل تونل می‌ریزند تاازآنجا بوسیلهٔ کارگران مسؤول حمل‌ونقل به‌بیرون برده شود.

دراین قسمت ازمعدن‌فعالیت‌وسیع وگسترده‌ای وجود داشت و هرلحظه اوج میگرفت. قطرات ریز و درشت عرق چهره کارگران را پوشانده‌بود. چهره ها تا حدی آشفته بنظر میرسید. یکی از کارگران با ناراحتی گفت: متأسفانه به لایه‌های سنگی رسیده ایم!.. ناراحت کننده است.. چون سنگ ثمره‌ای ندارد.!

عشق کار، در قلب کوهها...

بیش از ۱۵۰۰ تن کارگر در معادن «شاه‌مهر» با طبیعت مصاف می کنند.
معادن «زیرآب» قدیمی ترین معادن ذغال‌سنگ ایران است.

تلاش و تکاپو ادامه داشت چند کارگر به سرعت دستهایشان را به لبه محفظه ای کـه در کنارشان بود گرفته بودند و به سرعت بالا میرفتند تا رگه های دیگر را جستجو کنند... راستی که طبیعت در برابر اینهمه تکاپو جز تسلیم چه می-توانست بکند...؟

صدای پـونکـر هـا گـوشخـراش شده بود. در هرلایه چهارکارگر با بدنهای خیس از عرق تلاش میکردند... اما بازکوه چیزی جز سنگ‌وشن تحویل نمی‌داد.. ناگهان فریادیکی از کارگران – که از دیگران مسن تر بنظر می‌رسید- درمیان غوغای پونکرها بلند شد...

بچه ها از چپ! و ناگهان نوك پونکرها به‌طرف چپ‌نشانه رفت، دیوارهٔ تونل لرزید و فرو ریخت... همه‌اش سنگ... و همه‌اش سنگ. کارگران عصبانی شده بودند... قدرتها باحدامکان به کارافتاده بود... کارگرمسن با غرور به‌این جنب وجوش خیره‌شده بود، در چهره پرچروکش نشانی ازتجربه وجودداشت..

دوباره فریاد زد: – بچه ها بازهم از چپ.! ازچپ.!

هی‌بچه ها ! شادزی... شادزی

صدای پونکرها هرلحظه بیشتر میشد... اما بازهم سنگ... بازهم‌شن... یکی از

کارگران چندلحظه دست از کار کشید ودر حالی که عرق‌پیشانیش را پاك‌می کرد، به صخره سخت مقابل خود خیره شد... گوئی به زندگی فکر میکرد. به تلاش برای ساختن زندگی ایران بزرگ.. اما توقفش زیاد طول نکشید... دوباره شروع بکار کرد. کارگران مانند رزمندگان از جان‌گذشته‌ای که به‌قلب سپاه می‌زنند به‌دل کوه یورش می‌بردند وما شاهد این حماسه پرشور بودیم. که ناگهان فریاد کارگرجوانی که‌در عمق معدن به کارمشغول بود، بلندشد.. هی.. بچه‌ها.. شادزی... شادزی

واژه شادزی–شعار کارگران معدن«شاه مهر» است، آنها وقتی بهم میرسند ویاهنگامی که به رگه‌های بزرگ ذغال میرسند، احساسات خودشان را با کلمه شادزی بیان می کنند.

کارگر جوان «شادزی» گویان تکه سنگ سیاهی را که چون‌گوهری روی‌خاکها، می‌غلطید بدست‌گرفت. این سنگ‌سیاه مایه زندگی‌آنان ونیروی‌گردش چرخهای صنعت مملکت بود.

حالا قطعه‌های ذغال لحظه به‌لحظه زیادتر می‌شد. مرد مسن که‌نامش «باب‌الله فروحی» بودمی‌گفت :– سی‌سال است در معدن کارمی کنم. من‌در طول مدت کارم در آن سالها که امکانات در حدامروز وجود نداشت حوادث زیادی دیدم، دوستانی که‌در تونل گرفتار حادثه شدند وجان خود را ازدست داده‌اند. خودمن دوبار براثر ریزش معدن صدمه دیدم، یک‌بار کمرم وباردیگر پایم شکست من‌سی‌سال تمام‌است که روزی ۸ ساعت در اعماق تونل کار میکنم، اما این کار را دوست‌دارم وبرایم یک‌عادت شده است.

گفت‌وشنود دراعماق کوه

در اعماق تونل با کارگران به‌گفتگو نشستیم، لامپهای روی کلاه کارگران همه‌جارا روشن‌می کرد.. «حبیب‌الله‌سرافراز» می‌گفت: ۵ سال است‌در معدن کار میکنم. مامعدنچی‌ها زحمتمان زیاد است. ولی‌حقوقمان را باوجدان راحت خرج می کنیم، چون می‌دانیم حـق واقعیمان است.

محیط تونل کم کم برای ماعادی می‌شد وصمیمت کارگران این محیط را رنگی دوست داشتنی می‌بخشید.

«شیدالله باکوئی» کار در معدن را نمونه‌ای عالی‌ازفعالیتهای بشری می‌دانست و می‌گفت :

کارگران معدن غیرتی خاص در خون خود دارند. درگیری باخشونتهای محیط معدن صفات مردانه‌ای به‌آنها داده است وهمین‌ها باعث شده تامعدنچی‌ها از هرنظر نمونه باشند.

در کارمعدن در این محیط پر از سنگ وخاك روحش را تسکین می‌دهـد و به بهترین احساس های بشری دست می‌یابد.

«کاظم دراب تلاهی» می‌گفت : جستجوی ذغال خودش سرگرمی خوبی است وقتی ما تکه‌تکه‌ی دیواره معدن رامی‌شکافیم ودر پی‌یافتن ذغال به تکاپو می‌افتیم، نوعی هیجان به‌مادست می‌دهد. همچنانکه‌ارادهٔ ما مارا محکم‌تر می کند. در این لحظات فکرما فقط متوجه رسیدن به‌رگه‌های ذغال است. ساعت‌ها کلنگ می‌زنیم، می کوبیم، عرق می‌ریزیم، وهمه‌اینها لذتی خاص به‌همراه دارد. بطوری که‌ممکن است ساعتها تمام در جستجو باشیم. بدون این که‌گذشت زمان را حس کنیم. این فکر که رگه‌ذغال در چند متری ماقرار دارد، ولی‌باید با کوشش وتکاپو به‌آن دست یابیم، بیشترین هیجان‌رادر وجود ما میافریند.

تاریخچه‌ای کوتاه...

در حال حاضر ۱۵۰۰ کارگر در معادن «شامهر» به‌کار مشغولند. این معدن درسال ۱۳۴۷ فعالیتش را بایازده کارگر شروع کرد.

بیشتر این کارگران درگروه سنی بین ۲۰ تا ۴۰ سال‌قرار دارندو حقوق آنها بین ۱۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ریال است. حاصل کار جمعی انها روزانه بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ تن ذغال‌سنگ است. از اسفندماه سال ۱۳۵۱ که‌زمان شروع عملیات اصلی بود تاتیرماه ۱۳۵۴ حدود ۳۹۹/۳۲۵ تن‌ذغال از معادن «شامهر» استخراج شد. که‌قسمت عمده آن یعنی حدود ۲۶۴۹۷۳ تن به‌مصرف ذوب کارخانه ذوب‌آهن «آریامهر» رسیده است.

کارگران «شامهر» هفته‌ای دو روز تحت آموزش های حفاظتی قرار میگیرند.

آموزش های حفاظتی مهمترین برنامه آنهاست وشعارهای مربوط به آن، در تمام طول معدن وبرروی کوهها وتپه ها دیده‌میشود.

ذغالی که به‌این ترتیب بدست می‌آید، به‌وسیله دستگاه‌عظیم تصفیه، ازمواد زائد پاك شده و به کارخانه ذوب‌آهن «آریامهر» حمل میشود و این کاریست که قبلا بوسیله دست انجام میگرفت. تصفیه ذغال در این دستگاه مراحل مختلفی دارد، در اولین دستگاه‌ذغال شسته میشود وبه قسمت دیگرانتقال می‌یابد، در آنجا سنگ و مـواد زائـد دیگر آن جدا میشود و بـه قسمت سوم کـه مخصوص بارگیری است می‌رود، در زیر این قسمت واگن هـای باری،

بقیه‌ در صفحه ۵۹

ازسرطان چه

خواننده عزیز:

در این شماره میخواهیم با شما از سرطان صحبت کنیم یا در واقع بیماری موحشی که سالهای‌سال مردم دنیا اکراه داشتند از آن زیاد حرف بزنند چرا که بحقیقت ناراحت میشدند وبه‌سخن دیگر دلشان ریش میشد ولی خوشبختانه امروز دورانی فرا رسیده که همه افراد از عامی گرفته تا دانشمند وغیره میخواهند این بیماری را بشناسند واز وضع آن آگاه شوند بخصوص علائم ونشانه‌های آنرا بخوبی تشخیص دهند وبهمین جهت« رستاخیز کارگران» نیز در این شماره اساسی‌ترین مطلب صفحه پزشکی را به‌بحث در باره این بیماری اختصاص داده‌است.

نجات زندگی بیماران سرطانی در تشخیص و درمان بموقع آنست

امید وساره

در باره بیماری سرطان باید گفت امروز دیگر این بیماری مخفی کردنی ولاعلاج نیست وباید بصدای بلند برای عموم هم‌میهنان تکرار کنیم سرطان بیماری شفا پذیری است که بهیچوجه نباید در برابر آن عقب نشینی کرد وروحیه خود را باخت و از دست داد ودر عوض باید هشیار بود و هرچه زودتر آنرا شناخت وبه‌جلوگیری و مبارزه با آن برخاست. بسیاری از افراد سرطان را بیماری لاعلاجی میدانند که همین طرز فکر باعث پیشرفت سریع بیماری در بدن شخص مبتلا میشود ودر نتیجه از دست میرود در حالیکه نباید چنین تصوری داشت زیرا داروها وروش‌هائی که تا کنون در باره مبارزه با این بیماری کشف و ابداع شده در موارد بسیاری هم از پیشرفت بیماری جلوگیری میکند وهم اینکه بیمار را شفا میدهد. بنابراین کسانیکه فکر می‌کنند که به‌یک نوع بیماری سرطان مبتلا هستند نباید کوچکترین ناراحتی بخود راه دهندهر کس باید هرچه زودتر به‌پزشک خانوادگی خود مراجعه کنند تا مورد معاینه قرار گیرند وچه‌بسا که تصور آنها در مورد ابتلاء به‌بیماری سرطان کاملا بی‌مورد باشد بهر صورت در باره سرطان باید گفت که کمتر کسی است که اسم این بیماری را نشنیده ویا از ابتلاء به‌آن دچار بیم وهراس نشده باشد ولی با اینحال اطلاعات عمومی اکثر افراد در باره این بیماری بقدری کم است که

میدانید؟

که یکبار دیده و یا شنیده میشود که فلان کس به بیماری سرطان مبتلا شد و بدون اینکه خود را تحت معالجه قرار دهد فوت کرد در حالیکه اگر شخص مبتلا امید به زندگی را از دست نمیداد و با جدیت تمام معالجات پزشکان را دنبال میکرد، چه بسا که تندرستی خود را باز مییافت و یا حداقل سالهای زیادی به زندگی خود ادامه میداد.

سرطان چیست؟

سرطان رشد ناگهانی و غیر عادی سلول های قسمتی از بدن است و اما درباره سلول باید گفت که: بدن انسان از موجودات ریزی بنام سلول تشکیل شده که هر یک از آنها بعنوان کوچکترین واحد زندگی بشمار میرود و بطور مستقل رشد میکند و زیاد میشود و از جمع میلیون ها سلول یک بافت بوجود می‌آید و از جمع چندین بافت یک عضو از اعضای مختلف بدن ساخته میشود.

باید دانست که نحوهٔ تکثیر (زیاد شدن) سلولهای بدن حالت خاصی دارد که جزئی از نظام طبیعت بشمار میرود. همچنانکه شکل و اندازه برگ و میوه درخت سیب با درخت گیلاس فرق دارد، و هر جا که درخت سیب کاشته شود شکل برگ و میوه آن با درخت های مشابه تقریبا یکسان است، سلولهای بدن نیز در هر قسمت شکل و فرم خاصی دارند. بعنوان مثال شکل و قواره سلولهای عضلانی یا عصبی و یا استخوانی هر کدام مشخصات خاصی دارند که مخصوص بخود آنهاست و در حالت عادی رشد یا نمو و تکامل، نیز از قانون و روش خاصی تبعیت می کنند بعبارت دیگر

هرگاه سلولی در بدن بمیرد، سلول جدیدی جای آنرا می‌گیرد که عیناً مشخصات سلول اولیه را دارد ولی اگر بدلایلی رشد سلولهای قسمتی از بدن ناگهان زیاد شود و بجای تبعیت از روش معمولی تکثیر سلولی، تعداد زیادی سلول در قسمتی از بدن بوجود آید در واقع در آن قسمت از بدن یک «تومور» یا غده پدید آمده است البته در این مورد ممکن است زیر پوست یک نفر توده‌ای چربی بوجود آید که آنرا تومور چربی و یا غده چربی می گویند.

چرا ناگهان رشد و نمو سلولهای قسمتی از بدن شدت مییابد؟ پاسخ این سئوال هنوز بدرستی مشخص نشده است و سالیان درازی است که دانشمندان سرگرم مطالعه و بررسی و آزمایش برای یافتن پاسخ این پرسش هستند.

چند نوع غده وجود دارد؟

غده ها یا تومورها به دو نوع متمایز تقسیم می‌شوند: غده‌های خوش خیم و غده‌های بد خیم. غده خوش خیم بمعنی آن است که رشد سلولی در قسمتی از بدن زیادتر از حد معمول می‌شود، ولی شکل و قیافه و خواص زیستی این سلولها با سلولهای اطراف خود شباهت دارد. این غده‌ها بخصوص اگر بموقع مورد معالجه قرار گیرند و یا بوسیله جراحی برداشته شوند هیچ نوع خطری برای بیمار ندارند ولی غده بد خیم که همان تومور سرطانی است، غده‌ایست که نه تنها رشد سلولهای آن فوق‌العاده سریع است بلکه شکل و فرم و خواص سلولهای آن نیز بکلی با سلولهای اصلی تفاوت دارد. مثلا اگر سلولهای سرطانی در کبد (جگر) بوجود آید در مدت کوتاهی بصورت غده بسیار بزرگی ظاهر میشود که سلولهای آن اصلا شباهتی به سلولهای اصلی کبد ندارد و بزودی در مدت چند هفته این سلولهای منهدم کننده سرطانی بقدری زیاد می‌شود که مرز طبیعی سلولهای کبد را در هم می‌شکنند و همه سلولهای آنرا خرد و نابود میکند و جای آنها را میگیرد و سرانجام بیمار در چنین مدت کوتاهی هلاک میشود.

بهر صورت اگر کسی وجود غده‌ای را در قسمتهای سطحی یا عمقی بدن حس کند باید بلافاصله برای تشخیص نیکخیمی یا بدخیمی آن به پزشک مراجعه نماید و هرگز باین امید که تومور ممکن است خوش خیم باشد وقت خود را تلف نکند.

پیشرفت و انتشار سرطان بچه نحوی صورت میگیرد.

همانطور که گفتیم در حالت طبیعی سلولهای بدن تحت نظم و ترتیب خاصی رشد می کنند، زیاد می‌شوند و هر سلول تازه کاملا شبیه سلول مادر است همچنین در صورت لزوم بافتهای خراب شده و از کار افتاده بدن را مرمت می‌نمایند. اگر در مقابل این حالت طبیعی و عادی دسته‌ای از سلولها سرطانی شوند، نخست نظم و ترتیب رشد و تقسیم خود را بکلی از دست میدهند، خودسرانه تقسیم میشوند و سلولهای جوان بطور غیر طبیعی رشد میکنند و در نتیجه یک بافت جدید و تازه‌ای بوجود میآورند که همان غده سرطانی است و علاوه بر این بعلت رشد شدید باطراف خود نفوذ می کنند و در لابلای بافتهای مجاور جا میگیرند و در واقع جای سلول‌های طبیعی را اشغال میکنند و عمل بافتها و اعضاء را مختل می‌نمایند و همچنین بعلت ازدیاد فوق‌العاده و رشد غیر طبیعی باعث برآمدگی می‌شوند که اگر در این مرحله این سلولهای غیر عادی و تومور ایجاد شده منهدم نگردد (بوسیله چاقوی جراح، اشعه و یا مواد شیمیائی) ادامه رشد سریع آنها باعث می‌شود که سلولهای کنده شده از آنها از طریق عروق خونی و لنفاوی به سایر نقاط دور دست بدن مهاجرت نمایند و کانون های تازه‌ای از همان نوع سرطان ایجاد کنند.

نکته قابل توجه در این زمینه اینست که میزان رشد و پیشرفت سرطانهای مختلف بسیار متفاوت است. برخی از سرطانها سالیان درازی خاموش می‌مانند و یا رشد خیلی بطئی دارند و بعضی دیگر برخلاف آنها رشد و پیشرفتی سریع دارند و بسرعت بیمار را از پای در میآورند و بهمین دلیل چون نمی‌توان پیشرفت سرطان را پیش‌بینی کرد علیهذا بهتر است هرچه زودتر و سریعتر بدون اتلاف وقت بدرمان مبادرت کرد.

خون هم سرطانی می‌شود.

خون و عضائیکه سلولهای خونی را می‌سازند نیز مانند سایر بافتهای بدن ممکن است مبتلا به سرطان شوند. ایندسته از سرطانها را لوسمی و سار کومهای خونی می‌نامند که هر یک اقسام مختلف دارد. این نوع سرطان را نباید با مواردی که بعلت پیشرفت سرطان، سلولهای آن وارد خون شده و بوسیله خون بسایر نقاط بدن برده شده اشتباه کرد. در سرطان خون سلولهای خونی در مراکز خونساز بسرعت ساخته می‌شوند و رشد غیرطبیعی پیدا کرده، بصورت غیرعادی تقسیم میگردند و وارد جریان خون می‌شوند.

علل ایجاد سرطان چیست

همانطور که گفته شد سرطان انواع گوناگون دارد و برای بروز هریک از آنها میتوان دهها علت مختلف شمرد و همین تعدد علل بهترین گواه بر این مسئله است که هنوز عامل اصلی بروز سرطان بخوبی شناخته نشده است. با اینحال از جمله عواملی که موجب ایجاد سرطان میشود، یکی تحریک دائمی روی بافتهاست. مثلا فشار دندان مصنوعی روی لثه یک تحریک دائمی است و ممکن است پس از آنکه مدتها آنرا زخم کرد و بهبود یافت به جای این زخم و بهبودی کاذب سرطان بوجود آید همچنین فشار عینک‌های پنسی روی بینی یا عفونتهای طولانی، زخمهای کهنه و جای سوختگیها و هر نوع اثرات فیزیکی یا شیمیائی روی پوست و سایر بافتها تحریک بشمار میآیند. هورمونها (ترشحات غدد داخلی) مثل هورمون ناشی از غده هیپوفیز که هورمون رشد نام دارد و یا هورمون غده تیروئید که تیروکسین نام دارد و غیره نیز در ایجاد سرطان بی اثر نیستند و بعبارت دیگر اگر اثر کلیه عوامل فوق روی یک زمینه مستعد و بمدت طولانی ادامه یابد، باعث تولید سرطان میشود. یکی دیگر از عوامل سرطان‌زا در بدن انسان، آلودگی هوا و دود سیگار می‌باشد که تولید سرطان ریه (شش) می کند. تماس با اشعه مجهول (X) و حتی نور شدید آفتاب نیز برای پوست مضر است و ممکن است ایجاد سرطان پوست کند.

آیا سرطان ارثی است

در این مورد آنچه مسلم شده اینستکه بچه های افراد مبتلا به سرطان این بیماری را از پدر و مادر خود به ارث نمیبرند و بایـن جهت مسئله ارثی بودن سرطان فوراً و با قاطعیت رد میشود ولی بااینحال ممکن است در وجود برخی از افراد یک خانواده زمینه مستعدی برای بروز بیماری سرطان وجود داشته باشد و بهمین علت است که در برخی از فامیلها سرطان بیشتر و در بعضی دیگر کمتر دیده می‌شود. بهرصورت چون سرطان بیماری شایعی است پیدا شدن موارد متعدد در یک فامیل نیز غیرعادی نیست.

سرطان را چطور تشخیص میدهند؟

تشخیص سرطان امری است کاملا تخصصی و باید توسط پزشک کار شناس بعمل آید و بهترین روش پس از معاینات اولیه برداشتن قسمتی از غده و آزمایش میکروسکپی آنست ولی با اینحال هفت نشانه هشداردهنده نیز وجود دارد که بمحض مشاهده آنها باید فوراً به پزشک مراجعه کرد. این نشانه ها عبارتند از:

۱ — پیدایش غده یا توده سفت در پستان یا نقاط دیگر بدن

۲ — گرفتن صدا یا بروز سرفه های طولانی و بدون دلیل، بخصوص که خون هم همراه خلط آن دیده شود

۳ — اشکال در بلع

۴ — خونریزی و ترشحات غیرعادی از دستگاه تناسلی زن

۵ — ایجاد آشفتگی در اعمال طبیعی معده و روده و مقعد

۶ — خونریزی بدون علت مثانه (وجود خون در ادرار) و ایجاد اختلال و آشفتگی در دفع ادرار

۷ — تغییر ناگهانی در زگیلهای پوستی و زخمهای جلدی و یا ایجاد زخمهای پوستی بدون دلیل که با درمان بهبود نمی‌یابند.

آیا سرطان مسری است

در پاسخ این سؤال باید گفت: تاکنون دیده نشده که هیچیک از افرادی که از بیماران سرطانی مراقبت و یا پرستاری میکنند و یا پزشکانی که با بافت های سرطانی سرو کار دارند به همان نوع سرطان مبتلا شده باشند. در توضیح این مطلب باید خاطرنشان کرد که ترشحات خونی و چرکی که از زخمهای سرطانی خارج میشود نیز اغلب بعلت خونریزی و یا عفونت زخمهاست و با اصل بیماری رابطه‌ای ندارد.

وسایل تشخیص و درمان در ایران

با اینکه رشته سرطان شناسی و درمان آن در علم پزشکی رشته نسبتاً جدیدی بشمار میرود ولی خوشبختانه امروزه وسایل معاینه و تشخیص و درمان آن در ایران کاملا فراهم است و در اکثر شهرهای بزرگ مملکت، کار شناسان تشخیص و درمان این بیماری سرگرم خدمت هستند و بیماران سرطانی را تحت آخرین روشهای درمانی قرار میدهند ودر باره نتیجه درمان نیز باید گفت: همیشه خط مشی درمان بمنظور اخذ نتیجه کامل و ریشه کن کردن بیماری معین میشود و در اکثر موارد که بیماری مراحل اولیه را میگذراند مبارزه با آن با موفقیت همراه میشود ولی در مورد سرطان های پیشرفته اصولا روش درمان جنبه ممانعت از پیشرفت بیماری و مهار کردن غده سرطانی پیدا میکند که آنهم حداقل باعث بهبود موقتی بیمار میشود. بهر صورت سخن آخر اینکه سرطان، بیماری آنچنان مهلکی نیست که شخص مبتلا دست روی دست بگذارد و از زندگی قطع امید کند بلکه بعکس باید به مبارزه با آن برخیزد و با امیدواری کامل معالجات را ادامه دهد چرا که همیشه اینگونه افراد امیدوار در مبارزه با این بیماری موفق تر بوده و هستند.

بقیه در صفحه ۵۹

تصویر و زندگی

خرمهره‌ها. تکه‌های دستی کوچک و خوبی
قیمت پیدا کرده است -- حالا، امروزی‌ها برای
تزئین و آرایش کارهای دیروری‌ها را نمیخرندو
بهمین جهت است که هیچ کس بیکار نیست
پول میخرحد و زندگی در روال طبیعی خود جلو
میرود. قصه دستهائی که سکه‌ها و خرمهره‌ها را
می‌خرد. یعنی از قصه دستهائی که با آنها رنگ و
حال میدهند نیست، آنچه هست بازار داغ عرضه
و تقاضا است. از خرمهره گرفته تا طلا و مروارید.
می‌خرند تا بخود بیاویزند و ربما رسوند....

گرچه دکانش کوچک است و خیابانی، لیکن می‌فهمد، ارز چیست و چگونه میتوان زیر آفتاب گرم پائیزی متاعی عرضه کند و نانی به کف آورد، در دکان کوچکش حتی صرافی می کند، سکه طلا می‌فروشد، سیگار و نوار و حتی اسکناس، حق حریم هم دارد و میخواهد اطرافش امن و امان باشد، به تابلوی آویخته بر دکانش بنگرید تا حدیث مفصل زندگیش را دریابید، آنچه هست شرافت است و کار، برای زندگی بهتر و آینده‌ای روشن‌تر، بچه هایش فردا به او آبادانی عرضه خواهند کرد.... !

دنیای حیوانات، دنیای حیرت انگیزی‌است آنها تیز حس می کنند، قدرت درک دارند و وفادار و فداکارند، بدینگونه است که حس زندگی را در آنها با حرکاتشان درک میکنیم، حرکت شادی آور یک سگ کوچک، فرار یک کبوتر، و خنده شاد، این دو اسب، حالا چه می‌خندند معلوم نیست، گرچه تاعمردارند باید حرکت کنند، لیکن وفایشان آنقدر هست که جز بدست صاحب آب و علف نخورند و بارکش همیشگی او باشند، به خنده‌شان خوب نگاه کنیم حیرت آور نیست؟

◆ پیرمرد، از اقلیم دیگر نمانده، حال و هوای زندگی دارد و از نسل گذشته زحمتکش که نان بی‌منت برایشان لذیذتر است، هرگز از خستگی نایستاده و نان روز از توان بازوی خویش درآورده است، بی‌منت خلق، سبدی بر دوش و مرغی بر دست، متاعی است که همیشه داشته و هرگز گرسنه نمانده، پیرمرد سمبل نسل گذشته است و امروز دست پربار و کارگر، کارگران بجای سبد و مرغ با آهن و آتش درجنگ است که آینده را پرفروغ تر و داغ ترمیکند.

کارمساوی، حقوق مساو

***دبیرسندیکا:**
—«رستاخیز کارگران» تریبون آزاد و شایسته‌یی برای ابراز خواسته‌های قانونی کارگران است.
—محیط کار باید تمیز و هوای کارگاه سالم باشد.

***نماینده کارفرما:**
— کارگر باید از وسایل ایمنی و ماسک‌های بهداشتی استفاده کند.
***نماینده وزارت کار:**
—ارتقاء درطبقه‌بندی مشاغل عوامل خاصی مانند مهارت فنی و کارآئی کارگر را دربرمیگیرد.

حسین حسینی راد دبیرسندیکا:
—پزشک بهداشت کارنداریم، رستوران وآشپزخانه نظافت نمی‌شود، لوله‌های فاضل آب اززیر ناهارخوری عبورمیکند وبوسیله دریچه‌ای که به کف آشپزخانه مربوط است بهداشت کارگران رابخطرمی‌اندازد».

عباس براتی عضوهیئت‌مدیرهسندیکا:
—امکانات ورزشی ما بسیارمحدود است. بسیاری ازکارگران ما بامواد شیمیائی سروکار دارندو باعدم توجهی که نسبت به بهداشت محیط کارولوازم ایمنی میشود دیری نخواهد گذشت کهسلامت برخی ازکارگران این کارخانه کهاکثراجوان وفعالند بخطر خواهد افتاد».

طباطبائی نماینده‌کارفرما:
—آشپزخانه وسالن ناهارخوری مرتب نظافت می‌شود، لوله‌های فاضل‌آب زیرآشپزخانه ربطی به‌سالن ناهارخوری وسلامت کارگران ندارد، وسیله ایمنی نیز بمقدار کافی دراختیار کارگران قرار دارد، منتها آنها بی‌توجه به‌خطری کــــه سلامتشان راتهدید میکند نسبت‌به استفاده از این لوازم بی‌اعتنا وبی‌تفاوتند وازآن استفاده نمی‌کنند».

منصورمیربابائی عضوهیئت‌مدیرهسندیکا:
«اگر ازوسائل ایمنی استفاده نمی‌کنیم پس چگونه هرهفته وسائل کهنه‌رامیاوریم که تحویل بدهیم وجای آنها وسائل تازه بگیریم و هربارنیز دست‌ازپا درازتر بازمیگردیم؟!»

بااین گفتوشنود، بحث دومین میزگرد «کارگروکارفرما» در دفتررستاخیز کارگران آغاز می‌شود. دراین گردهم‌آئی کــــه بیش از ۵۰ دقیقه بـــه طـــول می انجامـــد، حسین حسینی راد، پوران‌عطاریان، منصورمیر—بابائی، محمودمعدنجیان، داود کهن‌ترابی، مرتضی‌نوری وعباس‌براتی دبیر واعضاء هیئت مدیره سندیکای کارگران کارخانه پارس—الکتریک به‌نمایندگی ازسوی کارگران، طباطبائی وحسین‌ایرانی به نمایندگی‌از سوی کارفرما وحبیب‌اله حسامی نماینده وزیر کارو امور اجتماعی رودر روی یکدیگر می‌نشینند تا مسائل ومشکلات ۲۵۰۰ تن کارگراین کارخانه را مورد تجزیه وتحلیل وبررسی قرار دهند.

رستاخیز کارگران:—«باگردهم آئی خانم وآقایان، دومین میزگرد راآغاز میکنیم. طی چند روزی که از انتشار نخستین شماره رستاخیز کارگران میگذرد کارگران کارخانه‌های گوناگون ازسراسر کشوربوسیله نامه وتلفن ازما خواسته‌اند، در میز گرد «کارگر وکارفرما» شرکت کنند وازاین طریق مسائل مربوط به خودرا حل‌وفصل نمایند. ما ضمن سپاس ازاین استقبال ازتمامی کارگران درسراسر ایران می‌خواهیم رئوس مشکلات خودرا در چهار چوب قانون برای ما بنویسند تابه نوبت ازآنان برای شرکت دراین میزگرد دعوت بعمل آیـــد.

* حسین حسینی راد دبیرسندیکای کارگران کارخانه پارس الکتریک:
—«اجازه بدهید بااستفاده از این‌فرصت پیش ازآغاز سخن انتشار «رستاخیز کارگران» را به همه کارگران سراسر کشور تبریک‌بگویم، بنظر من وهر کارگری جای این نشریه درمیان کارگران خالی‌بود، اکنون من بعنوان یک کارگر میدانم که تریبون آزاد وشایسته‌ای برای ابراز خواسته‌های قانونی وحقوق حقه‌ام دراختیارم دارم واکنون نیز به‌همین سبب باهمکارانم به‌این‌مکان آمده‌ام وامیدواره بوانیم‌از این طریق راه‌حل مناسبی برای مشکلاتمان پیدا کنیم.

کارخانه ما ۲۵۰۰ نفرکارگر زن ومرد دارد که بسیاری از آنان در فضائی آلوده کار میکنند، فضائی که به‌آن حساسیت‌دارند و هرلحظه به بیماری تهدیدشان می کند. ما پزشک بهداشت کارنداریم که بموقع این کارگران را از فضای آلوده برحذر دارد. محیط کارما باید تمیز وهوای کارگاه باید سالم باشد. من تصور میکنم این حق کارگر است که از سلامتی‌جسم خود دفاع کند، تابتواند بازده بهتری داشته باشد».

* طباطبائی نماینده کارفرما :— همانطور که‌درابتدای سخن اشاره شدمحیط کارگاههای ماسالم است واگر فضای بعضی کارگاهها کمی آلوده بنظر میرسد کارفرما مقصر نیست. کارگر باید از وسائل ایمنی وماسکهای بهداشتی استفاده کند. تعداد پزشک بهداشت کار در ایران بسیار محدود است، وقت ندارند. ما از کجا پزشک بهداشت کاربیاوریم»
تازه مگر پزشک بهداشت کار چه‌میگوید» نخستین توصیه‌ای که میتواند بکند این‌است که‌از وسائل ایمنی وبهداشتی استفاده شود».

* حسینی راد:—«اگرپزشک بهداشت کار در ایران کم‌است، چه‌اشکالی دارد کارفرما با استطاعت‌مالی‌خوبی که‌دارد وسودی که‌می‌برد یک پزشک متخصص از خارج استخدام کند؟

* طباطبائی :—« من بعنوان نماینده کارفرما فقط میتوانم‌درباره امکانات داخلی حرف بزنم ودر مورد استخدام پزشک از خارج هیچگونه قولی‌ازطرف‌صاحبان کارخانه نمی‌توانم بدهم».

* محمود معدنجیان عضو هیئت مدیرسندیکای کارگران کارخانه : — « مساله دیگری که برای کارگران مامطرح استواحد مدد کاری اجتماعی است. مافقط از «اسم» این واحد استفادمی کنیم، درحالیکه مدد کاران ماعملا در خدمت تلفنخانه وباشگاه بسر می‌برند و وبدین‌ترتیب مشکلات اجتماعی ۲۵۰۰ کارگر عملا لاینحل باقی می‌ماند وباتوجه به‌این موضوع که بسیاری ازکارگرانما بخصوص دختران کارگر در سنین نوجوانی و بلوغ بسر میبرند. این عدم توجه کارفرما عواقب زیان‌باری را ممکنست برای کارگران بدنبال داشته باشد، زیرا کارگر وقتی نتواند باکسی‌مشورت کند ومسائل مربوط به‌زندگی

پوران عطاریان، محمود معدنجیان، حسین ایرانی، مرتضی نوری، حسین راد، منصورمیربابائی، داود کهن ترابی، طباطبائی وحسامی درمیزگرد کارگرو کارفرما.

ی، نه مرد یا زن

خود را درمیان بگذارد ممکن است مسائل غیرقابل جبرانی برایش ببار آید.

* طباطبائی نماینده کارفرما : — اشاره به این مطلب ضروری بنظر میرسد که مسأله مدد کاران اجتماعی وایجاد واحدی از آن در کارخانه یک مسأله کاملا تازه است و کارخانه ما یکی از چند کارخانه‌ای است که بطور داوطلب این واحد را ایجاد کرده است امادر مورد اینکه از مدد کاران در امور دیگری استفاده می کنیم به‌صورتی که آقای معدنچیان اشاره میکنند درست نیست. مدد کاران ما ضمن انجام امور دیگر هرگاه به‌وجودشان در مورد مدد کاری نیاز باشد، در اختیار کارگران هستند. من تصور میکنم آقای حسامی در این‌باره بهتر می‌توانند داوری کنند.

* حبیب‌اله حسامی نماینده وزارت کار :— البته ایجاد واحد مدد کاران اجتماعی در کارخانه‌ها اجباری نیست، اما توصیه شده است کــــه چنین واحــــدی را بویژه در کارخانه‌های بزرگ ایجاد کنند».

* طباطبائی: بهر حال من تصور میکنم مدد کاران ما فعالیت کافی دارند و اگر روزی احساس شود فعالیت بیشتری لازم است، حتماً این واحد را گسترش خواهیم داد.

* [illegible] نوری عضو هیئت مدیره سندیکا [illegible] من میخواهم از آقای طباطبائی سؤال کنم که چرا بیش از ۲۵ درصد کارگران ما فاقد سرویس رفت و آمدند و به آنها [illegible] استفاده از وسائل [illegible] کارخانه را نمی‌دهند؟

* طباطبائی: [illegible] وظیفه دادن سرویس [illegible] کارخانه درست در [illegible] تهران قرار دارد و [illegible] اینکه به همه سرویس داده‌ایم [illegible] آنها خیلی دور [illegible] از طرفی [illegible] اجاره‌ای پیدا نمی‌شود [illegible] پیدا کنید، کارفرما هزینه اجاره‌اش را میپردازد؟

* [illegible] عضو سندیکا:— اکثر اتوبوسهای سرویس کهنه و از کار افتاده‌اند، چرا فکری برای این قبیل وسائل نقلیه نمی‌شود؟

* طباطبائی: [illegible] همه ماهه جلساتی داریم که این نوع مسائل را بررسی میکنند و خود شما در این جلسات شرکت دارید. شما مطرح

بقیه در صفحه ۵۹

کارگربا
وشایست

قربانی‌نسب :— کارگاههای ما هنوز به صورت کامل ماشینی نیست و هنوز دست و فعالیت و احساس کارگر است که چرخ این کارگاهها را به گردش می‌اندازد اما متأسفانه بعضی کارگاههای ما مدیریت خوب ندارند و پاره‌یی از مدیران به علت عدم آموزش نمی‌توانند روابط انسانی مطلوبی را در کارگاهها پیاده کنند و همین عدم روابط انسانی اغلب سبب شده که چنانچه خدای نکرده کارگری کوچکترین تعللی در کارش کرد فی‌المجلس او را اخراج کرده‌اند و او به ناچار به ادارهٔ کار مراجعه می‌کند تا احقاق حق کند.

کارگرانی هستند که هنوز پس از ۱۰ سال یا ۶ سال کار در کارگاهی چون صاحب آنجا حق قانونی او را بطور کامل نداده‌اند هنوز نتوانسته‌اند اززندگی متناسب با امروز برخوردار شوند.

من پیشنهاد می کنم اولا «شورای سازش» که ایجاد آن در قانون نیز پیش بینی شده در کارگاهها ایجاد شوند. بعلاوه از قدرت عمل کافی هم برخوردار باشد و نیز تساوی حقوق نمایندگان کار و کارفرما هم رعایت شود.

بطور مثال با اینکه با توجه به صنعتی شدن مملکت و ارزش یافتن نیروی کار، کوچ کردن کارگر از کارخانه‌ای به کارخانه دیگر امری طبیعی است اما می بینیم که درصد این تعویض جا در بعضی از کارگاهها بسیار زیاد و در بعضی بسیار کم است و بهمین علت می‌تواند تأمین یا عدم تأمین کارگر در این نوع کارگاهها و سازش یا عدم سازش کارگر با کارفرما باشد.

بیمه بیکاری و ماده ۳۳ قانون کار

الداغی:— من فکر می کنم اگر قانون بیمه بیکاری جای ماده ۳۳ قانون کار را که در نتیجهٔ آن کارفرما می تواند در هر زمان و به هر علتی کارگر را اخراج کند بگیرد این مسائل تا حدود زیادی حل شود ولی همانطور که گفته شد مسئله مهم، نبودن مدیریت درست در بعضی کارگاهها است که دو صورت دارد یا کارفرما خود شخص و باوجدانی است ولی نمایندهٔ او بی اطلاع و فاقد سواد کافی درباره مدیریت است و اغلب غرض ورزی می کند یا به عکس خود کارفرما تا دیروز در بازار تجارت میکرده و امروز سرمایه‌ای بهم زده، خود کارفرما شده و کارخانه‌ای تأسیس کرده‌است بدون اینکه حتی یکبار قانون کار را خوانده و به حقوق کارگر آشنایی یافته باشد.

مسئله دیگر آنکه ما تا دوسال پیش هیچ قانونی نداشتیم که کارفرمایی را موظف کند هرچندسال به کارگر اضافه حقوق بدهد ولی از ۲ سال قبل با اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاههای بیش از ۱۰۰ نفر (که امیدوارم این حد نصاب نیز برداشته شود و این قانون شامل کارگاههای کمتر از ۱۰۰ نفر نیز بگردد) کارفرما موظف شده تا به کارگر اضافه حقوق بدهد و سالی یک بار به عنوان هزینهٔ زندگی حقوق کارگر را اضافه کند.

مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت امتناع کارفرما از طولانی شدن سابقهٔ کارگران است. بعضی کارفرماها سعی می کنند با کارگر قرار داد یکساله ببندند و پس از یکسال کارگر جدیدی بیاورند تا به حقوق کارگر قبلی اضافه نکنند.

عدم اجرای قانون کار در بعضی از کارگاههای کوچک به چشم می‌خورد و بیشتر پرونده‌های ما نیز از این گروه است. البته اینمورد را وزارت کار مورد توجه قرار داده و کوشش در جلوگیری از اینگونه تخلفات دارد.

نباید نادیده گرفت که بعضی از کارگران حرفه‌ای ما هم اغلب شکایت نادرست می کنند مثلا عادت به کار ندارند و در مقابل به اخراجشان اعتراض دارند.

مسأله آموزش در کارگاهها

بوربردباری :— باید به مسئله آموزش قانون در کارگاهها توجه بسیار شود در این مورد باید از سالن اجتماعات کارخانه‌ها استفاده کرد و کارفرما را موظف ساخت که در هر هفته حداقل یکساعت کار را تعطیل کند و نمایندگانی از جانب سازمانهای کارگری بیایند، چه برای کارگر و چه برای کارفرما صحبت کنند و وظایف هرگروه را برایشان توجیه کنند.

و چه بهتر که در این مورد از وجود کارگران نمونه استفاده کنند و هر کارگر بداند که با پی‌گیری و شایستگی می‌تواند خود روزی مدیر قسمتی از کارخانه بشود و چه بهتر که کار به این صورت پیش برود، چون لااقل مدیریت کارها به‌دست خود کارگرانی می‌افتد که پس از سالها کار در آن محل به مسائل کارگاه آشنائی کامل دارند.

به آموزش قانون کار در کارگاهها باید توجه بیشتری شود.

عباس میرزایی: من معتقدم که باید در تمام کارگاهها چه بخش خصوصی و چه بخش عمومی چه کوچک و چه بزرگ قدرتی ایجاد شود که اداره کارگاهها سه جانبه از جانب

...ید بداند که با پیگیری
...گی میتواند روزی مدیر شود

نماینده سرمایه، نماینده تولید و مدیریت صورت گیرد. به این صورت این آشنائی با مسائل پی گیر و مداوم می‌شود چون کسانی که به صورت بالا آموزش ببینند همیشه در همان مشاغل باقی نخواهند بود.

*رستاخیز کارگران: ـ یکی از مسائل کارگران ما مسأله مسکن آنها است. شاهنشاه آریامهر بارها تأکید فرموده‌اند که باید در کنار هر کارخانه برای احداث مسکن کارگران اقدام شود. بهتر است نظرات شما را درمورد اقداماتی که بعمل آمده و در آینده باید اجرا شود و بطور کلی مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد بشنویم...

پوربردباری: این نکته مهم است که ایجاد مسکن در مجاورت کارخانه در مرحله اول به سود خود کارفرما خواهد بود. چون از هزینه سرویس ایاب وذهاب که شامل خرید یا اجاره اتوبوس است جلوگیری می‌شود و زمانی را که کارگر باید در اتوبوس بگذارند و ترافیک شلوغ او را خسته کند میتوان برای ورزش و سلامت او مورد استفاده قرار داد، تا کارگر با روحیه قوی و جسم سالم به‌سر کار بیاید.

در اینجا باید به مسئله زمین هم توجه داشت هرچند که ما با مسئله کمبود آب مواجه هستیم ولی باید به تعاونیهای مسکن کمک شود تا بتوانند در زمینهای خارج از محدوده خانه بسازند ودولت نیز به این خانه سازی کمک کند تا این خانه ها با قیمتی عادلانه و قابل پرداخت برای کارگر در اختیار آنها قرار گیرد.

قربانی نسب: ـ در این زمینه فقط توصیه به کارفرما کاری از پیش نمی‌برد بلکه باید اجباری از این لحاظ داشته باشند.

ثانیاً همکاری سایر دستگاهها لازم است تا بتوان وسائل آموزشی و رفاهی را در این محل ها برای ایشان فراهم ساخت.

وام بانک رفاه کافی نیست

الداغی: درمورد خانه‌هایی که خود کارگران می‌خرند باید بگویم که وامی که درحال حاضر بانک رفاه کارگران در اختیار ... می‌گذارد آنگونه که لازم است کافی ... خانه را نمی کند.

*رستاخیز کارگران: ـ در زمینه فروش سهام کارخانه‌های بخش دولتی و خصوصی که به عنوان سیزدهمین اصل انقلاب فرمان آن صادر شده و خوشبختانه موفقیت آمیز بوده بنظر شما از کدام عناصر و عوامل کیفی باجمی باید بهره برد

قربانی‌نسب: مهمترین عامل در اجرای این اصل توجه به مفهوم توجیه کامل آن برای کارگران است تا بدانند واقعا معنی اینکه با پرداخت پولی سهام کارخانه‌ای را می‌خرند چیست.

عباس‌میرزایی: ـ باید ترتیبی داده‌شود که کارخانه‌های بخش دولتی که سهامشان قابل فروش نیست از سهام کارخانه‌های بخش خصوصی درشرایط مساوی استفاده کنند به هر صورت نقش مطبوعات را در روشن ساختن جزئیات این برنامه برای کارگر نباید نادیده گرفت.

*رستاخیز کارگران: ـ در مورد زنان کارگر ما توجه به اینکه در حال حاضر برای پیشرد امور صنعتی با کمبود نیروی انسانی مواجهیم تا بحال چه برنامه هائی برای آموزش حرفه‌ای وصنعتی آنها اجرا شده است؟ و همچنین با توجه به‌این که هنوز زن کارگر ما باوسایل صنعتی آشنایی ندارد چه برنامه هایی برای تشویق و علاقمند ساختن زن کارگر به امور صنعتی لازم است

عباس میرزایی: ـ تا چند سال پیش ما با کمبود مدارس حرفه‌ای روبرو بودیم و هنوز درمورد زنان تا حدودی با این کمبود مواجه هستیم.

لازم است تا از طریق آموزش درمدارس دختران مملکت با امور صنعتی آشنایی یابند. اما درمورد زنانی که اکنون در کارگاهها به کار مشغول‌اند این وظیفه کارفرما است باید در ساعات فراغت در کارگاهها به زنان کارگر آموزش صنعتی داده شود و مزایایی برای ایشان در نظر بگیرند. به‌این صورت زنان کارگر در امور صنعتی وارد شده و کمبود نیروی انسانی را تاحدی جبران سازند.

الداغی: ـ مهمترین نکته برای جذب زنان به امور صنعتی ایجاد تسهیلات رفاهی کافی و لازم در کارگاهها و مهمتر از آن فراهم ساختن بازار کار برای ایشان و ایجاد مهد کودک درمناطق کارگرنشین وشیرخوارگاه در کارگاهها است.

زنان کارگر ما هنوز از نیروی فعال خود غافلند دراین مورد نقش زنان سپاهی را در آموزش کارگران و کنار گذاشتن تعصبات بی‌جا نباید نادیده گرفت.

*رستاخیز کارگران: ـ برای اجرای هر چه بهتر اصل چهاردهم انقلاب یعنی مبارزه با گرانفروشی کارگران ما که علاوه بر کار تولید، خود گروه عظیمی از مصرف کنندگان را نیز تشکیل میدهند چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟ ودرمورد گسترش شرکتهای تعاونی در سطح مملکت برای بهبود حال این دسته چه باید کرد

قربانی نسب: ـ بنظر من نباید نقش مؤثری را که کارگران این مملکت میتوانند در پیشبرد اصل چهاردهم انقلاب داشته باشند ازنظر دور داشت. ما امیدواریم روزی برسد که در نتیجهٔ این کوششهای پی‌گیر اتیکت روی اجناس قیمت واقعی را به مصرف کننده‌نشان دهد و دیگر احتیاجی به چانه زدن یا نخریدن جنس نباشد.

تا آنروز من معتقد به گسترش و ایجاد هرچه بیشتر شرکتهای تعاونی مصرف درمملکت هستم البته به این شرط که قیمت اجناس آن واقعا ارزانتر باشد. ما اکنون دربعضی موارد مشاهده می کنیم که جنس این تعاونیها را کارگر می تواند با همان قیمت از بقالی محل خود خریداری کند با این تفاوت که اغلب بقالی محل به او نسیه هم میدهد که این کار در خرید از این شرکتها قبول نیست. با این حساب لازم است که دولت هم در این شرکتها سرمایه‌گذاری بیشتری بکند تا با کمک مالیاتی که از کارگران گرفته می‌شود جنس واقعاً ارزان به دست کارگر برسد.

کارگران باید دانش خرید داشته باشند

الداغی: ـ ما درحال حاضر اتحادیه‌ای به‌نام «اتحادیه‌امکان» داریم که ۶سال از تأسیس آن میگذرد هرچند که تا بحال نتوانسته آنطور که باید و شاید نظر کارگران را جلب کند ولی نباید فعالیت‌ها و جنبه های مثبت کار این اتحادیه ها را نیز نادیده گرفت.

اما مسئله‌ای که اینجا مطرح است تشریفات خاصی است که کارگران برای استفاده از این تعاونیها باید رعایت کنند مثلا کارگرانی میتوانند از این اجناس استفاده کنند که قبلا در کارخانهٔ خود شرکت تعاونی تشکیل داده باشند و چون این شرکتهای تعاونی فقط یک

بقیه در صفحه ۸۴

من خو...
پسر بچ...

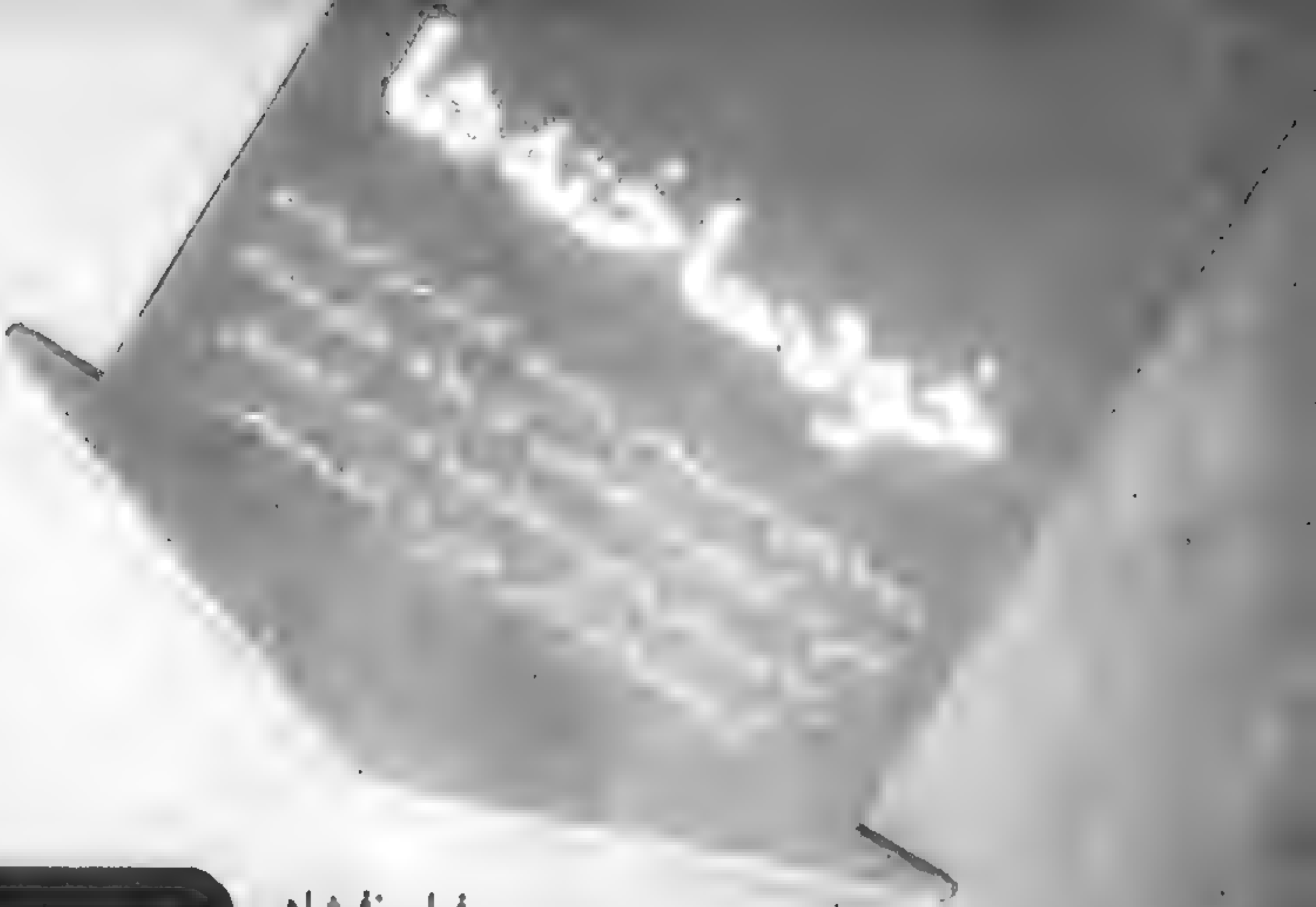

فرامرز فرشاد

چه کسی باور می کرد پسر کشاورز ساده ای مانند من روزی به تحصیلات عالیه برسد و برای جامعه خود عنصر مفیدی باشد

« در آن روزگار زندگی سخت بود ، روستائی بودن جرم بود ، کارگری کردن ، جان کندن بود ، زمانی که من در یکی از روستا هـــای اصفهان متولد شدم ، پدرم مزرعه کوچکی داشت که از بام تا شام در آن عرق میریخت ، تلاش میکاشت و رنج « درو » میکرد ، بیماری و بیسوادی و گرسنگی همچنان بهمراه مردم منطقه ما بود ، هنگامیکه من هفت زمستان سرد و هشت تابستان داغ را ، تجربه کرده بودم در هشت سالگی به یاری یکی از خویشان شهری ، کارگر کارخانه ریسندگی « نـــور » اصفهان شدم ، از سپیده دم تا غروب آفتاب یک روز کار بود و شب هنگام ۲/۵ ریال مزد کارم را درمیان انگشتان خسته ام میفشردم.

درس خواندن را دوست داشتم ، لبـــاس « کازرونی » خاکستری رنگ بچه های مدرسه را می پرستیدم دلم میخواست روی تخته سیاه دبستان صدها بار اسمم را با گچ سفید بنویسم و کتابهایم را درون « جا کتابی » میز مدرسه جای دهم و حتی خانم آموزگار « مداد شش پر » لای انگشتانم بگذارد . تمام رؤیای من ، بی آنکـــه هرگز لذت نشستن روی نیمکت مدرسه را تجربه کنم در « مدرسه » خلاصه میشد . و « اشناور » کارشناس آلمانی کارخانه « تشنگی » مرا دریافت و تحسینم کـــرد ، با نیمی از حقـــوق ماهانه ام معلم خصوصی زبان گرفتم ، شب تـــا دیرگاه « واژه ها » را مینوشتم و روزها « اشناور » مرور میکردم.

در ده سالگی مأمـــور تعمیرات جـــزئی ماشینهای کارخانه بودم و یازده سالم بود کـــه با یک امتحان وارد کلاس چهارم شدم و ســـال بعد در دبستان شبانه ملی « گل بهار » اصفهان با ماهی ۳۵ ریال نام نویسی کردم ، دوازده ساله بودم که آتش جنگ جهانی دوم به ایران رسید . « اشناور » ایران را ترک کرد ، تمام کارشناسان آلمانی رفتند ، کارخـــانه دگـــرگون شد ، صاحب کارخانه مرا که ۱۲ ساله بودم احضار کـــرد صورتش را لبخندی ساختگی پوشانده بـــود ، از من خیلی تعریف کـــرد و گفت « برای خودت مردی شده ای » و بعد خندید و گفت « میخواهم مزدت را زیاد کنم »

خوشبخت ترین پسربچه ۱۲ ساله دنیا

لحظات اول کــه وارد اطــاق صــاحب کارخانه شدم سخت ترسیده بـــودم ، فکـــر میکردم میخواهد بیرونم کند . امـــا وقتی حرفهایش را شنیدم خوشحال شدم و برای چند لحظه تمام رؤیاهائی را که از پیش تصویر کرده بودم مجسم کردم و لحظه ای بعد بـــا سمت تنها مکانیک ماشین های نساجی کارخـــانه از پله های دفتر رئیس پائین آمدم . آنـــروز من خوشبخت تـــرین پسر بچـــه ۱۲ ساله دنیا بودم . اخبار جنگ هر روز هولناک تر میشد ، وطـــن مـــا بوسیله نیـــرو هـــای بیگانه اشغال شده بـــود ، کارخانه های مختلف دنیا تولید روزمره خود را رها کرده و فقط جنگ افزار می ساختند . آذوقه کم بود ، پارچه وارد نمی شد ، بدستور دولت آهنگ تولید کارخـــانه نساجی مـــا سریع تـــر شد ، ماشین های نساجی ما فرسوده بود و هر روز نیـــاز بیشتری بـــه تعمیر می یـــافت ، شب و روز تلاش میکـــردم . بـــه صدای یکنواخت ماشین هـــا عـــادت کرده بـــودم ، تمـــام کـــــوششم این بود که حتی یک ماشین برای یکـــ لحظه از صدا نیافتد ، مانند رهبر ارکستری شده بودم که سعی داشت نوای تمام ساز های ارکسترش هم آهنگی داشته بـــاشند و بمحض اینکه یکی از دستگاههای بافندگی صـــدای موتـــورش تغیر میکرد میدویدم و نقص ماشین ها را برطرف میکردم.

احساس میکردم آدم مهمی شده ام ؛ همه بـــه من احترام میگذاشتند ، دیگـــر کسی مـــرا « آقای پسر » خطاب نمی کرد از کارم راضـــی بودم و خود خوانـــدن درس را بـــا علاقه و « ولـــع » خاصی دنبال میکردم ، در سال ۱۳۲۷ دستمـــــزد روزانـــــــه ام به ۵۵ ریال رسید و توانستم اتاقی در اصفهان اجاره کنم و زمانی را که صرف رفت وآمد به کارخانه میکردم به مطالعه بیشتر اختصاص دهم . »

« عبدالعلـــی عمـــرانی » مدیر عامل سازمـــان تـــأمین اجتماعی و کارگر خـــود

شبخت‌ترین
ه۱۲ساله دنیا بودم

وقتی احساس خوشبختی کردم که دیگر کسی مرا «آهای پسر!» صدا نمی کرد

درمدت دوسال تحصیل در انگلستان بخاطر صرفه‌جوئی حتی یک فیلم سینمائی ندیدم.
باروزی ۵/۲ ریال حقوق استخدام شدم و با نیمی از دستمزد ماهانه‌ام معلم خصوصی زبان گرفتم

ساخته این شماره مجله رستاخیز کارگران، درسال ۱۳۲۸، باعنوان شاگرد ممتاز درامتحانات نهائی متفرقه اصفهان موفق به اخذ دیپلم شد و در همان سال ازطریق شرکت در کنکور اعزام دانشجو (در رشته نساجی) عازم «منچستر انگلستان شد او دراینباره میگوید:

تحصیل درانگلستان

«من تنها کسی بودم که در آن سال از عهده امتحانات اعزام در اصفهان برآمدم و چند ماه بعد به خرج وزارت کار وتبلیغات آنزمان به «منچستر» اعزام شدم، هزینه تحصیل، خوراك،پوشاك و مسکن من به عهده دولت ایران بود که مبلغ ۲۵ پوند درماه گاهی با تأخیر، ازطریق کنسولگری ایران به من پرداخت میشد، آن پول با آنکه در آنزمان رقمی به حساب میآمد، تکافوی مخارج مرا نمی داد و من ناگزیر بودم نهایت صرفه جوئی را در مخارج خود بکنم تا جائیکه به خود اجازه ندادم در تمام مدت دوسال‌حتی به تماشای یک فیلم سینمائی بنشینم. دوسال در کالج تکنولژی منچستر و «تکنیکال کالج‌ـ بولتون» تحصیل کردم و دراین مدت مقدمات مهندسی نساجی را خواندم.

اواسط سال ۱۳۳۰، دولت وقت ایران به علت ضعف مالی بورس مرا تمدید نکرد و من ناگزیر، با تحصیلات ناتمام به ایران باز گشتم و بخاطر دانشی که در زمینه بیمه های اجتماعی کارگران داشتم به استخدام صندوق تعاون و بیمه کارگران در آمدم آنوقت ها در تهران هیچکس را نمی شناختم، نه خانه‌ای داشتم ونه وسیله‌ای ناگزیر با کمک یکی از همکارانم و پس از سه چهار روز جستجو، دو اتاق در خیابان تهران نو که در آن زمان بیابانی بیش نبود، اجاره کردم و با خرید وسائل ضروری، زندگی تازه‌ای را درپیش گرفتم.

صبح ها پس از طلوع آفتاب بیدار میشدم، ورزش میکردم، میدویدم، نماز میخواندم و در هوای لطیف صبحگاهی پیاده میرفتم تا به اولین ایستگاه اتوبوس برسم، آنوقتها تهران چنین شلوغ نبود، هرچند لحظه، یک اتومبیل با سرعت میآمد و با سرعت دور میشد کمی درصف اتوبوس می‌ایستادم با مردم سلام وعلیک میکردم، آنها را دوست داشتم، احساس میکردم همه ازیک خانواده‌ایم یکسال‌ونیم این برنامه را تکرار کردم و درطول این مدت بابسیاری ازمردم آشنا شدم که خاطره انگیزترینشان آشنائی با روانشاد قمرالملوك‌ـ وزیری بود.

قمر که درآن هنگام‌آخرین‌سالهای زندگی‌را می‌گذرانید، هر روز صبح زود بالباس تیره و روسری گلدار، زنبیل بدست ازخانه خارج میشد و درصف اتوبوس می‌ایستاد، بی آنکه کسی اورا بشناسد من بارها به اوسلام گفتم و اوباگرمی ولبخند سلام مرا پاسخ میدادوگاهی دراتوبوس جایم را به او میدادم و یا کنار هم می‌نشستیم، اما هرگز از زندگی سختی که داشت برایم سخنی نمی‌گفت، قمر در تهران نو دریک خانه اجاره‌ای زندگی میکرد، درواپسین روزهای عمر در فرصتهای معدودی به عیادتش میرفتم، اغلب ساکت بود و به گذشته های دورخود فکرمی کرد واگر حالی میداشت، صفحه‌ای از تصنیف های قدیمی خود را ازمیان بقچه سوزن دوزی شده بیرون میاورد و به سوزن گرامافون کهنه‌ای می‌سپرد و بهمراه طنین صاف صدای از دست رفته‌اش آرام وبی صدا اشك میریخت، گوئی در آن لحظه ها حضورمرا احساس نمی کرد».

حیدرقلی عمرانی، بنا به گفته دوستانش، درسالهای ۱۳۳۰، تنها کسی بود که در زمینه بیمه های اجتماعی کارگران اطلاعاتی داشت و بهمین سبب پس ازورود به ایران و استخدام در سازمان صندوق تعاون و بیمه کارگران به سمت معاون تعاون و بیمه شهرستانها منصوب شد و از آن پس با تلاش ومطالعه مدارج ترقی را یکی بعد ازدیگری پیمود و هرگز دست ازآموختن دانش بر نداشت و درسال ۱۳۴۷، این روستائی زاده و کارگر خودساخته اصفهانی موفق شد در رشته اقتصاد دکترا بگیرد و خود او دراینباره میگوید:

«هرگز عطش آموختن درمن فرو ننشسته است، بسیاری ازمسائل این دنیای بزرگ برای من مجهول و ناشناخته باقی‌مانده است و از هر فرصتی بهره میگیرم تا بیشتر بدانم و حس میکنم هنوز درمن قدرت آموختن وجود دارد، درتمام طول زندگی کارگری و کارمندی اوقات فراغتم را جز در راه مطالعه صرف نکرده‌ام و به این اصل مهم معتقدم که انسان در هر موقعیت ومقامی بیش از هرچیز به دانش وشناسائی اطراف خود نیازمند است زیرا هیچ چیز لذت‌بخش تر از دانستن و هیچکس بی‌نیاز ازدانش نیست حالا خواه کارگرباشد، خواه کارفرما یا معمارد».

دوران کودکی عمرانی

پدر حیدرقلی عمرانی در باره پسرش میگوید:

ـ حیدر در هشتسالگی برای خود هدف داشت «اومیخواست سری توی سرها در بیاورد و آدم مفیدی شود» سعی میکرد به خانواده‌اش تحمیل نشود، اصولا با تمام بچه های هم‌سن و سال خودش فرق داشت، اهل بازیگوشی و شیطنت نبود، ازشش سالگی در کارهای‌مزرعه کمک میکرد و در هر فرصتی روی تشکچه تنها مکتب ده می‌نشست و سعی میکرد بیاموزد، هر پولی‌که بدست میاورد صرف خرید مداد و کاغذ می کرد بهمه در ودیوار خانه گلی ما نامش‌را می‌نوشت وبارها برسراین موضوع تنبیه شده‌بود.

درحقیقت باید بگویم که سرنوشت از روز اول اورا به چشم دیگری می‌نگریست، چه کسی باورمیکرد پسر کشاورزساده ای مثل من روزی به تحصیلات عالیه برسد و برای اجتماعش مرد مفیدی شود، گرچه یک کشاورز هم برای اجتماعش مفید است.

درآنزمان وسیله فراهم نبود مدرسه و دانشگاه نبود، اصولا روستائیان و کارگران در اجتماع موقعیت و مقامی نداشتند، امروز است که همه چیز شسته ورفته در اختیار همه مردم است، امروز است که درخانواده های کشاورز یا کارگر دانشجوپیدا می‌شود، سابق براین، این خبرها نبود، هرکسی در روستا متولد میشد محکوم بود که پشت گاو آهن بنشیند زمین راشیار کند، آبیاری کندتا نان زن وبچه‌اش را از دل زمین بیرون بکشد».

اتومبیل گرانقیمت صاحب کارخانه

کارگر خود ساخته ما درباره تلخی‌های زندگی خود میگوید:

بقیه درصفحه ۵۹

مفهوم «تولید و مصرف» را بدانیم!

* کار دومین اصل تولید است
* در اقتصاد قدیم سرمایه نقش چندانی نداشت

تولید فعالیتی است که طی آن پدیده‌ای به شکل یا صورتی در می‌آید که میتواند پاسخگوی یکی از نیازهای انسانی باشد.

به بیانی دیگر تولید فایده آفرینی بوسیله تغییر دادن در شکل و یا بافت اشیاء است و اگر همکاری اجتماعی که تولید بوسیله آن صورت می‌گیرد وجود نداشته باشد، تولید نیز تحقق نخواهد یافت.

ابزار و وسایلی که بکار گرفته میشوند، سرمایه‌ایکه مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا کارگرانی که در امر تولید شرکت دارند هر کدام عناصری اجتماعی‌اند.

تولید باید دارای هدف مشخص و معین باشد. علاوه بر فعالیتهای جسمانی فعالیتهای ذهنی وابتکارات فکری گوناگون نیز از کارهای تولیدی بشمار میروند. اشخاصی که در تولید یک کالا سهم فکری و یا مادی دارند، تولید کننده نامیده میشوند. بعبارت دیگر تولید کوشش است برای فراهم کردن چیزهایی که در طبیعت به شکل دلخواه انسان وجود ندارد.

عوامل تولید عبارتند از: ۱- طبیعت ۲- کار ۳- سرمایه

۱- طبیعت

نخستین و مهمترین منبع تولید، طبیعت است و تولید از کار کردن بر روی نیروها و مواد خام طبیعی و تغییر دادن شکل آنها بوجود می‌آید. منظور از طبیعت، خاک، آبهای جاری، دریاچه ها، جنگلها، رودخانه ها، محصولات آبی وجنگلی، معدن های زیر زمینی وروی زمینی، آبشارها وحتی شرایط جغرافیایی و حیوانات وگیاهان هستند.

نا گفته نماند که فعالیتهای اقتصادی و تولیدی در اجتماعات ابتدائی یا بدوی وابسته و تابع بخششهای طبیعت بوده است. میوه های مختلف جنگلی، حیوانات شکاری، ماهیهای دریاها و دشتهای سرسبز اساس فعالیتهای تولیدی را در این اجتماعات بوجود می‌آوردند ولی با گسترش تمدن شهرنشینی شکل تعدد اجتماعات بدوی و وابستگی آنها به طبیعت تغییر یافت. در اقتصاد میان درجه شهرنشینی یک جامعه و بهره‌برداری طبیعی موجود آن جامعه بستگیهای مستقیمی وجود دارد.

پیشرفت شهرنشینی عناصر طبیعی را ارزشمند کرده است. بطوریکه با فراهم آوردن عناصری دیگر و همچنین افزودن آنها، میزان محصولات طبیعی را افزایش داده و یا جنس آنها را بهتر کرده است. افزوده شدن عامل انسانی به عناصر طبیعی سبب شدن کانالها برای مبارزه با خشکسالی و پرورش حیوانات و گیاهان در سطحی که بی‌سابقه است، دست انسان را در بهره برداری از محصولات طبیعت بازتر کرده است.

۲- کار

کار دومین اصل تولید است. و بر دو گونه است: ۱- کاری که ایجاد خستگی بدنی می‌کند و یا نیروی بدنی بستگی دارد مانند کار یک کارگر در یک کارخانه یا کار یک باربر که کار جسمی بشمار می‌رود. ۲- کار فکری. که این نوع کار با نیروی جسمی بستگی ندارد مانند کار یک نویسنده، شاعر، موسیقی‌دان و یا کار یک مهندس طراح، مثل نقشه کشی وطرح ریزی. بهرصورت کار در تولید اهمیت فراوانی دارد زیرا در اصل طبیعت یک منبع ثروت دست نخورده است و آنچه که بهره‌برداری از ذخایر و محصولات طبیعت را امکان‌پذیر میسازد، کار انسانی است هرچند که طبیعت بسیار ثروتمند و حاصلخیز باشد.

در دوره های «اقتصاد نخستین» کار فقط بصورت «کار جسمانی» بود ولی پس از آنکه در اجتماعات دگرگونی و تحول بوجود آمد، در بسیاری از موارد حیوانهای اهلی نیز شریک کار انسانها شدند و با پیشرفت و تکامل ابزار هائی که به منظور تولید بکار می‌رفتند، بازده تولیدی افزایش یافت و سپس بتدریج، با پیشرفت شهرنشینی، فعالیتهای فکری نیز اهمیت خود را نشان دادند و به فعالیتهای جسمی افزوده شدند. افراد متخصص کارهای فکری کارخانه ها را بعهده گرفتند و با طرح نقشه ها و پیش بینی نتیجه های کار و تولید، هزینه های کارگاه و دیگر امور مربوط به کار را انجام دادند. برخی از جامعه شناسان با درنظرگرفتن اهمیت نقش کار در تولید، آنرا اساس و پایه تمام فعالیتهای اقتصادی دانسته‌اند.

۳- سرمایه

سرمایه عبارات از هر نوع دارائی است که بتواند ثروت تازه ای ایجاد کند». درآغاز ابزاروآلات تولید، مواد خام، کارخانه ها، وسایل و تاسیسات حمل و نقل و پس از آن، زمینها، ساختمانها، و همچنین برخی از حقوق قانونی نیز درشمار سرمایه بحساب آمدند. در اقتصاد نخستین»، نقش سرمایه در کار تولید بسیار ناچیز و تقریباً هیچ بود. انسان عهد قدیم غذای روزانه خود را همان روز تهیه می کرد و همان روز به مصرف میرساند اما در روزگار ما سرمایه نقش مهمی پیدا کرده است تولیداتی مثل زغال سنگ، نفت، آهن وفولاد، به سرمایه های بزرگی نیاز دارند. خریدار کالایی که در یک کشور تولید می‌شود ممکن است در یک کشور دور دست باشد و همینطور ممکن است مواد خامی که در تولید همان کالا بکار رفته از یک کشور دیگر تهیه شده باشد و بهمین جهت سرمایه نقش ارزنده‌ای در تولید پیدا میکند بطوریکه گفته میشود، زمان، زمان حاکمیت وحکومت سرمایه ها بویژه سرمایه های بزرگ

بقیه درصفحه ۵۹

کنتورهای اندازه‌گیری حجم

*** کنتوردیسکی، برای جریان های کم**
*** کنتورتوربینی، برای جریان های زیاد**

برای اندازه گیری حجم گاز یا مایعات در لوله ها از کنتور استفاده می‌شود واین وسیله در یک‌زمان معین مقدارسیالی را که ازلوله‌می‌گذرد ثبت میکند کنتورها ازنظرطرز کار به دو دسته تقسیم می‌شوند:
۱- کنتورهای حجمی
۲- کنتورهای سرعتی

۱- کنتورحجمی دارای مخزنی است با حجم ثابت و تعداد دفعاتی که مخزن پروسپس خالی می‌شود، نمایانگر مقدارمصرف است. این تعداد بوسیلهٔ محوری که به چرخ دنده‌های گوناگون وصل است بر روی صفحه‌ای مدرج، منعکس میشود و مقدارمصرفی را برحسب مترمکعب و اجرای آن یا فوت مکعب و یا واحدهای کمتر نشان می‌دهد.

کنتورهای حجمی بیشتر درجریانهای کم مورد استفاده قرار می‌گیرند و انواع آنها عبارتند از:

کنتور گردشی، کنتور نوسانی، کنتوربا رقص محوری و کنتورپیستونی که کنتوربارقص محوری دیسکی در شکل ۱ دیده می‌شود.

۲- در کنتورهای سرعتی، سیال از یک سطح مقطع ثابت عبورمی کند و مقدارمصرفی را می‌توان با حاصل ضرب سطح مقطع در سرعت سیال بدست‌آورد.

در این کنتورها، سرعت‌سیال به دور تبدیل می‌شود که این دور، درچرخ دنده‌ها به مترمکعب یا فوت مکعب تبدیل شده وسپس روی صفحه کنتورمنعکس می‌شود.

کار برد این کنتورها درجریانهای زیاد است. درشکل ۲) نوعی از کنتورهای سرعتی به نام «توربینی» دیده‌میشود.

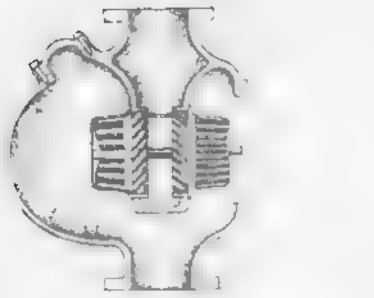

شکل ۱

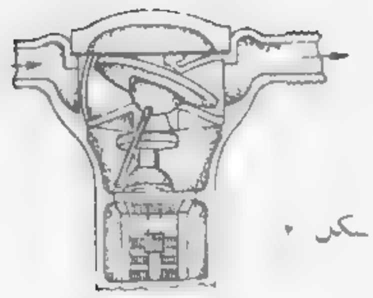

شکل ۲

***وسیله ای‌جدیدبرای‌دقت‌درخراطی**

تیردای ساخته شده است که روی ماشین خراطی نصب میشود واز حرکت نامنظم قطعه کار جلو گیری میکند. بلبرینگ‌های گیره خیلی نرم هستند و هیچ اشکالی در چرخیدن چوب بدور خودش ایجاد نمی کنند.

اتصال برق مهمترین عامل آتش سوزی در کارگاهها...

*** مواد الیاف‌دار، مایعات‌قابل اشتعال بسادگی ایجاد آتش‌سوزی می کنند.**

*** مواظب باشید سیم برق یا کابل سالم و بدون پارگی و پیچ خوردگی باشد.**

*** لامپ های روشنائی کارگاهها باید در پشت پوشش حفاظتی آب‌بندی شده قرارگیرند.**

در کارگاههاوحتی درمنازل‌ووسایل نقلیه، گاهی آتش‌سوزی خفیفی بوجود میآید که بارها منجر به آتش سوزی های بزرگ و خسارات‌جانی ومالی فراوان شده است درحالیکه با توجه‌به نکاتی ساده ولی مهم میتوان از بروز آتش‌سوزی درمحیط کارومحل زندگی جلوگیری کرد.

در کارگاهها مأمور حفاظت موظف است که بطورمداوم اگهی ها ، پوسترها و شعارهای حفاظتی را کنترل واز نصب و سالم بودن آنها آگاهی پیدا کند.

استعمال دخانیات ممنوع «رایج‌ترین شعاری است که به دراماکنی که درآن‌احتمال بروزحریق وجود دارد نصب میکنند.

این پیام ها باید درمحل‌مناسب و درمعرض دید همه افراد قرارگیرد و همچنین بطورواضح و خوانانوشته شده باشند.

ضمناً باید توجه داشت که درخروجی اضطراری و راه فرار کارگران بانصب اعلان (خروج اضطراری)مشخص شده باشد تا بتوان بدون‌مانع و به‌آسانی هنگام بروزحریق، انفجارو غیره ازآن درخارج شد.

این موضوع بسیارمهم است که درخروج اضطراری باید از داخل بخارج کارگاه بازشود. زیرا هنگام هجوم کارگران باز کردن در باعث اتلاف وقت‌وایجاد مشکل میشود.

علل آتش سوزی‌واستفاده‌ازوسائل خاموش کننده

مهمترین‌علل‌وعوامل‌آتش‌سوزی‌عبارتنداز:
۱—سیگار روشن، شعله کبریت،شعله گاز، چراغ نفتی، کوره و بخاری.

۲—جرقه هائی که ازاتصالات الکتریکی، قوس الکتریکی جوشکاری بوجودمی‌آیند.

۳— حرارت شدید دراثر اصطکاک باتاقان و محورهای انتقال نیرو و آتش گرفتن ذرات‌قابل اشتعال که روی آن نشسته است . اصولامواد قابل اشتعال را میتوان به سه گروه تقسیم کرد :
گروه اول —مواد الیاف دار قابل اشتعال مانند: چوب و کاغذ، پارچه و پشم و پنبه.

درشماره آینده دنباله بحث را ادامه می‌دهیم

اجزای ثابت موتور اتومبیل کدا

با موتور اتومبیل و انواع آن در شمارهٔ گذشته آشنا شدیم. حال به شناخت قطعه ها و اجزای تشکیل دهندهٔ موتور می‌پردازیم و با ارائه تصاویر و شکلهای گوناگون سعی می‌کنیم، مطلب را رساتر بیان کنیم. بطور کلی قسمتها و قطعه های موتور به دو دستهٔ «ثابت» و «متحرک» تقسیم میشود.

*اجزای ثابت موتور

این اجزاء سر سیلندر، واشر سرسیلندر و بدنهٔ سرسیلندر، سیلندر و کارتر را شامل میشوند.

۱ — سرسیلندر: سرسیلندر در واقع درپوش سیلندر است و جنس آن چدن یا آلومینیم بوده و بستگی کامل به ساختمان موتور، اتاق احتراق، محل سوپاپها، انژکتور (سوخت پاش) و شمع دارد و در داخل آن حفره هایی برای آب و روغن درست شده است.

سیلندر و سرسیلندر باهم، اتاقک انفجار موتور یا جایی‌را که مخلوط هوا و ماده‌ی سوختنی در آن می‌سوزد به وجود می‌آورند اگر جای سوپاپها در بدنهٔ موتور پیش بینی شده باشد، ساختمان سرسیلندر ساده بوده وشامل اتاقک انفجار راههای عبور آب ترموستات برای دستگاه خنک کننده و جا برای شمعها می‌شود. در موتورهایی که سوپاپها در سرسیلندر، جا سازی می‌شود ساختمان سرسیلندر پیچیده‌تر می‌شود زیرا نه تنها شامل تمام قسمتهای سرسیلندر قبلی است بلکه جای سوپاپها، نشستگاه و کنار انداز مکانیکی سوپاپها نیز در آن قرار میگیرد.

برای سبکی سرسیلندر و جلوگیری از خطر های احتمالی نظیر ترک خوردن و تاب برداشتن، سرسیلندر موتور های بزرگ را چند تکه می‌سازند. سرسیلندر بوسیلهٔ پیچهایی به سیلندر متصل و محکم می‌شود و بین این دو همیشه واشری از جنس پنبهٔ نسوز در داخل علافی از فلز نرم (مانند مس) قرار میگیرد. هنگامیکه پیچهای سرسیلندر را محکم می کنیم این واشر در اثر فشار ناشی از محکم کردن پیچها، فشرده شده، درنتیجه تمام ناهمواریها و ناصافیها را می پوشاند. همچنین فضای بین سیلندر و سرسیلندر و مجرای عبور گاز و آب را نسبت به هم آب‌بندی می کند.

در اکثر مواقع برای سفت کردن پیچهای سرسیلندر، کارخانه های سازنده ترتیب خاصی پیشنهاد می کنند که معمولا ابتدا از وسط شروع شده و به پیچهای انتهای سرسیلندر ختم می‌شود اندازه سفت کردن این پیچها نیز مشخص شده که باید به همان اندازه محکم شود. شکل ۱ طرز سفت کردن پیچهای دو نوع سرسیلندر را نشان می‌دهد.

۲ — سیلندر: سیلندر لوله‌ای استوانه‌ای شکل چدنی است که دو طرف آن کاملا تخت است و در بیشتر مواقع ۴ یا ۶ یا ۸ سیلندر در بدنه‌ی موتور قرار دارند (شکل ۲) بطور کلی: سیلندرها محفظه‌های خالی در بدنه موتور اتومبیل هستند که تعدادشان متفاوت است.

۳ — واشر سرسیلندر موقع بستن، سرسیلندر بین بدنه موتور و سیلندرها یک واشر قرار می‌دهند و این به آنجهت است که دو قطعه بخوبی روی هم جفت شوند و هیچگونه شکافی بین آنها بوجود نیاید (شکل ۳

جنس واشر سرسیلندر از «فولاد»، «مس و برنز با پوششی از ترکیب اسبستو است. در واشر سرسیلندر سوراخهائی متناسب با سوراخهای موجود در بدنه و سرسیلندر قرار داده شده است تا جریان آب در موتور، دچار اشکال نشود.

۴ — بدنه (بلوک) سیلندر: بلوک سیلندر تشکیل شده از قطعه یک پارچه‌ای که سیلندر ها را درخود جای می‌دهد. بلوک سیلندر (که بدنه‌ی موتور هم گفته می‌شود) ممکن است همراه با محفظه میل لنگ یک پارچه یا مجزا ریخته شود (به شکل ۵ و ۶ مراجعه شود.)

جنس بدنهٔ سیلندر از چدن و آلومینیم است که البته اگر از آلومینیم ساخته شود، برای استقامت داخل بدنهٔ سیلندر در برابر سایدگی، از پوششهای چدنی یا فولادی استفاده

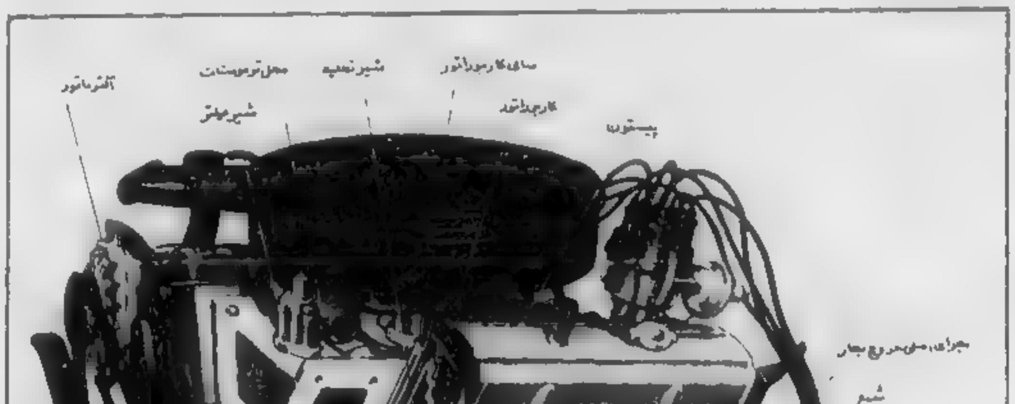

سکل ۵

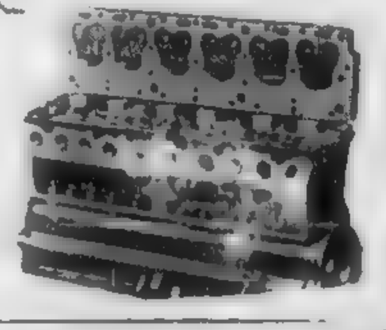

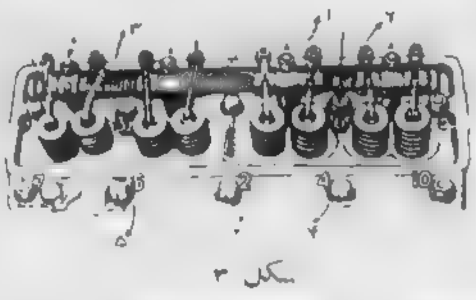

سکل ۳

سکل ۴

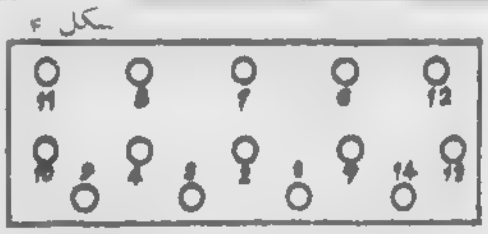

سکل ۱

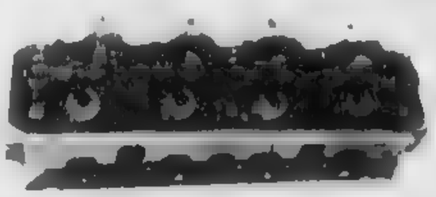

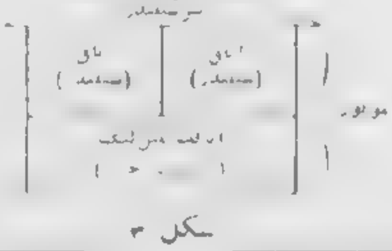

سکل ۳

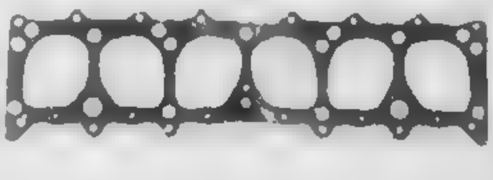

سکل ۲

اتومبیل چیست؟

مند؟

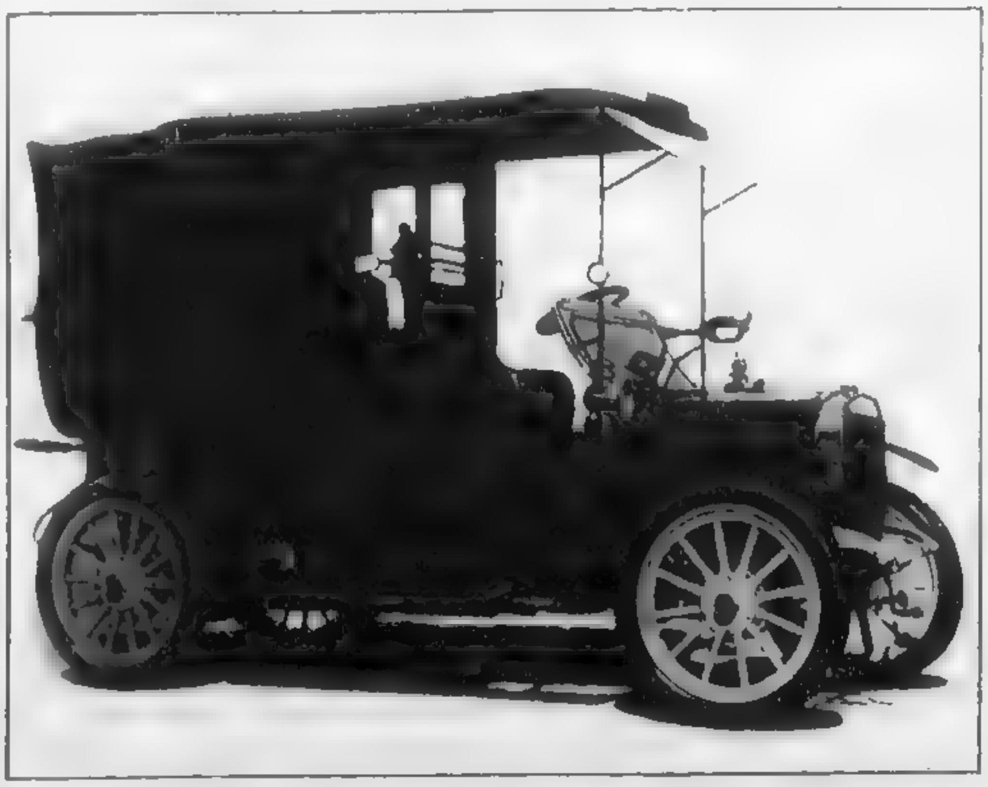

میشود . اگر موتور با آب خنک شود ، مجاری آب درداخل بلوک سیلندر قرار می گیرند و اگر با هوا خنک شود صفحه های خنک کننده ، روی جدار خارجی بلوک سیلندر قرار می گیرند .

(مراجعه شود به شکل ، و ه) اگر موتور از نوعی باشد که سوپاپهای آن در بدنه قرار گیرند در این صورت بدنه شامل قسمتهای لازم برای سوپاپ ها و کار انداز های مکانیکی آن نیز است . تعداد سیلندر هــا در بدنهٔ موتور بستگی به اندازه و چگونگی طرح موتوردارد.

ه — محفظه‌ی میل لنگ و کارتــر : آخرین قسمت ثابت موتور ، محفظهٔ مزبور است که در بیشتر اوقات بصورت یکپارچه ساخته میشود درون این محفظه ، بازوها به شکل صفحاتی قرار گرفته‌اند که نیمی از یاتاقانهای ثابت را درخود جای می‌دهند و نیم دیگر بوسیلهٔ پیچ روی تیغه های ثابت محکم می‌شونـد . محفظهٔ میل‌لنگ بوسیلهٔ درپوشی به نام کارتر بسته می‌شود و در آن روغن میریزند این درپوش معمولا از جنس فولاد یا آلومینیم «پرس» شده است و بوسیلهٔ تعدادی پیچ در زیر موتور بسته می‌شود . روغن داخل کارتر بوسیله پمپ روغن و خود میل لنگ برای روغنکاری بخشهای گوناگون اتومبیل فرستاده میشود و پس از روغنکاری دوباره بداخل کارتر برمی‌گردد .

اگر بخار آب وگازهای نیم سوخته که ازگرداگرد پیستون عبور می کنند و به‌زیر پیستون وجایگاه میل لنگ می‌آید، به‌حد زیادی برسد، برای روغن موجود زیان آور بوده، امکان دارد موجب انفجار گردد.

از سوی دیگر بالا وپائین رفتن پیستون وعبور گازهای فشرده از روی پیستون به‌قسمت محفظه سبب تغییر فشار داخل آن شده به همین جهت برای تهویه، یک مجرا بداخل این محفظه تعبیه شده است.

همچنین مجرایی برای ریختن روغن تازه بداخل کارتر وجود دارد. در پائین‌ترین نقطه کارتر، پیچی قرار دارد که با باز کردن آن می‌توان روغن سوخته وکثیف داخل کارتر را خارج نمود وبدین ترتیب در زمانیکه روغن موتور خیلی کثیف و به‌اصطلاح «سوخته» شده باشد، این پیچ را باز نموده، روغن سوخته را بیرون می‌ریزند. سپس پیچ را بسته روغن تازه به‌داخل آن وارد می کنند.

برای آگاهی از مقدار روغن در کارتر، در کنار موتور سوراخی قرار گرفته که به‌داخل کارتر راه دارد. درون آن میله‌ای موجود است که روی آن «دو نقطه» نشانه گذاری شده است وعلامت بالایی، بیشترین سطح روغن وعلامت پائینی کمترین حدآن را نشان می‌دهد.

بین کارتر وبدنه موتور یک واشر چوب پنبه‌ای قرار دارد که از «ســـ» روغن به‌خارج جلوگیری می‌نماید.

ادامه دارد.

تازه های علم وصنعت

آخرین روش برای امتحان قدرت باتری اتومبیل

با استارت زدن ،می‌توان به چگونگی نیروی باتری پی‌برد . اگر باتری ازیک‌مقدار معین نیرو برخوردار باشد ،اتومبیل می‌تواند حرکت کند وگرنه فقط صدای خفه سیم‌پیچ استارت رامی‌شنوید !

درچنین مواقعی با استفاده ازراههای گوناگون می‌توانید از ضعیف بودن باتری مطلع شوید . به عنوان مثال ضعیف شدن چراغ راهنما دلیل کمبود قدرت باتری اتومبیل است .نه آمپرمتر ونه چراغ شارژ باتری اندازهٔ ضعف را نشان نمی‌دهند ولی بایک وسیلهٔ ساده وارزان که درجای فندک قرار می‌گیرد،قادر خواهید بود نیروی باتری رابسنجید . بعداز نصب این دستگاه وقتی استارت می‌زنید اگر چراغ موجود روی دستگاه چشمک زد باتری خراب استو اگر چراغ روشن شد باتری درست کار میکند.

مهندسین مکانیک معتقدند ،بهترین موقعیت برای امتحان باتری زمان استارت‌زدن است که اصطلاحاً به آن «حالت‌بارگذاری Loading» می‌گویند ،به این ترتیب که ولتاژ دوسر باتری درحالت معمولی ۱۲ ولت است ولی درحالت استارت زدن این مقدارنباید از ۹/۲ ولت کمتر باشد . بنابراین دستگاه طوری تنظیم شده‌است که‌وقتی‌ولتاژ ۹/۲ ولت کمتر شد ، چراغ آن چشمک می‌زند ودرغیر اینصورت لامپ روشن می‌ماند.

تیلر

یک‌وسیله کشاورزی‌ساده‌برای کارگران کشاورز

زمان درازی نیست که ازماشین‌آلات در کارهای کشاورزی استفاده میشود .درایران، تا چند سال پیش وقبل از اصلاحات ارضی کشاورز نمی‌دانست یا نمی‌توانست ازماشین‌و ابزار تکنیکی درکار کشاورزی بصورتی که امروزمورد استفاده است ، کمک بگیرددودرحال حاضر نیز به علت بالا رفتن سطح دستمزد کارگران ،عملیات کشاورزی بوسیله نیروی انسانی ازجنبه اقتصادی زیاد مقرون بصرفه نیست بنابراین سعی می‌شود این فعالیتها با مکانیزه کردن، انجام گیرد.

هم اکنون دربعضی از کشورها کارگران کشاورز با آموزش قبل از کار، با تکنیک‌ماشین وحرفه کشاورزی صنعتی آشنا می‌شوند وبه همین دلیل میزان محصول وبهره دهی زمین افزایش یافته است.

از طرف دیگر ، ابزار ماشینی سنگین را نمی‌توان درقطعات کوچک زراعی مورد استفاده قرار داد زیرا ازجنبه اقتصادی مقرون‌به صرفه نیست.

وسیله ایکه درحال حاضر درتمام دنیا برای مزارع کوچک (تاحدود ۲ هکتار) مـــورد توجه قرار گرفته است ،نوعی ماشین کشاورزی است با نام «تیلر» که تقریباً تمام عملیات اولیه کشاورزی از قبیل شخم ، برداشت محصول و غیره را انجام می‌دهد.

تیلر قادراست سنگ ریزه‌ها رابخوبی خرد کند وزمین رابرای کشت آماده سازد وبطور قابل ملاحظه‌ای ،دروقت کارگر وفعالیت‌او صرفه جوئی کند وازنظر علمی وفنی خاک رابه مراتب «خیلی بهتر» ازکارگر آماده سازد.زیرا سنگ ریزه‌ها به اندازه متناسب (که بوسیله تیلر مشخص شده) خرد می‌شوند ودرنتیجه حداکثرمقدارآب‌وهوارادرخودذخیرمی کنند.

حرفه و فن

آژیر حساس

از این دستگاه در پخت و پزهای خانگی نیز استفاده می شود.

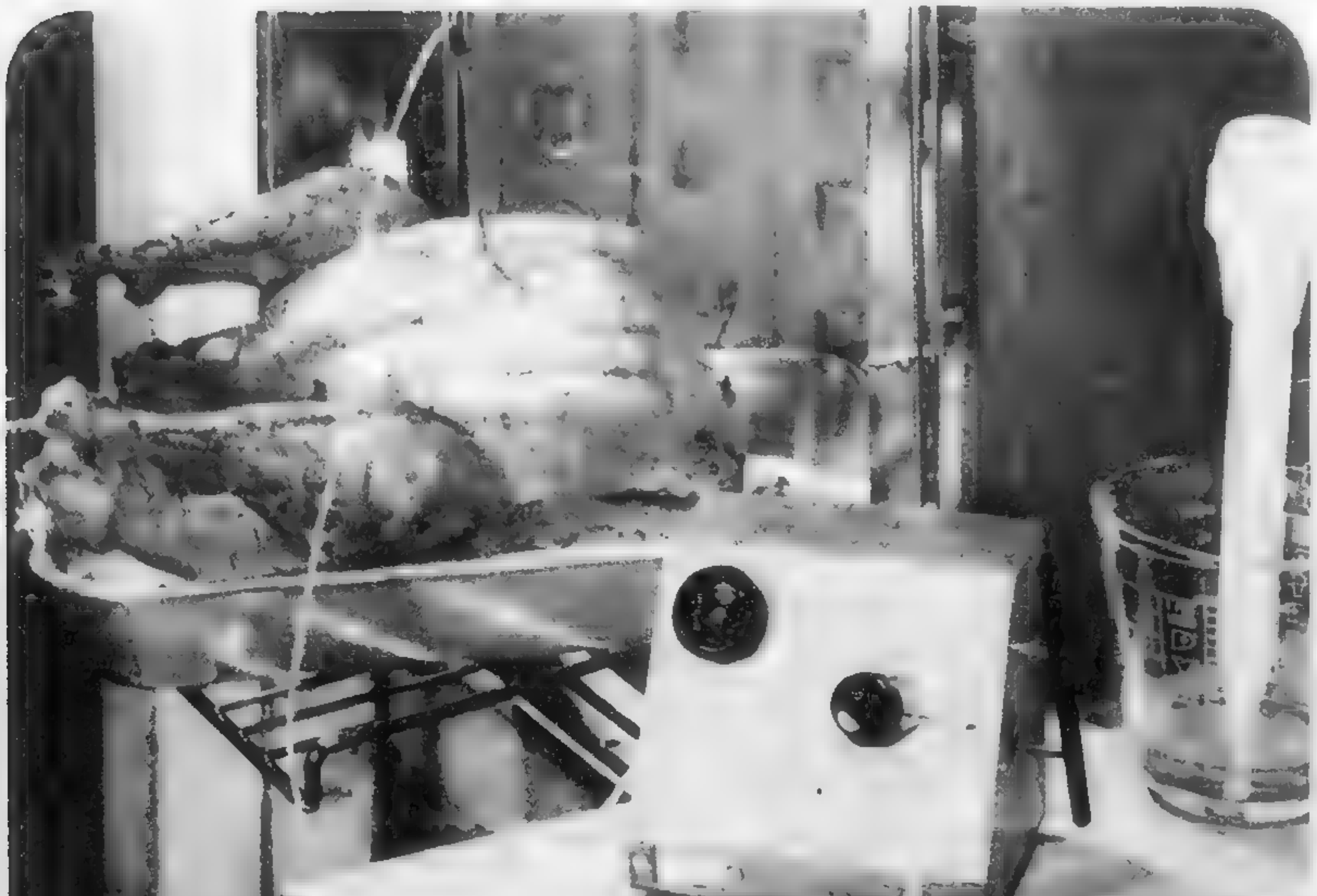

سیستم کار آژیر، برمبنای انتقال گرماست
روش ساختن صفحه مدرج، در دستگاههای الکتریکی

در این شماره به شرح دستگاهی پرداخته ایم که از آن میتوان در کارگاههای شیرینی پزی، تهیهٔ مواد خوراکی، آشپزخانه ها و تمام مراکز صنعتی که با عملیات حرارتی سروکار دارند، استفاده کرد.

با این دستگاه درجه حرارت موردنظر برای پختن و یاگرم کردن یک محلول ویاهر مادهٔ دیگری را روی صفحهٔ مدرج آن مشخص میکنند و هروقت درجه حرارت به میزان مطلوب برسد، بلندگوی دستگاه با صدای بلند خبرمیدهد.

برای آشنائی با طرزکار آژیر مزبور، دو نمونه از کاربرد آن را با ذکر مثالی شرح میدهیم:

عکس شماره ۱

— فرض کنید خانم خانه مایل است مرغی را در «فر» سرخ کند ولی نمی‌داند، چه‌مدت باید عمل پختن را ادامه دهد. با این دستگاه (مثلا) درجه‌حرارت ۱۵۰ درجه را روی صفحه مدرج آن میزان میکند وسپس سرسیم مخصوص آن را در بدن مرغ فرومینماید و بدنبال کارهای دیگر خود میرود. هروقت دمای مرغ به ۱۵۰ درجه رسید، بلندگوی دستگاه به صدا درمی‌آید و خانم خانه درصورت پخته‌شدن مرغ، سرسیم را از بدن آن خارج می کند و در غیراینصورت درجه‌حرارت را ۱۰، ۲۰درجه بالا می‌برد و مجدداً دستگاه را به حال خود می‌گذارد و این کار را تا هنگامیکه مرغ پخته شود ادامه می‌دهد.

— نمونهٔ دوم — کاربرد این دستگاه برای گرم کردن مایعات بویژه محلولهای رنگی در کارگاههای رنگرزی است. فرض کنید برای رنگ کردن پارچه، باید محلول رنگ را تا ۳۵ درجه حرارت داد. برای اینکار، «سرسیم» آژیر را در داخل ظرف رنگ قرار میدهند و درجهٔ دستگاه را روی ۳۵ میزان می کنند. بمجرد اینکه محلول تا ۳۵ درجه گرم شد، آژیر به‌صدا درمی‌آید.

مبنای کار آژیرالکرونیکی

اساس کار این دستگاه، انتقال حرارت از طریق یک رشته سیم مخصوص بنام پروب (Probe) به سیستم داخلی آن است. بدین ترتیب که یک رشته سیم باروپوش نازک «تفلن» درجه حرارت را از محل موردنظر به دستگاه خبرمی‌دهد.

ساختمان داخلی وروش ساخت

مغز این دستگاه، یک I.C به ستاره Mc1710 ساخت موتورولا می‌باشد که در برابر حرارت و آژیر تصمیم می‌گیرد و زمانیکه، حرارت به میزان موردنظر رسید.به ترانزیستور Q_1 فرمان می‌دهد و درنتیجه بلندگوی آن به صدا در می‌آید.

شکل (۲)

سیم، پروب یک سیم برنجی به قطر ۰/۲ سانتیمتر است که در یک لولهٔ مخصوص قرار می‌گیرد. ضمناً در این لوله‌دو دیود D_2 و D_3 را باید سری کرد که البته هرچه به هم‌نزدیکتر باشند، بهتر است یکسر این دودیود سری را سر D_2 را به روپوش تفلن می‌بندند و سر دیگر آن را به دستگاه می‌آورند.

دقت کنید که سیم پروب به روپوش تفلن اتصال «نکند. برای اینکار می توانید ازعایق پلاستیکی سیلسیم استفاده نمائید؛

مدار این دستگاه با توجه به شکل (۳) روی یک قطعه‌فیبر (۸×۱۲ سانتیمتر) جا می گیرد و می توان آن را در یک جعبه قرار داد و بر روی تخته جلوی جعبه، کنترلها را نصب کرد.

شکل ۳

ترانسفورماتور T_1 نیز برای منبع تغذیه (تبدیل برق 220V به ولتاژ کمتر) است که دو سیم ورودی و سه سیم خروجی وارد سیم خروجی آن 30V — 24 است که با سیم بندی ما دراین مدار، سه ولتاژ (24، 12 و 6.2 —) و یک پل یکسو کننده بدست میدهد.

ولوم R_2 برای انتخاب درجه حرارت معین بکار می‌رود و به سر «2» از IC_1 و سرمقاومت‌های R_4 و R_6 الحیم می‌شود. بلندگو هم به کلتکورترانزیستور وصل می‌گردد.

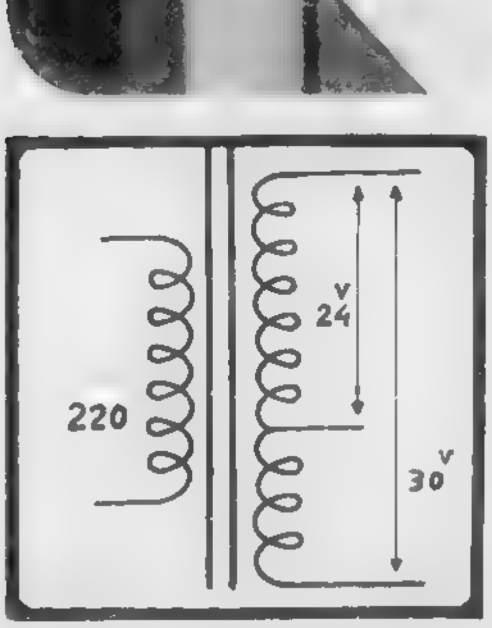

روش مدرج کردن صفحه

برای اینکه ارتباط وضع ولوم را با درجه حرارت بدست آورید، پروب را در یک ظرف محتوی آب‌جوش قرار دهید و ولوم را آنقدر بچرخانید تا آژیر به صدا دربیاید، محل‌ولوم را بعنوان درجه ۱۰۰ علامت بگذارید. یکبار دیگر پروب را در محلی دیگر با درجه‌حرارت

الکترونیکی

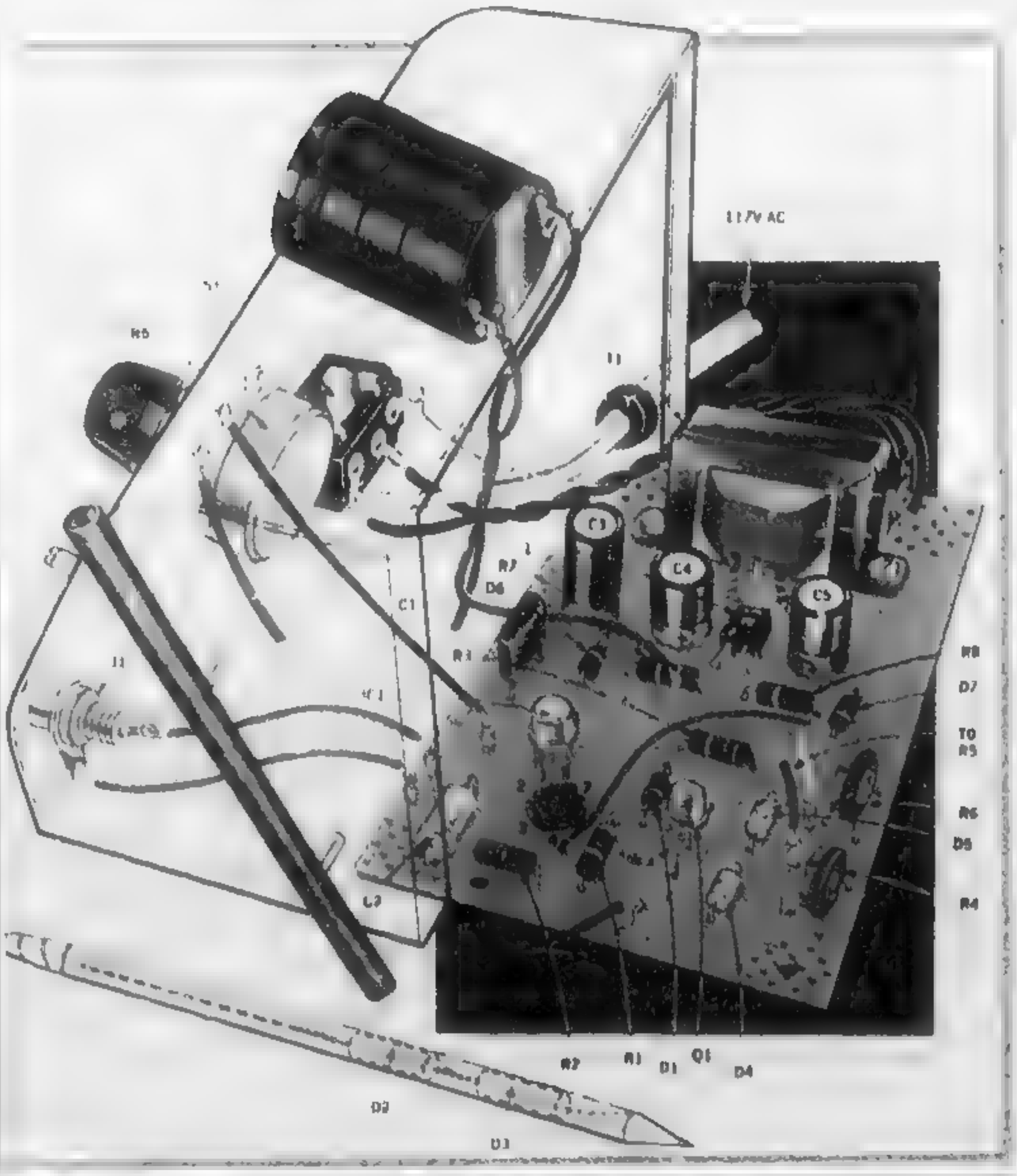

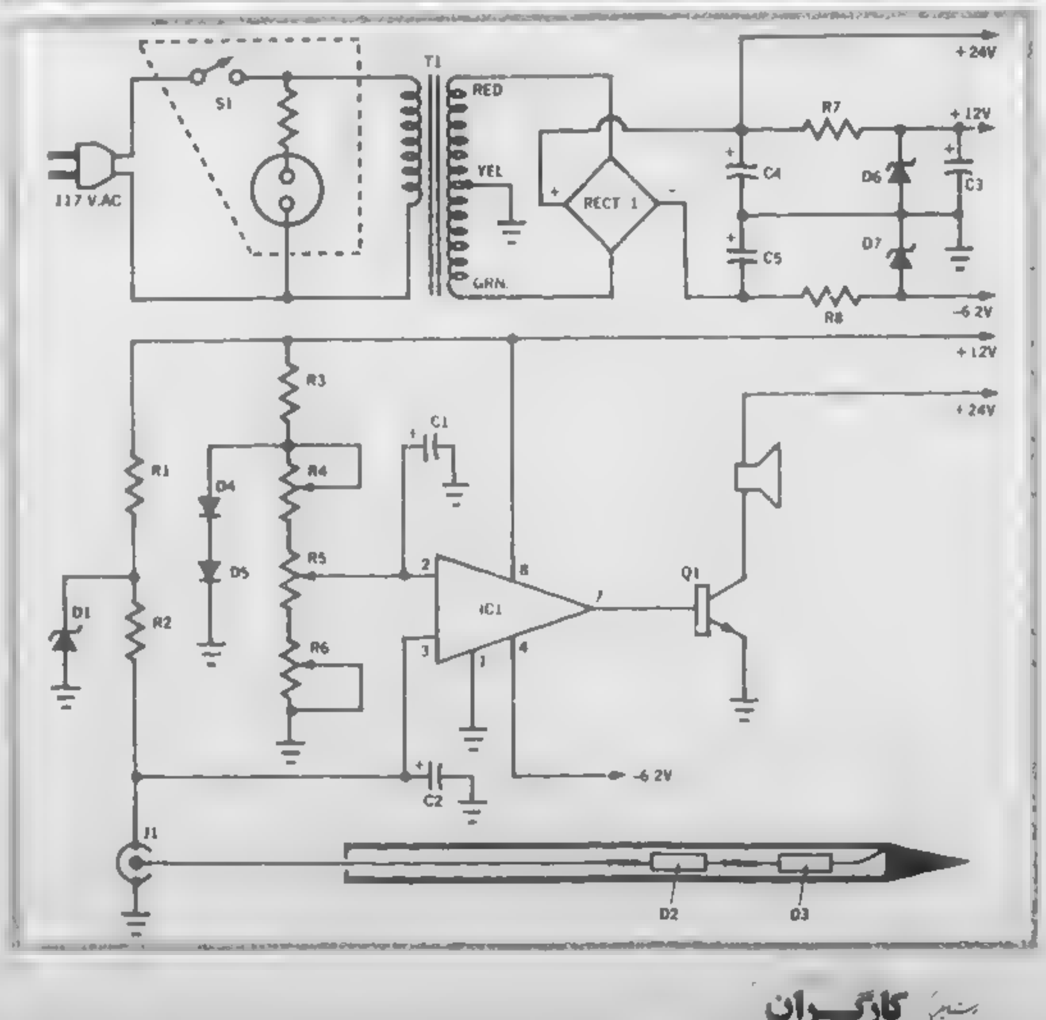

ازاین دستگاه میتوان در کارگاههای شیرینی پزی تهیه موادخوراکی، آشپزخانه‌وتمام مراکز صنعتی که باعملیات حرارتی سروکاردارند استفاده کرد

۱۵۰ یا ۲۰۰ قرار دهید و همان کار را تکرار کنید. به همین ترتیب چند محل دیگر را نیز به فاصله‌های ۱۰ درجه، تعیین کنید و روی تابلوی دستگاه علامت بگذارید و در پایان علامتها را به عنوان درجه، عددگذاری کنید.

اجزای موردنیازبرای ساختن دستگاه آژیر

(مقاومتها $\frac{1}{2}$ W هستند بجز R_5 که 2W و مقدار مقاومتها برحسب اهم است)

R_4=250، R_3=5100، R_2=620، R_1=820

R_5=150 (پتانسیومتر) (تریمر)

R_6=1000، R_7=390، R_8=1200

(خازنها برحسب میکروفاراد هستند)

15V، C_2=50 و 12V، C_1=0.1 و 50V

C_4=C_5=100 و 35 C_3=300 و

دیودها

D_1=3.6V زنر، D_2 D_3 سیلسیم برابر ۵۰ ولت و ۱ آمپر

D_5 و D_4 دیود IN458، D_6=12V زنر

D_7=6.2V زنر

$RECT_1$: پل یکسو کننده، ۵۰ ولت و یک آمپر

IC_1 شماره MC1710

Q_1- ترانزیستور به شماره HEP243 .

اگر این مقاومتها یا خازنها را درست با همین مقدار در بازار پیدا نکردید، می‌توانید از سری کردن و موازی کردن چند نمونهٔ دیگر استفاده کنیدو یا نزدیکترین مقدار به آنها را بخرید.

«کار» درزبان‌فارسی

کار: پیشه
کارآزموده: باتجربه
کارآگاه: پلیس مخفی
کارآمد: شایسته
کارآموز: کسی که مشغول‌آموختن است
کارپرداز: مسئول تهیه ملزومات
کارپیچ: لفافه
کارخانه: محل کار
کاردار: نایب سفیر
کاردان: کسی که کارمیداند
کاردیده: باتجربه
کارساز: چاره‌جو — کارگشا
کارستان: محل کار
کارگاه: محل کار
کارسنج: بررسی کننده کار
کارشکنی: اشکال‌تراشی
کارشناس: متخصص
کارفرما: صاحب کار
کارکرد: مقدار کار
کارکن: کننده‌ی کار
کارگر: کار کننده
کارگردان: کسیکه کاری را اداره میکند
کارگزار: کسی که واسطهٔ انجام کاراست
کارگزاری: بنگاه‌واسطه کار
کارگزینی: قسمت استخدام
کارمایه: قابلیت انجام کار
کارمزد: اجرت کار
کارنامه: شرح مقدارونوع کار
کارورز: کارآموز
کاری: کارکن

بهداشت فردی جدا از بـ

*بهداشت دهان، گوش وچشم درحفظ سلامتی اهمیت فراوانی دارند.

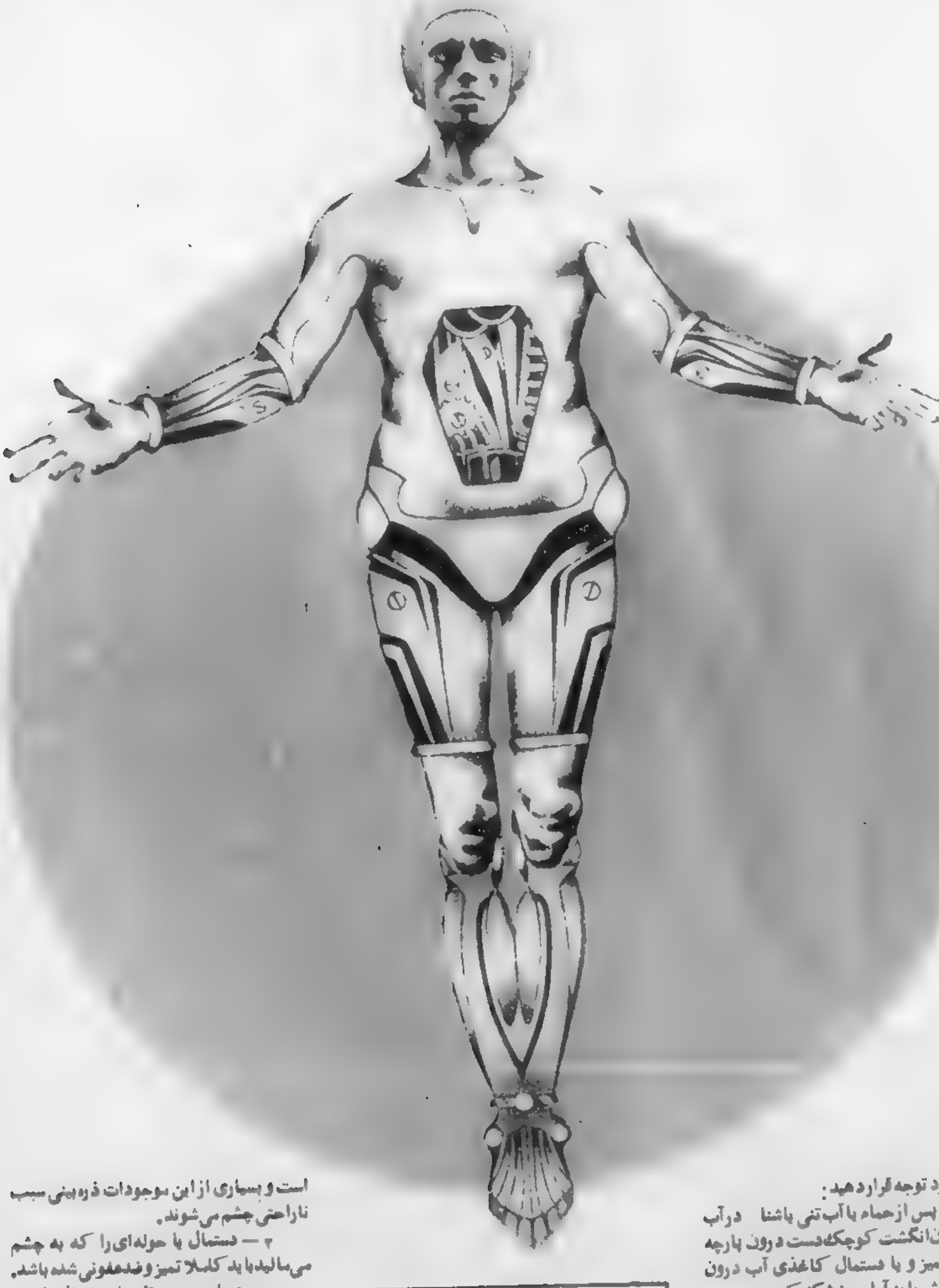

بهداشت فردی جدا از بهداشت صنعتی و ایمنی کار نیست. به همین سبب در هر کارگاه و مرکز تولیدی، ابتدا باید سلامت جسمی و بهداشتی فرد مورد توجه قرار گیرد و پس از آن به حفاظت محیطی توجه شود.

روشهای محس

کارهائی را که یک فرد برای حفظ سلامت بدن خود می‌تواند انجام دهد میتوان به دو گروه تقسیم کرد:

الف — پیشگیری از ابتلا به امراض گوناگون با تلقیح واکسن در مواقع ضروری، پرهیز از قرار گرفتن درمعرض امراض مسری.

ب — مواظبت کامل از اعضای بدن.

بهداشت دهان و دندان درحفظ سلامت انسان بسیار موثر است زیرا این راه همانطور که مسیر ورود غذا به بدن است می‌تواند مسیر ورود میکرب به بدن نیز باشد.

مسواك کردن دندانها پس از هر غذا کمک موثری به بهداشت دهان و دندان می کند، این کار سبب می‌شود که باقیمانده غذاها از لابلای دندانها خارج شوندو محلی برای رشد میکربها باقی نماند. از طرفی مسواك کردن دندانها باعث استحکام لثه ها میشود.

گذشته از مسواك کردن دندانها روش تغذیه و مواد غذایی نیز در سلامت دندانها نقش موثری دارند، کمبود کلسیم در دندانها اثر نامطلوب باقی می گذارد، برای حفظ سلامت دهان و دندانها باید به نکات زیر توجه کرد:

۱ — مقدار کلسیم در غذای روزانه.

۲ — مسواك کردن دندانها پس از خوردن غذا.

۳ — سلامت لثه ها.

۴ — شستوشوی دهان با محلولهای ویژه ضدعفونی هر روز یک بار.

بهداشت گوس

گوش عضو دیگری است که از نظر شنوایی مورد نیاز کامل انسان است و اگر دچار آسیب شود ناراحتیهای جبران ناپذیری را سبب خواهد شد و به این سبب که راهی به حلق دارد می تواند میکربها را به درون بدن راهنمایی کند. .نکات زیر را مورد بهداشت گوش مورد توجه قرار دهید:

۱ — پس از حمام یا آب تنی یا شنا در آب باقرار دادن انگشت کوچک دست درون پارچه یا حوله تمیز و یا دستمال کاغذی آب درون سوراخ گوش را به آرامی خشک کنید.

۲ — هیچگاه سنجاق — یا چوب کبریت و وسایلی دیگری از این قبیل را برای پاك کردن سوراخ گوش به کار نبرید.

۳ — تا حد امکان از ورود میکرب به گوش جلوگیری کنید.

۴ — هر چند یک بار به پزشک مراجعه و گوش خود را بیازمایید.

بهداست حسم

برای حفظ سلامت چشم نکات زیر را به خاطر داشته باشید:

۱ — از دست زدن به چشم پرهیز کنید. زیرا دست انسان براثر تماس همیشگی با اشیای گوناگون همواره به میکربهای مختلف آلوده است و بسیاری از این موجودات ذره بینی سبب ناراحتی چشم می‌شوند.

۲ — دستمال یا حوله‌ای را که به چشم می‌مالید باید کاملا تمیز و ضدعفونی شده باشد.

۳ — ویتامین و پروتئینها در حفظ سلامت چشم اهمیت بسیار دارند، بکوشید که در غذاهای روزانه شما این مواد غذایی به اندازه کافی وجود داشته باشند.

۴ — نورهای شدید و مستقیم و بویژه نور آفتاب چشم را دچار ناراحتی می کنند، در این موارد از عینک دودی استفاده کنید.

۵ — به هنگام خواندن یا نوشتن نور

بهداشت و حفاظت محیط کار

بهداشت محیط کار نیست

کافی مورد نیاز است در غیر این صورت چشم دچار خستگی می‌شود.

۶ — به هنگام خواندن یا نوشتن فاصله چشم تا نوشته، نباید کمتر از ۳۰ سانتیمتر باشد اگر نتوانستید در این فاصله بخوانید یا بنویسید به چشم پزشک مراجعه کنید.

۷ — به کار بردن وسایل توالت برای چشم مضر است، اگر از این وسایل استفاده می کنید دقت کنید که درون چشم آلوده نشود.

۸ — اگر چشم پزشک بکار بردن عینک را به شما توصیه کند، حتماً از آن استفاده کنید زیرا در غیر اینصورت روز به روز چشم شما ناتوانتر می‌گردد.

۹ — هر روز چشم خود را با محلولهای ویژه تمیز کردن چشم بشویید.

۱۰ — به هنگام نگاه کردن به پرده سینما یا صفحه تلویزیون فاصله را رعایت کنید.

۱۱ — به هنگام خواب و استراحت اتاق را تاریک کنید تا اعصاب چشم شما نیز به خوبی استراحت کند.

نیازمندیها و اماکن بهداشتی در کارگاهها

دنیای کار هر انسان برای او محدودهٔ پرهیجانی است و فضای آن که محل شکوفایی شخصیت اوست، می‌تواند برتندرستی و توانایی ورشد استعدادهای او تاثیر مثبت و سازنده داشته باشد. از این رو توجه خاص به فضایی که کارگر به هنگام کار در آنجا بسر میبرد دارای اهمیت بسیاری است و به همین جهت در تمام کارخانه‌ها و کارگاههای بزرگ باید مکانهایی متناسب با قواعد بهداشتی برای کار وصرف غذا، استحمام واستراحت وجود داشته باشد البته امکانات دیگر از قبیل قفسه ومحل تعویض لباس را نیز نباید ازنظر دور داشت.

محل تغذیه و استراحت

در فضایی که برای استراحت وتغذیه در کارخانه‌ها وکارگاهها در نظر گرفته می‌شود باید عوامل نور، تهویه وبهداشت کاملا رعایت شده باشد و از سوی دیگر این مکانها نباید از محل کار دور باشند و همچنین اگر در کارخانه‌ای کارگران غذای خویش را بهمراه می‌آورند، باید امکان گرم کردن غذا برای آنها موجود باشد.

رخت کن

رخت آویزهایی که برای کارگران در محلهای ویژه در کارخانه‌ها ایجاد میشود، باید از نفوذ گرد وغبار ودستبرد مصون باشند وبهمین جهت بهتر است هر کارگر دارای قفسه‌ای مخصوص به‌خود باشد تا بتواند وسایل شخصی وملزومات باارزش خویش را در آن نگهداری کند.

اماکن نظافت

تعداد محل های شستشو شامل دستشویی و حمام در کارخانه‌ها وکارگاهها بستگی کامل به‌تعداد کارگران ونوع کار در این کارگاهها دارد.

اگر کارگر در محل کار در معرض آلودگیهایی از قبیل: گرد وغبار، رطوبت، مواد بودار وسموم مختلف هست، برای هر ۸ تا ۱۰ نفر یک دوش و در غیر این صورت برای هر نفر یک دوش لازم است وضمناً دوش را باید بر «وان» برتری داد، چرا که در زیر دوش شستشوی مکانیکی بهتری صورت می‌گیرد وهمچنین در زمان شستشو و آب مورد نیاز نیز صرفه‌جویی بیشتری می‌شود واز سوی دیگر، هر کارگر پس از شستشو باید ازحوله اختصاصی استفاده کند.

این موضوع را نیز باید از نظر دور داشت که علاوه بر دوش در کارگاهها و کارخانه‌های بزرگ، وجود یک روشویی برای هر ۱۰ نفر کارگر بسیار ضروری بشمار می‌رود.

لطفاً ورق بزنید

تاثیر سر و صدا در ایجاد ناشنوایی و اختلالات سلسله اعصاب

از: دکتر ژوزت کریمپور

همانطور که در مطلب قبل، در شماره پیش، مشاهده کردیم وقتی که سر وصدا زیاد باشد وشدت پیدا کند، برای سلامت انسان عواقب وخیم ایجاد می‌سازد و از نقطه نظر حرفه‌ای، اقتصادی، اجتماعی وانسانی اختلالاتی بار می‌آورد.

امروز در دنیا عموماً بشر وخصوصاً نسل جوان خود یک محیط پرسر وصدا یا لااقل یک محیط غیر ساکت برای خویشتن .بوجود آورده است تا بوسیله آن اوقات فراغت خود را پر کند ودر حقیقت خلاء روحی را که عصر ما در او ایجاد کرده است، پر سازد.(مانند رادیو ترانزیستور، ضبط صوت وغیره) و این خود امکان داشتن سکوت وآرامش و استراحت را که برای تعادل روحی و روانی افراد لازم وضروری است کمتر کرده است .بهر حال افرادی که در معرض سر وصداهای زیاد ومکرر وطولانی قرار دارند،معمولا دچار اختلالات سه گانه‌ای که ذیلاً ذکرمیشود،میگردند:

۱—ناشنوائی دائم

این ناشنوائی بتدریج وکم کم بوجود میاید، بطوریکه شخص در آغاز متوجه کم شدن حساسیت شنوائی خود نمیشود . ولیکه قدرت وحساسیت شنوائی به«میدان فرکانس‌های گفت وشنود» عادی (غالباً بین ۱۰۲۰ تا ۲۰۴۰ هرتز) برسد سر انجام در این موقع است که شخص متوجه میشود که گوشش باصطلاح سنگین و یا ناشنوا شده است، در حالیکه حقیقت ناشنوائی اوپیش ازاینها شروع شده بودمو یا اینکه روی داده بوده است، بدین معنی که ناشنوائی ناشی ازسروصدا بافرکانس‌ها ئی در حدود ۴۰۰۰ هرتز آغاز میشود و این درجه ناشنوائی غالباً معلوم نمیشود، یعنی پنهان می‌ماند تا اینکه گوش دیگر صداهائی را که فرکانسشان بین ۱۰۲۰ تا ۲۰۴۰ است (میدان فرکانس گفت و شنودعادی) نشنود.

باید بخاطر بیاوریم که گوش طبیعی و سالم انسان صداهائی را که فرکانسشان بین ۱۶ تا ۲۰۰۰۰ هرتزاست می‌شنود .

عوامل ایجاد ناشنوائی های شدید :

عوامل ایجاد ناشنوائیها ی شدید عبارتند از :

* شدت سرو صدا .

* تکرارسروصدا با وقفه های کوتاه. علت آن است که این وقفه‌های کوتاه امکان نمیدهد که عضلات گوش درونی انقباض و انبساططبیعی داشته باشند.

* تکرار سرو صدا با وقفه‌های منظم .

* ایجاد سرو صدا در جاهای سر بسته : ارتعاشات صوتی بر دیواره‌هـا و جدار ها انعکاس می‌یابند و سروصدا را شدت‌بیشتری میدهند .

آمادگیهای شخصی نیز عواملی هستند برای ناشنواشدن و باین دلیل لازم است که برای استخدام وبکارگماردن کارگرانی که در معرض اینگونه سرو صدا ها هستند، دقت بیشتری بعمل آید .

۲ — اختلالاتسلسله اعصاب مجهول

سرو صدا ایجاد اختلالاتی در گردش خون می کند و برای قلب و همچنین دستگاه گوارشی عوارض و ناراحتیهائی بوجود میاورد . این واکنش های سلسله اعصاب مجهول و غیر ارادی بلافاصله پس ازآنکه سرو صدا از بین رفت ، متوقف نمی‌شوند و هر قدر که مدت سرو صدا طولانی تر باشد ، بهمان نسبت وقت زیاد تر ی لازم است تا این واکنش ها از بین برود . بنابر این وقفه‌ای نسبتاً زیاد (مثلا در حدود نیم ساعت ،) که پس از شنیدن یک دوره طولانی سرو صدا صورت میگیرد ، درواقع امکان استراحت و رفع خستگی و ناراحتی ناشی ازسرو صدا را ببدن نمی‌دهد .

همچنین این وقفه برای از بین بردن واکنش هائی که برروی هم جمع شده است کافی نیست .

بنابراین یا باید مدت کار درمحیطی که سرو صدا درآن زیاد است کوتاه باشدو یا اینکه مدت استراحت ، پس از یک مدت معین کار، طولانی تر باشد .

اگر ارتعاشات به کف محل کار یا سطح کارگاه و یا بنقطه های اتـکاء و تماس بـدن با ابـزار کار و وسائـل انتقال صدا (چکش‌بادی ، مته‌برقی ،میزو صندلی و...) انتقال یابند این نوع اختلالات که ذکرشد زیادترمیگردند.

۳— اختلالات روانی

اینگونه اختلالات بسیار مهم میباشند و در صورت بروز آنها اغلب باموارد زیر مواجه میشویم :

* عدم ثبات درمناسبات وروابط اجتماعی ، عصبانیت وناسازگاری در زندگی خانوادگی ومحیط کاروتحمل ناپذیری.

* تنبلی و کاهلی فکری ، خستگی روحی ، جسمی وعصبی که باعث کاهش بازدهی کار وتولیدات وهمچنین مانع پیشرفت کارمیشود.

* عدم سازش یا عدم توانائی تطابق با کار ومحیط کار، مرتکب شدن اشتباه در کارهائی که دقت بیشتری لازم دارد (ماشین‌نویسی ، حسابداری ، ظریف کاری وغیره) وحتی بروز سوانح کار که بعلت متوجه نشدن دستورها روی میدهد ویا از درست وبموقع انجام ندادن حرکات صورت میگیرد.

تعیین شدت‌سرو صدا

شدت سروصدا را میتوان اندازه‌گیری نمود که نمونه هائی ازآن دراینجا نقل میگردد:

* شدت سروصدا در« میدان صوتی گفت و شنود » درحدود ۶۰/ دسی‌بل است . دراطاق کار یک ماشین‌نویس شدت صوت در حدود ۷۰ دسی‌بل میباشد.

* در کارخانه یا کارگاهی که سروصدا درآنجا درحد متوسط میباشد ، یعنی بطوریکه در آن میان بازهم میتوان مکالمات وصحبت‌ها را شنید ، شدت سروصدا درحدود ۸۰ دسی‌بل میباشد.

* در کارخانه یا کارگاه پرسروصدا که در آن به اشکال میتوان حرفها ومکالمات را شنید ، شدت سروصدا از ۹۰ تا ۱۰۰ دسی‌بل میباشد . (در کارگاههای نساجی رفت وآمد ماکوها وسروصدای دفتین ها وغیره وارتعاشاتی که بسطح کارگاه انتقال می‌یابد عامل مهمی درایجاد سروصداهای زیادتر هستند.) دریک کارگاه فلزکوبی ومسگری شدت سروصدا بمراتب بیشتر بوده وبین ۱۲۰ تا ۱۵۰ دسی‌بل میباشد که باعث بسیاری از ناشنوائیهای حرفه‌ای است.

برای جلوگیری ازسروصدا وبمنظور کاهش دادن شدت سروصدا یا برای مجهز شدن و مقابله باآن معمولا به سه طریقی که درقسمت نخستین اشاره شد ، (حفاظت‌های جمعی ، حفاظت‌های انفرادی ومراقبت‌های بهداشتی منجمله آزمایش‌های اودیومتری) اقدام بعمل میاید.

از: سیروس طهمسالکی

کارگران هنرمند روی صحنه تآتر

استفاده از کارگران هنرمند در صحنه تئاتر، تئاتر جدید کارگری را زنده کرده است

نمایشنامه «جسد»، کار تازه کارگران تهرانی در دانشگاه تهران

صحنه یی از نمایشنامه «جسد»

نمایشنامه جسد

نمایشنامه «جسد» به کارگردانی و نویسندگی «فرهاد مجدآبادی» حاصل تلاش عده‌ای کارگر است که شور و عشق تآتر آنها را به گرد همآیی و تشکیل گروه «تآتر زنده» وا داشته است. این می‌تواند ثابت کننده این واقعیت باشد که کارگر ایرانی، علاوه بر کوشش برای بالا بردن قدرت و مهارت فنی در حرفهٔ خویش، بر آنست که استعداد و پیشرفتش را در زمینهٔ هنر هم نشان دهد.

هنگامیکه به تماشای نمایشنامه نشسته و چشم بروی سن «تالار دانشکده هنرهای زیبا» دوخته‌اید، یک کارگر که بیشتر ساعات روزش در کارگاه گذشته، یک صافکار اتومبیل چنان ماهرانه شما را محو هنر بازیگری خویش می‌سازد که گوئی هنرمند حرفه‌ای با سابقه‌ایست که چندین سال دورهٔ بازیگری دیده و چندین سال به قول پیشکسوتان تآتر «خاک تآتر» خورده است که این چنین با زیبائی و مهارت به شخصیت های نمایشنامه جان می‌بخشد، ولی به هنگامیکه در جمع آنان می‌نشینید، با همان صمیمیت کارگریشان، فروتنانه خود را به شما می‌شناسانند و از کار و زندگیشان در کارگاهها سخن میگویند شش تن از آنان نقش آفرینان نمایشنامه «جسد» هستند:

۱— بهرام الهی نسب (کارگر صاف کار— کلنگی‌ساز)

۲— احمد خراطها (تریکوباف)

۳— اسماعیل بختیاری (تریکوباف)

۴— محسن مرزبان (کارگر ماشین‌سازی)

۵— روح‌الله میرزائی (فروشنده)

۶— علی کلمرانی (تریکوباف)

نمایشنامه «جسد»

اجرای نمایشنامه «جسد» که زائیدهٔ شور و شوق بازیگران آنست، دارای تحرک و صمیمیتی خاص فراوان است. داستان آن که در عین سادگی از هیجان برخوردار است، سرشار از عرفان و استعاره است. گروهی که اعضای آنرا شش نفر تشکیل داده‌اند، در ظاهر با هدفی مشخص عازم مکانی هستند که برای تماشاگر، نامعلوم است.

عرفان در جسد

نمایشنامهٔ جسد یک تابلوی زیبای متحرک است که در ظاهر از تار و پودی منطقی تشکیل یافته و به چشم دیده میشود. باطن آن نمایانگر عرفان و استعاره ویژه‌ایست که باید آنرا حس کرد و فهمید.

نمایش در سکون و آرامش به کندی جان میگیرد. عده‌ای خوابیده‌اند. یکایک آنان با نرمشی فراوان با صدای مقطع و ریتم‌دار طبل بیدار میشوند و با حرکاتی موزون کم کم تحرک و جنبش بیشتری میگیرند که در حقیقت اشاره‌ای به «تولد» و آغاز زندگی انسان است. «هدف» مشترکی که شخصیت های نمایشنامه دارند، رسیدن به آخر زندگی یعنی «مرگ» است. در حد فاصل «تولد» و «مرگ» نمایش جریان مییابد.

«جسد» یک اجرای ظریف

این نمایشنامهٔ لطیف و عارفانه از کارگردانی و پرداخت ظریف «فرهاد مجدآبادی» برخوردار است که نشان میدهد «مجدآبادی» حرفش را به راحتی بیان میکند و از روشهائی استفاده میکند که تماشاگر را به بیراهه نمی کشاند، بلکه در یک مسیر آشنا بدون آنکه به تکرار حرکات و گفت و شنود ها متوسل شود، بیننده را با موفقیت به دنبال خود می کشاند. عامل مهم موفقیت وی در اینجا صمیمیت و یکرنگی بازیگرانش است که در نهایت تفاهم و دوستی، او را یاری میکنند.

جالب است که نام شخصیتهای نمایشنامه با نام بازیگرانش یکی است. «بهرام» نمایشنامه همان «بهرام الهی نسب» صافکار اتومبیل است و «محسن» همان «محسن مرزبان» و..... که خود تمثیلی از تشابه زندگی شخصیتهای نمایشنامه با افراد عادی است. بازیگران هنرمند این نمایشنامه هنگام اجرای نقش، واقعاً خود را می‌یابند و برای نشان‌دادن آنچیزی که یافته‌اند، از دل و جانشان مایه میگذارند و از هیچ تلاشی در بهتر ارائه‌دادن شخصیتشان دریغ نمی‌ورزند.

سخنی با بازیگران کارگر

پس از اتمام نمایشنامه، دوستان کارگرمان را که از خستگی عرق میریزند، در رخت کن پشت سن ملاقات می کنیم. با تمام خستگیشان، خوشحال و صمیمی از میهمانان استقبال میکنند. روحیهٔ چنان شاد و زنده‌ای دارند که بدون پرسش سؤالی، علت نامگذاری گروهشان با نام «گروه تآتر زنده» آشکار میشود.

*** سخنان «اسماعیل بختیاری» بردل می‌نشیند:**

«از بچگی در محیط کارگری بزرگ شده‌ام و در حال‌حاضر نیز به تریکوبافی مشغولم. از همان دوران بچگی به بازیگری و فن تآتر علاقهٔ زیادی داشتم. سعی کردم استعداد بازیگری را در خودم پرورش بدهم.

درمحیط کارم با دوستانم آشنا شدم. بچه ها نیز بطور متفرق با یکدیگر آشنا شدند. روی علاقه و هدف مشترکی که داشتیم، تصمیم گرفتیم باهم باشیم و باهم کار بکنیم. چهار سال پیش با آقای «مجدآبادی» کارگردان نمایشنامه دوستی یافتیم. دورهٔ سه ماهه‌ای را گذراندیم که طی آن با فنون بازیگری و فن تآتر آشنا شدیم. البته قبل از اینکه مستقیماً با آقای مجدآبادی فعالیتمان را آغاز کنیم، گروهمان «گروه تآتر دیگر» نام داشت که با همین نام در آن‌زمان نمایشنامهٔ «آسید کاظم» را اجرا کردیم. بعد از آشنائی با آقای مجدآبادی، نام گروهمان را به «گروه تآتر زنده» تغییر دادیم و چند نمایشنامه از جمله «دلیران تنگستانی» و دو نمایشنامهٔ تلویزیونی را برای ضبط آماده کردیم، ولی متأسفانه مجالی برای اجرای آنها پیدا نشد. تا اینکه نمایشنامهٔ «جسد» را آماده اجرا کردیم و برای نخستین بار درسال ۱۳۲۲ در «خانهٔ نمایش» روی صحنه آوردیم و پس از آن همین نمایشنامه در تلویزیون ضبط و پخش شد. بعد از اجرای این نمایشنامه، وقفه‌ای در کار گروه پیش آمد، ولی خوشبختانه این وقفه زیاد طول نکشید و در آذرماه گذشته با تغییر چند تن از

بقیه در صفحه ۸۹

از: شهرزاد

گفت و شنود با مدیر عامل شرکت سیمان ری

بر اینجا هم تفاهم سایه افک

رستاخیز کارگران می پرسد..، کارفرما پاسخ می دهد...

اول این مقدمه را بخوانید

اقدامات عمیقی که در سالهای انقلاب شاه و ملت در همه زمینه ها ، بخصوص درجهت تامین رفاه طبقه کارگر انجام گرفته ، تنها شکوفائی رفاه طبقه کارگر انجام گرفته ، تنها شکوفائی صنعت و اقتصاد کشور را دربر نداشته ، بلکه یکی از ثمرات این اقدامات ، تفاهم معقول و شوق انگیزی است که بر ارتباط کارگر و کارفرما سایه افکنده است ... این تفاهم را ، امروزه ، اینجا و آنجا ، در واحدهای بزرگ تولیدی دوراز شهرها ، و در کارگاههای کوچک شهر ، بچشم می نگریم ، و در گفتگو با کارگران و کارفرمایان ، این روح تفاهم و ارتباط معنوی ، به آشکار حس می شود ، و نیز نمایانگر این واقعیت است که اگر نارسائی هائی هم در بعضی کارگاهها وجود دارد ، انگیزه‌اش چیزی نبوده ، جزآنکه شاید این فرصت بدست نیامده ، که با همین روح تفاهم کارگر و کارفرما ، رو در رو بنشینند و خواسته های خود را با یکدیگر درمیان نهند.

«رستاخیز کارگران»، با الهام ازشیوه های دربرگیرنده رستاخیز ملت ایران ، که در پرتو آن پیوسته می توان با حفظ حقوق همهٔ افراد در جامعه ، آزادانه به ابرازعقیده پرداخت ، در هرشماره با یکی از کارفرمایان ، به گفتگو می نشیند. ومسائلی را که برای کارگران کارگاه مربوط به کارفرما مطرح است ، با او درمیان می نهد، و پاسخ می گیرد...

کارفرمایان ، برای کارگران خود چه کرده‌اند؟... پاسخ به این پرسش ازطرف کارفرما ، ما را با فعالیت ها و اقداماتی که در زمینه تأمین رفاه بیشتر — مسکن ، دستمزد ، بهداشت و غیره ... انجام گرفته ، آشنا می کند.

آنچه در اینجا می خوانید ، ماحصل گفتگوی گزارشگر ما با آقای امیرهوشنگ اعتماد به ، مدیرعامل شرکت سیمان ری است.

اشاره

سیمان ری، نخستین کارخانه ، درصنعت سیمان کشور است که در سال ۱۳۱۰ به امر اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر در شمال شرق شهرری تأسیس شد و بهره‌برداری آن درسال ۱۳۱۲ آغاز گردید.

[illegible] کارخانه که [illegible] به [illegible] کارخانه‌های سیمان [illegible] سالهای نخست بصورت اداره‌ای زیرنظر وزارت [illegible] موجود [illegible] و [illegible] ایران [illegible] به [illegible] گردید.

[illegible] های ساختمانی و [illegible] سیمان ، باردیگر بگونه‌ای اجتناب‌ناپذیر چهره [illegible] در سال ۱۳۰۶ اقدام به توسعه [illegible] و کارخانه‌ای [illegible] [illegible] در محدودهٔ این واحد تولیدی [illegible].

در سالهای ۱۳۰۹ و ۱۳۰۰ [illegible]

[illegible] کارخانه سیمان ری [illegible] [illegible] بکار [illegible] [illegible] خاتمه [illegible] به [illegible].

[illegible] سال ۱۳۳۳ سومین مرحله توسعه کارخانه سیمان ری شروع شد و در سال ۱۳۳۴ [illegible] که تا امروز ادامه [illegible]. در حال حاضر [illegible] کارخانه [illegible] تن سیمان در [illegible] کارخانه تولید میشود. [illegible] سیمان ری هم اکنون زیرنظر سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران قرار دارد. [illegible] واحد تولیدی [illegible] [illegible] صنعتی ایران [illegible].

*— آقای مهندس اعتماد به چه بهتر که این گفت‌وشنود را از مسکن شروع کنیم...

در اینمورد چه اقداماتی برای کارگران سیمان ری انجام داده‌اید؟

اعتماد به : حدود دویست دستگاه خانه سازمانی درجوار کارخانه ساخته شده که در اختیار کارگران قرار دارد. [illegible] این خانه ها [illegible] کارخانه است که پس از تبادل نظر با کارگران طی نامه‌ای تقاضا نمودیم تا خانه های سازمانی را بطور قطعی در اختیار کارگران قرار دهند و خوشبختانه آقای دکتر تسلیمی مدیرعامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران که همیشه درجهت رفاه بیشتر کارگران کوشش می کنند ، با این امر موافقت کرده‌اند.

*: به‌چه ترتیب این خانه‌ها را در اختیار کارگران قرار میدهید؟

اعتماد به : — قرار است این خانه‌ها به‌قیمت نازلی ارزیابی شود تا با کمک بانک رفاه کارگران مبلغ ارزیابی شده را بصورت وام در اختیار دولت بگذاریم و بانک رفاه خانه ها را بصورت قطعی دراختیار کارگران بگذارد.

*: — برای دیگر کارگران ازلحاظ تأمین مسکن چه اقداماتی بعمل آورده‌اید؟

اعتماد به : — چون بزودی کارخانه سیمان ری توسعه می‌یابد در این راه اقدامات لازم بعمل آمده.. به این صورت که درکنار کارخانه جدید محل بسیار مناسب و کافی برای خانه‌سازی درنظر گرفته شده.

* — بطور کلی وضع استخدامی کارگران این واحد چگونه و به‌چه‌صورت است ... آیا کارگر روزمزد و پیمانی یافصلی دارید؟

اعتماد به : — دراین سازمان اصلا کارگر روزمزد یا موقت و پیمانی نداریم ، بلکه تمام کارگران [illegible] دائمی هستند و ازقوانین کار و بیمه‌های اجتماعی استفاده میکنند. همچنین طبقه‌بندی [illegible] دراین واحد انجام شده که خود کمک [illegible] درجهت رفاه بیشتر کارگران مینماید.

*— کارگران سیمان ری در زمینه دستمزد از چه مزایائی استفاده میکنند.

اعتماد به : — سال گذشته ۵ روز حقوق بعنوان سودویژه به کارگران پرداخت گردید .. البته این مبلغ غیراز یکماه پاداش است که عیدانه به آنان داده‌میشود.

*— میدانید که گزارشگران، رستاخیز کارگران قبل ازگفت‌و شنود با کارفرمایان وآگاهی ازنوع اقدامات و مسائل مختلف کار آنها ، با مسائل کارگران درکارگاهها ، و همچنین وضع کارگاهی آنان آشنا میشوند. ازاینروگزارشگران رستاخیز درباره بهداشت با کارگران سیمان‌ری به‌صحبت نشسته‌اند و خوشبختانه همگی ازاین بابت راضی بودند .. ولی چه بهتر است کمی هم درباره بهداشت محیط کار ، خصوصاً درمان از خودتان بشنویم.

اعتماد به بینهایت خوشحالم ازاینکه کارگران سیمان‌ری از مسئولین خود راضی هستند ، از لطف یکایک آنها متشکرم.. اما درمورد بهداشت بایستی بگویم که کارخانه سیمان‌ری ازوسایل ایمنی وبهداشتی بطورکلی برخوردار است. در اینجا با توجه بکار کارگران به آنان شیر داده میشود ، همچنین لباس کار و صابون دستشوئی دراختیار آنان میگذاریم.

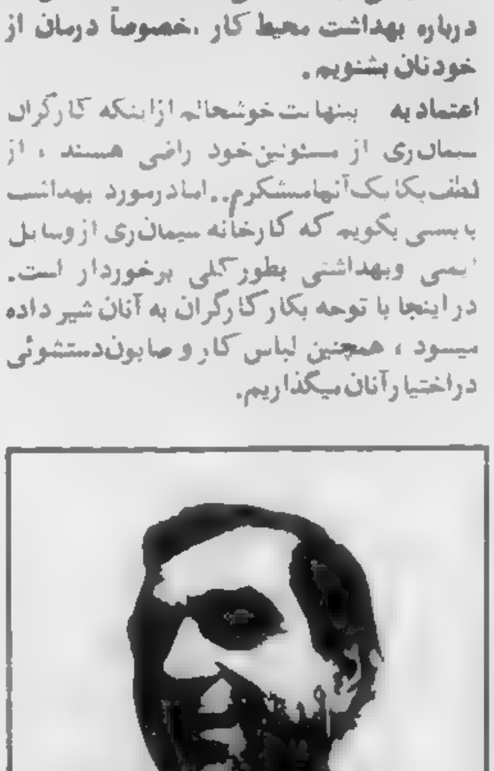

در مورد بهداری و درمان ، کارگران از درمانگاههای بیمه‌اجتماعی استفاده میکنند و در قانون جدیدی که اخیراً به تصویب رسیده بکارگران نیز اجازه داده‌شده‌است که ازدرمانگاه‌های آزاد استفاده کنند و این امر بخصوص برای کارگران بازنشسته بسیارسودمنداست.

— آیا کارگران در کارخانه داری سالن ناهارخوری هستند ؟ ..ودیگراینکه‌وضع تغذیه آنان‌چگونه‌است.

*اعتماد به : در کارخانه سالن ناهار خوری داریم ازآن گذشته بهر کارگر بدون‌استثنا روزانه ۳۰ ریال پول ناهار داده میشود .نکته دیگر اینکه چون خانه های سازمانی ما درجوار کارخانه است کارگران ترجیح میدهند ناهار را درکنار اعضای خانواده‌خود صرف کنند.

*— بطور کلی کارگران شوق و ذوق بسیاری به ورزش و تفریحات سالم ازخود نشان میدهند دراینمورد تا کنون چه اقداماتی انجام گرفته و چه برنامه هائی در دست انجام است ؟

اعتماد به : — قبل ازجواب به پرسش شما [illegible] که [illegible] کارگران ما [illegible] کارخانه زیاد است و [illegible] ازمرز ۵۰ سالگی گذشته . ازاینرو درمورد مسائل ورزشی کمی ضعف هستیم . هم‌اکنون در کارخانه فقط یک سالن ورزش داریم که کارگران از آن استفاده‌میکنند.

[illegible] در [illegible] اشاره کردم دراجرای فرمان شاهنشاه آریامهر ، کوشش هائی بوسیله آقای دکتر تسلیمی مدیرعامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران صورت گرفته و قراراست بزودی یک کارخانه مدرن و مجهز دوهزارتنی درجنب کارخانه فعلی تأسیس شود که درطرح آن ، خانه های سازمانی محل ورزش — سالن [illegible] — پارک کودک وغیره پیش بینی شده که [illegible] بزودی تمام مسائل ورزشی و تفریحات [illegible] حل میشود.

*— در امر مقدس مبارزه با بی‌سوادی چه فعالیتهائی داشته‌اید و اصولا در راه آموزش حرفه‌ای به کارگران چه گامهائی برداشته‌اید ؟

اعتماد به : — در امر مقدس مبارزه با

آشنائی با مدیرعامل شرکت سیمان ری

مختصری درباره «امیر هوشنگ اعتماد به» مدیرعامل شرکت سیمان ری از زبان خودش :

«... من در سال ۱۳۰۲ ، در تهران متولد شدم، تحصیلات ابتدائی ومتوسطه را در دبستان و دبیرستان‌های تهران به‌انجام رساندم وفارغ التحصیل رشته مهندسی ماشین آلات کشاورزی ازآلمان غربی گردیدم.

از سال ۱۳۲۷ ، وارد کار دولتی شدم وسالها در رشته های مختلف مربوط به تهیه تخم نوغان ، در کارگاههای کشور بعنوان کارشناس خدمت کردم . پس‌ازآن‌۵سال ریاست کارخانه حریر بافی چالوس را به‌عهده داشتم و۹ سال مدیر صنایع ابریشم ونوغان بودم از سال ۱۳۴۸ ، بسمت رئیس هیئت مدیره ومدیر عامل شرکت سهامی سیمان ری بکار مشغول شدم در طول مدت خدمتم مسافرتهای بسیاری به کشورهای آلمان — ایتالیا — ژاپن واسپانیا جهت مطالعه وتبادل نظر در امور پیشرفت صنعت نوغان وابریشم ونساجی نمودم ودر کنگره‌های بزرگ بین‌المللی شرکت کردم.»

در این کارخانه، هر کارگری که دورهٔ ابتدائی
را بگذراند، ۵۰ درصد بر حقوقش اضافه میشود

نده است

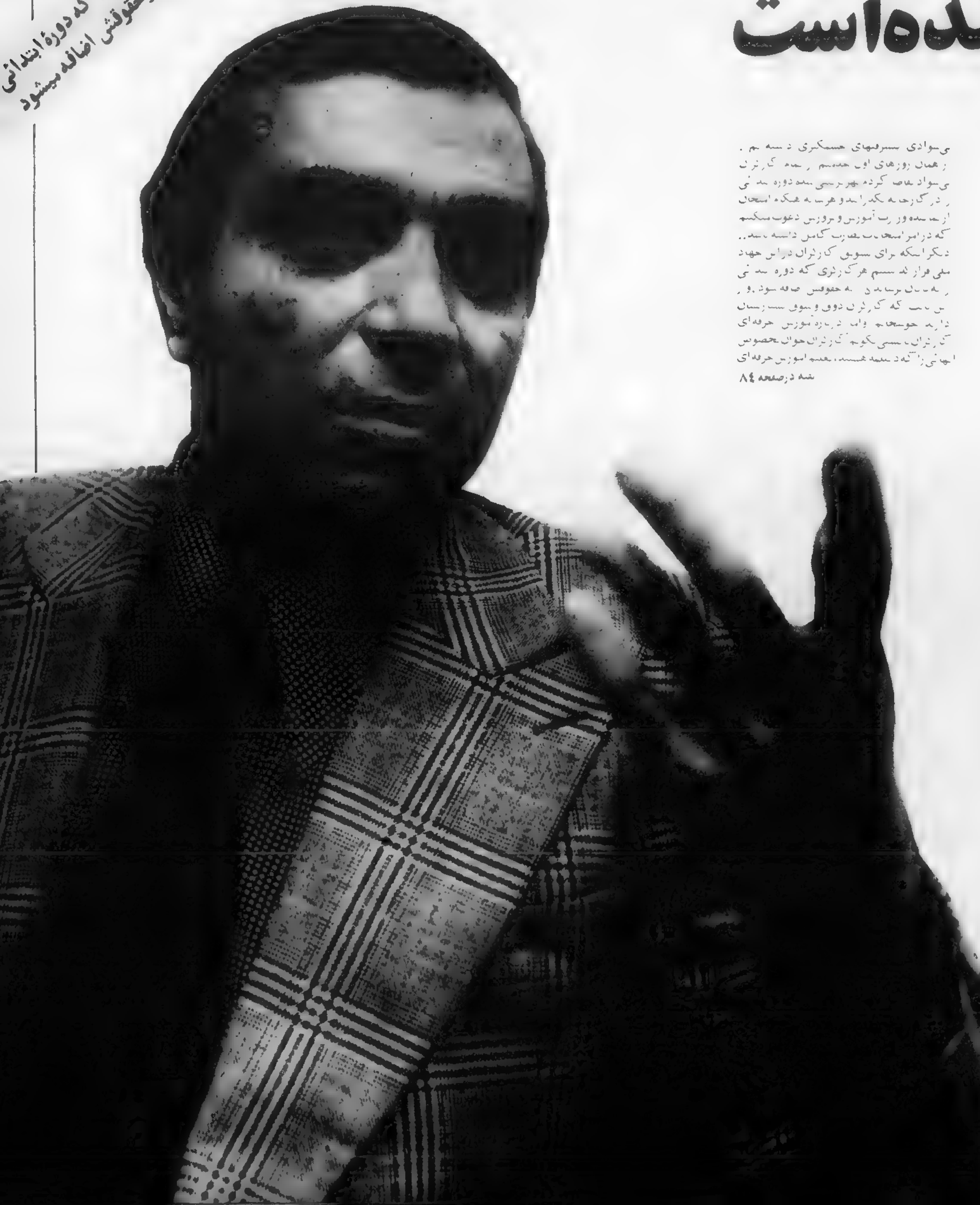

بی‌سوادی سرفهای حسمکری د سه بم .
ز همان روزهای اول حسم رحمه کارگران
بی‌سواد ... کرده بهرسی سه دوره سد نی
ر در کارخانه بگذرانند و هرسه همکه امتحان
از سه و ر آموزش و پرورش دعوت میکنیم
که در امر امتحانات نظارت کامل داشته باشند..
دیگر اینکه برای تشویق کارگران در این جهت
ملی قرار شد هر کارگری که دوره سد نی
را به پایان برساند ... به حقوقش اضافه شود .و ...
... که کارگران ذوق و شوق نشان
داده خوشحالم ... درباره آموزش حرفه‌ای
کارگران ... بگویم کارگران جوان مخصوصا
آنهائی را که ... نیستند ... آموزش حرفه‌ای

...شه در صفحه ۸۴

باخبرنگار وعکاس «رستاخیز کارگران» به کارگاههای تولید کفش برویم

بیش‌از ۱۶۰۰۰۰ تن ازطریق صنعت کفش درتهران ارتزاق میکنند.

*** هرفرد ایرانی سالانه بطورمتوسط ۲ جفت کفش میخرد، ودهها هزار نفر هستند که بیش ازسه جفت کفش می‌خرند.**

*** درتهران بیش از ۴۰۰۰۰ هزار کارگر، در ۵۰۰۰ کارگاه تولید کفش کارمیکنند.**

* انسان اولیه تاهزاران سال، باپای برهنه راه‌می‌پیمود. این شیوه راه رفتن به تدریج پوست کف پای اورا تاحدی ضخیم می کرد که خود بخود پوششی دربرخورد باناهمواریها واشیاء تیزوبرنده به وجود آمد.

چون این پوشش دربسیاری از موارد نمی‌توانست به خوبی پای بشر اولیه رااز گزند آسیب های گوناگون حفظ کند، بتدریج انگیزه یافتن نوعی پوشش برای پا توجه اورا جلب کرد. دراین زمان بشر بدن خود را با برگها، پوست‌درختان وپوست حیوانات می‌پوشاند واین تجربه مطلوبی در جهت تهیه نوعی کفش برای او به شمار می‌رفت.

* اولین کفش که بشر به پا کرد، ازپوست حیوانات ساخته شده بود، بااین تفاوت که این پوست از پوستی که برای تهیه لباس از آن استفاده‌میکرد، ضخیم‌تربود.

با آغاز دوران تاریخ وپیشرفت تمدن بشر، تهیه چارق وانواع گیوه مورد توجه قرار گرفت واین دونوع پوشش پای افزار مناسبی برای انسان به‌شمار می‌رفت.

* دردوران مادها، هخامنشی‌ها، اشکانی ها وساسانی‌ها، چارق‌و گیوه پوشش اصلی پای ایرانی‌ها بود ودر حقیقت نوعی پوشش ملی به‌شمار می‌رفت.

در این زمان تنها، لشکریان وسرداران، به هنگام جنگ چکمه‌های کلفت از جنس پوست حیوانات بابندهای بلند می پوشیدند.

* از آغاز گسترش اسلام درایران‌هم، گیوه و چارق دو پوشش اصلی پای مردم بود واین دو نوع پای‌افزار تا اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه رواج چشمگیری داشت.

درزمان این پادشاه با آغاز رسوخ برخی از آداب ورسوم اروپائی به‌ایران، پوشیدن کفشهای چرمی به شکل تقریبی امروز رواج یافت که در این زمان تنها خانواده‌های اشراف‌این گونه کفشها را می پوشیدند. اما به تدریج باشروع تولید چرم درایران وتوجه مردم به مزایای این‌نوع کفش، رواج آن گستردگی بیشتری یافت و جای گیوه را نزد مردم گرفت وباعث به‌وجود آمدن کارگاههای کفاشی وبازار کفاشها شد.

صنف کفاشی درشمار یکی از پرعضوترین اصناف کشور است واین‌امرقبل از هرچیز مولود نیازگسترده مردم به‌انواع کفش باویژگیهای گوناگون است واحتیاج فراوان مردم به‌کفش، ارزش کارگران کفاش و کاری راکه آنها ارائه میدهند، به‌خوبی آشکارمیکند.

بیش ازچهل هزار کارگر

درحال حاضر حدود ۵۰۰۰ کارگاه تولید کفش با ۴۰۰۰۰ کارگر در تهران انواع کفش، پوتین وچکمه‌های زنانه مردانه و بچه‌گانه تولید میکنند. دستمزد این کارگران با توجه به مهارت آنها، روزانه بین ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ ریال درنوسان است.

اگر تعداد افراد خانواده هر کدام از کارگران کفاش به‌طور متوسط ۴ نفر منظور شود، درحال حاضر حدود ۱۶۰/۰۰۰ نفر ازطریق تولید کفش در تهران ارتزاق میکنند. هرتهرانی به‌طور متوسط سالانه دوجفت کفش می‌خرد، وباتوجه به‌اینکه بسیاری از مردم، بویژه زنان در هر فصل کفش نوی خریداری می کنند، باین ترتیب می‌توان‌گفت در هرسال حداقل ۱۰ میلیون جفت کفش در تهران بفروش میرسد ویک آمار تقریبی نشان می‌دهد که درسراسر کشور، درهرسال حدود۴۰ میلیون کفش بفروش می‌رود. سی‌درصد این تعداد، یعنی ۱۲ میلیون جفت از کفشها را کارخانه‌های کفش ماشینی تولید میکنند و مابقی توسط کارگران دست‌دوز تولید میشود و بدنیست این راهم بدانیم که درهرسال چندین هزارجفت کفش به‌خارج از کشورصادرمیشود.

انواع کفش

درایران انواع کفش، اعم از پوتین و چکمه زنانه ومردانه وبچه‌گانه تولید میشود. در میان این کفش ها، بیش‌از هرنکته به‌فرم و شکل کفش توجه میشود ودرمجموع انواع کفشها درشکل وفرم تنوع فراوان دارند. این کفشها بااستفاده از رنگهائی‌گوناگون رنگ آمیزی میشوند وقیمت آنها بین ۲۰۰ الی ۴۰۰۰ ریال در نوسان است. کفش های راحت و مناسب برای پای هرفرد، بستگی بسیاری به کیفیت‌شکل پا دارد.

مطابقت ابعاد وپستی وبرآمدگیهای کفش با ساختمان پا، راحتی بیشتری را برای مصرف کننده کفش بوجودمی آورد.

بهمین سبب‌نمیتوان کفش خاصی را بهتر از دیگر کفشها دانست وبطور کلی کفشهائیکه پاشنه‌ای متوسط دارند، از نظرحفظ توازن بدن و رعایت موارد بهداشتی، بهتر از کفشهای پاشنه بلند یا پاشنه کوتاه‌اند.

نوع چرم کفش نیز درسلامت و راحتی پا تأثیر زیادی دارد — چرمهائی که در مقابل نفوذ مواد خارجی مقاومت بیشتری داشته باشند، نسبت به دیگر انواع چرم مرغوبترند.

کارگران کارگاههای چندنفری

با اینکه درسالهای اخیر بابالا رفتن سطح دستمزد ها و تثبیت ارزش وجودی کارگران دگرگونیها وتحولات عمیق وچشم‌گیری درجهت بهبود زندگی کارگران بوجود آمده. با این وصف یک دشواری درمورد بعضی کارگران کفاش که در کارگاههای کوچک چند نفری کار می کنند، وجود دارد.

این دشواری درمورد بیمه آنها بچشم میخورد. وآن اینکه بعضی کارگران کفاش چون «صاحب کار» مشخصی‌ندارند، نمی‌توانند از مزایای بیمه استفاده کنند. باین ترتیب که مثلا دو کارگر باهم شریک میشوند وچند کارگر دیگر را کنترات میکنند، اما هیچگونه مسئولیتی را درقبال آنها به عهده نمیگیرند، چرا که درواقع آنان نیز در کنترات فروشنده کفش قراردارند.

درمورد سندیکا

تعطیلات و اوقات استراحت کارگران کفاش نیزقابل تأمل است. «رحیم عسگری» در اینمورد میگوید:

— «سندیکای ما فعالیتی مناسب وقابل توجه نداشته است، درحالیکه وظیفه دارد ما را از کیفیت امکاناتیکه برایمان فراهم شده، آگاه کند. برایمان دعوت نامه بفرستد یا با تشکیل جلساتی مشکلات ما را مورد بررسی قرار دهد. حسین صادقی در ادامه حرف های دوستش میگوید:

— سندیکا برای بعضی از کارگران کفاش کارت‌عضویت صادر کرده است، اما این کارت چندان اعتباری ندارد. درواقع این گونه کارتها براثر مراجعات پی‌درپی کارگران صادر شده، درحالیکه سندیکا موظف است با شمارش افراد صنف و تعیین هویت آنها، برایشان کارت عضویت‌صادر کند.

محمود دهقانی میگوید:

— کارخانه های بزرگ تولید کفش به علت تولید زیاد روزهای‌جمعه هم کارمیکنند و درنتیجه کارگاههای کوچک کفاشی برای رقابت باآنها هم که شده کارگران خود رامجبور میکنند روزهای‌جمعه هم کار کنند.

پاسداری ازهنرهای سنتی

«رسول افشار» کارگر کفاش ضمن گفتگو درباره مزایای کفشهای دست‌دوز میگوید:

— انواع کارهای دستی همیشه نشانه‌ای ازچگونگی هنرهای خاص ایران و نماینده ذوق و ابتکار ما کارگران بوده است و امروز هم باوجود افزایش محصولات ماشینی این ارزش به جای خود باقیست، بحدیکه امروز حداکثر ۳۰ درصدازمردم ازکفشهای ماشینی استفاده میکنند. با توجه به این ویژگی‌ها، باید توجه بیشتری به زندگی ومشکلات کارگران دست‌دوز مبذول شود و همانطور که برای تولید کنندگان صنایع دستی امکانات رفاهی زیادی به‌وجود آمده است، درمورد کارگران دست‌دوز کفاش هم مزایائی درنظر گرفته شود، چون بهرجهت کارگران دست دوز پاسدار قسمتی از هنرهای سنتی ایران بشمارمی روند.

مسؤلان سندیکا چه میگویند؟

«ناصر وحدتی» رئیس هیأت مدیره سندیکا دراینمورد میگوید:

— کیفیت تشکیلات هرسندیکا، اتحادیه یا به طور کلی هرجامعه، بستگی به چگونگی طرز فکر افراد آن دارد. علت اصلی ضعف تشکیلات سندیکای ما نیز درمرحله اول نتیجه کوتاهی کارگران کفاش و درمرحله بعد به

رگران کفاش

علت کم‌توجهی مسؤلین امر است. با اینهمه از آغاز انقلاب شاه و ملت، که سود ویژه بــه کارگران تعلق گرفت و بخواسته های آنها توجه شد، سندیکا سروصورت بهتری به خود گرفته است، چون بهرحال وقتی کارگر حس کرد خواسته هایش برآورده میشود، خواه و ناخواه رابطه بیشتری با تشکیلات صنفی خود برقرار میکند. ازسوئی، درمتن یکی ازقوانین کارذکر شده که هیچ سندیکائی حق ندارد کارگران صنف خود را بزور به عضویت سندیکا درآورد، درحالیکه من عقیده دارم این قانون نارسا است و باید درآن تجدید نظر شود، چرا که کارگران یک صنف بطور اجباری هم که شده باید در گروههای سندیکائی شرکت کنند، وگرنه چگونه میتوانند درمحیط کارخانه و برای پیشبرد کارها باهم هماهنگ باشند؟ رئیس هیئت مدیره سندیکای کفاشان در مورد تنظیم ساعات کار کارگران کفاش و فراهم کردن امکانات تفریحی برای آنان میگوید:

— برای این کار باید با مسؤلین وزارت کار وارد مذاکره شویم، زیرا گفتگوهای قبلی ما که فقط با کارفرمایان صورت گرفته، آنطور که دلخواهمان بوده، نتیجه قابل ملاحظه‌ای دربر نداشته است.

ناصر وحدتی، درپایان سخنان خود به انتشار مجله «رستاخیز کارگران» اشاره کرد و اظهار داشت: «کیفیت مطالب مجله باطرز فکر کارگران مطابقت دارد. نظر کلی من و دیگر کارگران براینست که اگر کارگری خواهان داستان یوسف و زلیخا ومطالبی شبیه به آن باشد، میتواند در مجلات دیگر هم آنرا پیدا کند، درحالیکه یک مجله کارگری باید سطح فکر کارگر را بالا بردو با انعکاس خواسته هایش با او رابطه برقرار نماید. و در حقیقت آئینه‌ای از زندگی او باشد.

تهرانی ها سالانه ده میلیون کفش می خرند.

دستهای کارگر و پرتحرک در نبرد با

مسابقه نقاشی پیروز شدند

دستهای خشنی داشت. رنگ زیر ناخن هایش نشان میداد باروغن وچرخ وماشین در تماس دائمی است. گونه هائی استخوانی و چشمانی تیز داشت که وقتی حرف میزد، چهره لکریش تغییر پذیر مینمود. رفتیم کنار دیوار و نگاهش ونگاهم بروی یک تابلو خیره ماند. رنگ‌های زرد وآبی وسفید درهم ریخته بود و خزان را نشان میداد. اسمش بیداردل بود و کارش تعمیر ماشین های ریسندگی. حالا آمده بود که چند تابلونقاشی را برای مسابقه ارائه کند.

«بیداردل» سمبل یک کارگر بود. دستهای زبر وپرکارش اینبار بجای آویختن به‌چرخ و آهن وروغن، به‌ظرافت یک پر که به‌نسیم بیفتد، رنگ‌ها را ببازی‌گرفته بود وحدیث رنگ وقصه را درهم آمیخته بود، وکارگرهای دیگر، جوان وپیر که نشسته بودند، ساعت‌ها و روزها برای آفریدن، برای ساختن وپرداختن تلاش کرده بودند ومیشد قصه‌شان را در رنگ تابلوها خواند.

کارگران ایرانی، حالا یک برنامه جنبی دارند، فعالیت آنها در زمینه تاتر، سینما، ورزش نویسندگی ونقاشی درخورا همیت وتوجه است و ما اینک دستمایه آنها را درزمینه نقاشی داریم.

نمایشگاه

همه‌ساله یک نمایشگاه نقاشی از آثار کارگران سراسر ایران ازطرف وزارت کاروامور اجتماعی برگزارمیشود. ازبین شرکت کنندگان در نمایشگاه مزبور، تعدادی که دارای آثار بهتری هستند، انتخاب میشوند وسپس ازآنان برای شرکت درمسابقه که در تهران انجام میشود دعوت بعمل میاید تا دریک مسابقه جمعی شرکت کنند، امسال نیز این مسابقه برگزارشد که ۲۲نفر درآن شرکت جستند. کارگران سراسر ایران خوشحال بودند که چنین مسابقه‌ای برای دوستان هنرمندشان برگزار میشود واز میان این ۲۲نفر، ۱۳ نفر که آثار بهتری داشتند درمسابقه نهائی شرکت کردند. این هنرمندان کارگر مدت پنج روز در هنرستان عالی پسران درمسابقه پرشوری شرکت جستند که از ۲۳ تا ۲۷ آبانماه ادامه داشت وسیزده تابلوی جدید برتابلوها در همین مسابقه افزوده شد. ودرنتیجه ازمیان این سیزده نفر که آثارشان در ردیف اول تاسوم قرار داشت، برنده مسابقه اعلام شدند.

جایزه‌ها

جایزه‌های این نقاشان هنرمند و کارگرانی که غیرازکار باماشین ودستگاه، کارجنبی‌خیره کننده‌ای داشتند، بوسیله «وزارت فرهنگ وهنر و وزارت کاروامور اجتماعی توزیع شد. برندگان مسابقه بدین ترتیب بودند.

۱ــ یداله کوزه‌ای، از ذوب‌آهن کرمان «نفراول»، برنده پنج‌سکه طلای پهلوی. تابلوی انتخابی اوعبارت بود از«رستاخیز».

۲ــ سیروس رحیمیان، ازکارخانجات تولیدی تهران«نفر دوم» برنده دوسکه پهلوی. تابلوی انتخابی او یک‌گلدان‌گل بود.

۳ــ علی ایزدپناهی، از ذوب‌آهن آریامهر نفر سوم، تابلوی انتخابی او طرحی هندسی و تقریباً نو غیراز این جوایز وزارت کار بهر کدام یک سری لوازم ومواد نقاشی ویک تقدیرنامه و احکام قهرمانی مسابقه نقاشی هدیه داد.

تشکیل نمایشگاه

با ۱۰۲ تابلوئی که توسط کارگران کشیده شده بود، پس ازمسابقه، یک نمایشگاه نقاشی درباشگاه ششم بهمن وزارت کاروامور اجتماعی برگزارشد، که توسط وزیر کار افتتاح گردید بسیاری از کارگران تهران که علاقه بکار دوستان هنرمند خود داشتند، از این نمایشگاه دیدن کردند. تشکیل این مسابقات از طرف وزارت کارو امور اجتماعی نشان دهنده‌انیست که کارگران میتوانند درکلیه فعالیت‌هائی که زمینه هنری داشته باشد، شرکت کنند وبا این گروه عظیم ودرخور توجه امیدهای بیشتری برای ابرازوجود کارگران ایرانی در تمام زمینه ها پرورانده میشود.

سمبل فکر

علی ایزدپناهی، کارگر ذوب‌آهن اصفهان است او یکدنیا فکرواندیشه دارد. کارهای او نمایانگر روحیه پیشرفته وشناخت جامعه است. نگاهی به‌تابلوهائی که برای مسابقه عرضه کرده بود، کارقشنگ ومناسبش را بخوبی نشان میداد. همکاری وهمفکری، هفته دندانپزشکی و«نوازندگان»، تابلوهائی بود که او ارائه کرد. استفاده از خطوط هندسی و کاربرد رنگ در خطوط صاف وکشیده‌اش نشان میداد که میتوان براو امیدهای باروری بست. ایزدپناهی میتواند یک نقاش خوب باشد، درصورتیکه ازاو استفاده لازم بشود.

قاسم کهکشانی نقاش دیگری است از سیمان فارس که باتابلوهای قشنگی ازطبیعت و آثار ایرانی به‌مسابقه آمد. شیراز الهام بخش کارهای او بود— دروازه قرآن وحافظیه شیراز! تصویرگری او نشان میداد که میتواند درآینده درصورت تمرین مستمر، بعنوان یک نقاش با استعداد شناخته شود.

فروش

اکثر نقاشان که دراین مسابقه شرکت کرده بودند، ازاین‌راه بهره مادی هم می‌برند. بعنوان مثال، یداله حیدری تابلوهایش را بین ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال میفروشد. او درمحیط کار نیز چندین تابلو بااستفاده ازسوژه‌هائی که وجود دارد کشیده است وبین همکاران خوداز محبوبیت خاصی برخورداراست.

عده‌ای از کارگران نقاش شرکت کننده درمسابقه

...د با هنر ظریف نقاشی

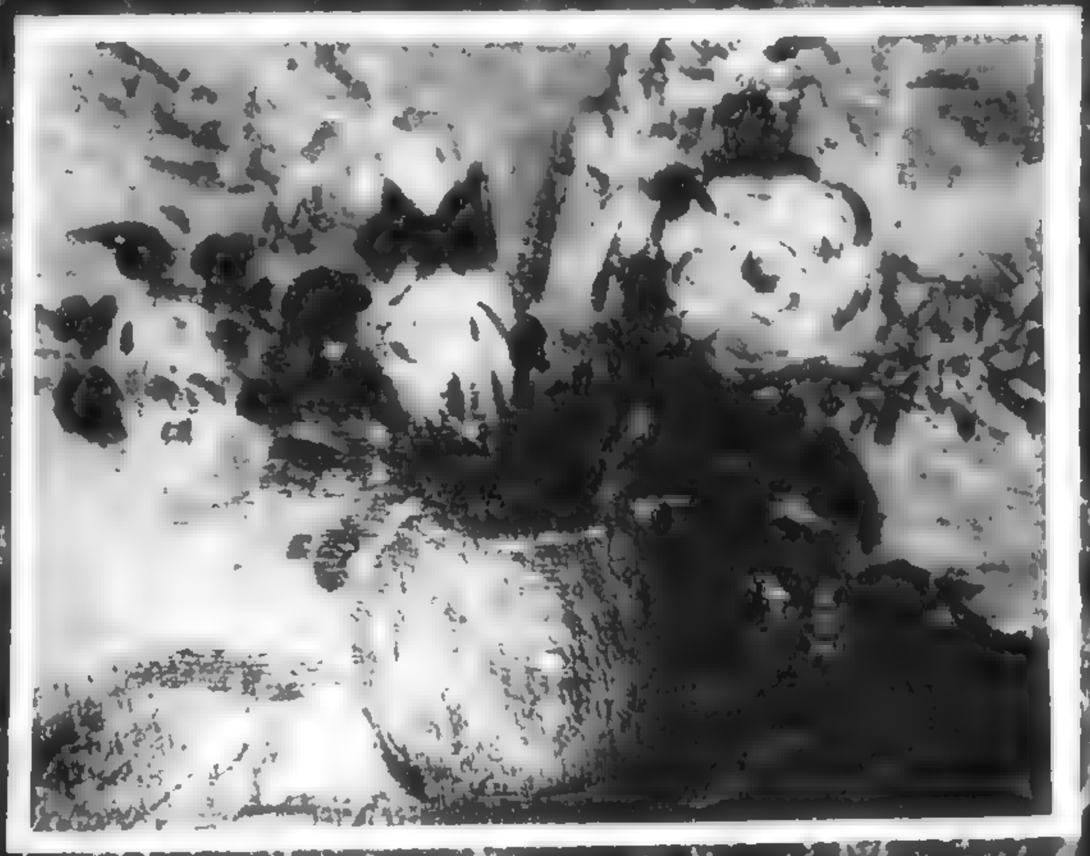

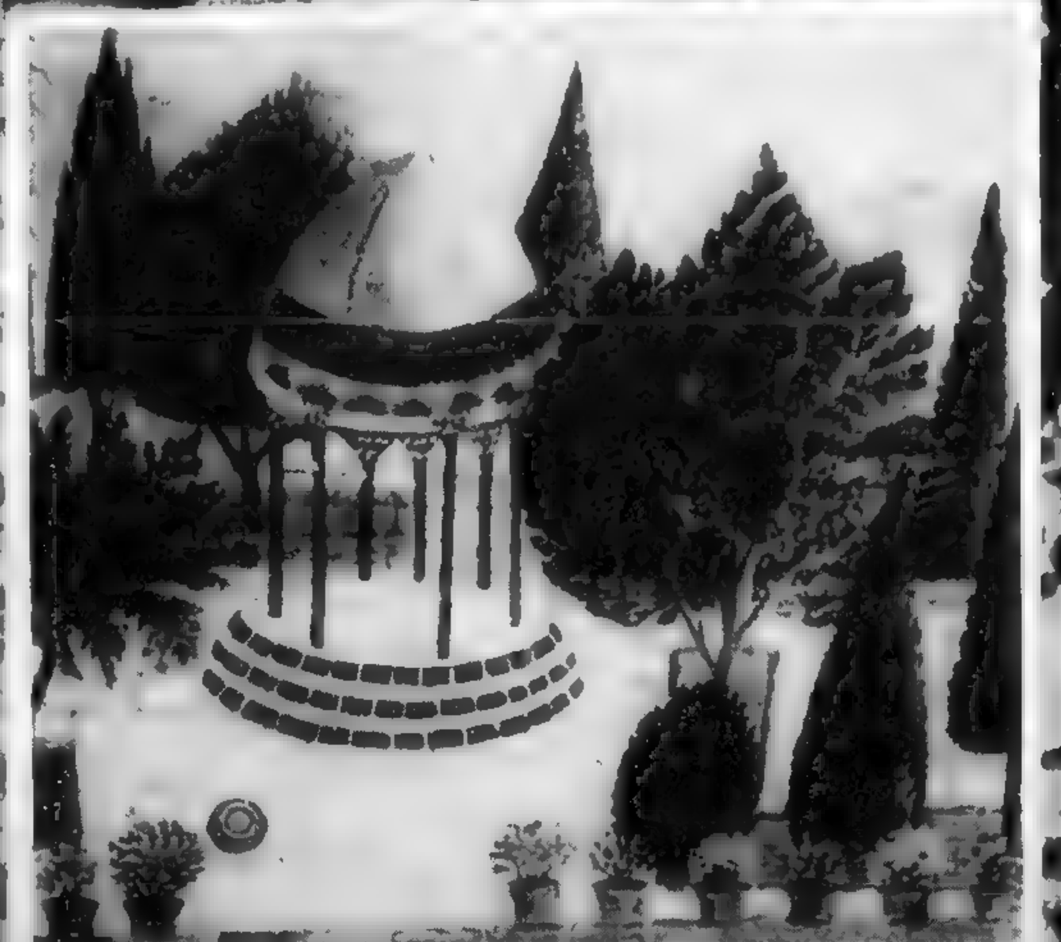

نامه به سردبیر

سالن های ورزشی را برای تمرین اختصاص دهید

به خاطر آنکه علاقه زیادی به ورزش دارم در ساعات بیکاری‌ام به یکی از این باشگاهها میروم و تمرین میکنم . مشکل کار اینجاست که با وضعی که دارم و اکثر ساعات شبانه روز را در کارخانه مشغول کار کردن هستم و با صرف آمدو رفتم میشود قادر نیستم که مرتب به تمرین های خود برسم . واحد های صنعتی بزرگ به خاطر هدر نرفتن استعداد های ورزشی و مخصوصاً برای تقویت جسم و تن کارگرانشان به نیست که سالن‌هائی را برای تمرین های ورزشی اختصاص دهند . با این ترتیب میتوان یکساعت یا نیمساعت از ایام فراغت را ورزش کرد و گذشته از اینها با این نوع سرگرمی ها کارگران تشویق میشوند که بجای هدر دادن همان چند ساعت بیکاری خود در جا های مختلف به ورزشهای مورد علاقه خود بپردازند و درضمن بتوانند در رشته دلخواهشان قهرمان شوند .

* «مصطفی همت‌پور»

امان از این بوق زدنها...

آنقدر سروصدا و شلوغی هست و به اندازه‌ای آدم توی کوچه و خیابان و کارخانه از صداهای مختلف کلافه میشود که مفهوم سکوت و آرامش را فراموش کرده است . آیا شما را خوش می‌آید که در دل شب که قصد داریم با تن خسته و کوفته لحظه‌ای استراحت کنیم ، از صدای بوق ناهنجار اتومبیل ها و خالی کردن مصالح ساختمانی و تیرآهن بر روی اسفالت خیابان دچار ناراحتی شویم ؟ در محله ما از یک طرف شلوغی بچه ها و داد فریاد های متفاوت و از طرفی صدای بوق اتومبیل ها باعث ناراحتی شده است با اینحال این ناراحتی ها را هر طور شده تحمل می کنیم . ولی امان از دست این بوق زدن های نابهنگام . آیا این جماعت بوق بزن فکر میکنند که در گوشمان پنبه جفت وبست گذاشته‌ایم ، یا اینکه دیگران باید کفاره شب زنده‌داری آنانرا بدهند ؟

* محمود بخت‌آوری (مکانیک)

سراسر حادثه و آرتیست بازی ؟

بنده‌قبول دارم که در فیلم های سینمائی به خاطر آنکه برای بینندگان جالبتر باشد صحنه‌ای پرانتریک و مهیج گنجانده شود و به همین دلیل هم همیشه در فیم ها مسئله مهم آن زدوخورد و از این قبیل ماجرا‌های هیجان انگیز است و کمتر به مسائل اخلاقی و یا علمی توجه شده است . البته که این یکنوع تجارت است و تابحال هم جنبه آموزش مفید کمتر داشته است ، ولی درمقابل اظهار تأسف و اعلام خطر جامعه شناسان که معتقدند انسان امروزی تمام سنتها و اخلاقیات خودش را دارد فراموش میکند و باید گفت که دلیل عمده‌اش نحوه آموزشهای غیر منطقی و غیر معقول و محیرالعقول بعضی فیلم های سینمائی است بحث بنده در اینجا علاوه بر فیلم هائی که در سینماها نمایش میدهند بعضی از سریال های تلویزیونی را نیز در برمیگیرد . پاره‌ای از سریال های تلویزیونی و فیلم هائی که به نمایش گذارده میشود چه پلیسی و غیر پلیسی و سرخ پوستی سر و ته یک کرباس است و دوروبر یک موضوع می‌چرخد که همانا قتل و جنایت است . همیشه مأموران به دنبال قاتل و علل قتل می‌روند و بعد هم یک سری زدوخورد و آرتیست بازی ، به نظر شما آیا صحیح است که بچه ها بنشینند و زل بزنند به این فیلم‌ها؟ برای همینست که اکثر بچه ها این ماجراها را حقیقی می‌پندارند و بعد هم مو به مو آنرا توی کوچه و محله و خانه و مدرسه پیاده میکنند و خدای نکرده بزهکاری و گرفتاری و دردسر برای یک عمر خود درست می کنند .

بنظر من لازم است پدرها و مادرها وقت صرف دهند و وقت فرزندان نوجوانشان راطوری تنظیم کنند که نه‌بدیدن این فیلم‌ها به سینماها بروند و نه مجال تماشای اینگونه سریال های تلویزیونی را داشته باشند.

* فرح نوذری

* این چندصباح زندگی...

آنقدر کار و گرفتاری هست که کمتر میتوانم به خودم برسم و با چند کلاس سوادی که دارم مطالعه‌ای بکنم . با اینحال گاه و بیگاه هر وقت فرصتی به دستم می‌افتد یا مطالعه‌ای میکنم و روزنامه‌ای میخوانم یا اینکه بیشتر فکر میکنم ولی فکر هایم به جائی نمیرسد و به اصطلاح عقلم به جائی قد نمیدهد تا علت اصلی بعضی از مسائل زندگی را بفهمم . یکی از مسائلی که عموماً با من و عقل من دست به گریبان است . اینست که چرا مردم به یکدیگر بدی میکنند . این چند روز زندگی ارزش این را ندارد که اینهمه دردسر بوجود بیاید.

در اینجور مواقع خیلی غصه‌دار میشوم ، چون می‌بینم که از حقیقت زندگی خیلی فاصله گرفته‌ایم و بیخود و بی جهت زندگی را بر خودمان سخت میگیریم و من در فاصله های کوتاه سعی میکنم که لااقل پیش از اینکه از این دنیا بروم چیزی بدرد بخور فرا‌بگیرم که بدرد آخرت بخورد .

* محمد کوزه فروش (نجار)

اوبرای همه میزند !

غیبت کردن وجاسوسی کردن و«خبر کشی» ازآن کارهای زشتی است که‌عاقبت ناخوش آیندی دارد. بدبختانه این همکارما هیچ به این مسئله توجه ندارد ودم بساعت کوچکترین خلاف ها ویا کارهای‌ما را گزارش میکند . کاش فقط حقیقت رابگوید درصورتیکه راست ودروغ راسرهم میکند واز روی دشمنی‌و کینه واحیاناً خرده حساب هائی که با دیگران پیدا کرده‌است پته همه را روی آب میریزد که نتیجه‌اش جاروجنجال ودعواومرافعه است .

انسان جایزالخطاست و کم وبیش چه در سر کارش وچه درزندگی روزمره دچار لغزش هائی میشود ، خدای نکرده یک وقت آدم‌مریض است و دستش به کار نمیرود یا به علتی اوقاتش تلخ است ویادش میرود سلام کند وهزاران‌اشکال دیگر ، اینها دلیل نمیشود که یک آدم‌مفتن‌و بی انصاف دربین مردم ایجاد بدبینی ودشمنی کند . بارها همکارانم خواسته‌اند که طوری به او حالی کنند که دست ازاین کار زشتش بردارد و پشت سر اشخاص دوبهم‌زنی‌نکند ولی خودداری کرده‌اند وخود اوهم باین‌امر توجهی ندارد.

* «محسن بیده‌باغ»

دادگاه خیابانی !

نمیدانم تاکنون گرفتار محکمه قضاوت مردم شده‌اید یانه و توی کوچه وخیابان به پست این آدمها خورده‌اید؟ اگر خدای نکرده اتفاقی بیفتد ، دعوائی صورت بگیرد ، تصادفی بوجود بیاید از گوشه و کنار مردم ، کنجکاو بر مسند داوری مینشینند وحتی کار این پیش‌داوری ها به دعوا وجنجال هم می کشد، در تصادف دو وسیله نقلیه که من هم شاهدقضیه بودم، اتفاقات جالبی رخ داد که هم دیدنی و تماشائی بود وهم تأسف انگیز. صدای در هم کوبیده شدن دو وسیله نقلیه درخیابان همه را وحشت زده کرد و فوراً گروه زیادی در اطراف دو وسیله حلقه زدند و هر کس اظهار نظری و قضاوتی میکرد طرفین خسارت دیده در همان حملات اولیه، کنار کشیدند ومتعجبانه به این مردم بی کار نگاه میکردند. صدای کشیده وشتابزده جوانی طنین انداخت:

«خب معلومه که تقصیر کیه. اگر این بابا به خورده فرمانش رامیداد به چپ که این اتفاق نمی افتاد» وبلافاصله رو کرد به جمعیت وپرسید: «راننده این ماشین قراضه کیه ؟» همه نگاهها به طرف پیرمردی برگشت که با رنگ پریده کنار ماشین کز کرده بود. جوان خصمانه به طرف او خیز برداشت. یقه‌اش را گرفت و وحشیانه فریاد زد« تقصیر تست دیگه آدم لاجون، همین شماها هستید که ترافیک شهر را به هم ریخته‌اید. تو باید کاری چی میشدی!»پیر مرد حیرت زده به جمعیت ملتمسانه نگاه میکرد ! دو باره سرو صدا اوج گرفت یکی بلند فریاد زد:«چی میگی تو هم بیخود حرف میزنی، تقصیر این یکیه که پیچیده جلوش» جمعیت داشت به هم می‌پیچید که با رسیدن کارشناس تازه جریان قضاوت،شکل دیگری بخودش میگرفت.

اکبر نوری(تلفنچی)

چرا این همه کوتاه‌بینی ؟

از دارو ندار زندگی یک موتور داشتم که با آن به سر کارم میرفتم . سالها اند که پولم را ذخیره کردم تا موفق شدم این وسیله را بخرم تا از کارم عقب نمانم و از شر پیدا نشدن وسیله نقلیه راحت‌شوم .

بالاخره یک شیر حرام خورده‌ای به این یکدانه موتور هم رحم نکرد و آنرا به سرقت برد و عزایش را به دلم نشانید . کی دوباره میتوانم یک موتور بخرم ؟ چرا عده‌ای باید از مال و زحمت دیگران استفاده کنند و بدون زحمت و تلاش مال این و آنرا به سرقت ببرند و نتیجه زحمات آنانرا مفت ومجانی صاحب شوند . لابد این عده که بیعار و بی کارمیگردند تن به کار و زحمت تلاش و کوشش نمیدهند خود را طلبکار میدانند ومال دیگران را هم مال خود ، چرا حاضر به کار کردن وجان کندن نیستند و نمیخواهند شرافتمندانه زندگی نمایند.

*« داودشقاقی »

روزنامه رستاخیز

کارگر

وزیر کار و امور اجتماعی:

واحد «نظارت بر فروش سهام کارخانجات به کارگران» از واحدهای پرکار وزارت کار میشود

سه ترمینال کامپیوتری برای رفع نیاز کارگاهها به کارگران متخصص ایجاد خواهد شد

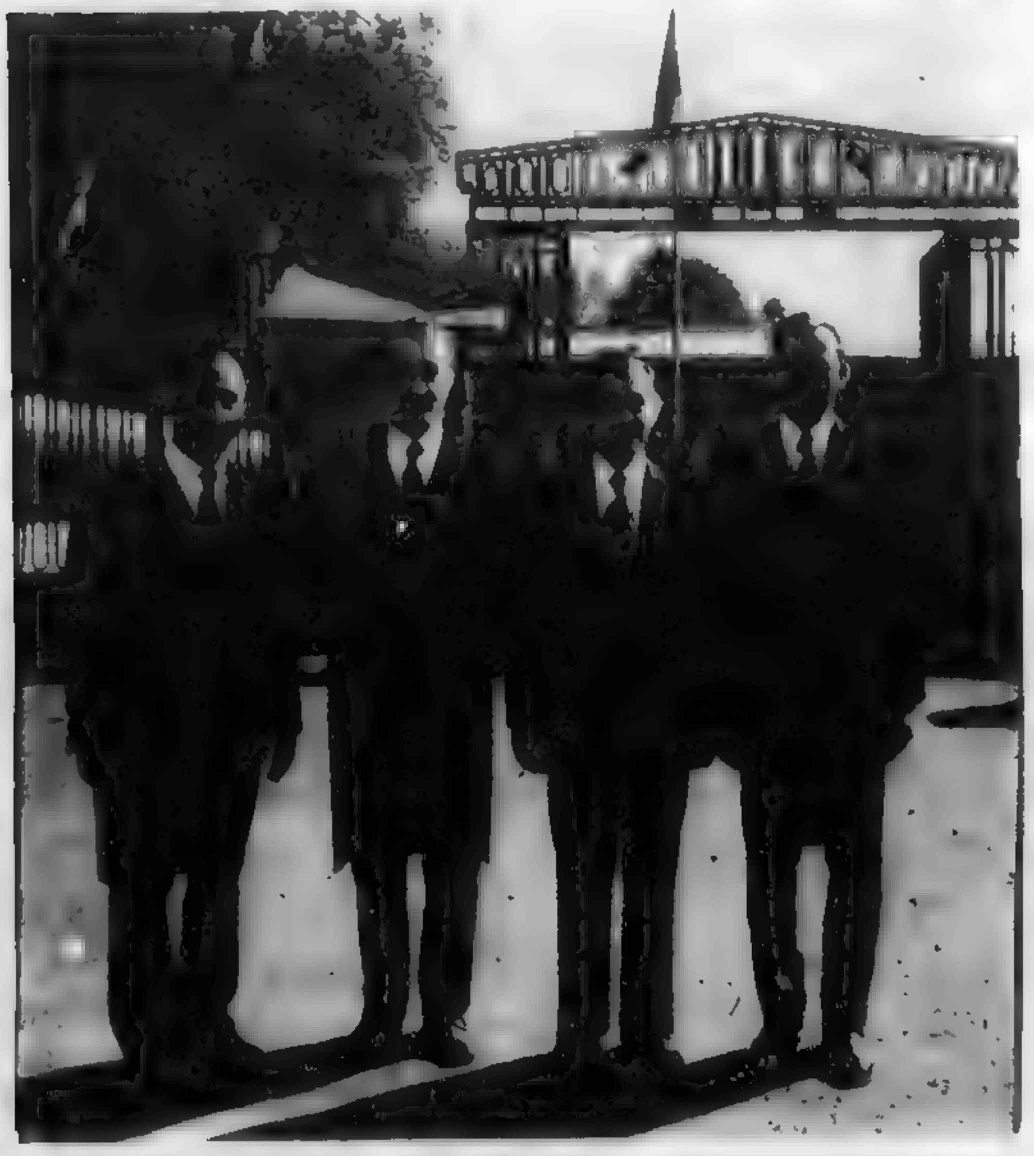

پس از شرفیابی به حضور شاهنشاه آریامهر، آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی به پرسش های خبرنگار «رستاخیز کارگران» پیرامون برنامه ها و اقدامات آینده این وزارتخانه پاسخ گفت.

عکس، وزیر کار و امور اجتماعی و معاونان جدید این وزارتخانه را پس از شرفیابی به پیشگاه شاهنشاه نشان می دهد.

از راست به چپ آقایان فریدون ناصری معاون نیروی انسانی، امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی محمود شایان معاون روابط کار صنعتی و بهره وری و علی اصغر رزازان معاون روابط کار.

نظارت و تشویق کارگران و کارفرمایان به تشکیل و توسعه سندیکاهای کارگری پیگیری خواهد شد

شاهنشاه آریامهر، پیش از ظهر چهارم آذر ماه جاری امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی را در کاخ نیاوران به حضور پذیرفتند، در این شرفیابی وزیر کار و امور اجتماعی فریدون ناصری را بسمت معاون نیروی انسانی، محمود شایان را بسمت معاون روابط کار صنعتی و بهره وری و علی اصغر رزازان را بسمت معاون روابط کار به پیشگاه همایونی معرفی کرد.

شاهنشاه آریامهر بهنگام معرفی معاونان جدید وزارت کار و امور اجتماعی، اوامری در باره افزایش بهره وری کارگران و ارتباط منطقی بهره وری با دستمزد و ضرورت کار و تلاش بیشتر کارگران در راه نیل به توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکت صادر فرمودند.

«رستاخیز کارگران» بمنظور روشن شدن ذهن خوانندگان خود نسبت به وظایف معاونان جدید و فلسفه تغییر سازمان در بعضی از سطوح وزارت کار و امور اجتماعی، با آقای امیر قاسم معینی گفتگوئی دارد.

* رستاخیز کارگران: «علت تغییر سازمان در وزارت کار چه بوده است و معاونان جدید چه وظایفی دارند؟»

* امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی:
—«با توجه به گسترش و توسعه روزافزون اقتصادی و اجتماعی کشور که به رهبری شاهنشاه آریامهر در تمامی زمینه ها به چشم میخورد، لازم بنظر میرسد که در سازمان وزارت کار نیز به موازات تحولات انقلابی مملکت تجدید نظر کنیم و حتی واحدهای جدیدی را پایه بگذاریم. مثلا از مدتی قبل لزوم

ایجاد واحد جدیدی تحت عنوان «نظارت بر فروش سهام کارخانجات به کارگران» بیش از هر وقت محسوس بود. بهمین سبب پس از مطالعه کافی و تصویب ملوکانه این واحد ایجاد شد و با توجه به اینکه در حال حاضر کلیه کارگاههای تولیدی وصنعتی در سراسر کشور مشمول پرداخت سود ویژه به کارگران شده اند، این واحد جدید با گسترش روزافزون بزودی یکی از سازمانهای پرکار وزارت کار خواهد شد. مسئله دیگر در سازمان جدید وزارت کار نظارت و تشویق کارگران و کارفرمایان به تشکیل و توسعه سندیکاهای کارگری است که از این پس به نحو پیگیری دنبال خواهد شد. مورد دیگر لزوم استفاده از نیروی متخصص خارجی است که در حال حاضر غیر قابل اجتناب بنظر میرسد و بهمین سبب واحد مربوط به آنرا گسترش داده ایم.

* وزیر کار و امور اجتماعی همچنین اظهار داشت:

درنظر است ترمینال کامپیوتری بمنظور رفع نیاز کارگاهها به کارگران متخصص در سراسر کشور ایجاد شود، که مشخصات کارگران متخصص به این کامپیوترها داده خواهد شد، و چنانچه کارگاهی نیاز به کارگر متخصص داشته باشد، این ترمینال های کامپیوتری کارگر مورد نیاز کارگاه را معرفی می کند. از طرفی، نیازهای کارگاهها هم به این مراکز کامپیوتری داده میشود، و چنانچه کارگری برای اشتغال بکار تقاضا کرد، کارگاه لازم به او معرفی خواهد شد.

از لطف همه شما خواهران و برادران کارگر، سپاسگزاریم

نمایندگان کارگران در کارگاهها با ما درارتباط هستند

با انتشار نخستین شمارهٔ «رستاخیز کارگران» همانگونه که انتظار میرفت، شما کارگران عزیز سراسر مملکت، از دورافتاده‌ترین واحد کارگری کشور تا کارگری شهری با استقبال بی‌سابقه خویش، ما را در ادامهٔ راهی که حزب رستاخیز ملت ایران، حزب دربرگیرنده تمام قشرهای اجتماع مملکت برای ما گشوده است، بوسیلهٔ تلفن، نامه و تلگراف مورد تایید قرار دادید و ما با تکیه برآرمان های رستاخیز ملت ایران و پشتیبانی و تأیید شما خواهران و برادران کارگر، کوشش می کنیم نشریهٔ ویژهٔ شما کارگران عضو رستاخیز را که آئینهٔ افکار و خواسته‌های شماست، هرشماره، زیباتر، جالب‌تر، آموزنده‌تر و سرگرم کننده‌تر از پیش عرضه کنیم.

در اینجا جا دارد از عموم نمایندگان کارگران کارگاهها، که تقبل نموده‌اند «رستاخیز کارگران» را برای فروش در کارگاه خود توزیع کنند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم و نیز از آنان بخواهیم نظرات و پیشنهادهای خود و دوستان کارگر را در بارهٔ مجلهٔ خودشان برای ما بفرستند تا با این تبادل نظر «رستاخیز کارگران» هرچه بیشتر نمایانگر افکار و ایده‌ها و خواسته‌های کارگر عصر رستاخیز باشد. همچنین از این دوستان — نمایندگان کارگران کارگاهها میخواهیم چنانچه تاخیری در ارسال مجله‌شان مشاهده کردند، بیدرنگ دفتر «رستاخیز کارگران» را آگاه سازند تا در رفع آن اقدام شود. بازهم از اینهمه محبت شما خواهران و برادران کارگر سپاسگزاریم.

اخبار حزبی

در کنفرانس سه روز مسئولان حزب رستاخیز ملت ایران هویدا دبیر کل گفت :

برای رسیدن به هدف نهایی باید بردامنه فعالیت های خود بیافزاییم

قائم مقام دبیر کل :

کمیت کانون ها برای ما مهم نیست ما دانشکده حزبی نداریم ، کانون ها هر کدام یک دانشکده است.

گرچه خبرها و رویدادهای مربوط به حزب رستاخیز ملت ایران، همه روز در مطبوعات کشور، بویژه روزنامه «رستاخیز» ارگان حزب منعکس می‌شود، اما چون ممکن است بعضی از خواهران و برادران کارگر فرصت مطالعه این اخبار را نداشته باشند و انتظار دارند حداقل اهم مطالب مهمتر را در نشریه مخصوص خودشان — رستاخیز کارگران مطالعه کنند، از این رو «رستاخیز کارگران» اینگونه اخبار و رویدادهای حزبی را بطور خلاصه منعکس می‌سازد ... بهمین جهت، با آنکه گزارشهای کنفرانس سه روز مسئولان کمیته های حزب رستاخیز ملت ایران در استانها، بطور مشروح در مطبوعات انعکاس یافت ، اما ازآنجا که آگاهی از مطالب مطروحه وتصمیمات اخذشده دراین کنفرانس ، برای هرفرد حزبی ومؤمن ومعتقد به‌آرمان‌های رستاخیز ملت ایران لازم وضروری است ،ونیز این تصمیمات روشنگر خطمشی حزب دربسیاری اززمینه هاست مجلهٔ شما —رستاخیز کارگران— خلاصه‌ای ازرویدادهای جلسات سه‌روزه این کنفرانس را منعکس می کند ،بویژه که آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ودبیر کل حزب وآقای مهدوی قائم مقام دبیر کل طی سخنان مبسوطی درجلسات این کنفرانس، بسیاری از مسائل حزبی را روشن کردند.

در نخستین جلسه کنفرانس مسئولان حزب رستاخیز ملت ایــران ، آقای هویدا نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران مراتب رضامندی شاهنشاه آریامهر را از فعالیت های حزبی به مسئولان حزب در استانها ابلاغ کرد و تاکید نمود : رضامندی ملوکانه مشروط است، زیرا برای پیشبرد برنامه ها و رسیدن به هدف غائی باید بردامنه فعالیت های حزبی خــود در سراسر کشور بیافزائیم . و در آخرین جلسه این کنفرانس آقای فریدون مهدوی قائم مقام دبیر کل حزب رستاخیزملت ایران ووزیر بازرگانی اظهارداشت:

— آنچه در حزب اهمیت دارد ایمان و اعتقاد به آرمانها و فعالیت های حزبی است و از این رو کمیت کانون ها برای ما مهم نیست زیرا اگر کانونی بدون ایمان و اعتقاد تشکیل شود چه بهتر که درآنرا ببندیم .

کنفرانس مسئولان کمیته های حزب که درساختمان مرکزی حزب رستاخیز ملت ایران تشکیل شده بود پس ازسه روز بحث وگفتگوهای بسیار بکار خود پایان داد . در جلسات این کنفرانس که هر روزصبح و بعد ازظهر تشکیل میشد ، مسئولان کمیته های حزب ، اقدامات و فعالیت های خود را ظرف چند ماه گذشته تشریح کردند و به تبادل نظر در باره مسائل مختلف پرداختند .

در نخستین جلسه مسئولان حزب آقای هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران بیاناتی در باره اهداف حزب و فعالیت های حزبی ایراد کردند و تائیدنمودند که همه ما باید برای پیشبرد برنامه های‌حزب فعالیت های خود را افزایش دهیم و درآخرین جلسه این اجلاس ، آقای فریدون‌مهدوی قائم مقام دبیر کل حزب ضمن اشاره به آرمانهای حزبی و لزوم ایمان و اعتقاد و به‌آنها خاطر نشان ساخت که : این اجلاس بخاطر آشنائی مسئولان کمیته های حزب با یکدیگر و تبادل نظر در باره تجارب و مسائل حزبی تشکیل شد و به این ترتیب همه ما با مسائلی که در استانهای مختلف وجود دارد آشنا شدیم و با روشن شدن مشکلات برای رفع آنها نتیجه هائی بدست آوردیم .

وی افزود : مهمترین خصیصه و یا نتیجه اجلاس این بود که مقداری مسائل درمقابل ما قرارداد تا درباره آنها فکر کنیم و ببینیم چه باید کرد و در مورد بسیاری از مسائل هم تصمیم گرفتیم که چه کنیم . تشکیل جلساتی به این صورت مسلماً برای آشنائی بیشتر بین همه ما لازم است. قائم مقام دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران تاکید کرد که ما دانشکده حزبی نداریم بلکه کانونهای حزب هر کدام یک دانشکده است برای‌آموزش آرمانهای حزب .

*گردش اندیشه ها

در همین جلسه آقای دکتر عاملی مسئول کمیته آموزش سیاسی حزب ضمن تشریح نحوه فعالیتهای سیاسی اظهار داشت : آموزش سیاسی درحزب عبارت است ازگردش اندیشه های سیاسی، نه به آن معنی که گروهی مسائل سیاسی را میدانند و باید این مسائل را به آنها که نمیدانند بیاموزند. حزب متعلق به همه است و مکانیسمی برای گردش اندیشه هاایجاد میکند .

دکتر عاملی افزود : حزب وظیفه دارد افکار رابنحو صحیح جمع آوری کند و آنها را متبلور سازد و مجدداً همین اندیشه های جمع شده را دراختیار اعضاء حزب بگذارد .

در مورد فعالیتهائی که در زمینه آموزش سیاسی تاکنون انجام داده دکتر عاملی اظهار داشت : ما سه مبحث اصلی در آموزش سیاسی خواهیم داشت ، اول آرمان شناسی و شناختن سیاستهای حزب که در این زمینه نشریاتی تهیه میکنیم و نمونه‌ای از آن نیز براساس مرامنامه حزب هم اکنون آماده‌شده که به مراکز استانها فرستاده میشود تا در اختیار کانونها قرار گیرد و این میتواند وسیله‌ای باشد برای آغاز گفت و شنودهای دیگر.

مبحث دیگر کارما توجیه سیاستهای مورد قبول حزب است و مبحث سوم موضوع امور تشکیلاتی و سازمانی است که نحوه انجام فعالیتها را بیان میکند و در مرحله آخر توجه به مسائل سیاسی روز ایران وجهان.

مسئول کمیته آموزش سیاسی افزود : در آموزش سیاسی باید یک ارتباط عاطفی وجود داشته باشد یعنی کسی که به اصلی اعتقاد یافت نباید اعتقادش تنها بر کلمات استوار باشد بلکه باید به‌اندازه‌ای مؤمن باشد که از اعتقاد خود دفاع کند.

وی سپس با اشاره به تشکیل کلاسهائی جهت آموزش این اصول گفت : این کلاسها با توجه به موقعیت‌نقاط مختلف بمرور در تهران و سپس در مراکز استانها تشکیل میشود و برای آموزش هرگروه روش خاصی اعمال خواهد شد که البته مهم‌ترین عامل در این آموزش انجام گفتگوست زیرا آموزش سیاسی یعنی انتقال عقیده‌ای از یکی به دیگری ، با توجه به اینکه در حزب رستاخیز همه میتوانند عقاید خود را بگویند و از تبلور این عقاید و گفتگو درباره آنها است که گردش اندیشه ها در حزب بوجود خواهد آمد.

* مسائل تشکیلاتی

آقای محسن دها مسؤل کمیته تشکیلات در یکی ازجلسات این اجتماع پیرامون مسائل تشکیلاتی حزب صحبت کرد و نحوه انتصاب دبیران حزبی در شهرها ، شهرستانها ، بخشها و روستاها را تشریح نمود .

*نظارت وارزشیابی

آقای رضاملک‌زاده مسؤل امور نظارت و ارزشیابی حزب وچندتن از همکاران وی نیز در یکی از جلسات فعالیتهای نظارت و ارزشیابی حزب را تشریح کردند.

در جلسه مزبور ابتدا آئین‌نامه و نمودار نظارت وارزشیابی حزب بررسی شد و پس ازبحث واظهارنظر مورد تائید قرار گرفت. سپس درمورد گسترش نظارت و ارزشیابی حزب در استانها و شهرستانهای کشور نیز پیشنهادها و نظریاتی ارائه شد و آنگاه برای الگوی کار و چگونگی فعالیت یک کمیته نظارت و ارزشیابی ، نحوه تشکیل جلسات و طرح کمیته امور تسهیلات گذرنامه مطرح شد.

در این جلسه مسؤلان حزبی در استانها پیشنهاد کردند که پس از اتمام کار یک کمیته نظارت و ارزشیابی در تهران و تائید طرح و برنامه های آن ، مراتب به مسؤلان حزب در استانها نیز اطلاع داده شود تا اجرای طرح را در حوزه های خود پیگیری کنند.

*همکاری مجلسین با حزب

آئینامه همکاری نمایندگان مجلسین با کمیته نظارت‌وارزشیابی‌حزب‌برای پیگیری‌و همکاری در پیشبرد برنامه ها وطرحهای عمرانی و اجرائی کشور یکی از مسائل مهمی بود که در این جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت . طبق این آئیننامه نمایندگان مجلسین نظریات خود را با رابط استان حزب در تهران مطرح خواهند کرد و رابط حزبی در استان با دعوت از نمایندگان

آقای هویدا نخست‌وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز درجلسه افتتاحیه کنفرانس بیاناتی ایراد کردند

اخبار حزبی

> **انتظار داریم که کارگران و روستائیان ایران خودشان را از لحاظ سطح فنی لااقل به حد توجهی که به آنها میشود برسانند.**
>
> از فرمایشات شاهنشاه آریامهر

وزارتخانه ها در حزب پیشنهادهای نمایندگان مجلسین را با آنها در میان خواهند گذاشت و اجرای آنها را پیگیری خواهد کرد.

همچنین در این آئیننامه نحوه همکاری نمایندگان مجلسین در حوزه‌های انتخابی با مسؤولان حزب مشخص شده است و مسؤولان استانها در جلساتی که در شهرهای حوزه فعالیت خود خواهند داشت با نمایندگان مجلسین در استان مربوط برنامه ها و طرحها را بررسی خواهند کرد.

*** رفاه کارکنان حزب**

در چهارمین جلسه مسئولان آقای فرهنگ فدائی مقدم مسئول امور مالی واداری حزب مسائل مالی و اداری حزب را تشریح کرد و در مورد خدمات اداری ومسائل پرسنلی با مسئولان حزب در استانها به بحث وتبادل نظر پرداخت واظهار داشت: کلیه ساختمانهای نیمه تمام حزب قبل از آغاز فصل سرما تکمیل خواهد شد ومورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. وی اعلام کرد: دستورالعمل مربوط به تأمین رفاه کارکنان موظف حزب نیز بزودی صادر خواهد شد.

در همین جلسه آقای فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیر کل حزب رستاخیز ووزیر بازرگانی کوشش کارکنان روابط عمومی ونویسندگان و خبرنگاران روزنامه رستاخیز ونشریات‌وابسته به حزب را در جهت تبلور افکار عمومی ستود و اظهار داشت. روزنامه رستاخیز مربوط به همه مردم است وباید در جوار مطالب سیاسی و حزبی مطالب گوناگون را دارا باشد. وی در مورد ایجاد ارتباط حزبی بیشتر با استانها گفت: در این زمینه اقداماتی انجام شده وطرحی در باره آن عملی خواهد شد.

در ششمین اجتماع مسئولان حزبی استانها که آخرین جلسه نیز بود آقای فریدون مهدوی اهمیت شاخه امور اجتماعی حزب را یادآور شد وگفت: سازمان‌های گوناگون صنفی بموجب طرحی که تهیه شده فعالیتهای خود را بزودی آغاز خواهند کرد ودر این مورد مسئولان‌حزبی باآنها همکاری وسیعی خواهند داشت.

سپس مسئول امور اجتماعی حزب گفت: طرحهائی برای آغاز فعالیت سازمان‌های کارگران ، کشاورزان، دانشجویان، جوانان و کانون سپاهیان انقلاب وگسترش فعالیت اردوهای عمران ملی تهیه شده که پس از تصویب مقامات حزبی در سطح گسترده‌ای بموقع اجرا گذاشته خواهد شد. وی افزود: این طرحها بصورتی تدوین شده که مشارکت گروههای مختلف اجتماعی را دربر دارد.

مسئول امور اجتماعی حزب دراین مورد یادآور شد: تشکیل هرنوع سازمانی برای فعالیت در پیشبرد آرمانهای حزب رستاخیز خواهد بود وآنچه در تهیه طرحهای حزبی مورد توجه است نظریاتی است که از کانونهاو کمیته ها میرسد وبه‌این ترتیب سعی میشود در تهیه هر طرح نظرات مردم مورد توجه قرار گیرد.

دراین جلسه گفته شد: ایجاد سازمانهای صنفی یکی از مهمترین وظایفی است که مسئولان حزبی استانها باید مورد مطالعه قرار دهند وپیشنهادهای خودرا به حزب ارائه کنند تا بصورت یک طرح جامع تسلیم حزب شود وپس از تصویب اجرای آن در سراسر کشور آغاز شود.

باحضورآقای مهدوی قائم‌مقام‌دبیر کل .آقای‌دکتر زرنگار مسئول روابط عمومی حزب‌نقش روابط‌عمومی‌راتشریح کرد.

*** نقش روابط عمومی**

در پنجمین جلسه مسئولان حزبی‌مسائل مربوط بروابط عمومی حزب بررسی‌شد.

در این جلسه آقای دکتر محمدعلی زرنگار مسئول روابط عمومی حزب در مورد نقش روابط عمومی در بالا بردن بینش سیاسی و اجتماعی جامعه به تفصیل سخن گفت‌و سپس در مورد تعیین مسئولان روابط عمومی در استانهای مختلف کشور توضیحاتی دادو گفت: این مسئولان با توجه به‌آگاهی آنها نسبت به مسائل روابط عمومی انتخاب خواهند شد.

دکتر زرنگار و منصور رهبانی معاون سر دبیر روزنامه رستاخیز درباره‌سبک ومطالب و مسائل مربوط به انتشار روزنامه رستاخیزو

شبکه توزیع نشریات حزب توضیحاتی نیز برای مسئولان حزب دادند.

تصمیمات کنفرانس رامسر در حزب رستاخیز پیگیری میشود

کمیته آموزش حزب رستاخیز ملت ایران بمنظور بررسی برنامه ها ووظایف حزب درپیگیری تصمیمات هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر در حزب رستاخیز ملت ایران تشکیل شد.

اعضای این کمیته که عهده‌دار تهیه گزارش حزب به کنفرانس انقلاب‌آموزشی رامسر میباشند ، در جلسه‌خود سه کمیته فرعی را برای آماده کردن مقدمات کار و تهیه برنامه‌های‌مختلف انتخاب کردند.

اولین کمیته فرعی موظف است وظایفی را که طبق ماده ۴۴ قطعنامه کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی به‌عهده حزب گذاشته‌شده است پیگیری کند.

این کمیته که کار نظارت و ارزشیابی را بعهده خواهد داشت ، با وزارت‌علوم و دبیرخانه دائمی کنفرانس همکاری و ارتباط‌نزدیکی برقرار خواهد کرد تا مستمراً برنامه‌های پیگیری تصمیمات کنفرانس رامسر را دنبال کند.

دومین کمیته‌فرعی ،مامور تهیه گزارش حزب به کنفرانس آینده انقلاب آموزشی رامسراست. اعضای‌این کمیته‌موادومطالب و محتویات‌گزارشی را که باید ارائه‌شود بررسی‌و تهیه‌خواهند کرد و سپس طرح نهائی را تسلیم کمیته‌اصلی خواهند نمود.

بررسی جهات اجرائی و عملی وظایفی که در قطعنامه کنفرانس‌رامسر برعهده حزب‌گذاشته شده است از وظایف کمیته فرعی سوم است. این کمیته نیز راه‌حلها را پیش بینی وطرح ریزی خواهد کرد.

نظارت حزب بر امور درمان، بهداشت و داروئی کشور

اولین جلسه گروه نظارت بر امور درمان ، بهداشت و داروئی کشور در ساختمان امور نظارت و ارزشیابی حزب رستاخیز ملت ایران تشکیل شد. دراین جلسه ازطرف‌مسئول نظارت و ارزشیابی حزب، آئین نامه های مربوطه و هدفهای نظارت حزب رستاخیز ملت ایران که کلیه امور بخش های خصوصی کشور را در برمیگیرد ، تشریح شد وسپس کمیته های تخصصی این گروه که‌شامل کمیته های‌نظارت بر بهداشت و درمان ، امور درمانی در بخش عمومی ، امور‌درمانی دربخش خصوصی، ارزشیابی تعرفه های خدمات درمانی ، مسائل داروئی ، مسائل مربوط به امور پرستاری و هم چنین ارزشیابی نیروی انسانی– کادر درمانی کشور میشود برنامه های کار خود را مورد مذاکره‌و بررسی قرار دادند.

در این جلسه با توجه به اهمیتی که ارزشیابی و نظارت بر امور درمانی و داروئی و بهداشتی در ارتباط مستمر با کلیه مردم کشور دارد و همچنین برای رفع نارسائیهای موجود و پیش بینی وآینده نگری که دراین زمینه باید بصورتی عمیق و اصولی انجام پذیرد ، خطوط اصلی کاراعلام‌وتشریح شد.

ایرانیان‌بازگشته‌ازعراق

۵ کانون حزبی تشکیل دادند

یکهزارو پانصدتن از هموطنان ایرانی که از عراق بازگشته‌اند در محل سالن دبیرستان مروی گردآمدند و پنج کانون حزبی تشکیل دادند.

دراین گردهم‌آئی ابتدا نماینده حزب رستاخیز ملت ایران در مورد نقش کانونهای حزبی و مشارکت مردم مطالبی اظهار داشت.

سپس چندتن از حاضرین دراین جلسه پیرامون برنامه های حزب رستاخیز در جهت رفاه مردم سخن گفتند و یکی از سخنرانان اظهار داشت شرکت خواهران و برادران ایرانی بازگشته از کشورعراق نمونه بارزی ازموفقیت آرمانهای حزب رستاخیز درمیان توده مردم ایران است درپایان این جلسه اعضای هیأت رئیسه پنج کانون‌حزبی انتخاب‌شدند.

کانون کارگری

گروهی‌ازکارگران کارخانجات «زاگرس» در محل‌سازمان کارگران گردهم آمدندویکی دیگراز کانونهای کارگری حزب رستاخیز را تشکیل دادند. دراین اجتماع آقای میرخانی نماینده اعزامی تشکیلات حزب پیرامون اهمیت تلاش کارگران در پیشبرد هدفهای حزب و برنامه های مملکتی صحبت کرد وسپس با انتخاب رئیس‌سنی جلسه، برای تعیین اعضاء هیأت رئیسه کانون رأی‌گیری بعمل آمد و در نتیجه افراد زیر بعنوان هیأت رئیسه برگزیده‌شدند.

حسین موسوی‌پور، رئیس، تقی‌رحمانی و قلی قربان‌نژاد نواب رئیس ، ابوالقاسم موسم زاده‌وولی‌اله‌زاده‌منشی‌ها.

سندیکاهای کارگری

* «سندیکا» بمنظور حفظ منافع حرفه‌ای کارگران یا کارفرمایان تشکیل می‌شود

از «سندیکا» چه میدانیم؟

* هر سندیکا دارای دبیرخانه و کمیته های مختلف وهیأت داوری است.

«سندیکا» درلغت عبارت است ازاجتماع چندنفر برای‌دفاع ازمنافع مشترك مانند: اجتماع کارگران ،کارفرمایان ،دهقانان ،مالکان وسایط نقلیه وصاحبان مشاغل مختلف که اصولاً بمنظور دفاع از حقوق مشترك افراد صنف بادست آوردن مزایای بیشتر برای همان صنف است.

ماده ۲۵ قانون کار نیز در باره سندیکا میگوید سندیکا که بمنظور حفظ منافع حرفه‌ای و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی بوسیله کارگران یک حرفه یا یک صنعت و همچنین صاحبان مشاغل آزاد تشکیل میشود. ائتلاف چند سندیکا تشکیل اتحادیه و ائتلاف چند اتحادیه تشکیل یک کنفدراسیون رامیدهد.

در وهله اول هدف یک سندیکا حفظ منافع حرفه‌ای کارگران ، بهبود شرایط اقتصادی آنان و تامین حسن جریان کار از طریق مجاهدت جمعی وهمکاری نزدیک کارگران است.

*** حقوق وتکالیف سندیکا**

حقوق و تکالیف سندیکا عبارتست از:

۱— حمایت ازحقوق ومنافع اعضاء

۲— انعقاد پیمانهای دسته‌جمعی کار

۳— تأسیس و ایجاد صندوق بیکاری بمنظور تعاون ومعاضدت اعضاء

۴— تشکیل صندوق تعاونی

۵— تشکیل باشگاههای فرهنگی وورزشی

۶— تشکیل کلاسهای آموزشی: مبارزه با بی‌سوادی ، مسائل کاروتامین‌اجتماعی، تعلیمات حرفه‌ای

۷— تشریک مساعی با کمیته طبقه بندی مشاغل کارگاه یا حرفه.

۸ — تعیین و اعزام نماینده به شوراهای کارگاه مربوط و کمیته های حفاظت و کمیته های همکاری برابرشرایط مندرج درآئین نامه های مربوطه.

۹— نظارت ومشارکت درامور اجتماعی کارگاه یا حرفه.

۱۰— خرید وفروش و تملک اموال منقول و غیر منقول مشروط بر آنکه جنبه انتفاعی نداشته باشد.

سندیکا بوسیله هیات مؤسس تأسیس میشود طبق ماده ۷ آئین نامه سازمانهای کارگری مصوب ۸ مهر ماه ۱۳۴۹ هیات مؤسس عبارت است از اجتماع عده‌ای از کارگران یک کارگاه یا یک حرفه که قصد تشکیل سندیکا را داشته باشند.

*** تعداد بازرسان ووظایف آنان**

تعداد بازرسان را اساسنامه سندیکا تعیین میکند و باید این تعداد فرد باشد.

در مورد مدت خدمت این بازرسان باید تذکر داد که حداکثر مدت ماموریت بازرسان دو سال از تاریخ انتخاب و تجدید آنان در انقضای این مدت بلامانع است.

وظایف این بازرسان ابتداء نظارت بر حسن اجرای مقررات اساسنامه و رسیدگی به دفاتر و اوراق و اسناد هزینه و درآمد و همچنین رسیدگی به شکایات رسیده و در صورت لزوم تهیه گزارش برای هیات مدیره یا مجمع عمومی رسیدگی و گواهی گزارش مالی وارائه آن به مجمع عمومی عادی یا فوق العاده.

*** اختیارات سندیکای حائز اکثریت**

اختیارات سندیکای حائز اکثریت عبارت است از:

۱ — نماینده واجد شرایط جهت شرکت در شورای کارگاه و هیأت حل اختلاف به اداره کارو اموراجتماعی محل معرفی کنند.

۲ — با موافقت کارفرما یا سازمان کارفرمائی مربوط شورای سازش برای حل وفصل اختلاف کارگری ازطریق توافق وسازش تشکیل دهد.

سندیکا مکلف است در صورت تشکیل چنین شورائی تاریخ تشکیل و گزارش فعالیتهای شورا را به اداره کارو اموراجتماعی محل ارسال دارد.

۳ — در مورد شرایط کارگران با کارفرمایان پیمان دسته جمعی منعقد کند.

*** تشکیلات سندیکا**

هر سندیکا علاوه بر ارکان موجود خود دارای تشکیلات زیر است:

۱— دبیرخانه سندیکا

۲— کمیته های مختلف

۳— هیات داوری

دبیرخانه سندیکا سازمانی است برای اداره امور دفتری و ایجاد روابط صحیح سندیکائی و فراهم ساختن تسهیلات لازم و انجام سایر تکالیفی که طبق اساسنامه بعهده آن محول شده باشد.

کارکنان دبیرخانه به پیشنهاد دبیرسندیکا و تصویب هیات مدیره گماردهمیشوند.

***کمیته ها:**

قسمت مهمی از فعالیتهای سندیکائی بوسیله کمیته هائی که از طرف هیات مدیره تعیین میشود انجام میگیرد کمیته های سندیکا برنامه های مختلف را طرح ریزی میکنند و ازوجود اشخاص فعال و بصیر سندیکا برای پیشرفت امورسندیکا در کمیته ها استفاده می کنند.

کمیته های سندیکائی بر دونوع اند: کمیته های ثابت و کمیته های سیار

کمیته های ثابت مانند کمیته عضویت و تشکیلات ، کمیته روابط عمومی ، کمیته طرح و برنامه ریزی ، کمیته بودجه و امور مالی ، کمیته آموزشی ، کمیته امور اجتماعی.

کمیته موقت بر حسب ضرورت تشکیل می‌شود و پس از اینکه وظیفه خود را تمام کرد منحل می‌شود مانند کمیته انتخابات.

تعداد اعضای کمیته ها تا ۱۵ نفر میرسند و کمیته ها از بین اعضاء خود یکنفر را به سمت رئیس و یکنفررا به سمت‌منشی انتخاب خواهد کرد.

کلیه تخلفات و اختلافات اعضاء ومسئولان سندیکا ناشی از اجرای اصول اساسنامه و مصوبات آن باستثنای مواردی که رسیدگی بآن در صلاحیت مراجع دیگر است در هیات داوری مطرح ومورد رسیدگی قرارمیگیرد.

البته اعضای هیات داوری ازطرف مجمع عمومی سندیکا و از میان‌اعضای باسواد و با سابقه برای مدت دو سال انتخاب میشوند. این هیات از بین اعضای خود هیئت رئیسه را انتخاب می کنند که عبارتند از:

۱— رئیس

۲— نایب رئیس

۳— منشی

درسندیکاها تشکیل میشود:

صندوق کمك به کارگران

بموجب اساسنامه‌ای که جهت سندیکاها واتحادیه‌های کارگری تهیه و تدوین شده‌است کلیه سندیکاهای کارگری بمنظور کمک به کارگران عضو خود صندوق کمکهای متقابل تشکیل میدهند.

طبق ماده ۵ این اساسنامه عضویت در صندوق منوط به عضویت درسندیکا و پرداخت منظم حق عضویت خواهد بود و درآنصورت کارگران عضوسندیکا برابر شرایط مقرر دراین اساسنامه از کمکهای صندوق میتوانند استفاده کنند.

درآمدصندوق ازچند درصد درآمد موجودی سندیکا تأمین خواهد شد که به حساب صندوق کمکهای متقابل منظور میشود براساس این طرح اعضاء صندوق درزمان حیات ، و درصورت فوت، بازماندگان آنها میتوانند از کمکهای صندوق استفاده نمایند و این کمک‌ها شامل مواردی چون ازکار افتادگی، اخراج از کار، حادثهٔ منجر به خسارت غیرقابل جبران میشود. همچنین کمک صندوق باتوجه به‌وضع مالی و اجتماعی مشمول‌ممکن است بازپرداختی و یا بلاعوض باشد.

براساس ماده ۱۰ این اساسنامه داشتن حداقل یکسال سابقهٔ عضویت درسندیکا و تأیید استحقاق‌گرفتن کمک با تصویب هیأت‌مدیره سندیکا از دیگر شرایط استفاده از کمکهای صندوق است.

مجمع عمومی سندیکای صنایع الکترونیک

مجمع عمومی اتحادیه سندیکای کارگران صنایع الکترونیک برای انتخاب اعضاء هیأت مدیره در«خانه کارگر» تشکیل شد.

دراین اجتماع که نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی— نماینده حزب ونمایندگان پارس الکتریک— او—تی—آی شهاب— فیلیپس— ناسیونال وبلموند حضور داشتند آقای پوربردباری بعنوان رئیس جلسه خوش آمد گفت واضافه کرد انتخاب اعضاء هیأت‌مدیره کار بسیار حساس ومهمی است وباید در این امر نهایت دقت صورت گیرد و کسانی را انتخاب کنید که مؤمن به هدف خود باشند. سپس برای انتخاب اعضای هیأت مدیره اخذرأی بعمل آمد ودرنتیجه خانمها وآقایان سید حسن راد— منصور بابایان — داود یوسفی— هوریه‌اسلامی- زهرا تاجیک— محمد هراتی— عطاءاله طهماسبی — محمد تقی مطلبی— امین‌الله نیری بسمت هیأت مدیره و آقایان بهرام زرینه — محمد علی مهاجری — احمد مین باشی وحسین مقدس نژاد بسمت‌اعضاء علی‌البدل هیأت مدیره وآقایان مصطفی زند، علیرضا عابدی و نعمت‌اله شبانی بسمت بازرس انتخاب شدند.

سازمان کارگران

> درمقابل آینده این مملکت، زنها خیلی فرصت نشان دادن خودشان راخواهند داشت.
>
> ازفرمایشات شاهنشاه آریامهر

«رستاخیز کارگران» «درخانه کارگر»

یکی دیگراز آرزوهای کارگران ایران تحقق یافت

پس از انتشار نخستین شماره « رستاخیز کارگران » . ۲۵ تن نمایندگان کارگران تهران درخانه کارگر اجتماع کردند وانتشار نشریه رستاخیز کارگران را مورد بحث وتبادل‌نظر قراردادند. دراین اجتماع که بیش ازدوساعت به طول انجامید ابتدا نماینده کارگران کفش بلا درباره‌آموزش ازطریق ارگان کارگری حزب سخن گفت وسپس در مورد نحوه توزیع مجله « رستاخیز کارگران » سؤالاتی مطرح کرد که توسط یکی از اعضاء هیئت تحریریه رستاخیز کارگران پاسخ داده شد. آنگاه سعید پدرامی معاون اجرائی سازمان کارگران ایران پشت تریبون قرار گرفت وضمن بررسی دقیق مطالب مجله ، لزوم همکاری سازمان کارگران وارگان کارگری حزب را یادآور شد . سعید پدرلی در پایان سخنان خود انتشار« رستاخیز کارگران » را به جامعه کارگری ایران وروابط عمومی حزب تبریک گفت واظهار داشت : باانتشار ارگان کارگری حزب ، آنهم باچنین کیفیت ارزنده ومطالب جامع وآموزنده‌ای ، که دارد یکی دیگر ازآرزوهای کارگر ایرانی صورت تحقق به خود گرفت.

پس ازسخنان معاون سازمان کارگران ، محمودبداغی‌زاده عضو هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی رشته سخن را بدست گرفت و اظهار داشت : امروز رستاخیز کارگران با مصاحبه گهربارشاهنشاه آریامهر انتشار یافت و باین ترتیب فصل نوین دیگری درزمینه فکری کارگر ایرانی آغاز شد . من انتشار این نشریه سودمند را به کارگران سراسر ایران تبریک میگویم وبرای مدیر ، سردبیر وهیئت تحریریه رستاخیز کارگران آرزوی موفقیت میکنم . محمودبداغی‌زاده سپس پیرامون مطالب « رستاخیز کارگران » ولزوم همکاری همه‌جانبه طبقه کارگر بااین نشریه سخنانی ایراد کرد که توسط یکی از اعضاء هیئت تحریریه‌ارگان کارگری حزب پاسخ داده شد . نماینده رستاخیز کارگران دراین اجتماع اظهارداشت:

بنام خداوند بزرگ وبنام نامی شاهنشاه آریامهر نخستین شماره « رستاخیز کارگران » ، باتلاش همه جانبه بیش از ۲۵ تن نویسنده ، گزارشگر ، طراح وعکاس ، حاوی دهها مطلب فنی ، حرفه‌ای ، آموزنده ، ورزشی وسرگرم کننده انتشار یافت وباید اعتراف کرد که بیش از حد انتظار بود . مصاحبه شاهنشاه آریامهر با مدیر رستاخیز کارگران خط مشی کلی رستاخیز کارگران را روشن کرده‌هیئت تحریریه مجله از این پس سعی خواهد کرد در باره اصل سیزدهم انقلاب ، مهارت‌فنی ومسئله بهره‌وری سخن بگوید.

لکن ناگفته نماند که ما هنوز درآغاز راه قرار داریم ودهها مسئله وجود دارد که تنها با کمک وهمفکری دوستان کارگر حل خواهد شد . دفتر رستاخیز کارگران خانه شماست ، باما تماس داشته باشید ، خبرهای مربوط به خودتان را برای ما بفرستید ، بما تلفن کنید ، ما را ازآگاهی‌های ویژه خود برخوردارسازید و توجه داشته باشید که تمام تلاش ما تنها بخاطر شما طبقه شریف وزحمتکش کارگر است ودراین راه به جائی نخواهیم رسیدمگرباکمک وراهنمائی شما . مدیر رستاخیز کارگران بمن مأموریت داده است که در اینجا اعلام کنم از این پس همکاری بسیار نزدیک‌تر ومداوم‌تری با سازمان کارگران ایران در تمامی زمینه ها خواهیم داشت . من ازفرصت استفاده کرده ، اعلام میکنم « رستاخیز کارگران » در راه به ثمر رساندن منویات مقدس شاهنشاه آریامهر در زمینه رفاه هرچه بیشتر کارگران و سایر زمینه های مربوط به نشریه کارگری‌حزب ، همواره درخدمت طبقه کارگر خواهد بود . با آرزوی‌بهروزی وپیروزی برای همه برادران و خواهران کارگر»

درملاقات‌مسئولین سازمان کارگران‌ایران‌با وزیررفاه‌اجتماعی :

مسائل درمانی کارگران کشور بررسی شد

بمنظور بررسی مسائل درمانی کارگران بیمه شده سراسر کشور رئیس ومعاونان سازمان کارگران ایران با آقای دکترشیخ‌الاسلام‌زاده وزیررفاه‌اجتماعی ملاقات کردند.

در این دیدار که نمایندگان کارگران در مجلس شورایملی و همچنین مدیران عامل و اعضاء هیأت مدیره تأمین خدمات اجتماعی و خدمات درمانی حضور داشتند ، ابتدا مسؤولان سازمان کارگران ایران مسائل و مشکلات درمانی کارگران وخانواده‌آنان رامطرح کردند و همکاری بیشتری را از جانب وزارت رفاه با سازمان کارگران دراین زمینه ها خواستارشدند.

وزیر رفاه اجتماعی دراین گفت‌وشنود ضمن تشریح برنامه های وسیع خدمات درمانی وزارت رفاه برای کارگران ، ایجاد بیمارستانها و درمانگاههای جدید را وعده دادند و برای تأمین رفاه بیشتر کارگران به مسؤولین خدمات درمانی وخدمات اجتماعی دستور دادند که بطورمداوم کاربهداشت ودرمان کارگران‌پیگیری‌شود.

وزیررفاه‌یادآورشد کما کان باید هیأتهای همکاری سازمان کارگران ایران و نمایندگان کارگران و مسؤولان سندیکاهای کارگری در تهران وشهرستانها بطورمداوم ومستمر ارتباط خود را با سازمانهای خدمات درمانی و تأمین اجتماعی و بیمارستانها و درمانگاههای خدمات درمانی‌حفظ کنند.

هدف از استحکام این پیوند انجام خدمات بیشتردرمانی‌ازجمله ارشادوراهنمائی کارگران وخانواده‌آنها درمورد مسائل بهداشتی وصدور کارت شناسائی از طرف خدمات درمانی برای آنان‌خواهدبود.

وزیر رفاه ضمن اعلام آمادگی خود برای شرکت در جلسات گفت و شنود با مسؤولین سازمان کارگران و هیأتهای همکاری اظهار داشت که اینگونه جلسات برای بررسی مسائل و مشکلات موجود بین بیمه شدگان مخصوصاً کارگران باید با مدیران عامل تأمین اجتماعی وخدمات درمانی بطورمرتب تشکیل شود.

بخش خصوصی متخصصان ایرانی مقیم خارج راجذب میکند

رئیس اتاق بازرگانی وصنایع ومعادن ایران در یک جلسه مطبوعاتی چگونگی استفاده بخش خصوصی از نیروی متخصص انسانی‌مقیم‌خارج‌ازکشورراتشریح کرد.

رئیس اتاق ایران با اشاره به‌رشد و گسترش صنایع وشکوفائی اقتصاد ایران در پرتو انقلاب شاه وملت وحرکت سریع و روز افزون وهمه جانبه آن در دوران رستاخیز ملت ایران گفت .درچند سال اخیر شاهد بوده‌ایم که هر روز چند واحد تولیدی در کشور ما کار خود را آغاز کرده و مسلم است که نیروی انسانی ماهر و متخصص برای این واحدهای تولیدی از اساسی‌ترین عوامل بشمار میآید که تامین این عامل بسهولت امکان پذیر نیست .

رئیس اتاق ایران اضافه کرد .برای این منظور کمیته‌ای در اتاق بوجود آمده و دفتر کمیته همه روزه باستثناء روزهای تعطیل از ساعت ۸ تا ۱۲ برای پاسخگویی آماده‌است.

براساس این طرح مسئولین واحدهای بخش خصوصی میتوانند افراد مورد نظر خود را برحسب صلاحیت وتخصص انتخاب و به کمیته معرفی کنند وهمچنین متخصصین ایرانی که در خارج از کشور بسر میبرند میتوانند درخواست کار خود را مستقیماً یا بوسیله نزدیکان خود به‌کمیته اتاق بازرگانی وصنایع ومعادن ایران و یا نمایندگی سیاسی دولت شاهنشاهی در کشور محل اقامت خود تسلیم کنند وکمیته اتاق پس از بررسی صلاحیت وتخصص متقاضی او را بیکی ازموسسات بخش خصوصی معرفی خواهد کرد.

جزئیات اجرای این طرح وشرایط استفاده از آن در بروشورهای جداگانه در دسترس متقاضیان گذارده خواهد شد ولی آنچه مسلم است با توجه به‌اینکه اجرای چنین طرحی با عنایت خاص شاهنشاه آریامهر مورد تصویب معظم‌له قرار گرفت یقیناً با همکاری و تشریک مساعی کامل سازمانهای مسئول دولتی همراه خواهد بود وازطرف اتاق بازرگانی وصنایع و معادن ایران نیز نهایت کوشش بعمل خواهد آمدتااین طرح‌به بهترین نحوه پیاده شود .

۱۳۸۲ شرکت تعاونی در سراسر کشور تأسیس شده است

دراجرای‌مشارکت دراصرتعاون‌وتاسیس شرکتهای تعاونی درآبانماه‌گذشته‌شانزده شرکت‌تعاونی‌باسرمایه‌پنج‌میلیون‌ویکصدوبیست‌وهفتهزاروهفتصدویازده ریال با همکاری اداره کل شرکتهای تعاونی وزارت کاروامورا‌جتماعی تشکیل شد.

ازاین تعداد ۹ شرکت تعاونی مصرف — شش‌شرکت‌تعاونی اعتبار و یک شرکت تعاونی مسکن می‌باشد ، شرکتهای تعاونی مصرف کلیه مایحتاج زندگی کارگران را تامین می‌نمایدوشرکتهای تعاونی اعتباردرمواقع ضروری وام‌ضروری دراختیار کارگران قرارمی‌دهد همچنین شرکتهای تعاونی مسکن نیز برای خرید مسکن و تهیه مسکن کارگران اقدام می‌نماید.

طبق‌گزارش اداره کل شرکتهای تعاونی‌وزارت کاروامور‌اجتماعی تا پایان آبانماه گذشته‌جمعاً ۱۳۸۲ شرکت‌تعاونی‌درسراسر کشورباسرمایه‌ای‌معادل ۲۸۸/۲۴۶/۸۱۷ ریال و با عضویت سیصدوهشتاد و دوهزاروپانصدوسی‌وهشت‌نفر بوجود آمده است که از این تعداد ۵۳۸ تعاونی‌مصرف — ۷۶۱ تعاونی مسکن-۵۹ تعاونی اعتبار و بقیه تعاونی تولیدی‌می‌باشد.

درمراسم افتتاح هفدهمین دورهٔ کلاس تربیت‌معلم برای باسواد کردن کارگران وزیر کاروامور‌اجتماعی گفت :

بیسوادی درجامعه کارگری ریشه‌کن خواهد شد

وزیر کار وامور اجتماعی هنگام افتتاح کلاس تربیت‌معلم برای سوادآموزی کارگران

برای باسواد کردن کارگران طرحهای وسیعی اجرامیشود

هفدهمین دوره کلاس تربیت معلم برای باسواد کردن کارگران طی مراسمی وسیله آقای امیر قاسم معینی وزیر کاروامور اجتماعی در محل باشگاه ششم‌بهمن وزارت کار و اموراجتماعی گشایش یافت.

در این مراسم که باشرکت دبیر کل کمیته ملی پیکار جهانی بابیسوادی، نمایندگان کارگران در مجلس شورایملی، معاون امور—اجتماعی و مدیران کل وزارت کار و امور اجتماعی وجمعی دیگر از مقامات کارگری برپا شده‌بود، ابتدا مدیر کل دفتر باسواد کردن کارگران وزارت کار وامور اجتماعی طی گزارشی نحوه کار کلاسهای باسواد کردن کارگران و روش تدریس معلمان وراهنمایان تعلیماتی در این کلاسها را تشریح کرد و سپس یکی از آموزگاران ویکی از راهنمایان تعلیماتی مطالبی در زمینه وظایف خود ونحوه بالا بردن سطح کلاسهای پیکار بابیسوادی بیان داشتند وآنگاه معاون امور اجتماعی وزارت کار وامور اجتماعی ضمن اشارهٔ به طرح سواد آموزی تابعی اظهار داشت: وزارت کارو اموراجتماعی همواره سعی کرده است بااستفاده ازکلیه امکانات ،بیسوادی رااز جامعه کارگران ایرانی ریشه کن سازد.

سپس آقای امیر قاسم معینی وزیر کاروامور اجتماعی ضمن سخنانی بمناسبت گشایش این کلاس گفت: از همکاریهای فعالانه و پرارزش کمیته ملی پیکار جهانی.با بیسوادی، معلمان وراهنمایان، کارفرمایان وصاحبان صنایع وهمه کسانیکه در این جهاد ملی با وزارت کار وامور اجتماعی همکاری میکنند، صمیمانه سپاسگزاری میکنم. وزیر کاروامور—اجتماعی در سخنان خود به‌اوامر ملوکانه در مورد جهاد ملی با بیسوادی اشاره کرد و افزود: باید با نهایت خوشوقتی باطلاع شما برسانم که در اجرای فرمان مبارک شاهنشاه آریامهر ،طرحهای وسیعی در این زمینه بموقع اجرا گذاشته خواهد شد وبراساس این طرحها علاوه بر کارگران ،خانواده‌های آنان نیز مشمول برنامه‌های سواد آموزی میشوند. همچنین در طرح‌های تدوین شده سعی شده است که علاوه برسواد آموزی، کارگران بامسائل ملی ومیهنی نیز بیشترآشنا شوند.

وزیر کاروامور اجتماعی در پایان سخنان خود اظهار داشت: موجب خوشوقتی است که نیمی از شرکت کنندگان دراین دوره از بین کارگران ونمایندگان آنها از کارگاهها برگزیده شده‌اند.

دراین‌دوره کلاس تربیت‌معلم برای سواد آموزی کارگران ۵۹ نفر زن ومرد که ۴۵ نفر آنان از نمایندگان کارگران هستند شرکت دارند وپس از طی یکدوره ۲۰ روزهو موفقیت در امتحانات پایان دوره گواهینامه های خود را دریافت خواهند کرد وبه تدریس در کارگاهها و کارخانجات خواهند پرداخت.

آموزش متقاضیان رانندگان پایه یکم

صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کارو امور اجتماعی درچند روز پیش کارآموزش دهمین گروه از متقاضیان دریافت گواهینامه رانندگی پایه یکم را آغاز کرد .

این گروه ۴۵۰ نفر هستند ، که ۲۰۰ نفر آنها گواهینامه پایه دوم همگانی و ۲۵۰ نفر بقیه گواهینامه پایه دوم شخصی دارند وبمدت یکماه در یکدوره آموزش علمی و عملی رانندگی تحت تعلیم قرار میگیرند . دوره علمی یا تئوری این گروه در مرکز تکامل صنعتی تهران واقع درجاده ساوه و دوره عملی گروه در مرکز آموزش رانندگی تپه واقع در اتوبان ایوبی زیر نظر مربیان صندوق کار آموزی انجام میشود .

از اسفند ماه سال گذشته که کارآموزش اینگونه متقاضیان بعهده صندوق کارآموزی واگذارشده است تا کنون ۵۹۸۸ نفر تقاضای ثبت نام جهت آموزش برای دریافت گواهینامه پایه یکم رانندگی را کرده‌اند .

از این عده تا کنون حدود ۳۰۰۰ نفر در گروههای مختلف تحت تعلیم قرارگرفته‌اند که اکثریت قریب به اتفاق آنان موفق به اخذ گواهینامه پایه یکم رانندگی شده‌اند . همچنین‌یکصدو هشتاد نفر از این متقاضیان را شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه معرفی کرده که پس از طی دوره آموزش و دریافت گواهینامه پایه یکم در شرکت مذکور بکار مشغول گردیده‌اند .

صندوق کارآموزی کسانی را تحت‌تعلیم قرار میدهد که حداقل دارای سه سال سابقه گواهینامه پایه دوم شخصی یا همگانی بوده و تعهد ۲ سال خدمت در مراکزی که از طرف صندوق معرفی میشود ، بسپارند .

درحال حاضر درشهرهای همدان ، زاهدان اصفهان ، خرم‌آباد بندربوشهر و اهواز مربیان صندوق کارآموزی بکار تعلیم و آموزش رانندگی پایه یکم اشتغال دارند .

شهرستانهای سمنان ، ایرانشهر وساری‌نیز جز برنامه های آینده آموزش راننده پایه یکم صندوق کارآموزی میباشد .

سمینارآموزشی سوادآموزی دراهواز

هفته گذشته سمینار آموزشی مسئولان سواد آموزی کارگران در ادارات کار و امور اجتماعی استان‌خوزستان در اهواز تشکیل شد .

دراین سمینار که بمدت ۳ روزصبح و عصر ادامه داشت مسائل آموزشی و سواد آموزی و اداری کارگران استان مذکور مورد بحث و تبادل نظر قرارگرفت وضمن آن برای رفع مشکلات و بهتر انجام شدن طرح سواد آموزی کارگران تصمیماتی گرفته شد .

معاون اموراجتماعی وزارت کار:
خانواده های کارگران درکلاسهای سواد آموزی شرکت می کنند

دراجرای امر شاهنشاه آریامهر مبنی بر جهاد ملی درامرمبارزه‌بابیسوادی چند روز پیش شهرداران نواحی مختلف تهران به اتفاق نمایندگان کارگران و دبیران سندیکاهای کارگری در وزارت کار وامور اجتماعی حضور یافتند.

در این گردهم آئی که معاونان امور اجتماعی وطرح و برنامه ریزی وزارت کار و امور اجتماعی شرکت داشتند، پس از قرائت فرمان شاهنشاه آریامهر مبنی بر ضرورت جهاد ملی علیه بیسوادی ، خانم مهرانگیز حجازی معاون امور اجتماعی وزارت کار از شهرداران نواحی و نمایندگان کارگران خواست تا در اجرای اوامر شاهنشاه درجهت پیکار با بیسوادی مجدانه کوشش نمایند و در این راه صرف نظر از اینکه نسبت به باسواد کردن کارگران اقدام می نمایند ، خانواده های آنان را نیز در این امر مهم مشارکت دهند . در این جلسه پس از بحث و تبادل نظر تصمیماتی برای سواد آموزی کارگران و خانواده های آنان اتخاذ گردید .

کارگران در کلاسهای سوادآموزی تدریس میکنند

دراجرای اوامر ملوکانه مبنی برجهاد ملی با بیسوادی یکدوره کوتاه مدت تربیت معلم جهت تدریس در کلاسهای باسواد کردن کارگران درمحل سازمان کارگران ایران تشکیل شد.

در این دوره پنجاه نفر از کارگران و نمایندگان آنان شرکت دارند که ۲۱ نفر آنان را نمایندگان کارگران زن تشکیل میدهند . شرکت کنندگان در این کلاس پس از طی دوره و موفقیت در امتحان در کارگاهها و کارخانجاتی که بکار اشتغال دارند بتدریس همکاران بیسواد خود همت خواهند گماشت.

دلیلی نمی‌بینم که کارگر ایرانی از لحاظ بازده کار از هیچ کس عقب‌تر باشد و این یک دینی است که کارگرهای ایرانی به وطن خود دارند.
ازفرمایشات شاهنشاه آریامهر

وزیر کاروامور اجتماعی:

مراکز آموزش حرفه‌ای گسترش خواهد یافت

*** درکنار واحدهای تولیدی مراکز آموزش حرفه‌ای تشکیل میشود**

آقای امیر قاسم معینی وزیر کار وامور اجتماعی در مراسم گشایش مرکزآموزش حرفه‌ای تکنولوژی حفاری ایران در اهواز طی سخنانی لزوم توسعه و گسترش اینگونه مراکز را یاد آورشد واز این مرکز ونقش آن در جهت تعلیم وتربیت افراد متخصص برای ارائه خدمات بهتر قدردانی کرد. دراین مراسم استاندار خوزستان، مدیرعامل صندوق کارآموزی، مدیر کل آموزش حرفه‌ای وگروهی ازمقامات وزارت کاروامور اجتماعی شرکت داشتند رئیس هیات مدیره شرکت سد ایران درخصوص کار این مرکز ونحوه فعالیت آن در زمینه حفر چاههای نفت مطالبی بیان داشت وگفت: درحال حاضر شرکت سد ایران باسیزده دستگاه حفاری مشغول بکار است که ۱۲ دستگاه آن برای حفاری چاههای نفت ویک دستگاه آن برای حفاری چاههای گاز اختصاص دارد. سپس آقای معینی وزیر کاروامور اجتماعی با اشاره به نقش بنیادی مرکزآموزش حرفه‌ای تکنولوژی حفاری در تعلیم وتربیت نیروی انسانی متخصص و کاردان این مرکز را یک رکن اصلی و کامل ودرخور ارائه خدمات بهتر دانست وافزود: از جمله تنگنا — هائی که ما باآن مواجه هستیم وهرروز بیشتر احساس میشود کمبود نیروی انسانی متخصص است که درطول برنامه عمرانی پنجم بخوبی نمایان شده است چه اکنون ما به ۷۲۰ هزار کارگر ماهر ونیمه ماهر وتکنیسین احتیاج داریم که برای تامین این نیرو سعی شده است همکاری نزدیکی با بخش خصوصی صورت گیرد ونمونه آن مرکزی است که امروز با همت بنیاد پهلوی، بانک بازرگانی وشرکت سد ایران دائرشده است.

وزیر کار سپس به فعالیت دولت در این زمینه اشاره کرد وگفت سعی شده مراکزآموزش حرفه‌ای دراین بخش گسترش یابد وبرای این منظور علاوه بر توسعه و تجهیز مراکز آموزش حرفه‌ای احداث واحدهای جدید نیز صورت میگیرد که مرکزآموزش حرفه‌ای اهواز ازجمله آنها است که ساختمان آن درحال تکمیل و ماشین آلات مورد نیاز آن نیز وارد شده است. تنها مراکز ثابت نمی‌توانند جوابگوی احتیاجات ما باشند وطبق تصمیمی که دربرنامه عمرانی پنجم گرفته شده و شاهنشاه آریامهر در باره آن تأکید فرموده‌اند ایجاد واحدهای سیار نیز هست که بوسیله این واحدها می‌توان دردل روستاها نفوذ کرد و به پرورش استعداد روستائیان از طریق سواد آموزی به همراه مهارتهای فنی از نیروی آنان بخصوص زنان استفاده نمود.

آقای معینی سپس به فعالیتهای صندوق کارآموزی اشاره کرد و گفت: این صندوق در تماس با بخش خصوصی می‌تواند امکان ایجاد مراکز آموزشی را درجوار کارخانه‌ها فراهم کند. وزیر کاروامور اجتماعی همچنین درمورد استفاده هرچه بیشتر از نیروی انسانی فعال و کارآمد، به نیروی جوانان اشاره کرد وگفت با آموزشهای لازم درخارج از کشور به جوانان امکان خدمات صنعتی آنان و جذبشان به بازار کارفراهم شده وازطرفی برای آموزش کارگران کشور تربیت مربی ومعلم ضروری است که برای تکمیل تعداد مربیان مورد لزوم درطول برنامه عمرانی پنجم بیش از ده هزار مربی برای انجام خدمات گوناگون در نظر گرفته شده است. در کلاس آموزش حرفه‌ای تکنولوژی حفاری سد — ایران صد نفر کارآموز به فراگرفتن آموزشهای لازم در رشته‌های مختلف حفاری نفت مشغول هستند. این نخستین شرکت ایرانی است که در کشورما در رشته حفاری نفت و گاز فعالیت می‌کند.

جوانان دیپلمه طی دومرحله تکنیسین درجه یک و کارشناس صنعتی میشوند.

دانشکده صنعتی اصفهان افراد متخصص برای صنایع تعلیم میدهد

بمنظور افزودن دانش علمی وعملی کادرشاغل درصنایع وبرای بالا بردن کیفیت کار نیروی جوان، دانشکده مجتمع آموزش صنعتی اصفهان تکنیسین درجه یک و کارشناس صنعتی تربیت میکند.

دراین دانشکده علاوه بردروس تئوری و کلاسیک، طراحی، رسم فنی وآزمایشگاه نیز زیر نظر متخصصین کارخانه‌ها واستادان کارآزموده آموزش داده میشود.

آموزش دانشجویان در دانشکده مجتمع آموزش صنعتی اصفهان در دومرحله صورت میگیرد: درمرحله نخست تکنیسین درجه یک مهندس یاری ودر مرحله دوم کارشناس صنعتی یا مهندس عملی.

دراین این دانشکده افراد دیپلمه پذیرفته میشوند ومدت آموزش درمرحله نخست سه سال ونیم ودرمرحله دوم دوسال ونیم میباشد.

این دانشکده درحال حاضر دارای ۵ شعبه با واحد در تهران-سبزوار-مشهد و کاشان است و در حال حاضر ۵۰۰ دختر وپسر در آن بفراگرفتن دروس تئوری وعملی مشغول میباشند.

پایان دورهٔ آموزشی مراجع حل اختلاف و سهیم کردن

دوره آموزشی مراجع حل اختلاف برای کارمندان ادارات کار وامور اجتماعی شهرستانها که در تاریخ هفدهم آبانماه سال جاری در شیراز آغاز شده بود، طی مراسمی پایان یافت.

در این دوره شش روزه کارشناسان ومتخصصان مؤسسه کار و تامین اجتماعی مسائل مربوط به‌شرایط کار — مراجع حل اختلاف — قرار داد کار وپیمانهای دسته جمعی، آئین نامه‌ها ورویه‌ها ودستورالعمل‌ها — قانون ومقررات کار کشاورزی ونحوه انتخابات نمایندگان کارگران ووظایف آنها در مراجع شورای کارگاه وهیات حل اختلاف را برای شرکت کنندگان در کلاس تشریح کردند.

همچنین یک دوره آموزشی سهیم کردن برای روسا مسئولان ومتصدیان فنی ادارات کار شهرستانها نیز که در شیراز تشکیل شده بود، پایان یافت. در این دوره پنج روزه نیز رؤسای مسئولان ومتصدیان فنی ادارات کار شهرستانها در زمینه تشریح کلی قانون کار وارتباط آن با قانون سهیم کردن، تشریح قانون سهیم کردن، روشهای اجرائی سهیم کردن کارگران، کیفیت اجرائی معافیتهای مالیاتی قانون سهیم کردن ونحوه اجرای آرا به‌شورای سهیم کردن ورسیدگی به‌شکایات کارگران آموزش دیدند.

آزمایش داوطلبان تأسیس آموزشگاههای حرفه‌ای آزاد برگزارشد

ازطرف اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کاروامور اجتماعی، آزمایشات مربوط به آموزشگاههای آزاد در رشته‌های خیاطی-گلدوزی بافندگی — آرایش — ماشین نویسی — نقشه کشی وسایر حرف با شرکت چهارصدنفر درسالن ششم بهمن وزارت کاروامور اجتماعی برگزارشد.

ازاین عده ۲۱۴ نفر در رشته خیاطی — ۷۷ نفر دررشته ماشین نویسی — ۵۹ نفردر آرایش و بقیه درسایر رشته‌ها آزمایش دادند.

این افراد پس از آزمون کتبی در روزهای ششم و هفتم آذرماه در آزمایشات عملی درآموزشگاه‌هائی که قبلا محل آنها برای امتحانات عملی درنظر گرفته شده بود، شرکت کردند.

از بین شرکت کنندگان دراین آزمون، به کسانی که درامتحانات قبول شوند از طرف اداره کل آموزش حرفه‌ای وزارت کاروامور اجتماعی اجازه تأسیس آموزشگاه دررشته‌های مذکور داده خواهد شد. داوطلبان این آزمایشها اکثراً از استان مرکزی وتعداد کمی ازسایر شهرستانهای سراسر کشور بودند که قبلا دوره کارآموزی خود را در آموزشگاهها و کارگاهها بطور علمی و عملی طی کرده وتقاضای امتیاز تأسیس آموزشگاه کرده بودند.

جلسه «بحث آزاد» کارگران باشرکت وزیر کار و امور اجتماعی

وزیر کار و امور اجتماعی

*** مجله رستاخیز کارگران متعلق به شما کارگران شریف است.**

*** سندیکاها در افزایش سطح مهارت و کارآئی کارگران وظایف مهمی دارند**

*وزیر کار و امور اجتماعی اعلام کرد که در امر مبارزه با بیسوادی طرح جامعی در دست تهیه است که برای پیاده کردن آن در درجه اول به تعداد زیادی مربی و معلم نیاز داریم و سعی براینست که معلمان از بین کارگران و نمایندگان آنها انتخاب شوند. همانطور که در تشکیل کلاس اخیر دیدیم از ۹۵ نفرداوطلب شغل تدریس، ۴۵ نفر آنان از نمایندگان کارگران هستند.

آقای معینی وزیر کار وامور اجتماعی که بدون اطلاع قبلی در جلسه «بحث آزاد» کارگران در خانه کارگر شرکت کرده بود، ضمن اشاره به فرمایشات شاهنشاه آریامهر مبنی برریشه کن کردن بیسوادی اظهار داشت بفرمان رهبرمان باید تمام افراد مملکت در این جهاد ملی شرکت کنند.

وزیر کار وامور اجتماعی در این جلسه که با شرکت ۲۵۰ نفر از نمایندگان سندیکاها و اتحادیه های کارگری تشکیل شده بود — در اجرای فرمان ملوکانه مبنی برجهاد ملی با بیسوادی، لزوم تشکیل کلاسهای متعدد پیکار با بیسوادی در شهر، روستا و شرکت و اهتمام همه افراد مملکت راضروری دانست.

آقای معینی سپس به مسئولیت کارگران باسواد در این پیکار مهم اشاره کرد و گفت: کارگران و نمایندگان آنها امکان خواهند یافت تا در کارگاه های خود بتوانند در این امر مقدس ملی شرکت کنند. وی در باره نتایج سواد آموزی وآموزش حرفه ای کارگران گفت: افزایش بهره وری کالا ها، ایجاد ارتباط مستقیم بین کارگران وهمچنین مسئله مدیریت اشتغال همراه با بالا بردن سطح ومهارت و کارآئی کارگران و از اهم وظایف جوامع سندیکائی است و در اجرای این هدفها سندیکاها باید با استفاده از آخرین روشها و با دقت بسیار کارگران را هدایت کنند.

مجله رستاخیز کارگران

وزیر کار وامور اجتماعی سپس به مجله «رستاخیز کارگران» پرداخت و ضمن تحسین کار خوب این مجله وتشویق کارگران برای همکاری با آن گفت: مجله «رستاخیز کارگران» متعلق بشما کارگران شریف است و کوشش میشود هر شماره بهتر از شماره قبل باشد. وزیر کار در باره نحوه توزیع مجله گفت: کارگاه هائی که عده آنها بیش از صد نفر باشد به تعداد کافی مجله در اختیار نمایندگان آنها برای فروش قرار خواهد گرفت. این نمایندگان لازمست کمال کوشش را بکنند تا مجله در اسرع وقت بدست کارگران برسد یعنی امر توزیع را باید با دقت انجام دهند. البته هریک از این نمایندگان در مقابل خدمتی که انجام میدهد حق الزحمه ای نیز دریافت خواهد کرد. درمورد کارگاههائی که تعداد کارگران آنها زیر یکصد نفر است توزیع مجله بین کارگران آنها از طریق سازمان کارگران تهران صورت میگیرد و در شهرستانها نیز نحوه توزیع همانند تهران است باین ترتیب که مجله باسریعترین وسیله به شهرستان ها فرستاده خواهد شد و در آنجا نماینده هر کارگاه سهمیه خود را دریافت میکند و شعب سازمان کارگران در سراسر مملکت علاوه بر نظارت برنحوه توزیع مجله، کار توزیع بین واحد های کوچک را انجام خواهدداد.

برای کارگران زاهدان

۹۶ دستگاه خانه ارزان قیمت ساخته شد

در اجرای طرح خانه سازی بانک رفاه کارگران، عملیات ساختمانی ۹۶ دستگاه خانه ارزان قیمت برای کارگران زاهدان پایان یافت وآماده بهره برداری شد.

خانه های مذکور در زمینی بمساحت ۳۱ هزار متر مربع احداث گردیده و زیر بنای هر واحد آن ۱۵۸ متر مربع میباشد و در ساختمان آنها معماری سنتی و شرایط اقلیمی منطقه نیز در نظر گرفته شده است. هر دستگاه از این خانه ها دارای دو اطاق، بهار خواب، آب،برق،و تلفن میباشد و کارگر انیکه حداقل یکسال حق بیمه متوالی و یا سه سال حق بیمه متناوب پرداخت کرده باشند، میتوانند با پرداخت ۵ تا ۵۰ در صد پیش قیمت کل ساختمان آن را خریداری نمایند. بانک رفاه کارگران ۹۶ دستگاه خانه ارزان قیمت دیگر نیز در جوار خانه های مذکور با همان مشخصات در دست ساختمان دارد که با تکمیل آنها تا اندازه زیادی مشکل کمبود مسکن برای کارگران این منطقه بر طرف خواهد شد.

۱۱۵۳۷ واحد مسکونی برای کارگران کشور در دست ساختمان است

*** کارخانه تولید قطعات پیش ساخته در تبریز کار خود را آغاز کرد**

طی دهسال اخیر ۱۶۵ هزار کارگر با استفاده از ۲۵ میلیارد ریال وام مسکن صاحب خانه شده اند.

طرح بزرگ آپارتمان سازی برای کارگران

تبریز	۵۴۰۰
مشهد	۱۸۹۰
اصفهان	۱۵۸۵
شاهی	۱۴۷۰
بوشهر	۳۳۰
بندرعباس	۴۰۶
کرمان	۴۵۶

طرح بزرگ آپارتمان سازی برای کارگران مرکز آذربایجانشرقی (تبریز) باآغاز تولید کارخانه سازنده قطعات پیش ساخته وارد مرحله اجرائی شد. قرارداد مربوط به این طرح که شامل ۵۴۰۰ دستگاه آپارتمان کارگری است در تیرماه سال گذشته بین بانک رفاه کارگران و بخش خصوصی در تبریز به امضاء رسید.

شهرک کارگری تبریز در زمینی بمساحت بیش از یک میلیون مترمربع احداث میشود و به کلیه تأسیسات شهرسازی مدرن مجهز خواهد شد.

واحد های مسکونی کارگران تبریز ازیک تا چهار اتاق خواهد داشت وجمعاً ۱۳۵ بلوک چهار طبقه را تشکیل میدهد و کار ساختمان آن ها در پنج مرحله صورت میگیرد وطبق برنامه پیش بینی شده قرار است اولین قسمت این آپارتمان ها — (شامل ۱۸ بلوک — هربلوک مرکب از چهل واحد مسکونی) سال آینده آماده بهره برداری شود وبقیه آنها نیز ظرف چهار سال بعدی برای بهره گیری آماده خواهد شد. درشهرک کارگری تبریز دبستان — درمانگاه — مرکز پست وتلگراف — بانک — داروخانه — سوپرمارکت — زمین ورزش وزمین بازی برای کودکان درنظر گرفته شده است. در مراسم گشایش کارخانه قطعات پیش ساخته تبریز آقای شیخ الاسلام زاده وزیر رفاه اجتماعی، همایون جابرانصاری وزیر مسکن وشهرسازی و استاندار آذربایجانشرقی شرکت داشتند و آقای محمدمجیدی رئیس کل بانک رفاه کارگران با اشاره به برنامه های خانه سازی برای کارگران گفت: — در دهسال اخیر قریب ۱۶۵ هزار نفر کارگر از طریق بیست وپنج میلیارد ریال وام مسکن این بانک صاحب خانه شدند. وی در تشریح دیگر برنامه های خانه سازی این بانک برای کارگران اضافه کرد: طرح بزرگ خانه سازی برای کارگران مشهد با ۱۸۹۰ دستگاه واحد مسکونی در دست اجراست که در زمینی بمساحت ۲۷۷ هزار مترمربع بنا میشود. واحدهای مسکونی کارگران مشهد در ... بلوک و هربلوک مرکب از ۶۰ دستگاه استفاده خواهد شد. کارهای ساختمانی ۱۵۸۵ واحد آپارتمان برای کارگران اصفهان نیز از سه سال پیش آغاز شده و نخستین سری آن شامل ۶۴۰ دستگاه تحویل گردیده است وساختمان آپارتمانها شامل ۹۴۵ دستگاه در دست اجراست. همچنین در شهرهای کرمان ۴۵۶ بندرعباس ۴۰۶ — بندربوشهر ۳۳۰ وشاهی ۱۴۷۰ واحد مسکونی برای کارگران در دست ساختمان است که بزودی قسمتی از آنها آماده استفاده خواهدشد.

آموزش کارگران استان آذربایجان غربی

کلاس آموزشی مسائل کار و سندیکائی برای نمایندگان کارگران و اعضای هیأت مدیره سندیکاهای کارگران استان آذربایجان غربی که از طرف مؤسسه کار و تأمین اجتماعی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی در رضائیه تشکیل شده بود، بپایان یافت و شرکت کنندگان گواهینامه های خود را دریافت داشتند. در این دوره که به مدت هفت روز ادامه داشت کارشناسان شرایط کار — قرارداد کار — فسخ قرارداد کار — حل اختلاف — مسائل سندیکائی سهیم کردن کارگران — طبقه بندی مشاغل و بازرسی و حفاظت کار را برای شرکت کنندگان در کلاس تشریح کردند.

خبرهای کارگری ایران و جهان

> وظیفه ملی و اجتماعی و در واقع تمدن هر فرد ایرانی است که هم خودش را باسواد کند و وقتی باسواد شد سعی کند که یک نفر دیگر را باسواد کند.
> ازفرمایشات شاهنشاه آریامهر

بمنظور تربیت کارگران ماهر

چهار مرکز آموزش حرفه‌ای در شهرستانها ایجاد میشود

در اجرای گسترش فعالیتهای آموزشی به منظور تربیت کارگر ماهر با هزینه یک میلیارد و چهارصد میلیون ریال چهار مرکز آموزش حرفه‌ای کارگران در شهرستانهای زاهدان — سمنان،اراک و کاشان ساخته میشود.

* مرکز حرفه‌ای زاهدان دارای پنجاه هزار مترمربع مساحت بوده و در حدود ۱۵۰۰ متر مربع زیربنا دارد و کارگاه‌های الکترومکانیک- میکانیک‌موتور—لوله کشی ساختمان- اسکلت سازی—نجاری عمومی—جوشکاری-فلز کاری- ورقکاری ماشین ابزار— تعمیر ماشینهای سرد کننده و تعمیر کمپرسور مجهز میشود. در این مرکز برای هر دوره چهارماهه ۱۰۴ نفر کارآموز وسالیانه ۳۱۲ نفر تحت تعلیم قرار میگیرند.

* مرکز حرفه‌ای سمنان دارای پنجاه هزار مترمربع مساحت بوده و در حدود ۱۴۰۰ مترمربع زیربنا دارد و به کارگاه‌های سیم کشی ساختمان — ماشین ابزار و میکانیک موتور— لوله کشی ساختمان — جوشکاری ورقکاری — نجاری — چوب‌بست کارتجهیز میشود دراین مرکز برای هر دوره ۴ماهه ۱۱۰ نفر کارآموز وسالیانه ۳۳۰ نفر تحت تعلیم قرار میگیرند.

* مرکز حرفه‌ای اراک دارای ۳۴۰۰۰ مترمربع زیر بنا بوده و به ده رشته فنی تجهیز میشود و مساحت زیر بنای این مرکز ۱۴۰۰ متر مربع خواهد بود.

در این مرکز برای هر دوره چهار ماهه ۱۲۰ نفر و سالیانه ۳۶۰ نفر تحت تعلیم قرار میگیرند و ۸۰ درصد عملیات ساختمانی این مرکز پایان یافته و اوایل سال ۱۳۵۵ بهره برداری از آن آغاز میشود.

* مرکز حرفه‌ای کاشان دارای ۵۰۷۵ متر مربع مساحت بوده و ۱۴۰۰ متر زیر بنا دارد در این مرکز برای هر دوره چهارماهه ۱۲۶ نفر و سالیانه ۳۷۸ نفر تحت تعلیم قرارمیگیرند. این مرکز به ۱۲ رشته فنی تجهیز خواهد شد.

کلیه کارآموزان کارگر به هزینه دولت کارآموزی خواهند نمود.

استقبال بی‌نظیر از:

دست‌آوردهای کارگران ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی دوبی

غرفه بزرگ دست‌آوردهای کارگران ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی دوبی با استقبال بی‌نظیر بازدیدکنندگان روبرو شد.

در این نمایشگاه که از روز اول آذرماه سال‌جاری در دوبی گشایش یافته بود محصولات و دست‌آوردهای کارگران ایرانی خریداران زیادی پیدا کرد ومذاکراتی برای خرید ۲۰۰ دستگاه از انواع اتومبیلهای ساخت کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال که شامل پیکان — اتوبوس ومینی‌بوس میباشد، بین مقامات ایران و دوبی انجام گرفت. همچنین در این نمایشگاه انواع گاوصندوقها و صندوقهای نسوز—ماشین آلات نجاری — ماشین برش — ماشین‌آلات کشاورزی‌وصنعتی—فرش—انواع دوچرخه— موتورسیکلت — لوازم‌خانگی — تجهیزات ساختمانی — موزائیک و سرامیک که بمعرض نمایش گذاشته شده بود، ازطرف بازرگانان کشورهای امارات متحدعربی خریداری شد.

در این نمایشگاه که بمدت دوهفته ادامه داشت ۸۰واحد تولیدی از بخش‌های دولتی و خصوصی ایران در معیاری وسیع با ارائه صنایع سبک وسنگین بمعرض نمایش گذاشته شده بود.

سیر نزولی سطح زندگی در انگلیس

روزنامه تایمز مالی از قول اداره مرکزی آمار انگلستان منویسد : سطح زندگی در انگلیس در چهار ماهه دوم سال جاری مسیحی بمیزان قابل توجهی سیر نزولی داشته واین رویداد در بیست سال اخیر بی‌سابقه بوده است.

با توجه بطرح دولت انگلیس در مورد افزایش دستمزد بمیزان شش لیره در هفته این تنزل در مورد مزد بگیران حدود یک تا دو درصد و در مورد افرادی که درآمد بیشتری دارند بعلت تورم بمیزان قابل توجهی افزایش دارد. بنظر کارشناسان این تنزل بیشتر ناشی از افزایش مالیات بر درآمد وفشار بصنایع ملی است که ازطرف دولت برای جبران کسری بودجه بعمل می‌آید.

در طول فاصله زمانی نیمه دوم سال ۱۹۷۴ ونیمه اول سال ۱۹۷۵ تولیدات ناخالص ملی (تولیدات کالا وخدمات) در انگلیس معادل ۲/۲۵ درصد تقلیل یافته ودرطول فاصله اولین و دومین ربع سال جاری نیز میزان این تنزل به ۲/۷۵ درصد رسیده است این آمار نمایانگر آنستکه سطح زندگی در این کشور طی سال جاری بازهم تنزل خواهد کرد.

موفقیت سفیر شاهنشاه آریامهر در سازمان بین‌المللی کار

آقای صادق عظیمی سفیر شاهنشاه آریامهر برای مدت ۳ سال باتفاق آراء بریاست کمیسیون آئین‌نامه واجرای قرمهای بین‌المللی هیئت مدیره سازمان بین‌المللی کار انتخاب شد. دولت شاهنشاهی ایران که از آغاز تشکیل سازمان بین‌المللی کار باهمکاریهای همه جانبه دراجرای توصیه‌نامه ها ومقاوله‌نامه های این سازمان بزرگ جهانی مقامی شایسته بدست آورده ، همواره مورد توجه دولتهای عضو این سازمان بوده است.

انتخاب سفیر شاهنشاه آریامهر بریاست کمیسیون مذکور ، نشانه دیگری از موفقیت کشورما در پهنه مراودات بین‌المللی است که تحت رهبریهای اندیشمندانه شاهنشاه آریامهر بدان دست یافته‌ایم.

۱۷/۱۰۰/۰۰۰ نفر در ۲۳ کشور صنعتی بیکارند

خبرگزاری آسوشیتدپرس از قول سازمان بین‌المللی کار در ژنو گزارش داد — تعداد بیکاران در ۲۳ کشور صنعتی جهان افزایش یافته وبه حدود ۱۷/۱۰۰/۰۰۰ نفر رسیده است که با احتساب خانواده‌های آنان به چهل میلیون وچهارصد هزار نفر خواهد رسید.

خبرگزاری مزبور بنقل ازسازمان بین‌المللی کار اضافه میکند که اگر روندهای بیکاری بهمین وضع ادامه یابد در کشورهای امریکا— کانادا — ژاپن — استرالیا — زلاندنو و ۱۸ کشور اروپای غربی کل بیکاران تا پایان سال جاری به ۱۸/۵ ٪ میلیون نفر میرسد که باافراد زیر پوشش آنان به ۴۳/۸۰۰/۰۰۰ نفر خواهد رسید.

طبق همین گزارش در دوازده ماه گذشته در این ۲۳ کشور حدود شش میلیون نفر به تعداد بیکاران افزوده شده است.

تورم در کانادا

کارخانه های بزرگ کانادا برنامه دولت آنکشور را جهت مبارزه علیه تورم پذیرفتند. گزارش رسیده از اتاوا حاکیست که افزایش نرخ تورم در کانادا روزبروز بیشتر میشود وهمین امر موجب شده که نخست وزیر کانادا تصمیمات جدیدی جهت مبارزه با تورم اتخاذ کند. درحال حاضر نرخ تورم در کانادا ۱۱ درصد اعلام شده است. یکی از روزنامه‌های پر تیراژ کانادا ضمن نظرخواهی ازمردم برای جلوگیری از افزایش تورم با جدیت تمام مبارزه علیه تورم را توصیه کرده‌است.

در این مبارزه کارخانه ها و واحدهای تولیدی وصنعتی کانادانیز که دربالا بردن تورم نقش عمده‌ای دارند با تصمیمات دولت نظر موافق نشان داده واعلام کرده‌اند که چه در مورد قیمتها وچه درزمینه دستمزدها مبارزه‌علیه تورم را پی‌گیری خواهند کرد. بدین منظور از طرف دولت کانادا یک دفتر کنترل و نظارت مرکب از ۲۰۰ نفر تشکیل شده است که این عده‌مامور اجرای تصمیمات دولت می‌باشند.

۳۱ واحد صنعتی جدید ایجاد میشود

وزارت صنایع و معادن اعلام کرد که در هفته گذشته با ایجاد ۳۱ واحد تازه صنعتی در نقاط مختلف کشور موافقت شده است. واحدهای مزبور مربوط به رشته های مختلف صنایع میباشند که از آنجمله ایجاد یک کارخانه بزرگ لباس دوزی درخارج ازشعاع ۱۲۰ کیلومتری تهران و تأسیس یک کارخانه تولید پتو در شهرستان قم، ایجاد دو واحد برای تولید انواع قطعات پلاستیکی و نیز تولیدورق پلاستیکی از«پی.وی.سی» در شهر صنعتی کورش و واحد — ساخت قالب پلاستیکی در شهر صنعتی البرز و ساخت لوله های سخت«پی.وی.سی» در مازندران را میتوان نام برد. طرحهای دیگر مربوط به تأسیس واحد تولید محلول های تزریقی (بنام جمعیت شیروخورشید سرخ ایران) و کارخانه یخ سازی درجاده مخصوص کرج نیز تأسیس ۷ کارخانه تولید بلوک و قطعات پیش ساخته شده جهت گسترش فعالیت های ساختمانی می‌باشد.

آموزش متصدیان واحدهای تأمین اجتماعی

متصدیان اجرایی واحدهای سازمان تأمین اجتماعی طی یک دوره آموزش تکمیلی بامسائل مربوط به کارخود آشنا شدند.

دراین دوره که به مدت هفت روز درمحل مؤسسه کار و تأمین اجتماعی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی ادامه داشت، منابع درآمد ضمانت های اجرائی — نحوه محاسبه — تعیین حق بیمه— خسارات ناشی از کار وچگونگی کار هیا تهای تشخیص مطالبات ونحوه تقسیط بدهی برای شرکت کنندگان تشریح شد.

دراین دوره که ۳۲ نفرازمتصدیان اجرایی واحدهای سازمان تامین اجتماعی شرکت داشتند آئین نامه اجرائیات ثبت اسناد و نحوه ابلاغ اخطاریه و اجرائیه به آنان آموزش داده شد.

خبرهای کارگری

برنامه کارگر از رادیو

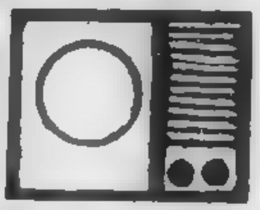

سه‌شنبه ۱۸ آذرماه

ساعت ۱۲/۳۰ * گزارش رویدادهای خبری
* یک پیام مفید برای کارگران
* گزارش (گفتگو بایکی از کارشناسان انستیتو تغذیه در مورد نوع
* تغذیهٔ کارگران از نظر بهداشتی و جنبه های دیگر.
* دانستنی ها و شنیدنیها (معلومات عمومی برای کارگران
* شاهنامه خوانی (توسط میرزا غلامعلی خان حقیقت)

چهارشنبه ۱۹ آذرماه

ساعت ۱۲/۳۰ * رویدادهای خبری
* یک پیام به کارگران (توصیه های سودمند)
* گزارش رادیوئی از کارخانه های صنعتی و مصاحبه بایکی از کارگران تولیدی
* بحثفنی دراین قسمت از برنامه اطلاعات فنی مورد نیاز در اختیار
* کارگران عزیز قرارمی گیرد. مجری این برنامه‌آقای مهندس محمدباقر میوچی (کارشناس برنامه) میباشد.
* گزارش رادیوئی

ساعت ۱۲/۵۵ * رویدادهای خبری

پنجشنبه ۲۰ آذرماه

ساعت ۱۲/۳۰ * + گفتار بمناسبت سالگرد ۲۱ آذر + رویدادهای خبری
* یک پیام مفید به کارگران
* اجرای نمایشنامه اخلاقی و تاریخی (دراین برنامه از بزرگان و
* مشاهیر ایرانی یاد می‌شود.)

۱۲/۵۷ * رویدادهای خبری

یکشنبه ۲۳ آذرماه

ساعت ۱۲/۳۰ * رویدادهای خبری
* یک پیام سودمند برای کارگران.
* مصاحبه با یک کارگر نابینا در مرکز حرفه‌ای نابینایان خزانه
* سیروسفر در کشور — (آقای آگاه و آقا مجتبی) دراین برنامه اطلاعاتی از شهرستانهای ایران بصورت اجرای نمایشنامه دونفره در اختیار کارگران عزیز گذاشته می‌شود.

رویدادهای خبری

دوشنبه ۲۴ آذرماه

رویدادهای خبری
* گزارش کارگری.
* دنیای پرماجرای کارگران بلندآوازه.
این برنامه به معرفی کارگران نمونه اختصاص دارد..)
* گزارش رادیوئی
* رویدادهای خبری

سه‌شنبه ۲۵ آذرماه

ساعت ۱۲/۳۰ * آرم آغاز + گفتاری بمناسبت روز مادر
* ترانهٔ مادر.
* دانستنیها و شنیدنیها (دراین برنامه سعی میشود سطح اطلاعات عمومی کارگران افزایش یابد.
* ترانه
* شاهنامه خوانی (قرائت شاهنامه فردوسی شاعر حماسی ایران و افتخارادبیات این سرزمین)
* ترانه
* رویدادهای خبری

توضیح: هفته بعد همه روزه به استثنای روزهای تعطیل رئوس برنامهٔ کارگر طبق هفتهٔ قبل می باشد.

برنامه کارگر از تلویزیون

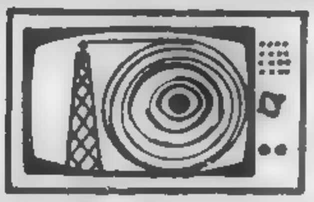

سه‌شنبه ۱۸ آذرماه

*ساعت ۱۶/۳۵ گفتگو با سه تن از دبیران سندیکاهای کارخانه های مختلف دراین برنامه نمایندگان کارخانجات جنرال موتورز، جنرال تایر، گروه صنعتی بهشهر و سرمدیر کل سهیم کردن کارگران وزارت کار و اموراجتماعی شرکت کرده و درباره بهره وری در صحبت می کنند.)

*اجرای ترانه توسط هنرجویان مرکز هنری کارگران

*نظر بهداشتی (درباره اثرات برق گرفتگی روی بدن) توسط دکترمحمد رازی

یکشنبه ۲۳ آذر

*ساعت ۱۲/۰۵ فیلمی درباره چگونگی تهیه و تولید سیمان و مراحل تولید (ازماده خام و ترکیبات انواع مختلف سیمان).

سه‌شنبه ۲۵ آذر

*ساعت ۱۶/۳۵: ادامه گفتگو بهره وری کار از هفته گذشته.

*نمایش فیلم (درباره موارد استفاده وطرز استفاده از سکوهای حفاظتی مدردار)

*اجرای ترانه توسط کارگر هنرمند.

یکشنبه ۳۰ آذرماه

* ساعت ۱۲۰۵ فیلم — چگونگی اتصال مواد پلاستیکی موضوع این فیلم میباشد.

*آشنائی با چگونگی جوشکاری صحیح در انواع مختلف مواد پلاستیکی برای کارگران.

نمایندگان کارفرمایان و صاحبان صنایع کشور با هدفهای طبقه‌بندی مشاغل آشنامیشوند

هفته گذشته با حضور آقای شایان معاون نیروی انسانی وزارت کارو اموراجتماعی، یک دوره‌آموزشی طبقه بندی مشاغل برای نمایندگان کارفرمایان و صاحبان صنایع کشور درمحل مؤسسه کارو تأمین اجتماعی وابسته به وزارت کارو اموراجتماعی گشایش یافت.

درمراسم گشایش این دوره که بمدت ۲۱ روز از طرف مؤسسه کارو تأمین اجتماعی تشکیل شده است، چند تن ازمدیران کل اجرائی وزارت کار و امور اجتماعی و جمعی از مسئولان و کارشناسان مؤسسه مذکور شرکت داشتند.

درآغاز آقای عبدالله جوانشیر، رئیس مؤسسه کارو تامین اجتماعی درباره وظایف آموزشی موسسه کارو تأمین اجتماعی و هدف از تشکیل این گونه کلاسها سخن گفت. سپس آقای شایان معاون نیروی انسانی وزارت کارو اموراجتماعی علل تشکیل دوره آموزشی طبقه بندی مشاغل و هدف ازطبقه بندی مشاغل را برای حاضران تشریح کرد.

آنگاه آقای مهندس رزاقی مدیر کل طبقه‌بندی مشاغل وزارت کار و امور اجتماعی، درباره آئین نامه حداقل مزد و آئینامه اصلاحی آن در ارتباط با طبقه بندی مشاغل سخنان مشروحی بیان داشت.

دراین دوره مسائل و موارد زیر بوسیله کارشناسان و متخصصین کارآزموده آموزش داده‌شد.

روابط کارگر و کارفرما — سازمان تأمین اجتماعی وخدمات آن — موارد اختلاف کارگران و کارفرمایان در زمینه مسائل مربوط به قانون کارومراجع حل اختلاف مسائل مربوط به سهیم کردن کارگران ووظایف کارفرمایان — نقش شرکتهای تعاونی در بالا بردن سطح رفاه اجتماعی واقتصادی کارگران-تنظیم و استخراج عوامل کار، تجزیه وتحلیل مشاغل— روش درجه بندی ورده‌بندی وامتیازی ومقررات مربوط به‌مزد وطبقه‌بندی در قوانین کار وتنظیم مقررات اجرائی طرح طبقه‌بندی و تهیه جدول مزد وارزشیابی وشایستگی کارگران.

استاد کاران و مربیان کارخانه های سیمان استان خراسان دورهٔ مهارت می بینند

بمنظور بالا بردن سطح مهارت استاد کاران و مربیان کارخانه های سیمان استان خراسان از طرف صندوق کارآموزی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی یکدوره آموزشی در محل کارخانه سیمان مشهد تشکیل شد.

دراین دوره که به مدت چهار هفته ادامه خواهد داشت، ده تن از مربیان و استاد کاران کارخانه های سیمان با مسائل مربوط به کار، روشهای کار — تعلیم و حفاظت کار آشنا خواهندشد.

> یک وظیفه ملی است که ماحتی المقدور احتیاجات خودمانرا در داخله کشور تولید بکنیم.
>
> ازفرمایشات شاهنشاه آریامهر

درطول برنامه عمرانی پنجم:

دو میلیون و یکصد هزار فرصت اشتغال به وجود خواهد آمد

کارگران جویای کار توسط «کامپیوتر» راهنمائی می شوند

جابجائی نیروی کار از طریق شبکه کاریابی به قطب های صنعتی صورت می گیرد

فریدون ناصری: تلاش و کوشش بیشتر و استفاده صحیح تر از ابزار کار

آقای فریدون ناصری معاون جدید نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی پس از معرفی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار رستاخیز کارگران شرکت کرد.

معاون وزارت کار ضمن تاکید بر اوامر ملوکانه در مورد افزایش سطح دستمزد کارگران متناسب با افزایش بهره وری تامین نیروی انسانی مورد نیاز، استفاده از کامپیوتر در امور کارگری تلاش کارگران بعنوان یک وظیفه ملی و نیز مسئله اشتغال در برنامه عمرانی پنجم توضیحاتی داد.

تربیت کارگر ماهر

آقای ناصری با اشاره به اوامر شاهنشاه آریامهر در اینمورد گفت: اکنون وزارت کار بعنوان یکی از مسئولیتهای عام خود از طریق ۵۰ مرکز کاریابی ثابت و نیز اعزام تیمهای سیار به روستاها و شهرستانهای مملکت در امر آموزش و آماده کردن کارگر ماهر و نیمه ماهر و حتی تکنیسین کوشش میکند. این اقدام همراه با جابجائی نیروی کار از طریق شبکه کاریابی و جهت دادن به نیروی کارگری از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و قطبهای صنعتی انجام میگیرد. در نتیجه از مهاجرتهای بی تناسبی که در گذشته بعلت نداشتن چنین مکانیزمی وجود داشت، جلوگیری خواهد شد.

آقای ناصری سپس به مسئله تربیت کادر ماهر پرداخت و اضافه کرد:

از طریق مراکز تعلیمات حرفه ای شبانه — روزی کارگران شهرستانها و روستاها به این مراکز جذب میشوند و پس از آموزش و فراگیری تخصصهای لازم در منطقه خود بکار گرفته خواهند شد. از جهت دیگر امروز ما در مرحله ای از توسعه صنعتی قرار داریم که باید بزودی بتوانیم بهترین کالا ها را از نظر کیفیت در داخل مملکت تولید کنیم بنحوی که بتواند با کالا های مشابه در بازارهای جهانی رقابت کند.

برای رسیدن به این چنین درجه ای از توسعه و ترقی صنعتی و اقتصادی، باید کارگران ماهر داشته باشیم.

آقای ناصری اضافه کرد:

— از طرف دیگر کسانی که در بخش کشاورزی به کارهای نیمه وقت و فصلی مشغول هستند، تحت تعلیمات حرفه ای فرصت می یابند تا از امکانات اضافی اشتغال تمام وقت بهرمند شوند و با این ترتیب مقداری از بیکاری های فصلی و پنهان نیز بکار گرفته خواهد شد بالا بردن سطح مهارت کارگران درحد مطلوب و ایجاد تلاش آنها در نهایت و به حداکثر ممکن تضمینی است برای تولید بهترین کالا که هم مصرف کننده ایرانی از آن راضی گردد و هم در بازار جهانی قابل رقابت باشد.

چنین افزایش بهره وری طبعاً در آمد و دستمزد کارگر را بطور قابل ملاحظه ای بالا خواهد برد و زندگی بهتری را برای او تامین خواهد کرد.

اشتغال در برنامه عمرانی پنجم

معاون وزارت کار در زمینه اشتغال در برنامه عمرانی پنجم به خبرنگار ما گفت:

یکی از هدفهای مهم و اساسی برنامه عمرانی پنجم ایجاد حداکثر امکانات اشتغال برای عموم مردم بویژه کارگران است.

برای آنکه همه مردم از ثمرات و نتایج توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکت بیشتر بهره مند شوند و در ساخت زیر بنائی جامعه مشارکتی عادلانه داشته باشند باید حداکثر امکانات اشتغال برای آنها فراهم شود.

بدین منظور میتوان گفت در برنامه عمرانی پنجم کشور در مقابل یک میلیون و چهارصد هزار نفر که وارد بازار کار میشوند، در حدود دو میلیون و یکصد هزار امکان اشتغال جدید ایجاد خواهد شد.

از این رقم تقریبا ۸۰۰/۰۰۰ امکان اشتغال به کارگران اختصاص دارد که در حال حاضر ۳۰۰/۰۰۰ امکان اشتغال نیز بوجود آمده است و در اختیار کارگران مملکت قرار گرفته است. در اینصورت رقم امکانات اشتغال خیلی بیشتر از رقم کسانی است که وارد بازار کار میشوند و این خود لزوم ایجاد برنامه های وسیعتر تعلیمات حرفه ای و فنی را ایجاب میکند.

استفاده از کامپیوتر

معاون وزارت کار با اشاره بکاربرد ماشینهای حسابگر (کامپیوتر) در امور کارگری گفت این امر مورد تاکید شاهنشاه آریامهر قرار گرفته و بطوریکه معظم له فرموده اند بایستی از ماشینهای کامپیوتر استفاده شود که بتوانیم در کوتاهترین فرصت ممکن کارگران را بکار بگماریم.

در حال حاضر این سیستم پیاده شده و مشخصات کارگران جویای کار مملکت همراه با امکانات کار موجود، به زبان کامپیوتر تبدیل شده است. بطوریکه هرگاه کارفرمائی به کامپیوتر مراجعه کند و بطور مثال یک کارگر جوشکار بخواهد با دادن شماره کد کارگر جوشکار به ماشین ظرف کمتر از یکدقیقه راهنمائی خواهد شد که در کجای مملکت کارگر جوشکار آماده به کار وجود دارد و بالعکس اگر کارگر جویای کار مراجعه کند، حافظه ماشین متناسب با مهارت او مشاغل مورد نظر وی را باو اطلاع خواهد داد. ضمناً این دستگاه در آینده بطوری مجهز خواهد شد که در مراکز کاریابی کشور بعنوان دستگاه اشتغال خود کار مورد استفاده کارگران و کارفرمایان قرار گیرد.

آقای ناصری اضافه کرد: تاکید شاهنشاه آریامهر بیشتر بر این مسئله بود که کامپیوتر بیشتر مورد استفاده قرار بگیرد تا بتوانیم در هر لحظه اطلاعات مربوط به کارگران مملکت از جمله نحوه تمرکز آنها را در مراکز مختلف کارگری، سطح اشتغال نیروی انسانی و حتی آمارگیریهای مربوط به آنها را به کمک حافظه این ماشینها بدست آوریم.

ارتباط بهره وری و دستمزد کارگران

معاون وزارت کار و امور اجتماعی در این زمینه گفت: مسئله افزایش بهره وری و ارتباط آن با ارتقاء سطح دستمزد ها بعنوان یک موضوع همیشه مورد تاکید ملوکانه قرار داشته (منظور مزد بیشتر در مقابل تولید بیشتر است) بررسی آمار و ارقام سالهای گذشته نشان میدهد که کارگران مملکت بعلت تلاش بیشتر و بالا رفتن سطح مهارتشان موفق شده اند بهره وری را در واحد های صنعتی کشور بمیزان قابل ملاحظه ای افزایش دهند، که این خود سبب ارتقاء هرچه بیشتر در آمد آنها شده است.

استقبال کارگران از عرضه و فروش سهام صنایع تولیدی و صنعتی مؤید این واقعیت است که کارگران توانسته اند مبلغ قابل توجهی به این امر اختصاص بدهند و این را میتوان نمونه ای از بهبود وضع در آمد و دستمزد کارگران در نتیجه افزایش بهره وری دانست.

بهره وری چیست؟

«منظور از بهره وری عبارت از این است که بتوان با تعداد کارگری معین در اثر کوشش و تلاش بیشتر و به کار گرفتن صحیح تر ابزار و ماشین آلات، تولید بیشتر و راندمان بالا تری داشته باشیم — که هم از نظر کیفی و هم از جهت کمی قابل توجه باشد.»

در اینصورت وقتی عوامل تولید ثابت بود و راندمان کار بالا رفت نتیجه تولید بیشتر بعنوان دستمزد متناسب با ارزش فرآورده نصیب کارگری خواهد شد که در این مشارکت سهیم بوده است و از طرف دیگر صاحب سرمایه از حاصل این سرمایه گذاری نفع بیشتری خواهد برد.

تلاش کارگران بعنوان یک وظیفه ملی

معاون وزارت کار آنگاه با اشاره به این امر گفت: حاصل تلاش بیشتر و سالمتر، گذشته از جنبه های عاطفی و ملی و میهنی آن مستقیماً بصورت منافع مادی به فرد بر میگردد و زندگی مرفه تری برای او تامین خواهد کرد.

خوشبختانه کارگران عصر رستاخیز به این وظیفه ملی توجه کامل دارند و به نوبه خود برای سرافرازی کشورشان در صحنه رقابت های بین المللی متوجه موقعیت ممتاز جامعه خویش میباشند.

مجله کارگران

معاون وزارت کار در پایان این گفتگو ضمن تحسین از مطالب و محتوای مجله «رستاخیز کارگران» اظهار داشت: کارگر ایرانی در این جامعه صاحب قدر و منزلتی والا بوده و از جهت توسعه صنعتی مملکت بزرگترین نقش را دارا می باشد این ارزش مهم را باید خانواده کارگران هم بشناسند و مجله رستاخیز کارگران بهترین وسیله ایست که می تواند این مسئله را بداخل خانواده ها بکشاند.

بازار کار

پلاستیک سازی

۱ ــ تخصص مورد نیاز : پلاستیک سازی
۲ ــ تعداد : ۱۰ نفر
۳ ــ جنس : مرد
۴ ــ سن : ۳۵ سال
۵ ــ تجربه : مطرح نیست
۶ ــ تحصیلات : مطرح نیست
۷ ــ شرایط دیگر : معافیت دائم یا داشتن برگ پایان خدمت وظیفه
۸ ــ محل خدمت : تهران
۹ ــ حداقل حقوق : ۱۶۰ ریال در صورت داشتن استعداد ۲۰ تا ۲۲ تومان
۱۰ ــ مزایای شغل : سرویس
۱۱ ــ آخرین مهلت مراجعه : ۵۴/۹/۱۶

مکانیک

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** مکانیک ماشین آلات صنعتی
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۱۵ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** حداقل سه سال
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** برگ معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ **حداقل حقوق:** ۱۶۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** ۵۴/۱۰/۱۷

آهنگر

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** آهنگری و درب و پنجره سازی
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۳۰ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** حداقل سه سال
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ **حداقل حقوق:** ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** ۵۴/۱۰/۱۷

برشکار

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** برشکاری
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۱۰ نفر.
۳ــ **جنسیت:** مرد
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** حداقل دو سال
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** برگ معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ **حداقل حقوق:** ۷۵۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** ۵۴/۱۰/۱۷

خدمتکار منزل

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** کارهای منزل
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۱۰ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد و زن
۴ــ **سن:** حداکثر ۴۵ سال
۵ــ **تجربه:** مطرح نیست
۶ــ **تحصیلات:** مطرح نیست
۷ــ **شرایط دیگر:** ندارد.
۸ــ **حداقل حقوق:** ۱۰۰۰۰ ریال
۹ــ **محل خدمت:** تهران
۱۰ــ **آخرین مهلت:** تا پایان سال جاری

برق کار

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** برقکاری ماشین آلات
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۵ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** حداقل سه سال
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ **حداقل حقوق:** ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** ۵۴/۱۰/۱۷

نقاش

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** نقاشی پیستوله
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۱۰ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** حداقل سه سال
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ **حداقل حقوق:** ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** ۵۴/۱۰/۱۷

فرزکار

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** فرزکاری
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۱۰ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** حداقل سه سال
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** برگ معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ **حداقل حقوق:** ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ **محل خدمت:** تهران
۱۰ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۱ــ **آخرین مهلت:** ۵۴/۱۰/۱۷

پرداخت کار

۱ ــ تخصص مورد نیاز : پرداخت کار
۲ ــ تعداد : ۲ نفر
۳ ــ جنس : مرد
۴ ــ سن : ۴۰ سال
۵ ــ تجربه : دارا باشد
۶ ــ تحصیلات : مطرح نیست
۷ ــ شرایط دیگر : معاف دائم
۸ ــ محل خدمت : تهران ــ جاده کرج
۹ ــ حداقل حقوق : با توافق
۱۰ ــ مزایای شغل : سرویس
۱۱ ــ آخرین مهلت مراجعه : ۵۴/۹/۱۸

قالب ساز

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** قالبسازی
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۵ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** حداقل سه سال
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ **حداقل حقوق:** ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** ۵۴/۱۰/۱۷

ماشین نویس

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** ماشین نویس فارسی و لاتین
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۱۰ نفر
۳ــ **جنسیت:** زن
۴ــ **سن:** حداکثر ۲۵ سال
۵ــ **تجربه:** دارا بودن تجربه حائز اهمیت است
۶ــ **تحصیلات:** حدود دیپلم
۷ــ **شرایط دیگر:** معافیت برای سن کسانیکه دیپلمه می باشند.
۸ــ **حداقل حقوق:** ۸۰۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** تا پایان سال جاری

فروشنده

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** فروشندگی
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۱۰ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد و زن
۴ــ **سن:** حداکثر ۳۰ سال
۵ــ **تجربه:** دارا بودن تجربه حائز اهمیت است
۶ــ **تحصیلات:** سیکل اول متوسطه
۷ــ **شرایط دیگر:** معافیت یا خاتمه خدمت درمورد آقایان
۸ــ **حداقل حقوق:** ۷۰۰۰ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** تا پایان سال جاری

کارگر ساده

۱ــ **تخصص مورد نیاز:** ندارد
۲ــ **تعداد مورد نیاز:** ۲۰۰۰ نفر
۳ــ **جنسیت:** مرد و زن
۴ــ **سن:** حداکثر سن ۳۵ سال
۵ــ **تجربه:** مطرح نیست
۶ــ **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
۷ــ **شرایط دیگر:** معافیت یا خاتمه خدمت (درمورد آقایان)
۸ــ **حداقل حقوق:** روزانه ۱۸۱ ریال
۹ــ **مزایای شغل:** بیمه ــ سود ویژه ــ سرویس
۱۰ــ **محل خدمت:** تهران
۱۱ــ **آخرین مهلت:** تا پایان سال جاری

سوهان کار

۱ــ تخصص مورد نیاز: سوهانکاری
۲ــ تعداد مورد نیاز: ۱۰ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تجربه: حداقل سه سال
۶ــ تحصیلات: خواندن ونوشتن
۷ــ شرایط دیگر: معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ حداقل حقوق: ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ مزایای شغل: بیمه ــ سودویژه ــ سرویس
۱۰ــ محل خدمت: تهران
۱۱ــ آخرین مهلت: ۵۴/۱۰/۱۷

لوله کش

۱ــ تخصص مورد نیاز: لوله کشی
۲ــ تعداد مورد نیاز: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تجربه: حداقل ۲ سال
۶ــ تحصیلات: خواندن ونوشتن
۷ــ شرایط دیگر: معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ حداقل حقوق: ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ مزایای شغل: بیمه ــ سودویژه ــ سرویس
۱۰ــ محل خدمت: تهران
۱۱ــ آخرین مهلت: ۵۴/۱۰/۱۷

جوشکار

۱ ــ تخصص مورد نیاز: جوسکاری برق یا کاربیت
۲ــ تعداد مورد نیاز: ۳۰ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تجربه: حداقل سه سال
۶ــ تحصیلات: خواندن ونوشتن
۷ــ شرایط دیگر: برگ معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ حداقل حقوق: ۹۰۰۰ ریال
۹ــ مزایای شغل: بیمه ــ سودویژه ــ سرویس
۱۰ــ محل خدمت: تهران
۱۱ــ آخرین مهلت: ۵۴/۱۰/۱۷

تکنیسین

۱ــ تخصص مورد نیاز: تکنسین برق
۲ــ تعداد مورد نیاز: ۱۰ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۰ سال
۵ــ تجربه: داشته باشد.
۶ــ تحصیلات: دیپلم فنی رشته برق
۷ــ شرایط دیگر: برگ معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ حداقل حقوق: ۱۲۰۰۰ ریال
۹ــ مزایای شغل: بیمه ــ سودویژه ــ سرویس
۱۰ــ محل خدمت: تهران
۱۱ــ آخرین مهلت: ۵۴/۱۰/۱۷

طراح ونقشه کش

۱ــ تخصص مورد نیاز: طراحی ونقشه کشی
۲ــ تعداد مورد نیاز: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۰ سال
۵ــ تجربه: حداقل دوسال
۶ــ تحصیلات: حداقل دیپلم هنرستان
۷ــ شرایط دیگر: معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ حداقل حقوق: ۱۵۰۰۰ ریال
۹ــ مزایای شغل: بیمه ــ سودویژه ــ سرویس
۱۰ــ محل خدمت: تهران
۱۱ــ آخرین مهلت: ۵۴/۱۰/۲

راننده پایه یکم

۱ــ تخصص مورد نیاز: رانندگی
۲ــ تعداد مورد نیاز: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تجربه: حداقل دوسال رانندگی
۶ــ تحصیلات: خواندن ونوشتن
۷ــ شرایط دیگر: معافیت یا خاتمه خدمت
۸ــ حداقل حقوق: ۲۰۰۰۰ ریال تا ۴۰۰۰۰ ریال
۹ــ مزایای شغل: بیمه ــ سرویس
۱۰ــ محل خدمت: تهران وشهرستانها
۱۱ــ آخرین مهلت: ۵۴/۱۰/۱۷

کارگر نظافتچی

۱ــ وتخصص مورد نیاز: نظافتچی
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنس: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۴۰ سال
۵ــ تجربه: مطرح نیست
۶ــ شرایط دیگر: معافیت دائم یا داشتن برگ خاتمه خدمت وظیفه
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: روزانه ۱۸۲ ریال
۹ــ مزایای شغل: وسیله رفت وآمد ناهار
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۹/۱۸

نامه رسان

۱ــ و تخصص مورد نیاز: نامه رسان
۲ــ تعداد: یکنفر
۳ــ جنس: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۴۰ سال
۵ــ تجربه: مطرح نیست
۶ــ تحصیلات: ششم ابتدائی
۷ــ شرایط دیگر: معافیت دائم یا داشتن برگ خاتمه خدمت وظیفه
۸ــ محل خدمت: تهران
۹ــ حداقل حقوق: با توافق
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۹/۱۸

خیاط

۱ــ و تخصص مورد نیاز: خیاط
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنس: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۲۵ سال به بالا
۵ــ شرایط دیگر: معافیت دائم یا داشتن برگ خاتمه خدمت وظیفه
۶ــ محل خدمت: تهران
۷ــ حداقل حقوق: با توافق
۸ــ آخرین مهلت مراجعه: ۵۴/۹/۱۸

بازار کار ــ شهرستانها

لنگرود

۱ــ کارمند سیکل اول ۸ نفر
۲ــ خدمتکار ۲ نفر
۳ــ نامه رسان ۳ نفر
۴ــ کارگر ساده ۲ نفر
۵ــ آخرین مهلت: ۵۴/۹/۲۲

بندرعباس

۱ــ پیشخدمت باسواد ۱۲ نفر
۲ــ کارگر ساده ۶۰ نفر
۳ــ مکانیک ۱۶ نفر
۴ــ کمک آشپز باسواد ۱۴ نفر
۵ــ راننده پایه ۲ شخصی ۳ نفر
۶ــ انباردار باسواد ۶ نفر
۷ــ جوشکار برق ۱۸ نفر
۸ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

ساری

۱ــ کارمند دیپلمه ۱۰ نفر
۲ــ راننده پایه یکم ۲ نفر
۳ــ راننده پایه ۲ شخصی ۱ نفر
۴ــ خدمتکار زن ۱ نفر
۵ــ برقکار درجه ۱ ۱ نفر
۶ــ ریسنده مرد ۵ نفر
۷ــ مونتاژ کار ۵ نفر
۸ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

اهواز

۱ــ برقکار با فشار قوی باسواد ۱ نفر
۲ــ برقکار عمومی باسواد ۳ نفر
۳ــ راننده پایه یکم باسواد ۱۷ نفر
۴ــ کارمند کارگزینی دیپلمه ۱ نفر
۵ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

قم

۱ــ جوشکار ۱۰ نفر
۲ــ برقکار ۱۰ نفر
۳ــ خیاط زن ۵ نفر
۴ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

تبریز

۱ــ ماشین نویس ۱۰ نفر
۲ــ کارمند ۱۰ نفر
۳ــ جوشکار درو پنجره ۱ نفر
۴ــ انباردار ۴ نفر
۵ــ تراشکار ۱ نفر
۶ــ نجار ۴ نفر
۷ــ مکانیک برق ۲ نفر
۸ــ راننده پایه ۲ شخصی ۱۰ نفر
۹ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

مشهد

۱ــ کارمند دیپلمه زن ۱۰ نفر
۲ــ تکنسین تأسیسات دیپلمه ۳ نفر
۳ــ مکانیک عمومی دیپلمه ۵۰ نفر
۴ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

رضائیه

۱ــ تراشکار وجوشکار ۵ نفر
۲ــ مکانیک تعمیرکار
ششم ابتدائی تافوق دیپلم
۳ــ برقکار ۲ نفر
۴ــ کارگر چاپ عمومی ۴ نفر
۵ــ متصدی تهویه مطبوع شوفاژ ۱ نفر
۶ــ برنامه ریز مواد ۴ نفر
۷ــ متصدی اپراتور دستگاه بافندگی ۸ نفر
۸ــ سوهان کار ۲ نفر
۹ــ کارگر ساده زن ومرد ۷ نفر

بندرلنگه

۱ــ راننده پایه دوم ۷ نفر
۲ــ کارگر ساده زن ومرد ۲۸ نفر
۳ــ فروشنده ۱ نفر
۴ــ مکانیک ماشین آلات ۲ نفر
۵ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

کاریابی زاهدان

۱ــ برقکار ۴ نفر ششم ابتدائی
۲ــ لوله کش ۳ نفر ششم ابتدائی
۳ــ بنا بلوک آلاچیق ۳ نفر ششم ابتدائی
۴ــ نجار ۱۷ نفر ششم ابتدائی
۵ــ کارآموزفنی ۱۵ نفر خواندن ونوشتن

همدان

۱ــ جوشکار ۵ نفر
۲ــ لوله کش ۳ نفر
۳ــ برقکار ۲ نفر
۴ــ حروفچین دیپلمه ۲ نفر
۵ــ ماشین نویس دیپلمه زن ۳ نفر
۶ــ کارگر ساده زن ۵۰ نفر
۷ــ آخرین مهلت ۵۴/۹/۲۲

علاقه مندان وواجدین شرایط میتوانند همه روزه تامهلت های ذکرشده در تهران به ادارات کاریابی ودر شهرستانها به مراکز کاریابی ویا ادارات نیروی انسانی مراجعه نمایند

کمیته‌های حفاظت و حوادث

حفاظت کارگران یکی از هدفهای اساسی وزارت کار و امور اجتماعی است

حوادث ناشی از کار و بیماریهای حرفه‌ای، زیان هائی است که در تمام جهان همراه با گسترش فعالیتهای صنعتی رو به فزونی می‌نهد و چنانچه برای این مهم چاره اندیشی بعمل نیاید، اثرات نامطلوب اقتصادی بدنبال خواهد داشت. در این زمینه با اینکه تدابیر لازم از طرف سازمان بین‌المللی کار بعمل آمده و مقررات خاصی در نظر گرفته شده) معهذا باز هم در کشورهای پیشرفته هرسال قریب یکصد هزار حادثه تلخ رخ میدهد. در بعضی از کشورهای صنعتی زیان نا مشهودی که برای هر حادثه تعیین شده است، معادل چهار برابر زیان مشهود آن حادثه بر آورد شده، می‌باشد. خساراتی که حوادث از نظر اقتصادی برای اجتماع در بر دارد فقط برای افراد حادثه دیده زیان ببار نمی‌آورد بلکه در بیشتر موارد حوادث باعث نقصان تولید و بموقع تحویل نشدن کالا ها و بالاخره اگر حوادث دسته‌جمعی باشد باعث اثرات اقتصادی شدیدتری در اجتماع میشود. بهمین جهت حفاظت کارگران درمقابل بیماریهای حرفه‌ای و حوادث ناشی از کار، یکی از هدف های اساسی وزارت کار و امور اجتماعی است که از بدو تاسیس در سال ۱۳۲۵، آنرا شالوده ریزی و پی گیری کرده‌است. و شورای عالی حفاظت فنی نیز که بر اساس ضوابط و مقابله نامه های سرزمان بین المللی کار تشکیل شده تا کنون در این زمینه ها فعالیت چشمگیری داشته و حدود بیست آئین‌نامه و مقررات حفاظتی در رشته های مختلف کارحتی مقررات کار درمقابل خطر پرتوهای (یونساز) و مواد (رادیواکتیو) تصویب و اجرا نموده است. بهمین منظور بر اساس ماده ۴۸ قانون کار کسانی که بخواهند کارگاههائی احداث نمایندیا کارگاههای موجود را توسعه دهند مکلف‌اند بدواً برنامه کار و نقشه های ساختمانی و طرح های مورد نظر خود را ازنظر پیش بینی در امر حفاظت و بهداشت کار برای تصویب به وزارت کار ارسال دارند و بهره برداری از این قبیل کارگاهها منوط برعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی است. همچنین بر اساس ماده ۴۹ قانون کار، کارفرمایان مکلف‌اند قبل از بکار بردن ادوات و لوازمی که طبق آئین‌نامه مصوب شورای عالی حفاظت فنی آزمایش آنها ضروری شناخته شده است اجازه لازم را ازوزارت کار دریافت دارند و در صورتیکه کارفرمایان رعایت مقادفوق را ننمایند و یا لوازم وادوات مزبور ازنظر بهداشت و حفاظت فنی خطرناك یا مضر تشخیص داده شود، بازپرس بنا بتقاضای وزارت کار، قرار توقیف آنها را صادر خواهد کرد و کارفرمای مختلف به مجازاتی که در ماده ۵۰ قانون کار تعیین گردیده است محکوم خواهد شد. دراجرای مقررات قانون کار و ضوابط بهداشتی وحفاظتی اداره کل بازرسی کار عهده دار این وظایف گردیده است ووزارت کار وامور اجتماعی کارشناسان با صلاحیتی را از بین جوانان تحصیلکرده بعنوان بازرس کار انتخاب میکند و در اختیار این اداره قرار میدهد. این عده پس ازطی دوره‌های آموزشی لازم در داخل و یاخارج از کشور و بدست آوردن تجارب مورد نیاز، عهده دار مسئولیت گردیده و بدریافت کارت بازرسی کار نائل میگردند. بازرسان کار حق دارند در هر موقع بکارگاههای مشمول قانون کار وارد شده و ببازرسی بپردازند. همچنین برای تخلفات کارفرمایان در هر مورد جرائمی درنظر گرفته شده که حداکثر به صدهزار ریال میرسد و جرائم اخذ شده بحساب مخصوصی در بانك ریخته میشود که به مصرف رفاه حال کارگران میرسد.

اطفال کمتر از ۱۲ سال

کارفرمایانی که اطفال کمتر از ۱۲ سال را بکار گمارند، علاوه به حداکثر جریمه به حبس تأدیبی تا ۶ ماه نیز محکوم میشوند ودر مورد حوادث ناشی از کار باید یاد آور شد: گرچه کارگران از لحاظ سازمان بیمه‌های اجتماعی درمورد حوادث بیمه هستند وسازمان مذکور تعهدات خود را در باره مداوا ومعاینات طبی ویا اعطای اعضای مصنوعی وهمچنین پرداخت غرامت دستمزد ویا مستمری به‌آنها انجام میدهد، ولی اگر وقوع حادثه یا بیماری ناشی ازعدم رعایت مقررات حفاظتی وبهداشتی باشد، سازمان بیمه‌های اجتماعی کلیه هزینه های مربوط به معالجه و غرامت ومستمری وغیره راکه بکارگر پرداخته، از کارفرمامطالبه ووصول می‌نماید.

کوشش برای تقلیل حوادث

توسعه وپیشرفت روزافزون واحدهای صنعتی در ایران ایجاب میکرد که بمنظور حفظ نیروی انسانی و تأمین سلامت وبهداشت کارگران با استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته اقدامات دامنه‌دار دیگری براساس موازین دفتر بین‌المللی کارصورت گیرد. بهمین منظور اقدام به تأسیس مرکزی بنام مرکز تحقیقات وتعلیمات حفاظتی شده که هم‌اکنون درآن گروهی از مهندسان و پزشکان و کارشناسان خارجی مشغول انجام وظیفه هستند وطبق برنامه‌های تنظیمی در آینده این مرکز با همکاری دفتر بین‌المللی کار شعبات دیگری نیز مجهز بکادر ورزیده ووسایل لازم تأسیس می‌نماید.

دراین مرکز در زمینه مسائل حفاظتی الکتریسته — نور — گردوغبار — گازهای قابل اشتعال وانفجار، مسائل آتش نشانی و پیشگیری از حریق — مسائل حفاظتی در مکانیک — معدن — ساختمان وآزمایش وسایل استحفاظی فردی، تحقیقاتی انجام میشود تا چنانچه درواحدهای تولیدی وصنعتی مواردی مشاهده‌شد که برای سلامت کارگران خطراتی دربرداشت از کار آن واحد تا برطرف کردن نواقص موجود جلوگیری بعمل آید.

رئیس مرکز تحقیقات وتعلیمات حفاظتی

وظیفه حفظ وحراست کارگران در محل کار باید بنحو احسن انجام شود

یکصد و بیست نفر ازدانشجویان رشته های برق و مکانیك انستیتو تکنولوژی تهران با فعالیتها و برنامه های مرکز تحقیقات، تعلیمات حفاظت و بهداشت کار آشنا شدند.

این دانشجویان که همراه استادان خود از این مرکز بازدید میکردند با دستگاهها ووسایلی که کارگران را در کارخانه ها حفاظت می کنند آشنا شدند. دراین بازدید رئیس مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظتی طی سخنانی هدف ازتأسیس این مرکز وفعالیتهای آنرا تشریح کرد واظهار داشت حفظ کارگران ماهر که سرمایه های کشور ما هستند یکی از هدفهای این دستگاه می‌باشد.

آقای مهندس آشفته که به ارزش کارگران ماهر اشاره میکرد، یادآور شد درشرایطی که کشور ما تحت رهبری های شاهنشاه آریامهر به سرعت در جهت صنعتی شدن گام برمیدارد حفظ و حراست کارگران درمحل کار برای پیشبرد این هدف عالی وظیفه ایست که باید بنحو احسن انجام شود.

در پایان این بازدید چند حلقه فیلم حفاظتی برای آشنائی و پیشبرد دانشجویان با کارهای عملی نشان داده‌شد.

ایران وسوئد درزمینه تحقیقات حفاظتی وبهداشتی کارخانه ها همکاری می کنند

چند تن از کارشناسان ومهندسان کشور سوئد که از ایران دیدن می کنند هفته گذشته درمرکز تحقیقات وتعلیمات حفاظتی وزارت کار وامور اجتماعی حضور یافتند و از نمایشگاهها ووسایل حفاظت انفرادی و وسایل حفاظت ماشین و همچنین اطاق نور و آزمایشگاه این مرکز دیدن کردند. این کارشناسان در پایان دیدار خود ضمن ستایش از پیشرفتهای صنعتی ایران اظهار تمایل کردند که همکاریهای وسیعی درزمینه تحقیقات حفاظتی وبهداشتی با ایران برقرارسازند.

گاز بخاری اتومبیل، کارگری را کشت

دراین فصل برای پیشگیری ازبعضی حوادث چه نکاتی را رعایت کنیم؟

چند شب پیش جوان ۲۵ ساله‌ای که برای گرم کردن خود ازبخاری اتومبیلی استفاده کرده و درآن خوابیده بود به علت کمبود اکسیژن درفضای اتومبیل، دچار خفگی شد و جان سپرد. این کارگر ۲۵ ساله که رجبعلی نام داشت در تعمیرگاه مدائن واقع در خیابان گلستانی تهران کارمیکرد وشب هنگام برای گرم شدن داخل اتومبیلی شد و بخاری آن را روشن کرد و بخواب رفت اما براثر مسدود بودن شیشه های اتومبیل وتمام شدن اکسیژن هوای داخل اتومبیل صبح روز بعد هنگامی که کارگران تعمیرگاه به سر کارخود آمدند با جسد رجبعلی روبرو شدند. کارگران فوراً او را به بیمارستان لقمان‌الدوله رساندند، ولی پزشکان پس ازمعاینه اظهار داشتند که وی مدتی است جان‌سپرده است.

خبرنگار ما ضمن تماس با پزشکان بخش مسمومین بیمارستان لقمان‌الدوله نظر آنان را درباره مسمومیت ناشی ازگاز (ذغال) و (نفت-و گاز) خواستار شد و پزشکان متخصص در پاسخ گفتند: درفصل سرما این قبیل مسمومیتها وحوادث بیشتر اتفاق می‌افتد واین امر براثرعدم رعایت نکات بهداشتی صورت میگیرد که حتی‌المقدور برای جلوگیری از این مسمومیتها باید نکات زیر را رعایت کرد.

۱ — حتی‌المقدور باید ازوسایل گرم کننده‌ای مانند پاره‌ای از بخاریهای دستی که لوله و هواکش بخارج ندارد، استفاده نکرد.

۲ — ازروشن کردن ذغال دراتاق دربسته که فاقد هواکش است، لازمست خود داری شود و همچنین از روشن کردن بخاری اتومبیل و بستن شیشه اتومبیل و خوابیدن درآن دوری جست، زیرا فضای اتومبیل کوچك است و اکسیژن آن بر اثر تنفس تمام شده و باعث مسمومیت خواهد شد.

مهندسان و سرپرستان دو کارخانه بزرگ صنعتی با روشهای جدیدحفاظتی آشنا میشوند.

۲۵ نفر از مدیران—مهندسان وسرپرستان کارخانجات ذوب‌آهن آریا مهر وماشین سازی اراك در یك دوره آموزش حفاظت و تعلیمات حفاظتی شرکت کردند.

گروه مزبور در این کلاسها که بمدت دو هفته ادامه دارد، با روشها ووسایل جدیدی که در مراکز صنعتی برای حفظ کارگران در مقابل خطرات ناشی از کار تهیه شده آشنا خواهند شد وپس از پایان دوره در آزمونی که از آنها بعمل خواهند آمد، شرکت می‌جویند و به‌قبول شدگان گواهینامه مخصوص اهدامیشود.

> **کارگر ایرانی باید روزی از خودش راضی باشد که حاصل کارش ــ نتیجه کارش مساوی با بهترین کارگرها باشد.**
>
> از فرمایشات شاهنشاه آریامهر

شورای وزیران، برنامه سازمان صنایع کوچک را تعیین می کند

با افزایش اعتبار بانکهای تخصصی سرمایه‌ـ گذاری در صنایع کوچك افزایش می‌یابد

دوت بااجرای یک برنامه تازه برای توسعه وتقویت صنایع کوچک وتشویق صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک به نحوی که مکمل صنایع بزرگ باشند تحول وتحرک تازه‌ای در کار سازمان صنایع کوچک پدید می‌آورد ودر اجرای آن‌مطالعات وسیعی از سوی کارشناسان صنعتی کشور درجریان است تا با توجه به بهترین شیوه‌هائی که در کشورهای پیشرفته صنعتی جهان در جهت گسترش صنایع کوچک به مورداجرا گذاشته شده ،خط مشی آینده سازمان صنایع کوچک مشخص شود.

قرار است نتایج مطالعات کارشناسانو پیشنهادهائی که برای سرعت بخشیدن به کار صنایع کوچک تهیه میشود، بزودی درشورائی مرکب ازوزیراقتصادی و دارائی ،وزیرصنایع و معادن، وزیر کار وامور اجتماعی، وزیرتعاون و امور روستاها، وزیر مشاور وسرپرست سازمان برنامه وبودجه ،رئیس کل بانک مرکزی ایران، رئیس اطاق بازرگانی وصنایع ومعادن ایران مورد بررسی قرارگیرد.

گفته میشود در اجرای این برنامه با تصمیماتی که از جانب شورای مزبور اتخاذ میشود بانکهای تخصصی اعتبارات بیشتری برای کمک به سرمایه گذاری درصنایع کوچک اختصاص خواهند داد.

علاوه‌براین قرار است با انجام این مطالعات ضوابط لازم برای تعیین صنایع کوچک تهیه ومشخص شود. در حال حاضر هیچگونه معیاری برای مشخص کردن صنایع کوچک وبزرگ از یکدیگر وجود ندارد، اما در ضوابط تازه ،صنایع کوچک چه از نظر نوع تولیدات وچه از نظر میزان سرمایه گذاری مشخص خواهند شد تا با ایجاد وتوسعه صنایع کوچک مورد نیاز کشور، گام های سریعی در جهت توسعه صنایع کوچک برداشته شود.

بمنظور گسترش صنایع وفعالیت های غیر کشاورزی در روستاها

۱۵۰ کارخانه صنعتی وتولیدی در روستاها احداث می‌شود

برای احداث این کارخانه‌ها اعتباری بمبلغ ۶۰۰ میلیون تومان درنظر گرفته شده است.

بمنظور گسترش صنایع و فعالیت های غیر کشاورزی درروستاها وآشنا کردن روستازادگان و روستانشینان کشور، با صنایع غیر کشاورزی درایام فراغت،تا پایان برنامه‌عمرانی پنجم با اعتباری در حدود ۶۰۰ میلیون تومان ۱۵۰ کارخانه صنعتی و تولیدی ازجمله کارگاه تعمیرماشین آلات کشاورزی و کارخانه پارچه وتریکوبافی درروستاهای کشور،ساخته‌میشود.

دراجرای این برنامه وسیع وگسترش‌صنایع در روستاها، کشورهای ژاپن، بلغارستان ، یوگسلاوی و رومانی با کارشناسان صنعتی و کشاورزی ایران همکاری میکنند و بموجب قراردادهای منعقده و توافق های حاصل‌شده از هم‌اکنون کارشناسان این کشورها با کارشناسان ایرانی در روستاها مشغول فعالیت هستند.

گفته میشود باایجاد این کارخانه‌ها، روستانشینان کشور مخصوصاً روستازادگان میتوانند در ایام فراغت در واحدهای تولیدی مذکور مشغول بکار شوند و گذشته از حرفه کشاورزی با صنایعی که ارتباط بکارآنها پیدا میکند آشنا گردند.

درحال حاضر برائر نبودن کارگاهها و کارخانه های صنعتی در روستاها، روستانشینان کشور ناچارند برای تأمین احتیاجات خود، خصوصاً تعمیر ماشین‌آلات کشاورزی مسافتی بین روستا و شهر را طی کنند و مقداری از وقت آنها بیهوده‌به‌هدر رود و ایام فراغت و بیکاری آنها به بطالت بگذرد، ولی باایجاد این کارخانه ها علاوه براینکه موانع و مشکلاتی از اینگونه ازمیان خواهد رفت روستانشینان کشورخواهند توانست با اشتغال در کارخانه‌ها و کارگاهها در فصول غیر کشاورزی و ایام بیکاری با صنایع جدید و مورد علاقه خود که درپیشرفت کارآنها مؤثر خواهند بود، آشنا شوند.

کارخانه تولیدگچ بسته بندی

با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و صنف گچ وآهک و بانک اعتبارات صنعتی یک واحد تولید گچ بسته‌بندی به ظرفیت نهائی ۲ هزار تن درروزدرشرق تهران احداث‌میشود.

دراین واحد که ظرفیت اولیه آن هزارتن در روز است ۳۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری میشود که ۳۰ درصد آن از سوی صنف تولید کنندگان گچ وآهک، ۲۵ درصد ازسوی‌بخش خصوصی ، ۲۰ درصد ازجانب بانک اعتبارات صنعتی و بقیه ازطریق فروش سهام به‌مردم که چگونگی پذیره‌نویسی آن درآینده اعلام میشود تأمین خواهدشد.

همکاری وسیع صنعتی وفنی

ایـران و رومـانـی

دوکشوردر صنایع تراکتور سازی، ماشین آلات‌سنگین و سبک ، تولید الکتروموتور، کارخانه هـای تولید سیمان و نان ماشینی و مواد غذائی و سرد خانه همکاری خواهند کرد.

کمیته‌صنایع کمیسیون‌مشترک‌وزیران‌ایران و رومانی که باشرکت مقامات و کارشناسان دو کشور به مدت سه روز در تهران به بررسی مسائل مربوط به همکاریهای صنعتی و فنی دو کشورپرداخته بود بکارخود پایان داد. ریاست هیأت نمایندگی ایران راآقای مهدی غفارزاده، معاون وزارت صنایع و معادن و ریاست هیأت نمایندگی رومانی را در این کمیته « کرنل پتزارو » معاون وزارت ماشین سازی آنکشور به عهده داشتند. براساس تصمیمات کمیته مذکور ایران‌ورومانی ، در صنایع مربوط به تراکتور سازی ، ساخت ماشین آلات‌سنگین وسبک دردو کشور، تولید الکتروموتور، احداث کارخانه‌ـ های تولید سیمان و نان ماشینی ، مواد غذائی و سردخانه در ایران همکاری خواهند کرد همچنین قرار شد رومانی چندین فروند کشتی تجارتی تا ظرفیت ۲۰ هزار تن و تعدادی واگن راه‌آهن تحویل ایران بدهد.

در هیأت نمایندگی ایران کارشناسان وزارتخانه های امور اقتصادی و دارائی ، بازرگانی ، نیرو و همچنین شرکت ملی نفت ، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ، راه‌آهن دولتی ایران سازمان زمین شناسی کشور و تراکتورسازی ایران‌شرکت داشتند.

تاکنون برای احتیاجات کارخانه‌های پتروشیمی فسفات‌موردنیازازخارج واردمیشد

نخستین معدن فسفات در جنوب کشور کشف شد

اولین وبزرگترین معدن فسفات ایران در جنوب کشور کشف شد وبزودی با انجام عملیات اکتشافی واستخراج ذخائر آن،ایران از واردات فسفات مورد نیازواحدهای پتروشیمی بی‌نیازمی‌شود.

پیش از کشف این معدن در طبقه بندی‌های معدنی،ایران فاقد ذخیره‌های قابل توجه فسفات قلمداد شده بود .در محافل معدنی ضمن اشاره به‌ذخائر قابل توجه این معدن گفته میشود فسفات جنوب ایران در نوع خود یکی از بزرگترین ذخائر فسفات منطقه است، وبا انجام عملیات اکتشافی حجم ذخائر قطعی آن مشخص میشود.

در حال حاضر به‌علت نبودن ذخیره کافی همه ساله مقادیر قابل توجهی فسفات برای استفاده در کارخانه‌های پتروشیمی کشوراز‌خارج وارد میشود.

ایران درردیف بزرگترین صادرکنندگان آلومینیوم قرارمیگیرد

با مشارکت امریکا و کانادا دو کارخانه آلومینیوم در ایران ایجاد می‌شود.

باسرمایه گذاری ومشارکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی وعمومی ایران وشرکت آلومینیوم سازی کانادا بزرگترین واحد تولید آلومینیوم برای صدور تولیدات آن و بازارهای مختلف جهان ساخته میشود.

خبرنگار «رستاخیز کارگران»،در تماس با یک مقام آگاه در وزارت صنایع ومعادن کسب اطلاع کرد که بزودی هیاتی مرکب از مدیران شرکت آلومینیوم سازی کانادا برای انجام گفتگوهای نهائی پیرامون برپائی یک کار خانه مشترك آلومینیوم سازی در ایران وارد تهران میشود .تا دور تازه گفتگوهای خود را با مقامات دولتی و بخش خصوصی ایران آغاز کند و بموازات آن در حال حاضر گفتگوهایی نیز بین سازمان گسترش ونوسازی صنایع و مسئولان شرکت کایزر آمریکا برای ساختن یک کارخانه آلومینیوم سازی در جنوب ایران به‌ظرفیت ۱۵۰ هزار تن و قابل توسعه تا ۳۰۰ هزار تن در جریان است -که‌چنانچه‌این مذاکرات به‌نتیجه برسد ، ایران بزودی در ردیف بزرگترین کشورهای صادرکننده‌آلومینیوم جهان قرارمیگیرد.

در حال حاضر اولین کارخانه آلومینیوم سازی ایران در اراك با تولیدی معادل ۸۵ هزار تن در سال در دست بهره برداری است وعملیات توسعه ظرفیت این واحد تا میزان ۹۰ هزار تن در سال آخرین مراحل خود را طی میکند وپیش بینی میشود اوائل سال آینده بهره‌برداری از ظرفیت تازه‌آن آغازشود.

نگاه به آینده ...

رشد چشمگیر اقتصادی و اجتماعی کشور ما و تحولات و موفقیت های عصر رستاخیز سبب شده که جامعه ایرانی مراحل نخست توسعه و پیشرفت را بسرعت پشت سر گذارد و پا بمرحله تکامل صنعتی بگذارد . شک نیست که در جریان این پیشرفت‌های سریع روبرو شدن با مسائل و دشواریهائی که لامحاله اینگونه سرعت در پیشرفت بوجود می‌آورد ، اجتناب ناپذیر است.بمنظور احتراز از بروز پیچیدگی‌ها و حل سریع دشواریها و رفع موانع باید روزبروز در تنظیم و اجرای برنامه های دقیق تروجامع تر بکوشیم تا توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران در آینده بهمینگونه با سرعت و بنحو مداوم و در حدود امکانات بدون برخورد باتنگنا ها ادامه یابد . بررسی دورنمای اقتصاد ایران در دهه آینده نشان میدهد که جامعه موفق ما با برخورداری از یک رهبری صحیح و توانا و با تکیه بر اصول و موازین انقلاب شاه و ملت به رشد توسعه اقتصادی خود ادامه میدهد و با تعمیم عدالت اجتماعی برخورداری از یک زندگی شایسته و مرفه را برای همگان بویژه طبقه شریف کارگر فراهم میسازد . چشم انداز آینده با توجه به طرحها و برنامه های پیش بینی شده مؤید آنستکه امکانات مشارکت فعال مردم درسرمایه‌گذاری واحد های تولیدی و صنعتی (با بهره گیری از مواهب اصل سیزدهم انقلاب) و فعالیتهای دیگر از جمله پیشبرد برنامه های عمرانی و کشاورزی روزبروز گسترش خواهد یافت وسازمانهای کارگری و کار فرمائی بدون تردید در به انجام رساندن این مهم مسئولیت ها و وظایف بیشتری را بعهده خواهند گرفت .

جامعه ایران در عرصه گسترده ، اقتصادی با بهره گیری از تکنولوژی کشورهای پیشرفته میکوشد تا از راه تحقیق و پژوهش بخصوص در زمینه های مورد نیاز فرصت شکوفائی استعداد ها را فراهم آورد . بنا بر این جامعه ما با حفظ و توسعه فرهنگ و ارزشهای اخلاقی و معنوی نو آوری در همه عرصه‌ها را تشویق میکند و با اتکاء به روح اخلاق و ویژگیهای فرهنگ و تمدن دیرین ایران میکوشد تا با بهره‌گیری از تمامی امکانات مادی و معنوی خود مقامی شایسته و در خور ایرانی در جامعه بزرگ بشری کسب کند .

تلاش همه افراد جامعه که کارگران قشر عظیمی از آنرا تشکیل میدهند ، رسیدن به این هدف را سرعت میدهد .

شاهرخ . توسیرکانی

سهام شرکتها ده هزار ریالی میشود

هدف جلب پس اندازهای کوچک بسوی خرید سهام است

درپی جلب پس‌اندازهای کوچک بسوی خریدسهام و عرضه سهام ۳۲۰ واحد تولیدی خصوصی و دولتی تا ۳سال‌دیگر ، یک مقام آگاه در شورای‌گسترش واحدهای تولیدی و صنعتی اظهارداشت ارزش اسمی سهام شرکت ها از ۱۰ هزاروگاه ۲۰ هزار ریالی به ۱۰۰۰ ریال کاهش خواهد یافت تا مردم عادی نیز بتوانند اندوخته‌های کوچک خود را در خرید سهام واحدهای تولیدی و صنعتی به کار اندازند.

در حال‌حاضر ارزش اسمی سهام بیشتر شرکت‌ها به ۱۰ هزار و گاه تا ۵۰ هزار ریال می‌رسد ، ولی با عام‌شدن شرکت‌ها برای عرضه سهام قیمت‌اسمی سهام ۱۰۰۰ ریالی شده‌است و سهام دیگری هم که درسالهای آینده مشمول فروش سهام خواهندشد ، تا میزان ۱۰۰۰ ریال پائین خواهد آمد . جز اینها سهام دو شرکت پذیرفته شده در بورس از ۱۰ هزار ریالی به ۱۰۰۰ ریال کاهش یافت و یک شرکت دیگر در کار میزان اسمی قیمت سهام خود است. نخستین شرکت ، سیمان کرمان بود که با کاهش ارزش قیمت اسمی ۵۵۸۹۳ سهم ۱۰ هزار ریالی را به ۵۵۸۹۳۰سهم ۱۰۰۰ ریالی تبدیل کرد. شرکت دوم نساجی‌ری بود که ۴۶۷۶۰سهم ۱۰ هزار ریالی را به ۴۶۷۶۰۰سهم ۱۰۰۰ ریالی تغییرداد. نساجی شیرازشرکت دیگری است که به این کاردست می‌زند.

درحال‌حاضر ازمجموع ۳۴شرکت پذیرفته شده دربورس ۱۳شرکت‌دارای سهام ۱۰ هزار ریالی و بقیه سهام ۵۰۰ — ۱۰۰۰ و ۵۰۰۰ ریالی دارند.

۵۳۵ کارگر در مسابقات نهائی مهارت فنی شرکت می‌کنند

دفتر کمیته‌ملی مسابقات مهارت‌فنی آمار نهائی مرحله استانی پنجمین‌دوره مسابقات مهارت‌فنی کارگران جوان سراسر کشور را انتشار داد.

براساس این آمار درمرحله استانی مسابقات مهارت‌فنی سال‌جاری جمعاً تعداد ۱۰۶۱۲ (ده‌هزار وششصدو دوازده) نفر ازکارگران داوطلبی خود را جهت شرکت در مسابقات اعلام داشتند که‌پس‌از انجام آزمایش در رشته های کارگاهی تعداد ۳۸۷۶ (سه‌هزارو هشصدو هفتادو شش) نفر برای شرکت در مسابقات‌استانی انتخاب گردیدنداین مسابقات‌در نهم آبانماه‌سال‌جاری درشانزده رشته‌ودرسراسر مملکت کشور برگزارشد و درنتیجه ۵۳۵ (پانصد وسی‌وپنج) نفر افرادی که در رشته های مختلف مقامهای اول ، دوم وسوم را بدست آورده‌بودند برای انجام مسابقات نهائی انتخاب شدند ضمناً مسئولین کمیته مسابقات اضافه نمودند امسال جمعاً ۵۹نفر کارگر زن و دختر درمرحله استانی مسابقات‌شرکت داشتند و دررشته های بافندگی — ریسندگی — تعمیر رادیو و تلویزیون — سیم کشی ساختمان بنائی (سفت کاری) و تراشکاری مسابقه دادند و ازبین آنان ۲۳نفر انتخاب شده‌اند که در مسابقه نهائی شرکت مینمایند در مرحله استانی مسابقات کارگران سیستان و بلوچستان باشرکت در هشت‌رشته درکمترین و آذربایجان‌شرقی وگیلان باشرکت در سانزده‌رسته در بیشترین رسته‌ها سرکت کردند.

مسابقات نهائی پنجمین دوره مسابقات مهارت‌فنی کارگران جوان سراسر کشور در نیمه اول اسفندماه‌سال‌جاری درشهرستان تبریز برگزار میگردد و ۵۳۵ (پانصدوسی‌وپنج) نفر کارگران برندگان مرحله استانی مسابقات برای انتخاب قهرمانان‌ملی در حرفه های گوناگون با یکدیگر مسابقه مهارت‌فنی خواهند داد.

نمایندگان شوراهای سازش ۲ سندیکای کارگری معرفی شد

خبرنگار رستاخیز کارگران گزارش میدهد، درهفتهٔ گذشته بیست کارگاه‌وسندیکای کارگری نمایندگان خود را برای شورای سازش معرفی کرده‌اند.

ضمناً شوراهای نامبرده آمادگی خودرا برای حل‌وفصل اختلافات ازطریق سازش اعلام داشته‌اند کارگاهها وسندیکاهای کارگری که به معرفی نمایندگان خود در شورای سازش مبادرت کرده‌اند. عبارتند از: شرکت سیمان ری، شرکت سیمان‌تهران وشمال، شرکت ایران ترانسفو، شرکت رادیوالکتریک ایران، شهرداری استان‌زنجان شرکتهای دخانیات، برق‌وغله شهرستان‌خوی، شرکت سیمان، شرکت‌موزائیک سازی‌وسنگ کوبی‌مشهد.

سازمان آب‌وبرق منطقه‌ای خوزستان، شرکت برق، شهرداری شرکت باربری و بنادر، شرکتهای کشتیرانی، وسایل نقلیهٔ آبی، ادارهٔ کل بنادر کشتیرانی و شرکت حمل‌ونقل وگاراژهای خرمشهر و خبازیهای شهرری.

شورای سازش اولین مرجع رسیدگی به اختلافات کارگری است و درصدور امکان اختلافات فیمابین کارگران و کارفرمایان را رأساً و بدون مراجعه به وزارت کار و امور اجتماعی بطریق سازش حل‌وفصل‌می کنند.

وزارت کار و امور اجتماعی برای ایجاد شورای سازش در بقیهٔ واحدهای صنعتی و تولیدی که فاقد آن هستند ازطریق تماس با سندیکای کارگری و کارفرمایان مشغول مذاکره‌می‌باشند.

حفظ نیروی انسانی

در اجرای مقررات آئین‌نامه های حفاظتی کارگاهها بمنظور حفظ نیروی انسانی مشاغل درمقابله با خطرات ناشی از کار اداره کل بازرسی کاروزارت کارو امور اجتماعی با تدوین برنامه های ضربتی و اعزام گروه های بازرسان به نقاط مختلف کشور دراجرای مقررات مذکور نظارت مینماید.

براساس برنامهٔ تدوینی بعلت انتشار گازهای حاصل از کوره در فضائی کارگاههای مظفر حیدری و کارگاه جلیل محمودی بازرس طب کار از بازرس مقیم وزارت کارو امور اجتماعی تقاضای تعطیل قسمت کوره دو کارگاه مذکور را نمود.

آموزش ایمنی کار

درکارگاههای‌سراسر کشور اجرامیشود

آموزش ایمنی و حفاظت و بهداشت‌برای کارگران سراسر کشوراجرا میشود .

نخستین دوره آموزش در چند کارگاه استان خوزستان پایان یافت . در این دوره آموزشی ۱۷۰۰ نفر از کارگران با وسائل سمعی‌و بصری آموزش ایمنی و حفاظت رابه پایان رسانیدند .

یک مقام وزارت کارو امور اجتماعی به کارگران رستاخیز گفت برنامه‌های آموزشی حفاظت و ایمنی و بهداشت برای کارگران در کلیه کارگاه های سراسر کشور بمورد اجرا گذارده میشود تا کارگران بتوانند بمسائل ایمنی و حفاظت آشنا شده و درمواقع بروزخطر وحادثه و همچنین برای شرکت در کمیته های حفاظت کارگاه آمادگی کامل داشته باشند .

مفهوم تولید و مصرف

بقیه از صفحه ۲

است.

اقتصاد دانان معتقدند که دو نوع سرمایه وجود دارد.

۱ — سرمایه‌ای که وسیله‌ای برای تولید است.

۲ — سرمایه‌ای که وسیله‌ای برای بدست آوردن سود است. مانند پولی که در بانک میگذارند و یا آپارتمانی که به اجاره داده می‌شود.

مصرف

مصرف عبارت است از جریان استعمال یک کالا به منظور برطرف کردن نیاز انسانی، بطوریکه در آخر، باعث از بین رفتن آن کالا گردد ولی در این میان باید دانست تنها، استعمال یک کالا مصرف شمرده نمیشود مثلا خوردن یک میوه «مصرف» قلمداد میشود ولی وقتی کارخانه‌ای این میوه ها را بصورت مربا و یا کمپوت در می‌آورد، دیگر این کار مصرف نیست بلکه یک «رویداد تولیدی» است بنابراین هدف مصرف نابود کردن است همچنین باید تذکر داد که در یک جامعه، مصرف کالا ها تنها به نیاز های طبیعی انسان بستگی ندارد، بلکه عناصر و عوامل اجتماعی دیگری مانند آداب، سنتها، مد، اخلاق و فعالیتهائی مانند آگهی های مختلف در میزان مصرف کالا ها، کم مصرف شدن یا زیاد مصرف شدن و حتی مصرف نشدن آنها نقش مهمی بازی میکند و در ارزش و بهای آن ها نیز تاثیرات گوناگونی بجای میگذارد.

(جامعه‌شناسی و اقتصادی)

پزشک کارگر، از سرطان چه میدانید

بقیه از صفحه ۱۷

وضع مرگ‌ومیر بر اثر سرطان

در این باره باید گفت: برخلاف آنچه که بین همگان شایع است تلفات بیماری سرطان از برخی بیماریهای دیگر بیشتر نیست بلکه در مواردی هم کمتر است. برای نمونه به تلفات ناشی از بیماریهای قلب و عروق اشاره میکنیم که تعداد آنها دو برابر تعداد تلفات انواع بیماری سرطان است و از سوی دیگر خوشبختانه هر سال نسبت به سال گذشته تعداد تلفات بیماری سرطان کاهش میابد که این موفقیت را باید مرهون پیشرفت های علم طب در زمینهٔ مبارزه با سرطان بشمار آورد

آیا سرطان در تمام سنین و نزد زن و مرد بیک نسبت دیده میشود؟

بطور کلی باید گفت سرطان در تمام طول عمر در هر دو جنس دیده میشود ولی برخی از سرطانها مثل سرطان خون بین اطفال و جوانان زیاد تر شایع است و همچنین پاره‌ای سرطان ها مختص زنان و یا مردان میباشد از جمله سرطان‌های مختص مردان، سرطان بیضه و پروستات و سرطان های مختص زنان سرطان پستان و زهدان است و از سوی دیگر بر اساس بررسیهائی که بعمل آمده ثابت شده که مردان بیشتر از زنان به بیماری سرطان دچار میشوند. در این مورد آماری در دست است که نشان میدهد در ایران در برابر هر پنج نفر مرد، چهار زن مبتلا به بیماری سرطان میشوند.

آتش شور و عشق کار، در قلب لوهها...

بقیه از صفحه ۵

ذغال را تحویل میگیرند و برای تجزیه‌های بعدی و آمادگی برای مصرف به اصفهان می‌برند.

سرگرمی معدنچی ها...

تفریحات و سرگرمیهای معدنچی ها هم، رنگ و بوئی خاص محیط کارشان دارد... زندگی معدنچی های «شاه مهر» را معدن سیاه و تپه های سبز پر کرده است.

رایج ترین تفریح آنان، مسابقه برای رسیدن به قله کوه است. کوهی که چون دیوار سر به آسمان کشیده است، کارگران جوان در یک ردیف پائین کوه صف می کشند و همینکه داور پرچمش را تکان می‌دهد بسوی کوه می‌دوند، پاها و دستهای خود را بکار می‌اندازند و بالا می‌روند. یک لحظه غفلت آنان به قیمت پرت شدن از کوه تمام میشود. ولی کار در معدن و تونلها ترس را در وجود آنان کشته است. لحظه به لحظه بالا میروند... داور مسابقه که بیلا خود را بسر کوه رسانده ناظر بالا آمدن آنهاست.

اسب سواری در باتلاق تفریح دیگر آنهاست. شرکت کننده ها سوار بر اسب از باتلاق عبور میکنند. از باتلاقی که هر لحظه ممکن است اسب را با سوارش به کام خود بکشد. اما آنها باتلاق را هم چون کوه به تصرف در آورده‌اند. البته بسیاری از اسبها در باتلاق گیر می کنند و سوار چاره‌ای جز عقب‌نشینی ندارد. اما بهر حال هدف اصلی سرگرمی و شادی است. بازنده یا برنده بودن چندان اهمیتی ندارد.

قدیمی ترین معدن ذغال سنگ

شهر «زیر آب» هنوز ویژگیهای سنتی خود را حفظ کرده. شهریست کوچک و آرام که تا چند سال پیش مرکز اداری شرکت ذغال بود، معادن «زیر آب» قدیمیترین معادن ذغال ایران است. از این معادن در حال حاضر بهره برداری نمیشود، اما دستگاههای باقیمانده در «زیر آب» نشان دهنده بزرگترین طرحهائی است که در گذشته اجرا شده است.

این مجتمع صنعتی در آنزمان در حد خود شاهکاری به حساب می‌آمد. «سمیع مسیح پور» یکی از کارگران قدیمی معدن زیر آب هم — اکنون با دستگاه تصفیه ذغال سنگ «شاه مهر» کار می کند میگفت: — ما استخراج ذغال را با دستها یمان شروع کردیم. با انگشت و ناخن ذغال کندیم، و در تونلهائی که مثل لانه زنبور سوراخ، سوراخ، بود زندگی کردیم. آنزمان کسی حاضر نبود در معدن کار کند. اگر وسائل ایمنی و حفاظتی امروز در آنموقع وجود داشت ما کاری بمراتب بهتر ارائه میدادیم. من اکنون با دیدن اینهمه وسائل جدید احساس می کنم، چه کار مشکل و پرخطری را در گذشته انجام داده‌ایم.

خانواده معدنچیان

همسران و فرزندان معدنچیها پیوندی ناگسستنی با سرپرست خانوادهشان دارند. زن یک معدنچی مشقات و زحمات شوهرش را بخوبی درك می کند. خانه های اکثر معدنچی های «شاه مهر» در بالای تپه ها و کوهها قرار دارد و این همسر معدنچیست که باید به نحوی شایسته این خانه را حفظ کند و او به بهترین وجهی وظیفه اش را انجام می دهد. راههای ارتباطی به خانه های معدنچی ها پر از فراز و نشیب های خطرناك است و بالا رفتن از آن کار راحتی نیست. اما زنان کارگران معدن روزی چندبار این راه را به آسانی طی می کنند تا وسائل آسایش شوهرانشان را از هر نظر فراهم سازند.

فرزندان کارگران معدن هم نمونه هستند. اسب سواری در کوه و تپه، بازی اصلی آنهاست. در حقیقت خطر را به بازی میگیرند. بچه یک معدنچی از شش سالگی روی اسب می‌نشیند و با خطر در می‌افتد.

خودساخته ها — حیدرقلی عمرانی

بقیه ازصفحه ۲۵

«هنوز هم وقتی بیاد می‌آورم تنم میلرزد، هرگز نتوانسته‌ام آن صحنه را فراموش کنم، تلخ ترین حادثه زندگی من در سال ۱۳۱۷، در کارخانه نساجی نور اصفهان رخ داد. آنروز مطابق معمول با «سوت» کارخانه مشغول کار شدیم. هوا گرم بود هوای گرم کارخانه تنفس را سنگین میکرد، نیم ساعت به نیمروز مانده بود، کارگران خسته در انتظار «سوت» ناهار لحظه شماری میکردند که ناگهان فریاد دلخراش «محسن» فضای کارخانه را انباشت، «محسن» پای یکی از ماشین های نخ ریسی کارمیکرد، همه کارگران بسوی او هجوم بردند «محسن» غرق در خون فریاد می‌زد و کمک میخواست، دست راستش از مفصل آرنج قطع شده و پای ماشین نخ ریسی افتاده بود همه سعی میکردند کمک کنند، او را روی دست به میان محوطه کارخانه آوردند. یکنفر به طرف دفتر دوید اجازه بگیرد تا محسن را بوسیله اتومبیل صاحب کارخانه به بیمارستان برسانیم اما لحظه‌ای دیگر با چهره‌ای بر افروخته بازگشت و با خشم گفت: «ارباب میفرمایند اتومبیلم خونی میشه.»

حادثه در هر کارخانه‌ای رخ می‌دهد از بروز حادثه حتی در بزرگترین کارخانه های جهان نتوانسته‌اند جلوگیری کنند، من از اینکه دست محسن قطع شد خیلی متاثر شدم اما تلخ ترین حادثه زندگی من مربوط به نفس این حادثه نیست، مربوط به عدم همکاری و کمک شبه انسانی است که بخاطر خونین شدن اتومبیل گرانقیمتش از ابتدائی ترین وظائف وجدانی یک «بشر» سرباز زد و خم به ابرو نیاورد.

البته محسن، خوشبختانه با تلاش دوستانش به بیمارستان رسید و از مرگ نجات یافت اما من هرگز نتوانستم این حادثه تلخ و دردناك را فراموش کنم و حالا که بعضی وقتها به مناسبت ضرورتهای شغلی‌ام از کارخانه ها بازدید میکنم و میبینم، کارگران دوران انقلاب از بهترین وسائل و مجهز ترین بیمارستانها استفاده میکنند، آمبولانس در اختیارشان است، پزشک و دارو دارند، لذت میبرم و تمام خاطرات تلخ کارگری گذشته های دور مانند افسانه های خاك گرفته از نظرم میگذرد و گاه تصور میکنم این حوادث را در کتاب خوانده‌ام و حقیقت ندارد»

***

حیدرقلی عمرانی که اکنون مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی کارگران است به شهادت دوست و دشمن (اگر دشمنی داشته باشد.) مرد بسیار متواضعی است، که موفقیت های پی‌درپی شغلی و اجتماعی کوچکترین تغییری در او بوجود نیاورده و دنیای او هنوز یک دنیای کارگری است، به مردم سلام میگوید و هنگامیکه همکاران قدیمی اش را می‌بیند با چهره‌ای گشاده آنان را پذیرا میشود و اگر بتواند گرهی از کارشان می‌گشاید.

کار مساوی، حقوق مساوی

بقیه ازصفحه ۲

کنید تا ما اقدام کنیم..

* پوران عطاریان خزانه‌دار سندیکا: — «زنان کارگر در کارخانه با مردان، کار مساوی دارند، درحالیکه کارفرما مزد مساوی به آنها نمی دهد و در مقابل اعتراض آنان میگوید مردان زن و بچه دارند و مخارجشان بیشتر است آیا این عمل قانونی است؟»

* نماینده کارفرما: — اینطور نیست. کار مساوی، حقوق مساوی دارد و زن و مرد نیز از نظر کارفرما یکسان است.

* پوران عطاریان: — این درست نیست. بشهادت پرونده‌های کارگزینی کارگر ساده مرد، در بدو استخدام در طبقات ۳ و ۴ و ۵ طبقه بندی مشاغل قرار میگیرد، درحالیکه دختران تازه استخدام در طبقه ۱ قرار گرفته و تا یکسال از حداقل دستمزد استفاده می کنند.

حسین ایرانی مسؤل کارگزینی کارخانه: — ما در ردیف نخستین کارخانه هائی بوده‌ایم که طرح طبقه‌بندی مشاغل را پیاده کردیم واصل طبقه‌بندی میگوید، کارفرما باید شغل را درنظر بگیرد و نه مشاغل را، بااین ترتیب تبعیضی در بین نیست، اما در مورد این مطلب که کارگران زن در بدو استخدام در طبقه ۱ قرار می‌گیرند و مردان در طبقات بالاتر باید اشاره کنم که این بستگی به شغل کارگر دارد. آیا یک خانم کارگر میتواند به درودگری و تراشکاری و یا به کارهای مشکل دیگری بپردازد؟ اگر دختر خانم های کارگر به نسبت مردان از پیشرفت کمتری برخوردارند علتش عدم ثبات خود آنان است زیرا سابقه خدمت اکثر خانمهای کارگر به دو سال نمی رسد.

* حسینی راد: — «من با این گفته مخالفم، در کارخانه ما زنان کارگری کار می کنند که ۱۲ سال سابقه خدمت دارند و در طبقه ۲ قرار گرفته اند علت عدم پیشرفت اینها چیست؟

* حسین ایرانی مسؤل کارگزینی: — «عدم پیشرفت این دسته از خانمها در عدم تغییر شغل آنهاست، همانطور که گفتم ما شغل را ارزشیابی کرده ایم، نه شاغل را.»

* حبیب اله حسامی نماینده وزارت کار: — «طبق قانون زن و مرد در کار مساوی، باید از حقوق و مزایای مساوی برخوردار باشند واگر در این کارخانه اینطور نباشد ما رسیدگی میکنیم و اما در مورد ارتقاء باید بگویم، ارتقاء در طبقه‌بندی مشاغل، عوامل خاصی را در برمیگیرد، مثل مهارت فنی و کارآئی کارگر که آیا خانم ها قادر به انجام آن کارها بوده اند و به آنها تفویض نشده، یا اینکه کارفرما خاصه‌خرجی کرده است؟ این مسائل از طرف وزارت کار بررسی خواهد شد و چنانچه صحت داشته باشد به کارفرما، تکلیف میشود که قانون را رعایت کند».

سرانگشت های منتظر

بقیه ازصفحه ۷۱

لبخند چنان خودش را در وجود من جا کند که یک روز در کمال درماندگی دریافتم کودکی از من در بطن او رشد می‌یابد و دیگر راه برگشتی وجود ندارد. یکماه است. چنان درمانده شده‌ام که بارها تصمیم به خودکشی گرفته‌ام. سیمای مهربان فرخنده، تعصبات خانوادگی، تمام فکر مرا بخود مشغول داشته‌اند صاحب لبخند و کودکی که حس میکنم دوستش دارم، جزئی از وجودم شده‌اند.

به من خیلی زود جواب بدهید. آیا راه دیگری جز خودکشی دارم ...؟ دست یاری بطرف شما دراز کرده‌ام. جواب سرانگشتان مرا با مهربانی بدهید، به من بگوئید چه کنم؟

نوشته : شاخه نبات

هوای غروب با تمیز نیمه ابری وبارانی بود. خورشید چند تا از نیزه‌هایش را درسینه غروب‌فرو کرده بود، ولی از رنگ سرخ خون نشانه‌ای دیده نمی‌شد. پرنده‌ها مشت مشت روی شاخه درخت‌ها فرود می‌آمدند و سرود خواب را زمزمه می‌کردند. صف طویل اتوبوس راه را بر عابرین عجول پیاده‌رو می‌بست و در فضای نزدیک به چهار راه، نوعی خفقان همراه بافشار عجیبی به وجود می‌آورد. مسافران پا به پا می‌کردند وبه طرف مسیر اتوبوس سرك می کشیدند اما احمدآقا چنان در دنیای ذهنی خود شناور بود که به امواجی که در اطرافش جریان داشت توجهی نشان نمی‌داد. زندگی با تمامهیه‌هایی‌که لازمه آن است‌در اطرافش جریان داشت، اما او درجای دیگری سیر می کرد وبه وجود حاضر و غایب تبدیل شده بود. اندامش درلباس کار، بلند و استوار بود و در سیمای جوانش نوعی مهربانی آمیخته به روشنایی دیده می‌شد. چشم‌هایش نجیب ،دستانش کار کرده ،وپیشانیش بلند بود واز سراپایش شوری همراه با اشتیاق دیده می‌شد. انگار قلبش از احساس توانائی‌سر شاد بود وعشق مثل خون در رگ‌هایش می‌چرخید . همانطور که بسرشاخه‌ها خیره شده بود چشم‌های بزرگ‌قهوه‌ای رنگ پروانه را می‌دید که با شیطنت به او خیره شده است. چشم‌ها از دلربایی معصوم دخترانه‌ای پربودند و جستجوگری اعماق آنان هنوز کاملا خام به نظر می رسید. چشم‌ها به روی او میخندیدند و اورا به لذتی پنهانی دعوت می کردند. چشم‌ها معصوم می‌آمیختند و می‌گریختند. وقلب جوان او را مثل اسفنج فشار می دادند. چند ماه ازشروع بازی چشم‌ها می‌گذشت؟ خودش هم به درستی نمی‌دانست، چون آغاز عشق همیشه نامعلوم است و این نطفه آسمانی درلحظاتی بسته‌میشود که چشم انسان آن را به درستی نمی‌بیند و نمی‌تواند به‌روی آن تاریخی بگذارد. به هر حال احمد هرچه‌قدر به گذشته بازمی گشت جز چشم‌های شفاف پروانه تصویر مشخص دیگری را درزندگیش پیدا نمی کرد. چون وقتی چشمانش را از خواب بازمی کرد دخترك مثل پروانه‌ای که ازپیله‌بیرون بیاید، از زیرپلک هایش بیرون‌میجست‌ودرمحیط اطراف‌او به پرواز درمیآمد و همه جا با او بود ،سرسفره صبحانه ، روی دست‌های چروك خورده مادرش که نان و پنیر را با دقت مهربانه‌ای جلو او می‌گذاشت در دعایی که پیرزن موقع بیرون رفتن او از خانه میخواند و به او فوت می کرد ، در کوچه‌های دراز و بیمه شلوغ ، در خط اتوبوس ، در کارگاه وقتی که پیچ ومهره‌های اتومبیل های خاموش را باز میکرد و سعی میکرد به تن مرده آن‌ها جان بدهد .... در چهره سیاه و روغنی همکارانش ... درسفره‌ای که معمولا چندتایی در اطراف آن می‌نشستند . در خورشید ، در باران ، و در تمام مظاهر زندگی دخترك با او همراه بود و مثل یک شاه‌پرك جوان جلوی چشمانش می‌چرخید و پرواز می کرد و او را بسوی خود می‌خواند . اگرچه احمد باهمه اشتیاقی که درش می‌جوشید هنوز حتی یکقدم هم به طرف پروانه برنداشته بود و همه این حرکات را درسکوت و در دنیای ذهنیش‌دنبال کرده بود ، چرا نمی‌توانست چند قدم بطرف پروانه بردارد وآنچه را که در درونش جریان داشت با دخترك درمیان بگذارد ؟ شاید در ذهن شریف او عشق همیشه با ازدواج درارتباط بود و چون هنوز آمادگی تشکیل خانواده را درخود نمیدید ، این اجازه را نیز به خود نمی‌داد که از عشق با کسی سخن بگوید. حتی اگرآن کس محبوب ومعشوق او باشد . بله ، بدون شک سکوت احمد جزاین علت دیگری نمی‌داشت . و او همه‌اش بدنبال آینده می‌دوید . به روز نزدیکی که اضافه‌مزد می‌گرفت ، و به روز دیگری که پس‌اندازش در بانك به‌اندازه‌ای می‌رسید که میتوانست دست دختری را بگیرد و او را به عنوان شریك همیشگی آینده به خانه خود ببرد . اتوبوس سرانجام زوزه کشان از راه رسید و احمد درمیان سیل مسافران عجول و بی‌اعتنا به دیگران ناگهان خود را روی یکی از صندلی‌های آن نشسته دید. هروقت به طرف خانه به راه‌میافتاد، شوری که در قلب دیوانه‌اش می‌جوشید ، شدت بیشتری می یافت . و درحالتی مثل‌مستی فرو می‌رفت. درحالی که به مغازه‌ها ، آدم‌ها ، ماشینها ، و درختهایی که از برابرش می‌گذشتند خیره مانده بود ، در رویای عمیق‌تری فرو رفت و مثل همیشه پروانه ، همچون دختر شاه پریان در اعماق این رویا می درخشید وپهنه آن را با نورجمال خود روشن میکرد .

■

اولین باری که چشمانش در چشمان عمیق دخترك گره خورد یکی از روزهای سبز بهار بود .

از آن روزهایی که ازهمه‌رنگ‌ها در آن نشانه‌ای‌هست وهوا سکرآور ومستی‌بخش است. از آن‌روزهایی که آدم اگر از خط دلفریب جوانی هم‌گذشته باشد، باز بی‌اختیار چندقدمی به‌عقب برمی‌گردد ودر خاطرات آن زمان فرو می‌رود. گلهای سرخ تازه به غنچه نشسته بودند وحتی از رخت‌های شسته روی بندها هم بوی دیگری غیراز بوی معمولی بلندمی‌شد. احمد درحالی که یکی از آهنگ‌های تازه‌ها بده را بالسوت می‌زد، از طول کوچه‌ای که به خانه‌شان منتهی می‌شد می‌گذشت وشورجوانی در قدم‌های چابک ونگاههای روشنش موج می‌زد. باوجود آنکه از اول صبح تاآن ساعتش را درکار وفعالیت گذرانده بود، اصلا احساس خستگی نمی‌کرد. با خودش فکر کرده بود بعد از آن که سری به خانه زد و مثل هر غروب گونه‌های پلاسیده مادرش را بوسید وعصرانه‌ای خورد به سینما برود. آقا جمال واکبری آن روز صبح به‌اوگفته بودند که یک‌فیلم بزن‌بزنی عالی آورده‌اند که اگر آن را نبیند نصف عمرش بر فناست. و حالا اگر اتفاقی نمی‌افتاد امشب به دیدن آن فیلم می‌رفت. کوچه نیمه‌درازو نیمه تاریک بود و جلوی هر خانه چند بچه قدونیم‌قد از شیطنت غوغا می‌کردند. احمد از میان صف متراکم بچه‌ها می‌گذشت و به کودکی خودش فکر می‌کرد. انگار سرآغاز همه حوادث ازمرگ پدرش شروع شد. چهره‌اش را به درستی به یاد نمی‌آورد، اماگاه‌گاه درخواب‌های سنگین جوانی، آخرین صدایی را که از او شنیده بود درگوش هایش طنین‌انداز می‌دید: «پسرم، همیشه راه راست برو، راست بگو، و با همه راست باش، تا هم در این دنیا خیرببینی وهم درآن دنیا رستگارباشی.»

و او همیشه همین کار را کرده بود. وقتی که درد بی‌پدری را احساس کرد، فقط هشت سال داشت وشاگرد کلاس دوم دبستان بود. پدرکه کارگر شریفی بود برای‌خانواده‌اش چیزی از مال دنیا باقی نگذاشته بود و احمد و برادر کوچکترش دیگر جز مادرشان که‌مرگ پدرکمرش را شکسته بود، در دنیا جز خدا هیچ حامی و پشتیبان دیگری نداشتند. چند ماه با قناعت و بردباری گذشت. پائیز فاجعه به زمستان، زمستان به بهار و بهار به تابستان پیوست. احمد امتحانش را داد و تعطیلات تابستان آغازشد. دست‌تنگی خانواده روز به‌روز افزون‌تر می‌شد و به همان نسبت چشمان غمگین مادرگود وگودتر می‌شد. احمد کم کم در فکر فرو می‌رفت حالا که پدر رفته و جایش آنچنان دردناک خالی شده بود باید به حال مادر و برادرش فکری می‌کرد و به روی زندگی تیره آنان پنجره‌ای می‌گشود. یک روز صبح زود با اخم‌های درهم کشیده و بدون خوردن صبحانه از خانه بیرون رفت و ساعت یک بعدازظهر با پیشانی روشن و چشم‌های شادمان به خانه بازگشت از جلوی در اتاق به‌گردن مادرش آویخت وگفت: — مادر، مژده، من از فردا میرم سر کار. مادر که در ظرف چند ماه به اندازه چند سال پیر و شکسته شده بود با حیرت به او نگاه کرد و پرسید: میری سر کار؟! ... ولی ... ولی آخه ...

احمد چند قدم جلوتر آمد. آفتاب خوش شادی چهره‌اش می‌درخشید و اراده از دست هایش فرومی‌ریخت، با صدای مطمئنی گفت:

— گوش کن مادر، از صبح تاحالا نصف شهرروزیرپاگذاشتم تا بالاخره تونستم توی یک گاراژ واسه خودم یک کارگیر بیارم. صاحب کارمرد خیلی خوبیه وگفته اگردستم پاک باشه و راضی نگهش‌دارم، سر سه ماه مزدم رو زیاد می‌کنه. مادر دست هایش را به هم مالید و گفت:

— ولی آخه پس درست روچی کارمی کنی؟ پدر خدا بیامرزت خیلی دلش می‌خواست تو درست‌روتموم کنی و واسه خودت یک چیزی بشی ... می‌ترسم ... احمد به میان حرف مادر دوید با عجله آن را قطع کرد وگفت: غصه درسم را نخور مادر. حالا که مدرسه‌ها تعطیله. وقتی هم که باز بشه، میرم کلاس شبانه. هم کارمی کنم وهم درسم رو می‌خونم.

مادر چند قدم جلوتر رفت و با مهربانی به پسر کشش که می‌رفت تبدیل به مرد خانه بشود خیره شد. اگر شوهرش را از دست داده بود، درعوض پسرش را داشت و داشتن پسری مثل او یک موهبت بزرگ به حساب می‌آمد. مادر به پسر نگاه می‌کرد و پسر نگاه‌های مادر را می‌بلعید. هر دو در هیجان عجیبی غوطه می‌خوردند و هیچ کدام برای بازگوی احساسات خود کلامی نمی‌یافتند ...

بقیه درصفحه ۸۴

کارگاه خنده

زیرنظر: علی‌طوافزاده

بدون‌شرح

اگر اینطور قیمت بگذارند

زنی لاغر واستخوانی در یک مجلس میهمانی نزدیک نویسنده‌یی که اتفاقاً اندام چاق وفربهی داشت نشسته بود وبرای اینکه با او شوخی کرده ودر ضمن سر صحبت را باز کند، گفت:

— اگر قرار باشد روی آدمها به نسبت وزنشان قیمت بگذارند شما گرانبهاترین شخص روی زمین هستید!

—...وشما دیناری ارزش نخواهید داشت!

بجای تشکر

مادر:

— پرویز جان این خانم بتو یک پرتقال داد، توحالا باید بایشان چه بگوئی؟

پرویز:

— هیچ باید بگوئیم که آنرا برایم پوست بکند!

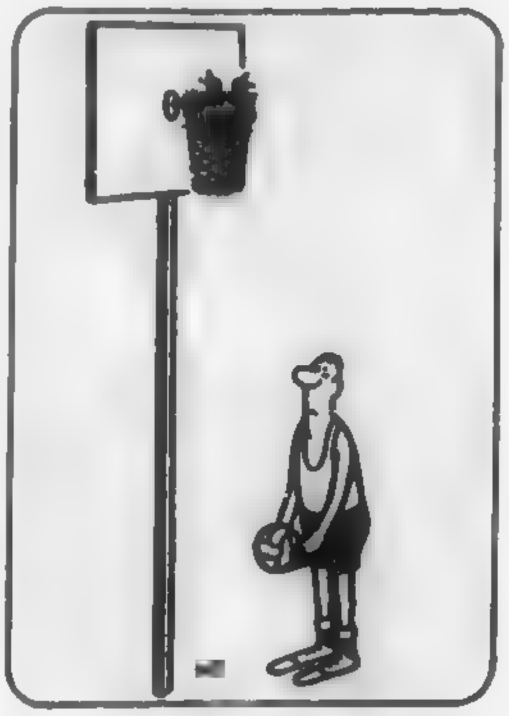

*بدون‌شرح

از پنبه‌چی درست‌میکنند؟

معلم ازشاگرد پرسید:

— بگوببنم، از پنبه‌چی درست‌میکنند؟

شاگرد سرش را پائین انداخت وجوابی نتوانست بدهد.

معلم برای اینکه شاگرد را راهنمائی کرده باشد گفت:

— همین لباس که به تن توست، از چی درست‌شده؟

شاگرد جواب داد:

— ازلباس بابام!

دلیل مستانه

مستی از خیابان میگذشت که بشدت بعابری که ازطرف مقابلش میآمد برخورد کرد. مرد باو گفت:

— مگر کوری، که مرا باین بزرگی نمیبینی؟

مست جوابداد:

— چرا اتفاقاً دوتاهم می‌بینم!

— حالا که اینطور است پس چرا تنه زدی؟

— برای اینکه میخواستم از وسط شما دوتا رد شوم!

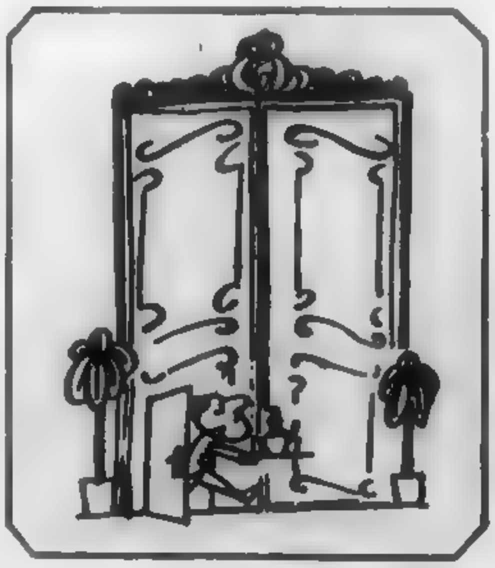

بدون‌شرح

دوئل

جراحی بایک نفر جنگ تن به تن میکرد و بالاخره طرفش را بسختی مجروح کرد ودر حالیکه روی اوخم شده بود باخودش میگفت:

— خیلی میترسم که مبادا او را کشته باشم!

شهود از این همه رقت قلب جراح به تعجب درآمده بودند.

— درست است که من جراح هستم، ولی این اولین بار است که یکنفر را با شمشیر میکشم!

دیرباور، نه‌زودباور!

دونفر دوست در قطار راه‌آهن بایکدیگر حرف میزدند یکی ازآنها بدیگری گفت:

— حقیقتاً مردم خیلی دهن بین وزود باورند. اگر یکی بگوید ۲۰۰ میلیارد ستاره در آسمان است همه باورمی کنند!

دیگری گفت:

— همینطور است که تو میگوئی، اما اگر تو به همان مردم بگوئی که «بریژیت‌باردو» در کوچه مجاور است تا نروند بچشم خود نبینند باورنمی کنند!

خسیس

مرد جوان اسکاتلندی بادختری آشنا شد • روزی برای ناهاراو را به کافه‌ای دعوت کرد ووقتی که نشستند ازاو پرسید:

— چه میل دارید؟

دخترگفت:

— هرچه شما میل دارید، من هم همینطور!

اسکاتلندی از روی صندلی بلندشد وگفت:

— میل دارم غذا نخورم، باشد برای یک روزدیگر!

هر که بفکر خویش است!

آقائی بدوستش میگفت:

— من یک ماشین ظرفشوئی برای زنم خریده‌ام.

— اما تا آنجا که من اطلاع دارم خانمت همیشه ازتو یک ماشین لباسشوئی میخواست.

— درست است، اما آخر شستن ظرفها بعهده‌من بود!

دیونه بازی!

* دیوانه اول: میخواهی آنطورفوت کنم که دنیارو باد ببره؟!

دیوانه دوم: اینکه کاری نداره، من آنطورفوت‌می کنم که برگرده سرجاش!

رمان‌سنگین

مردی وارد کتابخانه‌ای شد وگفت:

— آقا یک رمان بدهید.

— سنگین باشد یاسبک؟

— فرق نمیکند، اگر سنگین بود اتومبیل دارم!

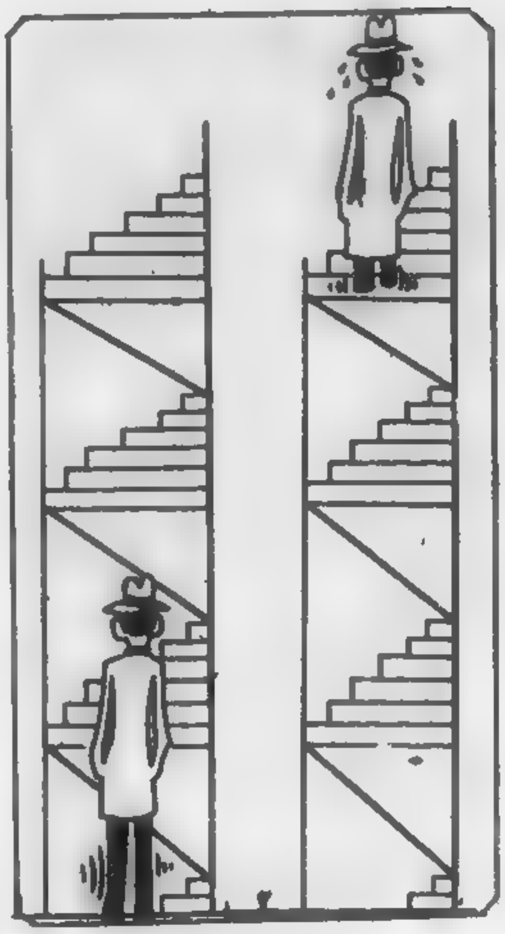

* بدون‌شرح

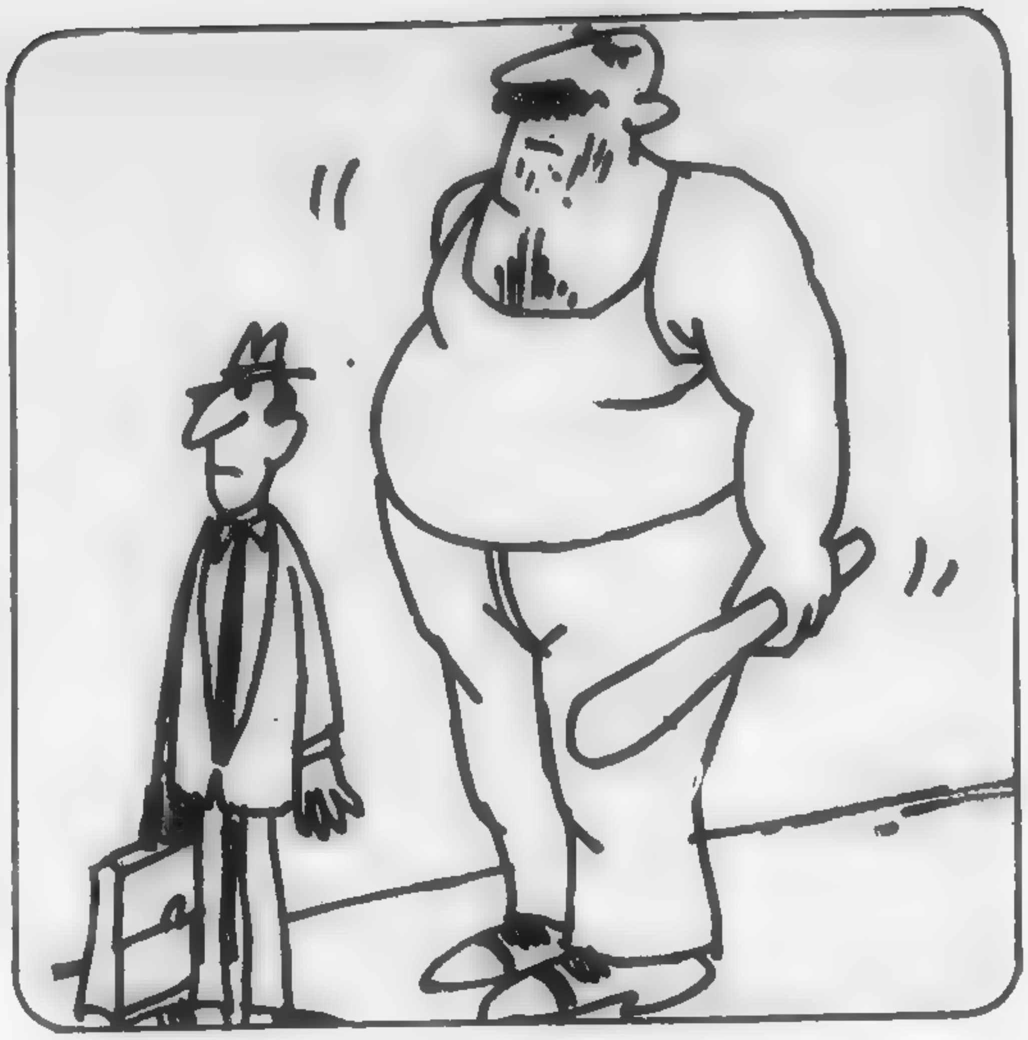

تا کسی پیدا نمیشود
—تنها راه برای پیدا کردن تا کسی !

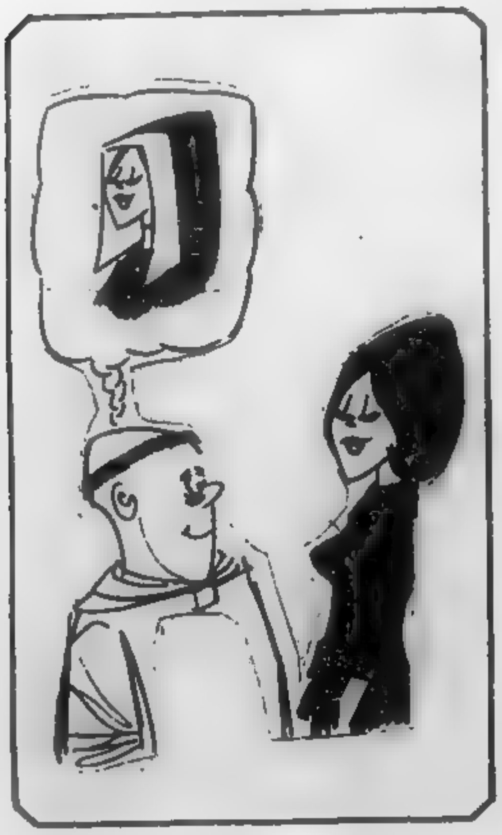

بدون‌شرح

در میوه‌فروشی

آقا نگاهی به بساط میوه فروشی افکند و گفت :

— این پرتقال ها مال کشور خود ماست یا اینکه مال لبنان وترکیه است ؟

— معذرت میخواهم آقا ، شما میخواهید میوه‌ها را بخورید یا میخواهید با آنها حرف بزنید ؟

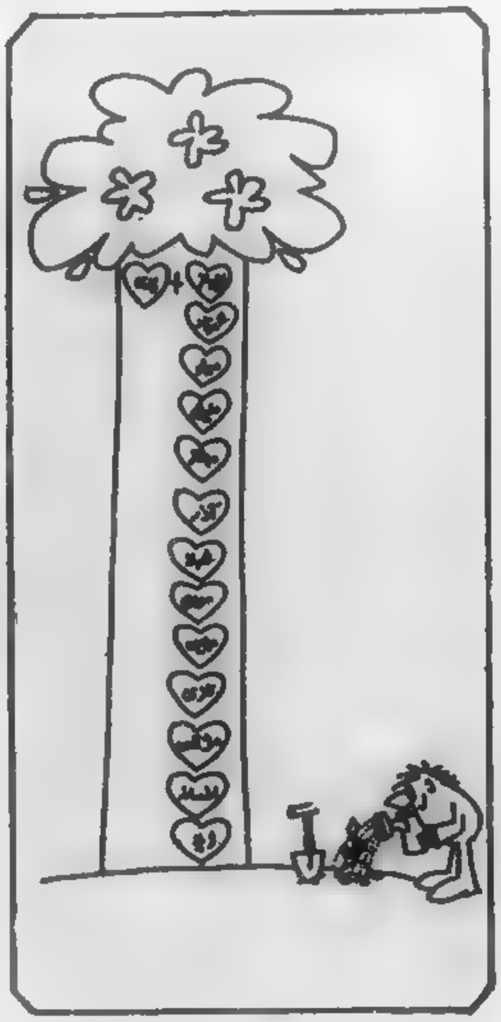

بدون‌شرح

«بعضی از مردم بیخودی در شهر میگردند»
—آقا شما هم دارین بیخودی توی شهر میگردین ؟
—بیخودی چیه آقا... دارم دنبال تا کسی میگردم ؟

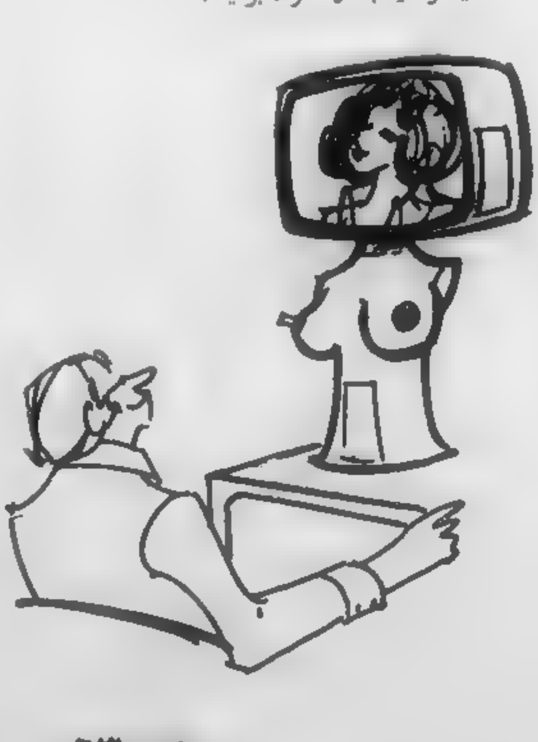

عاقبت نیکی

اسکاتلندی‌ها به خساست مشهورند، روزی یک اسکاتلندی از مردی که بچه او را از یک مرگ حتمی نجات داده بود پرسید:

—آیا شما همان آقائی هستید که پسر مرا نجات دادید؟

—بله آقا !

—پس زود بگوئید به‌بینم، کلاهی که قبل از غرق شدن بسرش بود چه‌شد؟ !

درعالم کشتی شکستگان

بچه ها قایم بشین یک هلیکوپتر داره میاد !
* کاراته بازی در عصر اتم !
* یک اتفاق ساده در دنیای ماشینهای کامپیوتر

چه سگ باهوشیه کاش خودشو می دزدیدیم !
عزیزم بجان تو قسم که می‌خواستم زود بیام ولی ده خیابون گشتم تا یه عرق فروشی پیدا کردم !

جدول سرگرمی مسابقات

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر پارساخو

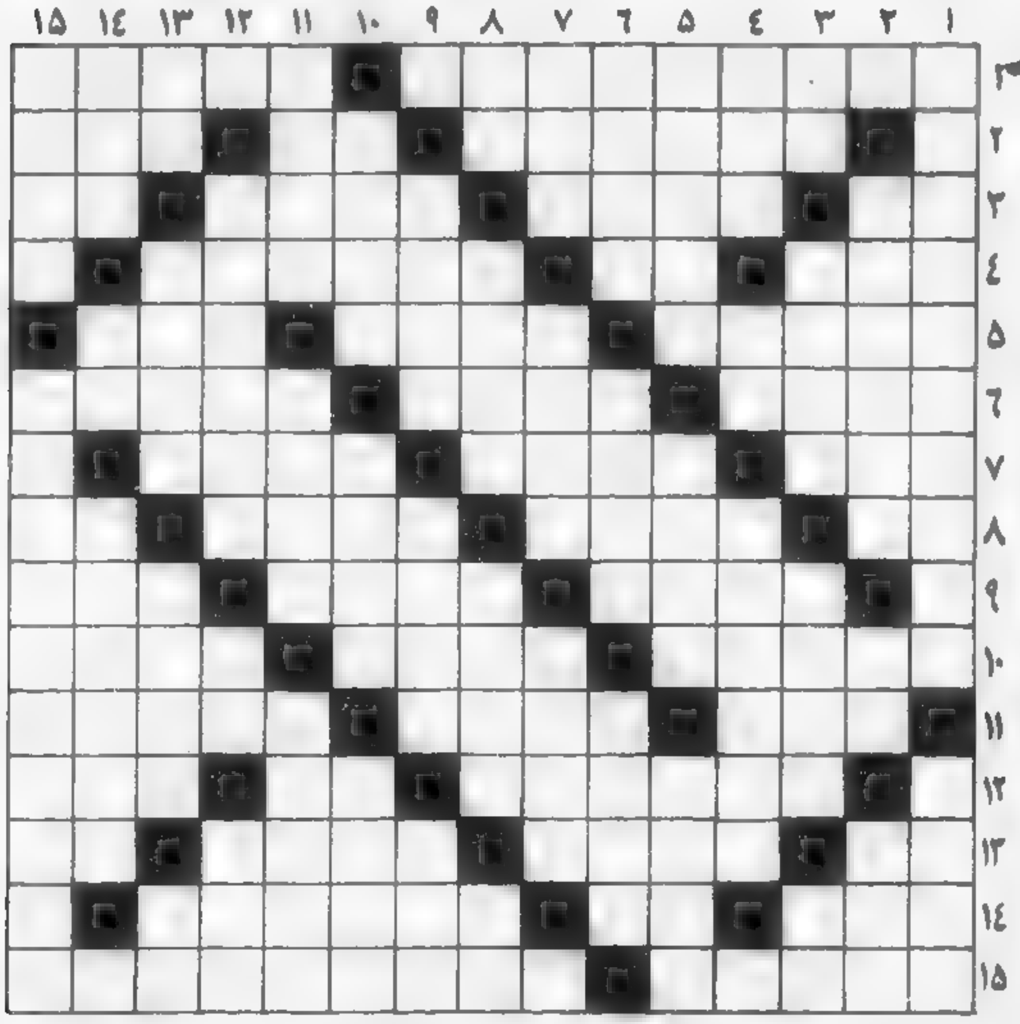

افقی:

۱ - معروفترین اثر بالزاك - جزیره‌ای در جنوب هندوستان ۲ - به منظره هم میگویند - هم خودش را میخورند و هم آبش را - ساختمان ۳ - خسیس پس نمیدهد - نام آشنای سر کور - برقرار - دست اعراب ۴ - یکی از اکراد - شالوده - شخصیت مورد علاقه بچه ها ۵ - سیاره‌ایکه بعد از مشتری از همه سیارات بزرگتر است - پایان شب سیه است - فرض است که کافر ندارد ۶ - آغشته به رنگ - تخلص یکی از شعرای معاصر - یادآور روزگاران دور و دورتر ۷ - ابتداء - بیشتر مورد نیاز زنهای سن و سالدار است - کاسب جمع شده ۸ - حرف تکراری برای غذا - نقاشی که دعوی پیغمبری کرد - کشوری در جنوب آسیا - عدد ترکی ۹ - حرف یونانی - شراب - مقام ۱۰ - برابر - قهوه خارجی - چاق ۱۱ - ظلم و جور - قهرمانی از کتاب بینوایان - مردی دلیر و جنگجو ۱۲ - مارك نوعی تلویزیون - چای انگلیسی - بسیار - ۱۳ - طایفه - فیلسوف مشهور آلمانی که در باره تکامل بشر عقاید خاصی داشت - ثروتمند - مهره‌ای در عرصه شطرنج ۱۴ - روشنائی - زمانی خرابه هایش نزدیك تهران بود - شهر و بندر ایران در شمال شرقی آذربایجان ۱۵ - پیدا کرده - کاخ معروفی در انگلستان.

عمودی:

۱ - از بازیگران هنرمند سینما - فیلمی با شرکت موریس شوالیه فقید ۲ - پشم مرغوب - اگر در این خانه هست یکحرف بس است - پرچم ۳ - زشت و ناپسند - پیش از یک گل که فرانسوی بود و عمرش را به شما داد - باند ایرانی - نوعی طاقچه ۴ - بلندی - حرف ندا - میگویند همان بود که التادونشکست ۵ - خدا کند هیچکس را با این نبینیم - نوعی پارچه - تار ۶ - مظهر زیبائی - سپهسالار قشون اشکانی که درعهد خود از بزرگترین سرداران جهان بود - به زمین ۷ - گله - قوم باستانی - اینکه از مال معشوقه ما میگذری باخبر باش که سر می‌شکند دیوارش ۸ - تصدیق آلمانی - نادان - وسیله‌ای برای سرگرمی و وقت گذرانی - ضمیری که گاهی جای نام مشغول می نشیند ۹ - هیچکه مهربانتر از مادر نمیشود - شهرستانی در استان هشتم - میز تحریر انگلیسی ۱۰ - فاقد جان - عمل - راه‌رفتن بچه تازه‌پا ۱۱ - کشوری در اروپای مرکزی - بند چرمی - کشوری باستانی ۱۲ - مادر رستم - عید فرانسوی - ساز کلیسا ۱۳ - فرودگاه بوسه - نامی برای دختران - واحدی برای اندازه‌گیری - حرف حسرت ۱۴ - شاعر بنده کسی است که آنرا دارد - نوعی قلم - «مشهدسر» سابق ۱۵ - پسر شمشیر - اثر معروفی از جان اشتاین بک

سرگرمی هفته

* در هریک از این چهار کادر، که خانه های نامنظمی دارد، تصویری نهفته که شما در صورتی میتوانید این تصاویر را به‌بینید که خانه های نقطه‌دار را در هر یک از کادرها با یک رنگ مثلا سیاه مشخص کنید.

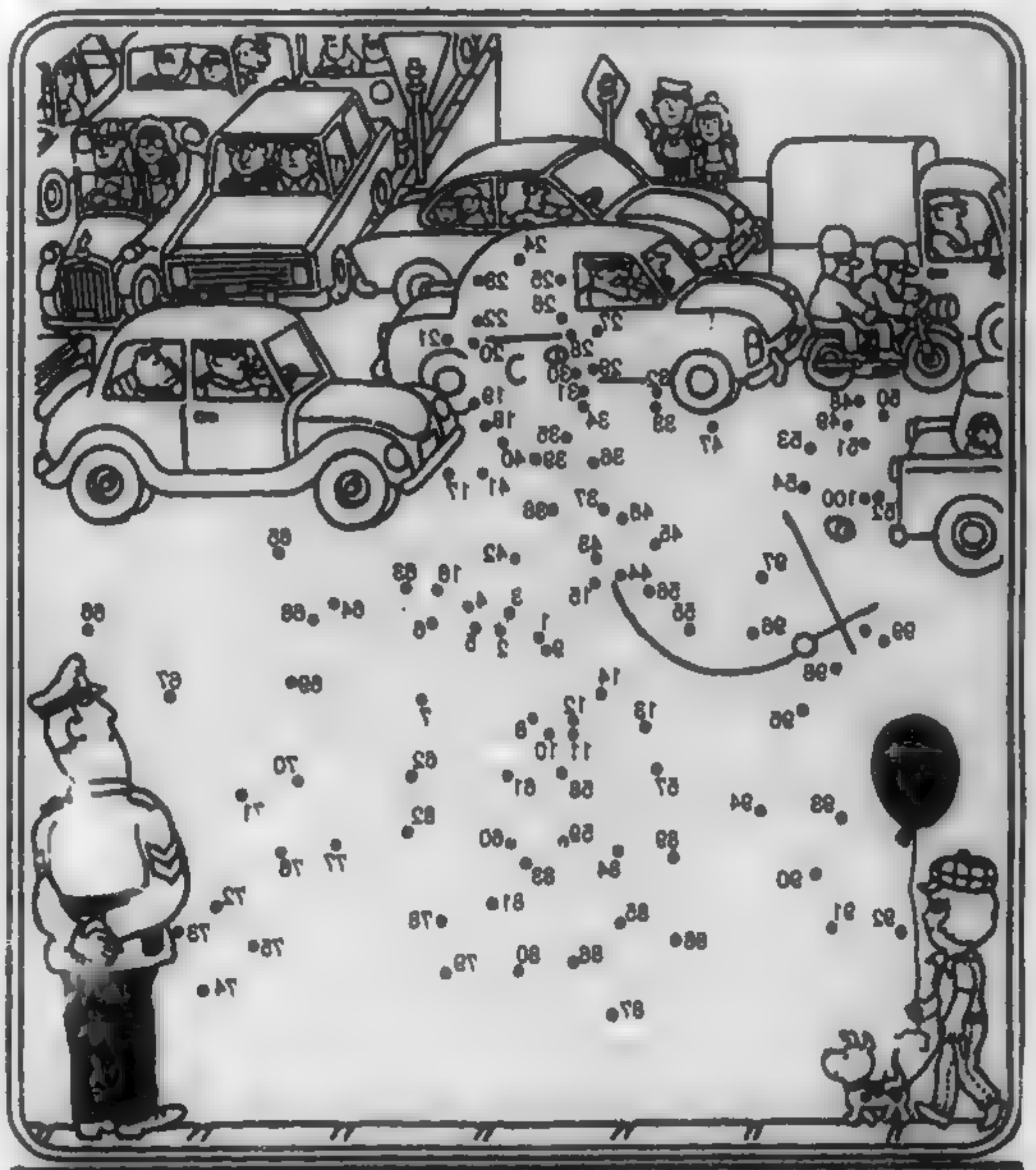

علت راه‌بندان

*راه‌بند آمده و پلیس راهنمائی ایستاده و به عامل آن نگاه میکند. شما بگوئید عامل راه‌بندان چیست و برای دادن پاسخ صحیح کافی است نمراتی را که مشاهده میشود به ترتیب بیکدیگر متصل نمائید!

سرگرمی باجایزه

* در این مربع چهار مثلث مشاهده میشود، شما بگوئید این مربع را با چند مثلث از نوع این مثلث هامیتوان پر کرد؟

فال

اشاره :
ستارگان درباره حوادثی که در دو هفته آینده در انتظار شماست، چه میگویند؟...

« کارگران رستاخیز » به خرافات اعتقاد ندارد و در فکر اشاعه آن نیست ازاین رو « فال » را جدی نگیرید ، رمز موفقیت در کار و کوشش است

برنامه دقیقی برای خود طرح ریزی کنید تا افکارتان آشفته نشود. بی جهت عصبانی هستید. برای مسائل جزیی و کم اهمیت با شخص مورد علاقه خود بگومگو نکنید. بیشتر استراحت کنید. گذشت زمان همه کارها را به نفع شما تمام میکند. بیش از همیشه مورد احترام قرار میگیرید. پا را از گلیم خود فراتر نگذارید.

بدبینی و عدم اعتماد به اطرافیان شما را رنج میدهد. در اتخاذ تصمیم هیچگاه تردید نکنید. سل هیب اوضاع روبراه میشود. ملایمت و با شخصیت خود را برای انجام کارهای مثبت بکار ببرید. در کنار متولدین مهرماه احساس آرامش میکنید. شخصی را که بکمک شما احتیاج دارد، فراموش نکنید.

بر اضطراب و نگرانی خود فائق شوید. خودتان را در کارهای مختلف خسته نکنید. با شریک زندگیتان منطقی باشید. در محیط خانوادگی اوضاع چندان آرام نخواهد بود، ولی بتدریج همه مسائل بنفع شما تمام خواهد شد. در کنار متولدین بهمن احساس آرامش بیشتری میکنید.

بیشتر روی دوستان خوب خود حساب کنید و اختلافهای جزئی را نادیده بگیرید. اگر از شخص مورد نظر رنجیده اید، بزودی رنجش برطرف میشود، سست و بیحوصله نباشید و کارهایتان را با انرژی و پشتکار انجام دهید. کسانیکه ممکن است برایتان مفید واقع شوند، از خود نرنجانید.

در امور احساسی ابرهای تیره پراکنده میشوند و آسمان عشق شما روشنی میگیرد. نزدیکان بمناسبت موفقیتی که کسب کرده اید، میهمانی ترتیب میدهند. بی توجهی نسبت به شخصی که برای شما زحمت بسیار کشیده، عاقلانه نیست. منتظر اقبال بلند خود باشید.

درباره شخص یا موضوعی که برایتان اهمیت دارد، خبرخوبی دریافت میکنید. پاکی روح، وفا و ادب ذاتی شما توجه یک شخصیت مهم را جلب میکند و او را بسوی شما میکشد. روزسوم درمحیط خانواده نسبت به تحصیلات عالی یا درباره خوشبختی آینده تان، تصمیم سرنوشت سازی گرفته میشود.

نسبت به شخصی که بدگمان بوده اید، بخاطر انجام وعده هایش، عقیده تان عوض میشود. منزلی که سالها آرزوی دیدارش را داشته اید زیارت میکنید. این هفته در خرید یا فروش مواظب استفاده جویان باشید تا سرتان کلاه نگذارند. پیدایش یک اختلاف عمده در محیط کار را سعی کنید با تدبیر حل کنید.

مانند گذشته مورد علاقه اطرافیان خود قرار دارید. حتی آنها که ممکنست از شما کدورتی داشته باشند، خودشان برای رفع آن به نزد شما می آیند. این هفته در امر احساسی و دنیای دوستی بسیار موفق خواهید بود. در تمام طول هفته با طرفهای مقابل به توافق میرسید. در رشته تخصصی خود هنری و یا ورزشی موفقیت چشمگیری پیدا میکنید.

اشکالات کوچکی باعث میشود برنامه روزانه شما طبق معمول انجام نشود. اسرار خود را به هیچکس، حتی دوستان نزدیک نگوئید. سوءتفاهم های موجود بزودی رفع میشود. بیشتر مراقب تغذیه خود باشید. در محیط خانواده، تغییراتی بوجود میآید که دلپذیر است.

نقطه ضعفهای اطرافیان را نادیده بگیرید، و بر سر مسائل جزئی با آنها جدال نکنید. بیشتر با کسانی معاشرت کنید که با شما توافق داشته باشند. متولدین مرداد از شما حمایت میکنند. بیش از همیشه مورد احترام قرار میگیرید. نقشه های خود را با پشتکار دنبال کنید.

اگر مجرد هستید، یک عشق طوفانی باحتمال زیاد زندگی شما را دربرمیگیرد. با کمک یکی از دوستان یا آشنایان در کاری که منظور نظرتان است موفق میشوید. یک بدخواه، مترصد بدست آوردن فرصتی برای بدگوئی از شماست. سعی کنید هرگز این فرصت را بدست او ندهید.

شما در انتظار یک موفقیت در کار یا تحصیلاتتان هستید. این انتظار برآورده میشود، بشرطی که شما هم از خود اراده و پشتکار نشان دهید. پیروزی در یک رشته از زندگی خود در اوج قرار میگیرید. یک تشویق نیز در انتظار شماست. زندگی را اینگونه سخت نگیرید که همه چیز حل شدنی است.

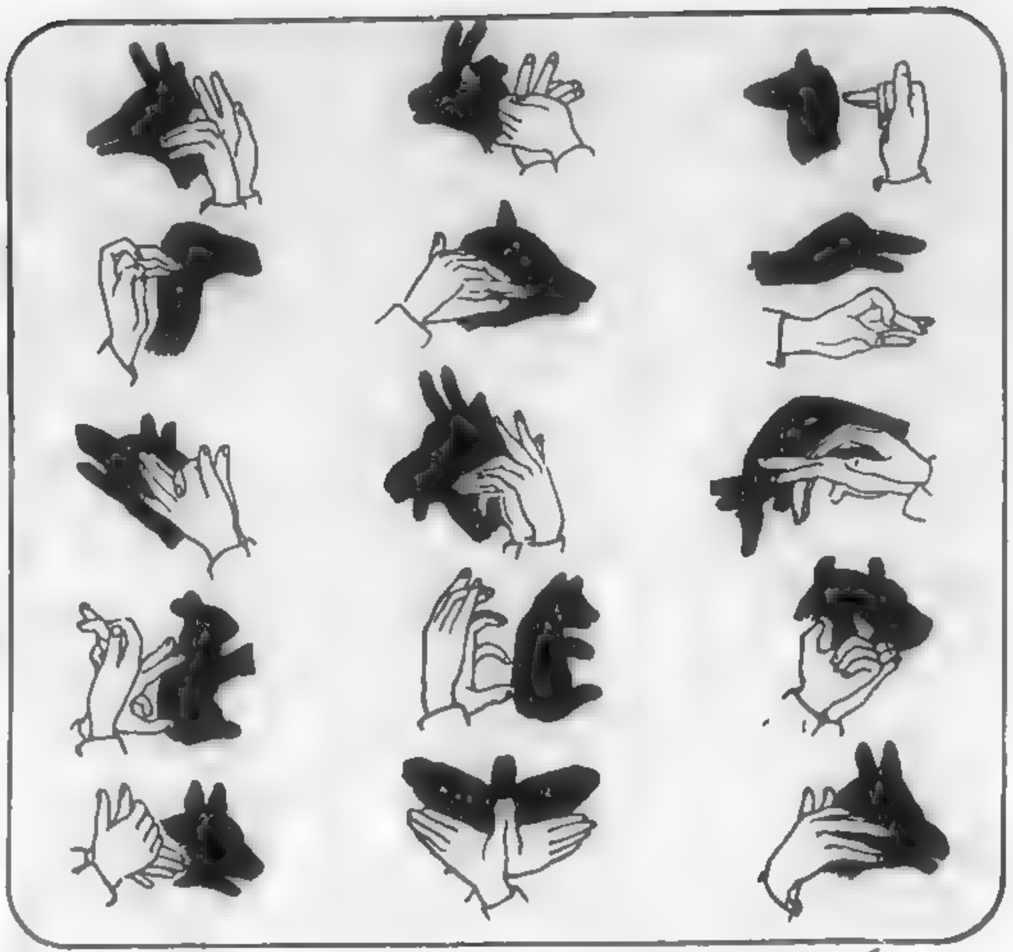

سرگرمی برای شبها

* کودکان عزیز، همینکه شب شد و چراغها روشن گشت، شما میتوانید با استفاده از سایه دستهای خود روی دیوار شکل حیوانات مختلف را که در ذیل نام برده ایم مجسم کنید. گوزن- بز کوهی- شتر بی کوهان- شتر معمولی (کوهان دار)- خوک- غاز- گرگ- بز- فیل- خرگوش- توله خرس- گاو نر- سگ- پروانه- الاغ.

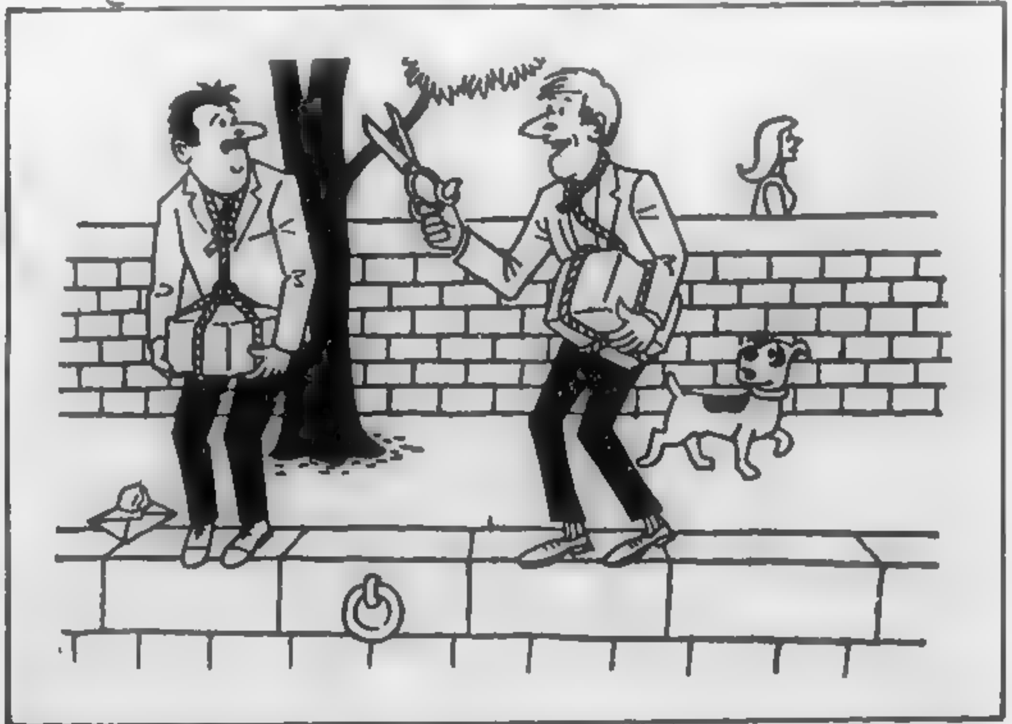

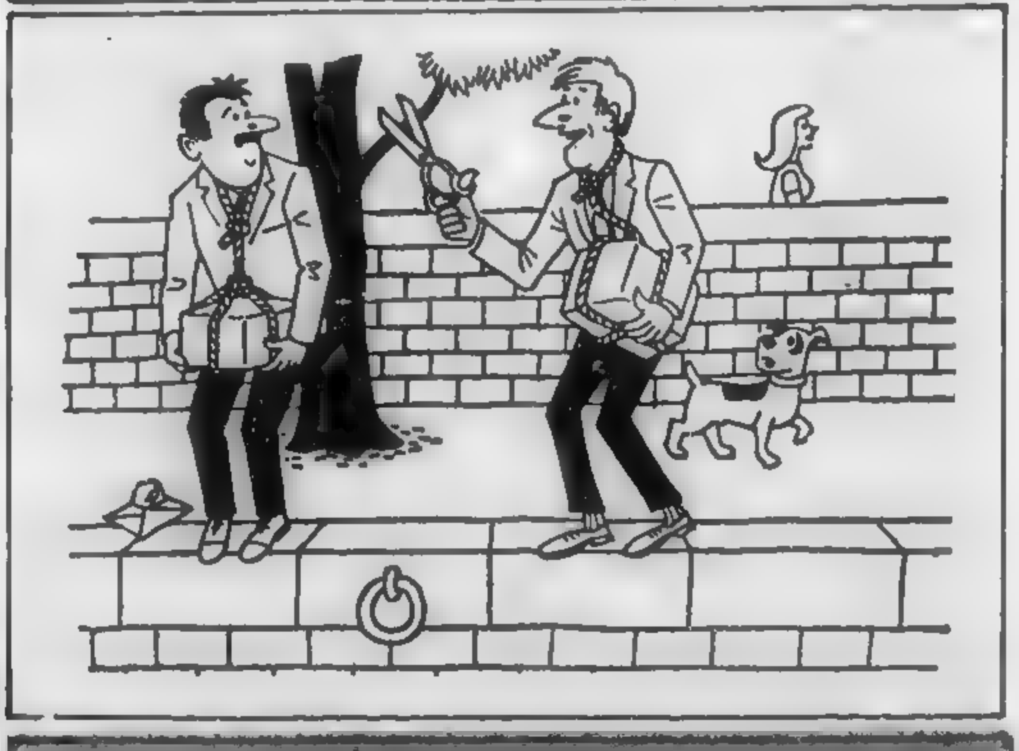

اختلاف اصل با بدل

*این دو نقاشی در ظاهر شبیه هم هستند و یکی اصل و دیگری بدل آنست و در هفت مورد نیز با یکدیگر اختلاف دارند. موارد اختلاف آنها را برای ما بنویسید و جایزه بگیرید.

علی

ابرمرد ایمان

خلاصه شمارهٔ قبل

از عام‌الفیل سی‌سال می‌گذشت که علی (ع) در خانه کعبه چشم به جهان گشود و در دهسالگی، نخستین انسانی بود که راه حق و حقیقت، راه راستی و درستی، رامحمد پیامبر خدا را برگزید و در هیجده سالگی، در بستر پیامبر خفت و بزرگان قریش را که قصد جان رسول خدا را داشتند، به حیرت افکند. محمد (ص) از مدینه به مکه هجرت کرد و بت‌پرستان مکه را در خشمی جنون‌آمیز برجای نهاد. برای علی (ع) از سوی محمد (ص) پیام آمد که در این پیام وظیفه داشت فاطمه زهرا، فاطمه بنت اسد و فاطمه بنت زبیربن عبدالمطلب و جمعی از یاران مسلمان را ازمیان شمشیرها و خنجرها و کمندها به سلامت به مدینه رساند. علی (ع) به مدینه رسید و در بسی جنگ‌ها، در کنار محمد (ص) شمشیر زد.

در سال پنجم هجرت، قریش برضد اسلام بسیج عمومی اعلام کرد و قصد آن داشت اساس اسلام را واژگون سازد. علی (ع) که اکنون یک جوان بیست‌وپنج‌ساله بود، در برابر مردی جنگاور و ستیزه‌جو، مرد جنگاوری چون عمربن عبدود ایستاد و سر سردار پیکار قریش را ازتن جدا کرد و برپای محمد (ص) افکند و پس از آن، در نبرد با یهودیان خیبر، مرحب خیبری را کشت ودر قلعه خیبر را که در آن ده‌هزار مرد جنگجو مقام گزیده بودند، ازجای کند..

علی چشمان درخشانش را به سیمای پرفروغ محمد «ص» خیره کرد.

«میدانی یا علی، ما امشب فرمان داریم که به دنبال قریش بتازیم.»

علی، پهلوانی که از دامنه های کوه احد تا مدینه افتان وخیزان ره سپرده بود، به یک جست از بستر برخاست وگفت:

«یا رسول‌الله، اگر آنچنان ضعیف ورنجورشوم که نتوانم برپای خیزم، دستور خواهم داد که مرا برسردست به میدان جنگ برسانند.»

همتی بلند داشت، و فطرتی منیع. عظمت وجودش کجا اجازه میداد که با ستمگر در پیامیزد؟ بیش از همه، ایمانش او را برمی‌انگیخت. دریای ایمان بود. او برخاسته بودتاتباهی را فرو افکند. شمشیر میزد، چنانکه گوئی گله های گوسپند را میراند. سپاه زورخرید را از دم شمشیرش میگریزاند. ازآن مردان بی مانند تاریخ بود که چون به دفاع از حق خوانده میشوند، شتابان به میدان میروند وبجای آنکه زره بر سینه پوشند، قلب های خود را برزره میپوشند.

***

در سال پنجم هجرت، قریش برضد اسلام بسیج عمومی اعلام کرد. قبایل بت پرست عرب را یکباره ازجا برانگیخت تا برمدینه حمله ور شوند وبتصوراساس اسلام را واژگون‌سازند. در این تجهیزعظیم عمروبن عبدود مشهورترین سردار عرب درجاهلیت بود کموی رابا هزار مرد مسلح و مبارز برابر می‌داشتند و این سردار جنگاور پیمان بسته بود که نام اسلام را ازصفحه روزگار محو کند. مسلمانان مدینه. در پیرامون شهر، خندق هولناکی حفر کرده بودند و آن خندق چنان عمیق وگشاده بود که سپاهیان قریش قادر نبودند که به درون بتازند، اما عمربن عبدود و ضراربن خطاب براسب نشستند وبا جهشی حیرت انگیز ازخندق گذشتند و برآنسوی خندق فرود آمدند. هنگامی که فریاد عمرو درفضا طنین افکند، بسیاری از جنگاوران مسلمان را وحشتی سخت درگرفت وهیچکس آنجرأت را نیافت که با عمروبن عبدود پیکار کند. محمد، سه بار فرمود: «کیست که شر این بت‌پرست گستاخ را ازسر اسلام برگرداند؟» تنها علی بود که هرسه‌بار گفته بود: «من یا رسول‌الله!»

یک جوان بیست‌وپنج‌ساله، دربرابرمردی جنگاور وستیزه‌جو، مردی که آوازهٔ قدرت و دلیری‌اش برسراسر عربستان گسترده بود، قصد آن داشت که پیکار کند. پیکاری سخت در گرفت و پیامبر فرمود: «سمبل ایمان با سمبل کفر به‌مبارزه برخاسته است.»

سرانجام، علی، در این پیکار، سر سردار جنگاور قریش را از تن جدا کردوبرپای پیامبر افکند.

***

سال هفتم هجرت بود. کفارباده هزارمرد دلیر و دلاور درقلعه خیبر مقام گزیده بودند. قلعه قموص استوارترین دژهای کفاربود. این دژ شکست ناپذیر و ناگشودنی بود. این قلعه دروازه بزرگی داشت که گفته‌اند چهل مرد زورمند آن را در هر سپیده دم میگشودند، و شامگاهان میبستند. «مرحب خیبری»، ازدلیرترین کفاری بود که درآن قلعه بسر میبرد. اومردی بود که برخود فولادینی که برسرداشت، سنگی بزرگ ومیان تهی را برمیله «کله خود» خود قرارمیداد تا شمشیر برسرش کارگر نشود. مرحب، هر سپیده دم، از درقموص میگذشت و هر که را در برابر خویش میدید از پای میافکند وشبانگاه به قلعه بازمیگشت. پرچم اسلام، با دست های چند تن از یاران پیامبر، بارها تا پای قلعه پیش رفت. لیکن در پای قلعه سرنگون شد. یک روز محمد «ص» چنین فرمود:

«این بار پرچم اسلام را بدست مردی خواهم سپرد که خدا ورسول خدا رادوست میدارد وخدا ورسول خدا هم اورادوست میدارند.»

تمامی روز را مسلمانان به این افتخارفکر میکردند، اما هیچکس گمان نمیبرد که این پهلوان، واین فاتح قلعه خیبر و کشنده مرحب خیبری علی است. پیامبر، علی را روانه میدان نبرد ساخت، چرا که نیک میدانست مرد میدان مرحب، علی است. علی به میدان رفت و به نام حق وحقیقت، وبنام خداورسول خدا شمشیر بر کمر بست و آمادهٔ نبرد شد. علی تنها دراین اندیشه بود که سعادت شهادت را درمیدان جنگ ادراک کند. علی میرفت که کشته شود، علی درمیدان خود را بنام «حیدر» خواند وسرانجام با ضربه ذوالفقارخود، سنگ و خود وجمجمه مرحب را ازمیان شکافت و آن پهلوان جنگاور وهراس‌انگیز را به خاک وخون کشید. علی پس از کشتن مرحب خیبری، تا پشت درقلعه قموص پیش تاخت و درآن دژ عظیم را که میگفتند: چهل مردقدرتمند هرروز و هرشب بازوبسته‌اش می کنند، ازپاشنه جدا کرد و بصورت پلی برخندق دورقلعه افکند تا سپاهیان اسلام به آسانی بتوانند قلعه قموص را تسخیر کنند.

علی مرتضی برمنبر خلافت نشست و چنین فرمود:

«میان شما ومردمی که حق پرورند، میان شما و کسانی که اهل قبله‌اند، رجحانی برقرار نیست. من شما را به راه راست خواهم راند و روش پیامبر خدا را درمیان شما تجدید و تحکیم خواهم کرد. من فرمان الهی را درزندگانی شما برقرار خواهم ساخت و ازقرآن کریم پیروی خواهم داشت.

ازآنچه شما را برحذر دارم، بپرهیزید، سرگردان وسراسیمه نباشید، درنگ کنید تا حکمت من برشما روشن شود.

نیک میدانم چنان افتد که فرمان من در چشم شما دشوارو به ذوق شما ناگوار آید. آرام باشید تا حکمت آن را دریابید و بر تلخی و دشواریش صبر کنید. کلام پیامبر را بیاد آورید که فرمود: «آنکه براست من حکومت کنند، در روز رستاخیز درپیشگاه پروردگار برپای بمانند. اگر به عدالت حکومت کرده‌اند، خداوند نیز به عدالت خویش ازعذاب وعقاب ایمنشان خواهد داشت، لیکن اگرستمکار وجبار شناخته شوند، نخستین دسته‌ای باشند که به دوزخ فروافتند.»

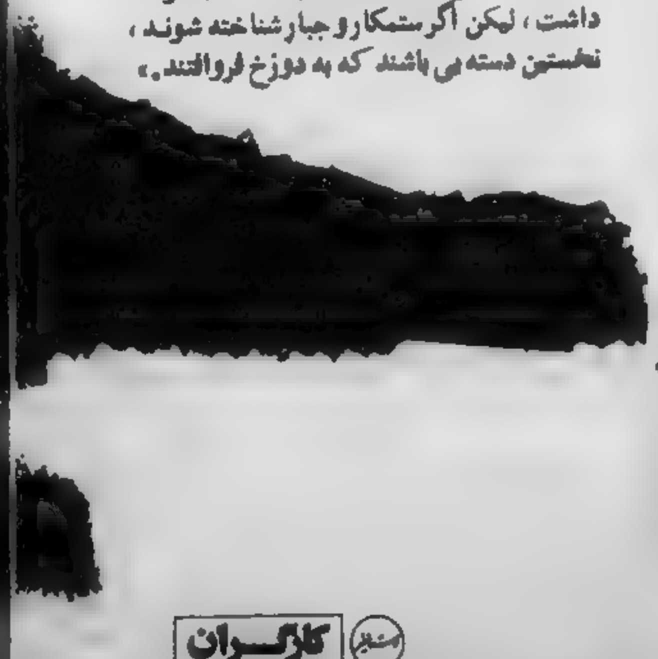

من پروردگار بزرگ را به گواه می‌گیرم که این مقام را دوست نمیداشتم، لیکن ازدحام کردید، دست امید و حاجت به سوی من پیش آوردید و دیگر بر من مقدور نبود که بر چشمان مشتاق شما دیده فرو بندم.»

امیرالمؤمنین، در این هنگام لحظاتی چند سکوت اختیار فرمود و گفت: «آنان که دهکده‌های آباد و اسب‌های گرانبها و نهرهای سرشار و کنیزکان زیبا روی در کنار دارند، اگر ثروت و مکنت خویش را از راه راستی و درستی به چنگ نیاورده باشند، بدانند که این خوان نعمت را از مقابلشان برخواهم چید و مال خدا را میان بندگانش عادلانه تقسیم خواهم کرد، چرا که در پیشگاه الهی، هیچ مسلمانی را بر مسلمان دیگر رجحان و برتری نیست. آن قوم که پرهیزکارتر و پارساتر، شریف‌تر باشند، پاداش پرهیزکاری و پارسایی خود را در آن جهان دریافت خواهند داشت. زیرا که نیک میدانند که پاداش پاکی و تقوی درهم و دینار نیست، تخت حکومت و کرسی قضاوت نیست، پروردگار پاداش نیکوی تقوی و عفاف را به آخرت افکنده است.

بدانید که در محضر پروردگار، مهاجر و انصار یکسانند. آن کدام مرد از مهاجر و انصار است که میتواند میان بندگان رسول خدا به تفاوت و تبعیض فتوی کند؟ سیاه و سفید، مالک و مملوک در برابر قوانین اسلام از هم امتیاز ندارند و حق به صاحب حق تسلیم میشود.

فردا به خدمت من بازگردید تا معنای عدل و عدالت و برابری را دریابید، فردا بازگردید و سهم خویش را از بیت‌المال دریابید.»

علی مرتضی از منبر نخستین خطابه خود فرود آمد. بزرگان و رجال مدینه، برجای ماندند، زیرا انتظار نداشتند که از دهان خلیفه خود سخنی بدین صراحت و تلخی بشنوند.

آنانکه می کشتند، می بخشیدند، آنانکه بر خلاف شرع و بر خلاف قانون اسلام و دین پیامبر عمل میکردند، انگشت حیرت به دندان گزیدند. علی مرتضی به احیای دین محمد قامت برافراشت و حقیقت اسلام را بر کرسی حکومت نشانید و این به کام رجال قوم شیرین نیامد:

«حق و حقیقت با همه خوبی، چه سنگین است، چه تلخ و ناگوار است.»

کیسه‌های لبریز از سکه‌های طلا را بمیان آوردند، و مهاجر و انصار، سفید و سیاه، صف آراستند و از بیت‌المال، به هر کدام، سه دینار رسید. یکی پس از دیگری، دسته یی پس از دسته دیگر. غلامی که از بند رسته بود، سه دینار گرفت و «سهل بن حنیف» پارسا و بزرگوار قوم سه دینار! «سهل» به زبان آمد:

«یا علی، این غلام بنده من بود، آزادش کردم. او سه دینار و من هم سه دینار؟»

امیرالمؤمنین بی‌آنکه سخن بگوید، به چشمان سهل خیره شد. سهل از اعتراض خود شرمسار گشت و به یاد آورد که حق تقسیم این چنین است.

سهل، سرافکنده و شرمسار مسجد را ترک گفت.

ادامه دارد

اکبرآقا در مجموعه داستانی اکبرآقا ...

روزیکه اکبرآقا تشویق شد!

محمدعلی عرفی‌نژاد

اکبرآقا همانطور که با پیچ گوشتی گاز را تنظیم میکرد، از زیر در موتور فریاد زد:

— استارت بزنین.

لحظه‌ای بعد موتور با صدای وحشتناکی روشن شد. اکبرآقا نگاه دیگری به موتـــور انداخت. با آستری نیمه‌سفید و نیمه‌سیاهش پیشانیش را که روغنی شده بود، پاك کرد. در موتور را آرام پائین آورد و با یک فشار آنرا قفل کرد و از پشت شیشه جلو به خانم وحدتی که پشت فرمان نشسته بود نگریست. این چندمین بار بود که خانم وحدتی اتومبیل آخرین سیستم خود را برای تنظیم و معاینه پیش او میآورد. هر بار یک نوع لباس میپوشید، و بیشتر لباسهایش رنگ‌های سبز و قرمز و زرد داشتند. وقتی از در تعمیرگاه میآمد تو، بوی عطرش توی فضا پخش می‌شد و مینشست توی دماغ اکبرآقا، ساعتها بعد از رفتن خانم وحدتی هم اکبرآقا حس میکرد روغن ها، گریس ها و حتی بنزین و نفت، بوی عطر سست کننده فرانسوی او را میدهد، اصلا خانم وحدتی که میآمد، اکبرآقا حس میکرد بوی بهار با همه طراوتش می‌ریزد توی تعمیرگاه...

هنوز داشت فکر میکرد که صدای بوق اتومبیل او را از جا پراند، اکبرآقا خندید و آمد کنار شیشه نزدیک فرمان ایستاد:

— خوب، خوب... همه‌چیز درست شد...

خانم وحدتی نگاهی به سراپای اکبرآقا انداخت و با خنده جادو کننده‌ای گفت:

— خسته نباشی اکبرآقا...

اکبرآقا با حوله دستهایش را پاك کرد:

— هزاروپونصدتا که شد، تشریف بیارین واسه روغن.

خانم وحدتی دستش را طرف دنده برد و باز برگشت به اکبرآقا نگاه کرد و گفت:

— یعنی میگی تا قبل از هزاروپونصد اینجاها پیدام نشه؟!

اکبرآقا لرزید، خانم وحدتی تابحال اینطور با او حرف نزده بود. حالا از حرف خانم وحدتی در چنان حالی فرو رفته بود که گوئی در یک جنگل ساکت زیر یک درخت ایستاده، خانم وحدتی اینرا حس کرد:

— بعدازظهر کارت کی تموم میشه؟

اکبرآقا با حوله ور میرفت و درحالیکه سخت دلش می‌تپید و سعی میکرد از نگاه خانم وحدتی فرار کند، زیرلب گفت:

— پنج.

خانم وحدتی دنده را توی یک گذاشت و درحالیکه گاز میداد با صدای بلند گفت:

— ساعت پنج و ده‌دقیقه جلوی در منتظرتم.

وقبل از اینکه اکبرآقا عکس العملی از خود نشان بدهد، اتومبیل بال درآورد و توی بخار کمرنگ زیر نور تند آفتاب گم شد، اکبرآقا مات و متحیر مانده بود. احساس کرد قلم‌پایش

میلرزد. توانائیش را از دست داده بود، مثل سیزده — چهاردهسالگی‌اش قلبش بتندی میزد گوئی درخواب بود، هیچ چیز نمیدید، بجزصورت قشنگ خانم وحدتی، بجز صدای دلنشین او... در همین‌حال صدای فریاد مانند آقامرتضی، سر کارگرقسمت رنگرزی، تکانش داد:

— اکبرآقا، بیا این حیاط، بیا باباکار رنگ تموم شد، بقیه‌اش دست خودته.

اکبرآقا آرام، مثل مسخ شده‌ها، گیج و منگ بطرف حیاط براه افتاد، آقا مرتضی هم بدنبالش...

* * *

فریاد اکبرآقا فضای تعمیرگاه را پر کرد:

— این چه مسخره‌بازیه، چرا تو دستشوئی صابون نیست؟!

یکی ازبچه ها زد زیرخنده:

— بابا با پودربشور، بهتر پاك میشه.

اکبرآقا که کفرش درآمده بود، دستهایش را با پودرشست، یک آستری نوآورد و دست و صورتش را خشک کرد. لباسهای کارش را درآورد، از شدت خشم چند بار پایش را روی زمین کوفت:

— چرا امروز لباس نوهام رو نپوشیدم، آدم خجالت میکشه.

به ساعتش نگاه کرد، هنوز یکربع مانده بود دل توی دلش نبود، بچه ها یکی یکی خداحافظی کردند و رفتند... اکبرآقا توی آئینه یکی از اتومبیل ها بخودش نگاه کرد و نشست روی صندلی ماشین.

— این دختره هم‌طبقه تو نیست. چی فکر کردی، اون اهل رقصه، اهل کافه‌س، فرنگیه چه ربطی به تو داره.

یکدفعه جاخورد:

توی آئینه صورت خانم وحدتی را دید — داشت میخندید. دندان های سفیدش مثل عاج بود، صورتش آدم را یاد زیبائی‌های بهـــار میانداخت. اکبرآقا، بی اختیار، شستش را به قفل داشبورت گذاشت و فشار داد. درداشبورت باز شد و چندتا آچار و یکی، دوتا نوارکاست ریخت کف ماشین. مانده بود، که چه کار کند؟... گیج شده بود با تشویش غریبی سرش راگرداند. آنقدر دچار تشویش بود که داشت غشش می‌ایستاد. بیرون تعمیرگاه اتومبیل قرمز رنگ و آخرین سیستم خانم‌وحدتی ایستاده بود وخانم وحدتی ازتوی آن داشت باو نگاهی کرد اکبرآقا نگاه دزدکی به آئینه انداخت، آرام در را باز کرد... همینوقت یاد یکی از فیلم های آلن دلون افتاد... و هنوز توی این یاد بود، که بی تفاوت و مغرور، با موی آشفته، آمد پائین و در را محکم پشت سرش بست. نگاهی باطراف انداخت و راه‌افتاد... نزدیک اتومبیل خانم وحدتی که رسید، لبخندی زد و لبخندی تحویل گرفت. خواست در را بازکند که خانم‌وحدتی پیاده شد و با همان خنده ملیح و دوست‌داشتنی گفت:

— بشین پشت‌فرمون، تورانندگی کن...

اکبرآقا یک لحظه به چنگ تردید افتاد. بعد «آلن دلون» وار رفت نشست پشت فرمان و با یک حرکت، اتومبیل را از جا پراند!...

همین‌طور رفت و رفت... و ناگهان زد روی ترمز، کنارخیابان ایستاد و به خانم وحدتی خیرمشد:

— خانم وحدتی! من دارم کجا میرم؟!

خانم وحدتی زد زیرخنده:

— اول بگو پروین، بعد هم تو رانندگی میکنی، هرجا دلت میخواد برو.

دست اکبرآقا لرزید، دوباره حرکت کرد موزیک ملایم داخل اتومبیل را پر کرده بود دیگر اکبرآقا خودش نبود. خانم‌وحدتی سعی میکرد این سکوت را بهم بزند.

اکبرآقا با خودش فکر کرد، بریم سرپل! نه... زردبند بهتره. گرچه پائیزه ولی می‌چسبه بازهم فکر کرد... وآخرسر زد زیرخنده:

— ولی خانم وحدتی... ببخشین... پروین خانم... من نمیدونم کجا بریم. چون اصلا نمیدونم واسه‌چی داریم میریم.

خانم وحدتی باو خیره شد... بعد دوباره نگاهش را دوخت به‌جلو... زیرلب گفت:

— ببین اکبرآقا، من تو زندگیم همه‌چیز دارم، خیلی ها هستند که دلشون میخواد حتی یکساعت با من حرف بزنن.

اکبرآقا آرام برگشت و او را نگاه کرد. کمی کفری شده بود. زل زد توی چشمهای خانم وحدتی و خانم وحدتی بدون توجه به نگاههای اکبرآقا ادامه داد:

— امروز ازت خوشم اومده. حتی راجع باین جریان با پدرم صحبت کرده بودم، گفتم که چقدر آقائی او هم خیلی خوشحال شد. خواستم اینو بدونی که من دختر بی‌سروپائی نیستم. خیلی هم به این نوع مسایل حساسیت دارم، ولی تو آنقدر خوب و مهربون بودی که من دلم خواست حتی برای یک بعدازظهر هم که شده با تو باشم.

اکبرآقا دیگرحرفی نزد. داشت فکرمی کرد حالا یک دخترپولدار کنارش توی اتومبیل نشسته بود، و می‌گفت که پدرش هم از او خوشش آمده.

دست برد به جیبش که سیگار دربیاورد... سیگار نداشت. خانم وحدتی بسرعت پاکت سیگار را جلوی دستش گذاشت. اکبرآقا سیگاری روشن کرد. پک محکمی زد، احساس کرد هنوز دست و پایش میلرزد. درحالیکه سعی میکرد خودش را کنترل کند گفت:

— می‌بخشین پروین‌خانم... من نمیدونم کجا بریم.

خانم وحدتی یکدفعه با خوشحالی خندید و دست اکبرآقا راگرفت.

— نگفتم... نگفتم چقدر آقائی... فقط میخواستم ببینم تا کجا پیش میری خیلی خوب، حالا دور بزن، از هر طرف که من گفتم برو. تو امشب مهمان منی.

اکبرآقا زد روی ترمز و درحالیکه میخواست دوربزند گفت:

— کجا مهمون شما هستم! از کی تاحالا به خانـــم به آقا رو مهمون میکنه؟!

خانم وحدتی با خنده جواب داد:

بقیه درصفحه ۸۹

جعبه‌های شاد بنفشه

نوشته: شهناز نبی

صبح که‌شد بنفشه باصدای‌گرفته پدر و مادرش از خواب پرید، هفته ها بود دیگه در خانه قشنگشان صدای خنده مامان وحرف‌های بابابگوش نمیرسید، بنفشه‌نمیدانست آنهاچرا ساکتند، بنفشه کوچک بود، دلش میخواست باباومامان مانندگلهای قشنگ باغچه خانه‌شان شاد وخوشحال باشند ولی‌مدتی میشد بابا و مامان بیرون نرفته بودند. بابا از راه که‌میرسید به‌اتاق خودش میرفت ومامان‌گاه وقت‌ها میشد که بنفشه رابغل‌میکرد ووقتی او را میبوسیدگریه‌اش‌میگرفت.

بنفشه نمیدانست مامان چراگریه میکند، تاآن روزصبح رسید، صبح غمگینی بود، مامان وبابا هردولباس پوشیدند، حتی یادشان رفت‌به بنفشه کوچک وقشنگ مثل هرروز صبحانه بدهندمامان لباس او راپوشانید وسه‌تائی باهم رفتند بیرون، بنفشه تعجب کرده بود ولی هروقت میخواست‌سؤال کند، چهره‌غمگین باباومامان نمیگذاشت حرف بزند.رفتند به‌یک ساختمان بزرگ که‌پربود از آدم های مختلف بنفشه تعجب‌زده بود، اینهمه پاسبان وآدمهای کوچک وبزرگ‌اینجا چکار میکنند. بعدمردی که‌پشت میزنشسته بودورقه‌ای را نوشت و باباومامان زیرآنرا امضاء کردند. آنهاآمدند بیرون، بابانگاهی به‌بنفشه انداخت. درحالیکه میلرزید‌او را بوسید وزیرگوشش گفت:

— بنفشه‌جان برای مامان بچه‌خوبی باش، من‌ناچارم به‌مسافرت برم. جمعه ها میام باهم‌میریم میگردیم، اگر دختر خوبی باشی برات سوغاتی های‌قشنگ میارم.»

بنفشه بغض کرده بود. دست بابا را گرفت وگفت:

— اگه میری مسافرت خوب من روومامان روهم باخودت ببر. مادلمون برات تنگ‌میشه».

بابانگاهش رابه‌مامان دوخت وگفت:

— ببرش، مواظبش باش.

مامان اصلا حرفی‌نزد، بنفشه دید که بابابطرف دیگری رفت. باناراحتی گفت:

— باباکه هیچوقت مارا تنها نمیگذاشت.

مامان او را بوسید وگفت:

— دخترم توکم کم بزرگ‌میشی.

بایدعادت کنی.

— عادت به‌چی؟

— عادت باینکه زندگی همیشه یک‌جور نیست. خوب بعضی وقتا مامان ویابابامسافرت میرن، توهم‌وقتی بزرگ‌شدی خودت تنهائی به مسافرت میری بنفشه دیگر حرفی نزد. رفتند به‌خانه. درخانه سکوت بود وتنهائی،

بقیه درصفحه ۸۸

سرانگشت های منتظر...

با این بزنم چکنم؟

کارگران

در یک شب سرد زمستان شروع شد.شبی که مادرم، عزیزترین موجود دنیا را از دست دادم.

شام خورده بودیم. داشتم به اخبار گوش میدادم که مادر باز بی‌قرار شده بود. مرتباً توی حیاط میرفت و برمیگشت. رادیو را خاموش کردم و از مادرم پرسیدم:

—چیه؟

—هیچی، دلم بدجوری درد میکنه.

فکر کردم که چه باید بکنم؟ چرا که در سه سالگی پدرم را از دست داده بودم و این مادرم بود که همه بدبختی های دنیا را تحمل می کرد تا به من بد نگذرد. تنها فکری که بنظرم رسید کمک گرفتن از تنها عمویم بود.

البته مادرم رضایت نمیداد، ولی بالاخره اورا راضی کردم. کفشهایم را پوشیدم و در سوزو سرمای شب، روی برفها شروع کردم بدویدن. عمویم لباس پوشید و با من براه افتاد. دلم خیلی بی‌تابی میکرد. وقتی درخانه را باز کردم و مادر را برای همیشه خفته یافتم زانویم خم شد و در بهت فرو رفتم. پس از یکساعت که از آن حالت بیرون آمدم ، احساس کردم وجودم آب می‌شود واز چشمهایم بیرون میریزد. عمویم دلداریم میداد و می گفت:

—« پسرجان همه رفتنی هستیم. منم که نمردم. تاعمر دارم از تو نگهداری می کنم .»

پس از آنکه مادر را بخاک سپردیم ، اندک اثاثیه باقیمانده‌اش را به همسایه بخشیدم . تنها کتاب‌ها و لباسهایم را برداشتم و راهی منزل عمویم شدم. بر خلاف انتظارم پذیرائی خانواده عمو از من خیلی گرم بود و مهربانیهای بسیار زن عمو احساس کمبود مادر را تا حدودی جبران می کرد.

زندگی درخانواده چند نفری عمویم و درس ومشق، دوباره شوق زندگی را درمن بیدار کرد. عصرها که از مدرسه برمیگشتم ، احساس میکردم بسیار شاد وخوشبختم . شوقی در من پیدا شده بود که هرگز قبلا آنرا تجربه نکرده بودم . وجودم از عنصر دیگری پر شده بود . خودم ، تنها خودم نبودم ، کس دیگری با من بود، بامن می‌خندید ونفس می کشید.

طولی نکشید که فهمیدم اینگونه بودن یعنی عاشق بودن.

آنچنان خود را وابسته به آن «من» دوم میدیدم که دیگر راه گریزی نبود.

آن «من» دوم ، فرخنده دختر کوچک عمویم بود. همیشه درسهایمان را با هم و به کمک هم می‌خواندیم و وجود او باعث شده بود که همه اطراف خود را خوب ببینم ، ولی اینکه او نیز مرا دوست داشت یا نه ، عذابی بود که شب هنگام همیشه مرا به بی‌خوابی وجدال می کشانید ، تا اینکه تصمیم گرفتم از احساسم با او حرف بزنم.

می‌ترسیدم ، فکر میکردم اگر او از عشقی که من می گویم واقعاً بی خبر باشد ، چه خواهد شد ؟ اگر پس از ابراز این چنین علاقه‌ای مرا از خود براند باید چه میکردم . باید آن خانه را ترک می‌گفتم ، زیرا عمویم و بخصوص دو پسر عمویم بسیار متعصب بودند و چنین حادثه‌ای ممکن بود باعث بروز فاجعه‌ای بزرگ شود.

بالاخره دل بدریا سپردم و در یک روز تعطیل که به یکی از باغهای اطراف شهر رفته بودیم ، با صدای لرزان ونگرانی بیشتر از حد گفتم:

—« میدونی یه چیز خیلی مهمی رو میخوام بهت بگم.»

—« خوب، بگو»

—میدونی «آخه این از اون حرفهاست که باین سادگی نمیشه گفت ، ولی بخدا هرچه که میگم ، راسته وهیچ دوز و کلکی درش نیست.»

—« خوب بگو دیگه»

احساس میکردم کلمات توی گلویم گیر میکنند. از آنهمه حرف که توی مغزم حاضر و آماده داشتم ، خبری نبود.

تمام کلمات را جز یک «دوستت دارم خیلی زیاد» فراموش کرده بودم.

اصلا نمی‌دانستم لحظات چگونه میگذرند. آرزومیکردم که جواب مساعدی بشنوم. بالاخره او درحالیکه صدایش به سختی میلرزید ، گفت:

—«منم دوستت دارم. منم خیلی زیاد دوست دارم. خیلی بیشتر منتظر بودم اینو بهم بگی. یه چیزی تودلم بهم میگفت منو دوست داری.»

نمی دانستم که این همه خوشبختی را چگونه هضم کنم. دلم می‌خواست فریاد بزنم و به تمام دنیا اعلام کنم. که‌ای مردم، اومرا دوست دارد.

میخواستم تا آخر دنیا بخندم . میخواستم تا انتهای زمین بدوم . میخواستم همه کار بکنم، هر کاری که بشود .

آنچنان نیرومند و شاد بودم که قادر بودم کوه‌های بلند را جابجا کنم یا از بلندی آنها به پرواز در آیم . صدای زیبای فرخنده مرا بخود آورد :

— « فکر می کنی بتونی منو واسه همیشه دوست داشته باشی ؟ »

—« قول میدم، شرافتمندانه قول میدم . »

از آن پس زندگی برایم شور و نشاطی بود که صبح با طلوع خورشید آغاز می‌شد وشب با رؤیاهای شیرین در رختخواب آرام میگرفت . تحصیل برایم ضروری شده بود، چرا که آرزو داشتم هرچه بیشترو بهتر تحصیل کنم تا فرخنده درآینده بوجود من افتخار کند ...

کلاس سوم دبیرستان را تمام کردم و درنتیجه برای ادامه تحصیل مجبور بودم شهر کوچکمان را ترک گویم . ترک کردن شهری که فرخنده در آن بود و از هوای آن استنشاق میکرد، کار آسانی نبود . تابستان آنسال برایم جهنمی بود بی‌انتها . هرروز آرزو میکردم افکارم را انتهائی بود و هرروز برایم سالی می‌نمود . هرچه میکردم از هجوم افکارگونه گون خلاص شوم نمی‌شد . از آنجا که در مسائل عاطفی، تعقل و تفکر هیچ نقشی نمی‌تواند داشته باشد، گرفتن تصمیم برایم عذابی بود .

مهم این بود که می‌بایست از فرخنده جدا شوم، ولی چگونه می‌توانستم او را بدون هیچ امید و پشتوانه‌ای رها کرده و بروم ؟...می گفت:

— « میدونی که پدر و برادرم چقدر متعصبند . اگر کسی بیاد خواستگاریم، من چی بکم . میدونی که چه آبروریزی بپا میشه ؟ »

تنها کسی که می‌توانست به من کمک کند، زن عموی مهربانم بود . پس از آنکه بتمام حرفهایم گوش کرد، درحالیکه قطره اشکی در گوشه چشمهایش جمع شده بود، گفت :

— « منکه از خدا می‌خوام فرخنده شوهری مثل تو داشته باشه . با عموت صحبت میکنم . حتماً اونو راضی میکنم که به اینکار رضایت بده.»

با این ترتیب در یک روز خوب شهریورماه من و او با هم نامزد شدیم .

چیزیکه آرزوی هردوی ما بود و رؤیاهای ما جای بسیار بزرگی داشت . و اینگونه، نامزدم و شهرم را ترک گفتم .

شهر تهران با تمام بزرگی و زیبائی‌هایش برایم لطفی نداشت . تنها کسی که دوست داشتم ببینم فرخنده بود و می‌دانستم که او اینجانیست و هیچگاه نخواهد بود .

مشکلات تحصیل و زندگی شهری تاحدی مرا به خود مشغول کرد و کم کم هوای تمیز شهرمان را فراموش کردم، قیافه مردمانش را و مادرم، ولی فرخنده استثناء بود . بازهم به امید او فقط زنده بودم . بامید او درس می‌خواندم، میآمدم، می‌رفتم. روزها به کندی می گذشت و زندگی شهری نیز برایم بی‌مزه و لوس شده بود توی کلاس گاهی چرت میزدم . نمراتم به ترتیب قوس نزولی طی می کرد و روحیه ام هرروز بیشترو بیشتر می‌پژمرد .

تااینکه یک روز غروب کسی را دیدم که نمی‌توانستم چون همیشه از کنارش بی‌تفاوت بگذرم . دختری با موهای سیاه و لبخندی بخشنده وشاد . بمنزل که رسیدم ، درحالیکه به کتابهایم نگاه میکردم به تبسم آن دختر می اندیشیدم و به فرخنده که درشهرمان به انتظار نشسته بود.

روز بعد بدون اراده احساس کردم می‌خواهم دوباره آن لبخند را ببینم . درست نمی‌دانستم آنچه مرا بخود می‌خواند، آن لبخند بود یا صاحبش، ولی حس میکردم که نیاز عجیبی قدمهایم را کند می کند و براه همیشگی می کشاند . از دور آمد، دیدمش، دیگر بی‌تفاوت نبودم . آن شوق مرده دوباره در من زنده‌شد . لبخندش را جواب دادم وشاد به‌منزل رفتم . روزها و هفته‌ها گذشتند و آن لبخند برایم چیزی شد که مجبور شدم به این فکر کنم که نامه هایم به فرخنده ازواقعیت بدوراست .

ولی با همه این ها، هنوز دوستش داشتم، احساس میکردم قلبم که یک تکه بود و فقط با فرخنده بود، حالا بدونیم شده است . یک نیمه‌اش مال دخترعمو و نیمه‌دیگرش از بیم و امید پرشده بود .

گذشت هفته‌ها بطول انجامید و من هرروز بیش از روز دیگر از آن لبخند به شوق آمدم روزها به انتظار او می‌گذشت وشبهایم درجدالی رنج آور طی می‌شد. جدال برای اینکه نمی‌دانستم چه باید کرد . احساس می کردم که او نیز فقط میخواهد برای من و به خاطر من بخندد وتنها وجود من است که او را به شادی می کشاند. یک روزنامه‌ای بمن داد که در آن نوشته بود :

« آنچنان دوستت دارم که اگر تو نباشی من نیز نیستم . به عشق تو یقین کامل دارم . دیگر نمی‌توانم در بستری که تو در آن نباشی شب را به صبح برسانم . با پدرو مادرم حرف زده‌ام و آنها در انتظار دیدن تو هستند . بیا و مرا سربلند کن ... »

نمی‌دانستم چه باید کرد . هر دو نیمه « من » بباد رفته بود . دیگر خودم چیزی نبودم که بتوانم حاکم برخود باشم . کسی را که دوست داشتم وعشقش سالها مراگرم کرده بود، کسی بود که نامزد من بود . کس دیگری هم بود که لبخندش برایم شادی‌آفرین و زندگی‌ساز بود و نیمه‌ها گریخته بودند و هر نیم بسوی کسی میرفت که با دیگری کاملا غریبه بود، درمانده بودم که چه کنم . روزهایم مبدل به انتظاری کشنده شده بود و شبهایم شبهای غمگینی که سراسر فکر بود براینکه چه بایست کرد . چگونه می‌توانستم نامزدم را که هنوز دوستش داشتم، ترک گویم، درحالیکه عمویم و پسرهایش نیز بودند که کارمن برایشان حتماً نابخشودنی بود.

تابستان فرصت مناسبی بود که صاحب

بقیه درصفحه ۵۹

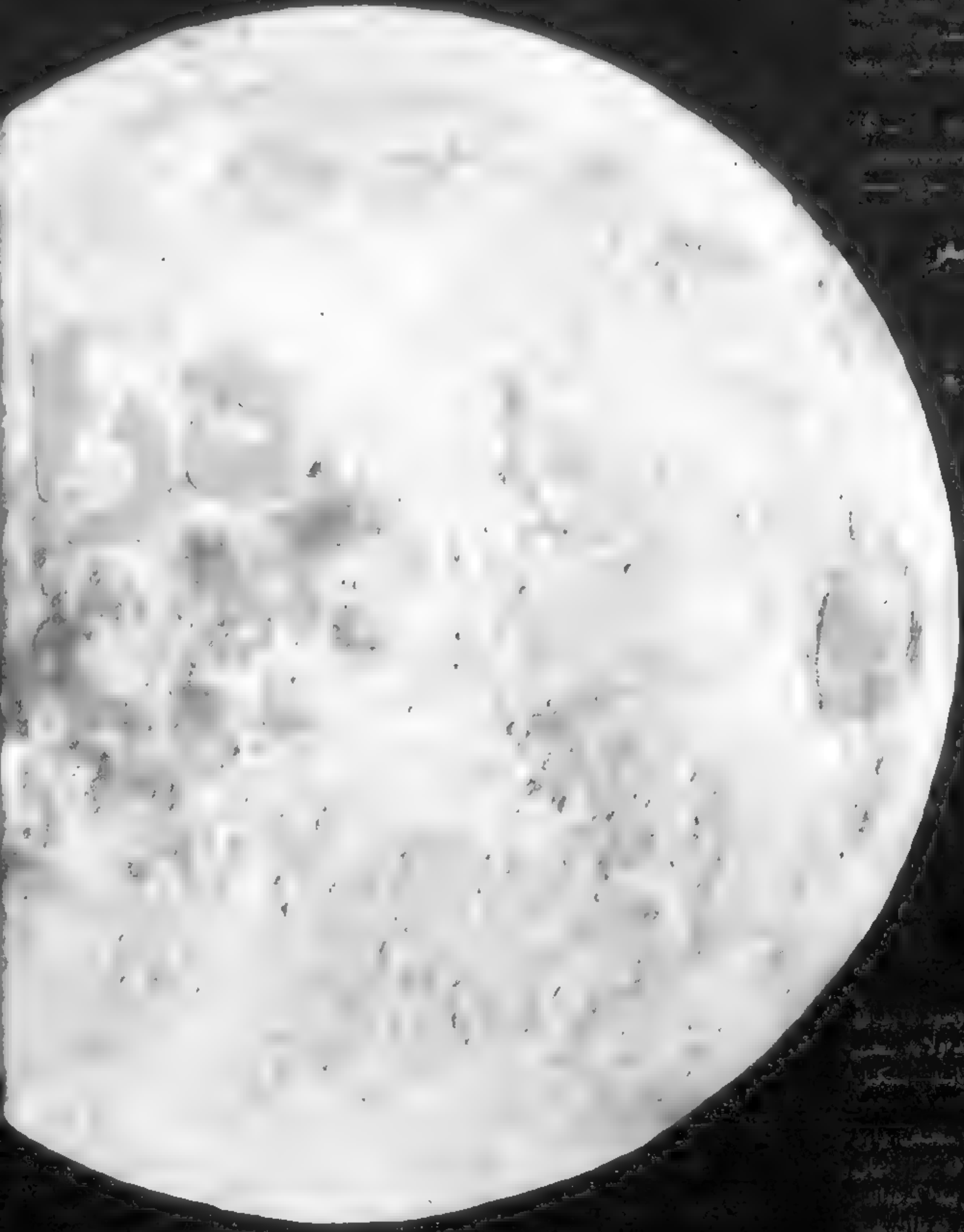

جو این از سه قسمت: درون‌سپهر، استراتوسپهر و یونوسپهر تشکیل شده است.

هسته این ... از آهن و نیکل مذاب تشکیل شده ... میل ضخامت دارد.

عمق کره زمین بیشتر از ۴۰۰۰ مایل است!

حرارت هسته زمین که بیش از ۵۰۰۰ درجه است با حرارت خورشید برابر است!

اعماق کره زمین چه خبر است؟

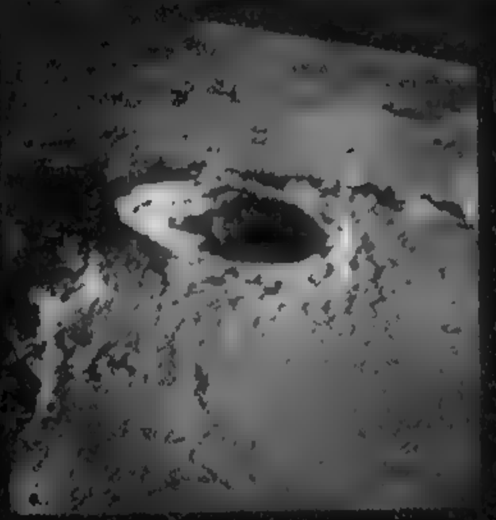

بقیه در صفحه ۸۹

درفش سیاه

سرداران

نوشته‌ی: فرناد

ایران و ایرانی در بیش از سه هزار سال تاریخ تمدن و دو هزار و پانصد سال تاریخ شاهنشاهی خود پیوسته مستقل بوده و هرگز در برابر بیگانگان سرفرود نیاورده و تسلیم نشده است. درست است که حدود دویست سال سلوکیه و اسکندریان در ایران حکم راندند و نزدیک دو قرن عمال عرب بر ایران مسلط بودند، اما حتی در این دوره‌ها ایرانی تسلیم نشده، نفوذ خود را بر حکومت اعمال کرده و بر دشمن تأثیر سازنده‌ای گذاشته است نمونه‌اش خلافت عباسیان است که از نظر فکر و سیاست زیر سلطه‌ی ایران و ایرانی بودند.

در دوره‌های بعد، مغول، تیموریان، افاغنه هرکدام مدتی بر کشور ما تسلط یافتند و خرابی‌هایی بوجود آوردند و لطمه‌هایی به هنر و تمدن ایران زدند اما هیچکدام نتوانستند تسلط کامل بر سرزمین آریاها پیدا کنند و سرانجام نیز در تمدن این سرزمین مستهلک شدند و بدست سرداران دلیر ایرانی از این سرزمین رانده شدند و یا محو و نابود گردیدند و باز ایران و ایرانی با افتخار سر بلند کرد و به پیشرفت فرهنگی خود ادامه داد و آثار خلاقه‌ی فرهنگ خود را در جوامع بشری نفوذ داد و بجا گذاشت.

* * *

حمله اعراب، به ایران و تمدن و فرهنگ این سرزمین صدمه‌ی زیادی زد و با آنکه انوار درخشان تعلیمات پیامبر بزرگ محمدبن‌عبدالله «ص» را بر سرزمین ما تاباند و راه تازه‌ای برای پیشرفت‌های فکری و فرهنگی ایرانیان گشود، اما خودخواهی‌های عمال جاه طلب و بی‌تمدن حکومت‌های تازی، بویژه خلفای بنی‌امیه — که اسلام را نیز ملعبه‌ی خود ساخته و همگی غرق فسق و فجور بودند — خرابی‌های جبران ناپذیری در ایرانزمین ببار آورد.

بعد از فاجعه‌ی نهاوند که در سال ۲۱ هجری اتفاق افتاد و ایران را حیطه تاخت و تاز اعراب بدوی ساخت، حدود یک قرن تمام سیاست برتری جویانه عرب در ایران حکومت کرد و بخصوص در دوره امویان ظلم و ستم و فسق و فجور عمال عرب سراسر سرزمین ما را دچار رکود، فتنه، خرابی و بدبختی کرد... اما عمر این دوره‌ی نکبتبار سرانجام به سر رسید و ایرانی تسلیم ناپذیر چون آتشی که زیر خاکستر گسترش و توان یابد، لحظه به لحظه نیرو گرفت و یکباره زبانه کشید و نخست بساط فساد و شهوترانی بنی‌امیه را سوزاند و نابود کرد و بعد تا محو کامل آثار حکومت‌های عربی در ایران ادامه یافت.

این قیام و نهضت بزرگ ایرانیان را که بیش از یک قرن طول کشید مردان دلیری از سرزمین ما رهبری کردند که در واقع سرداران استقلال ایران هستند پیشگام این نهضت بزرگ و پیشرو این سرداران استقلال ابومسلم خراسانی است و سرداران دیگری چون سنباد، استاذسیس، مقنع، مازیار، بابک‌خرم‌دین و یعقوب‌لیث صفاری ادامه دهنده‌ی راه او هستند، راهی که به استقلال کامل سرزمین ایران انجامید.

داستانهایی که از این شماره تقدیم کارگران عزیز میشود شرح زندگی و مبارزات این سرداران بزرگ استقلال ایران است که امیدوارم مورد توجه خوانندگان گرامی و ستاخیز کارگران قرار گیرد.

در زندان غژغژ کنان روی پاشنه چرخید، باز شد، سه نفر را هل دادند وسط زندان و در را با سروصدا پشت سرشان بستند.

سه زندانی تازه که روی زمین رها شده بودند، مدتی بهمان‌حال ماندند و سپس سربلند کردند، زندان چنان تاریک بود که زندانیها حتی صورت همدیگر را نمی‌دیدند. اینجا در واقع سیاهچال نور و تاریکی بود که فقط از یک روزنه‌ی کوچک — که نزدیک سقف قرار داشت نور و هوای کمی داخل آن می‌شد.

مدتی طول کشید تا چشمان زندانیان به تاریکی عادت کرد و آنگاه از جا برخاستند و بمعاینه اطراف پرداختند تا ببینند کجا هستند و آیا جز آنها کس دیگری هم در این سیاهچال زندانی است یا نه.

محوطه سیاهچال چندان بزرگ نبود و آنها با یک بار دور خود چرخیدن همه‌جا و همه‌چیز را دیدند و از مشاهده‌ٔ جوانی که نیمه برهنه ساکت و آرام درگوشه‌ای نشسته بود حیرت کردند وبسوی او رفتند و یکی از آنها که پیرتر از دیگران بود در کنار جوان زانو زد و پرسید:

— تو کی هستی پسرم؟

جوان بدون آنکه نگاهی به او بیفکند گفت:

— شما کی هستید؟

سه مرد نگاهی رد و بدل کردند و چون در همان لحظه متوجه شدند که پاهای جوان زنجیر بسته اند یکی از آنها با تعجب گفت:

— چرا پاهایت را بزنجیر بسته اند؟

جوان با همان آرامش و خونسردی گفت:

— شیر را از زنجیر عار نباید!

مرد پیر با علاقه‌مندی گفت:

— معلوم میشود تو از جوانان شجاع عرب هستی!

جوان با خشونت گفت:

— نه! من ایرانی هستم!

مرد پیر با مهربانی گفت:

— چه بهتر! از کجای ایران؟

— از سرزمین خراسان...

مرد پیر خواست دوباره سؤالی بکند اما ترسید باز جواب سربالا از جوان بشنود و بنابراین از سؤال منصرف شد و خود چنین به سخن پرداخت:

— ببین پسرم، اسم من سلیمان‌بن کثیر است و این دو تن از یاران من هستند. ما از خراسان می‌آییم و مقصدمان مکه است.

— پس در زندان چه می کنید؟

— ما دشمن بنی‌امیه و از دوستان ابراهیم امام هستیم. ما در خراسان مردم را به دوستی ابراهیم امام و سرپیچی از اطاعت امویان دعوت می کنیم. بهمین‌دلیل هم وقتی به کوفه رسیدیم ما را گرفتند و زندانی کردند.

— من چیزهایی درباره‌ٔ ابراهیم امام و داعیان او شنیده‌ام...

— او از قوم بنی‌هاشم و از فرزندان عباس عم حضرت پیغمبر است. او میخواهد یکبار، خلافت را از بنی‌امیه بگیرد و مردم را از ظلم و ستم فرزندان معاویه نجات دهد.

جوان با خشم دندان بهم فشرد و گفت:

— اگر از این سیاهچال رهایی یافتم میدانم چگونه نسل این بنی‌امیهٔ ستمگر را از روی زمین بر کنم و وطنم را از شر آنها خلاص کنم.

سلیمان بن کثیر با خوشحالی گفت:

— تو جوان دلیری هستی. اگر با ابراهیم امام عهد دوستی ببندی همهٔ مسلمانان ترا یاری خواهند داد...

— که چه کنم؟ یک عرب را جانشین عرب دیگر بکنم؟ نه، عربها لیاقت حکومت بر ما را ندارند... حکومت و پادشاهی شایستهٔ ایرانیان است.

سلیمان ساکت ماند و یکی دیگر از دوستانش گفت:

— فکر می کنی به تنهایی کاری از تو ساخته است؟

— من تنها نیستم، تمام ایرانیان همراه من خواهند بود.

— ممکن است، اما اسلام چی؟

جوان ساکت ماند و جوابی نداد. لحظه‌ای به سکوت گذشت و بعد سلیمان‌بن کثیر پرسید:

— لباست کو؟ چرا برهنه‌ای؟

— لباسم را عرب های وحشی پاره کردند!

سه مرد عرب دندان به لب گزیدند و سلیمان‌بن کثیر با احتیاط گفت:

— چرا این کار را کردند؟

— برای اینکه نخواستم زیربار ظلم بروم نخواستم باج بدهم..

جوان لحظه‌ای سکوت کرد و گفت:

— من سراجم، زین و یراق و برگه اسب می‌سازم. در دکان عیسی سراج کار می کنم. نمیدانید این عمال و کارگزاران حکومت اموی چه جور و ستمی به مردم می کنند. هر روز یکی از آنها با یک اسب لخت دم دکان ما می‌آمد و بدون اینکه حرفی بزند، زینی را برمی‌داشت و پشت اسبش می گذاشت و می‌رفت. یکبار عیسی اعتراض کرد اما چنان با مشت به دهنش کوبیدند که دوتا از دندانهایش خرد شد و تهدید کردند که اگر یکبار دیگر حرفی بزند می‌اندازندش سیاهچال که همه عمرش را در آنجا با نکبت و گرسنگی بپایان رساند. بعد از آن دیگر عیسی از ترس دم نمی‌زد و من هم هربار میخواستم اعتراضی بکنم جلوم را می گرفت و می گفت:

— غم نکن پسرم! بگذار ببرند! خدا بزرگ است، همیشه که اینجوری نمی‌ماند!

دلاوران ایران

استاد بیچاره‌ام هست و نیستش را از دست می‌داد و دیگر چیزی نمانده بود که بکلی از زندگی ساقط بشود و دکانش را ببندد و بیفتد به گدایی...

یکروز من در دکان تنها بودم. باز یکی از نوکران خلیفه با یک اسب لخت آمد جلو دکان و بدون اینکه اعتنائی بمن بکند، دست برد و زینی را از کنار در دکان برداشت. من که دیگر بیقرار شده بودم، جلو رفتم و زین را از دستش گرفتم و مشتی بصورتش کوبیدم که تلوتلوخوران رفت و افتاد وسط بازار... با خشم بلند شد و جلو آمد امانش ندادم و مشت دیگری به دهنش کوبیدم. او شروع به داد و بیداد کرد و چند مأمور حکومت به کمکش رسیدند و از چند طرف مرا گرفتند و کشان کشان بزندان آوردند و در اینجا زنجیر به پاهایم زدند. لباسهایم در کشمکش با این وحشیان پاره‌پاره شد و از تنم ریخت.

سلیمان با تحسین گفت:

— آفرین به شجاعت و دلاوریت پسرم! من ترا از اینجا نجات می‌دهم و به خدمت امام می‌برم...

— اگر خودتان رهایی یافتید!

سلیمان خندید و گفت:

— به من اعتماد کن پسرم... ما مدت زیادی اینجا نمی‌مانیم. دستگاه خلافت فاسدتر

بقیه در صفحه ۸۹

ساعتی در میان خانواده کارگر

دنیای غرور آفرین خانواد

برای یک خانواده کارگری داشتن ۲ فرزند کافی است.

«عبدالکریم ابراهیمی» ۲۹ ساله کارگر کارخانه ایران‌ناسیونال ازدواج کرده و دو کودک به‌اسامی حسن و ثریا دارد که به‌ترتیب دوسال نیم و ۵ماهه هستند. شش کلاس درس خوانده و در حال حاضر در کلاسهای شبانه زبان انگلیسی می‌خواند. ماهانه ۲۰۰۰ تومان حقوق میگیرد. در یکی از خانه‌های چهاراطاقه سازمانی که در محوطه بسیار بزرگی قرار دارد زندگی می کند. ماشین کوچکی به‌اقساط خریده که برای پرداختن اقساط آن روزانه چندساعت اضافه کارمیکند.

ابراهیمی روحیه بلند پروازی دارد و مصمم است رشته مهندسی را دنبال کند. بزرگترین آرزویش داشتن هواپیمای شخصی است و خودش ایمان دارد که در نتیجه سعی و کوشش بالاخره به آرزوی خود خواهد رسید.

*«ابراهیمی» به‌ورزش کوهنوردی، تأتر و موزیک و سینما عشق می ورزد

نسرین نادرشاهی

ساعت چهارونیم بعدازظهر است در اطاق روشن و آفتابگیر خانه ابراهیمی به پشتی تکیه میدهم خانم ابراهیمی در حالیکه قسمتی از صورتش را با چادر پوشانده یکسینی چای جلوی مامیگذارد.

حسن پسربچه بسیار شلوغی است و لحظه ای آرام ندارد. پدر در این باره توضیح میدهد، عصرها که از کارخانه برمیگردد، باید یکی دوساعت با حسن بازی کند از اینکه وقت بازی پدر و پسر را گرفته‌ام عذرخواهی می کنم واز ابراهیمی می‌خواهم از سوابق کارش، اززندگی و آرزوهای بزرگش و از هرچه می‌خواهد حرف بزند. لحن گفتارش بسیار جدی است ولی در بکارگرفتن لغات انگلیسی نیز کوششی دارد.

*از تراشکاری تا سرپرستی گروه

ابراهیمی درآغاز می گوید:

«بعداز اینکه تصدیق کلاس ششم ابتدائی راگرفتم با حقوق روزانه یک تومان در یکتعمیرگاه تراشکاری مشغول کار شدم. درحقیقت من پادوی مغازه بودم ولی بخاطر علاقه زیادی که به یادگرفتن داشتم لحظه‌ای چشمم را از دست استادم برنمیداشتم. پس ازگذشت چندماه چیزهای زیادی از تراشکاری آموخته بودم. یک روز از غیبت استاد استفاده کردم و یک کمی از کارهای نیمه تمام او را بپایان رساندم. این عمل باعث شد که عذرم را از آن مغازه بخواهند.

بااینکه استاد عقیده داشت کار را به‌نحو احسن انجام داده‌ام ولی ترجیح میداد شاگرد فضول نداشته باشد. خوشبختانه این مسئله ضربه‌ای برای من نبود چراکه کار یادگرفته بودم و یکی دو روز بعد در یک تراشکاری دیگر مشغول کارشدم و سالها در کارگاه‌های کوچک و بزرگ کار کردم تا اینکه در کارخانه ایران ناسیونال استخدام شدم. وقتی از او می‌پرسیدم که چه مراحلی را طی کردید که حالا سرپرست یک گروه بیست نفری هستید باخنده جواب میدهد:

«من در تمام مدت عمرخود یک نوع دزدی کرده‌ام و آنهم دزدیدن کار بوده وقتی میدیدم کسی ازمن بیشتر میداند تمام کوششم این بود که دانستنی های اورا بدست بیاورم، گذشته از این خیلی با انضباط و باایمان بودم و همه اینها دست به‌دست هم دادند و وسایل ترقی مرافراهم کردند البته کار کنونی‌ام پایان آرزوهای من نیست. تصمیم دارم در کلاسهای شبانه نام ‑ نویسی کنم و بعد در رشته مهندسی ماشین آلات تخصص بگیرم و با پشتکاری که در خود سراغ دارم مطمئنم که خیلی‌زود به این آرزوی خود میرسم».

*ازدواج پرشکوه

چهارسال‌قبل یعنی زمانی که بیست‌وپنج سال داشتم به‌فکر تشکیل خانواده افتادم، چون مرد کار بودم و طبعاً اوقات فراغت زیادی داشتم از پدر و مادرم خواستم تا دختر نجیب و خانه‌داری را برای‌من درنظر بگیرند.

ناهید همسرم در همسایگی ما زندگی میکرد مادرم پیشنهاد کرد که به خواستگاری برویم و رفتیم و پسندیدیم و آنها هم مرا پسندیدند مراسم بله بران انجام شد. چند ماهی نامزد بودیم و بعد ازدواج کردیم خانواده زنم سی‌ ‑ هزار تومان مهریه پیشنهاد کردند و من بدون چون‌وچرا پذیرفتم.

من به این مسائل اهمیت نمیدهم ولی میدانستم که طرز تربیت و نحوه زندگی آنها ایجاب می کند که برای این تشریفات سنتی ارزش زیادی قائل باشند. جشن عروسی مفصلی نیز ترتیب دادم تا به اصطلاح سنگ تمام گذاشته باشم و جای گله و شکایتی باقی نماند البته مراسم عروسی، خودم را هم راضی میکرد چرا که فکر میکنم آدم در تمام مدت عمرش یکبار داماد می‌شود.

*تعداد کودک برای خانواده کارگر؛

ابراهیمی درمورد تعداد کودک برای یک خانواده کارگری می گوید: «من عقیده دارم دو بچه کافی است. بعد از ازدواج بلافاصله بچه‌دار شدیم و چون تمام کارهای من روی برنامه است و عقیده دارم که اختلاف سنی بچه ها باید کم باشد حسابمان را از نظر بچه با اجتماع تصفیه کردیم و پنج‌ماه‌قبل ثریا نیز به‌دنیا آمد.

اگر من و زنم بتوانیم از عهده تربیت این دو بچه برآئیم آدمهای موفقی بوده‌ایم، گناه مرد و زنی که بدون توجه به امکانات مالی و وقت کافی بچه به‌دنیا می‌آورند نابخشودنی است.

بچه وسیله سرگرمی نیست، بعضی ها فقط دلشان به‌این خوش است که بچه‌ای آنها را بابا صدا بزند، بدون اینکه فکر موجودات بیگناهی را که بدنیا میآورند بکنند، آنها را بدون هیچ مسئولیتی رها می کنند و بعد که نتوانستند احتیاجات مادی ومعنوی آنها را برآورده کنند به زمین وزمان بد می‌گویند. از بخت واقبال گله می کنند، اجتماع را مقصر میدانند و در نتیجه یک زندگی جهنمی برای خود و خانواده ایجاد می کنند غافل ازاینکه تمام گناهان آنها متوجه بی‌فکری خودشان است.

* سرگرمی ها و تفریحات خانوادگی

خانم ابراهیمی در مورد سرگرمی‌ها و تفریحات خانوادگی می‌گوید: من فقط علاقه دارم گهگاهی به‌دیدار اقوام و دوستان بروم و بیشتر ترجیح میدهم که ساعات بی کاری را به حرف زدن درباره آینده و تعلیم و تربیت بچه ها بگذرانیم.

اگر وقتی برایم باقی بماند به خیاطی میروم.

ابراهیمی دراین مورد معتقد است: «تفریح خاصی مورد نظر من نیست ولی چون به دیدن فیلم های خوب ازاوان کودکی علاقه داشته‌ام گهگاهی به سینما می روم البته فیلم فارسی هرگز نمی‌بینم چون مرا ارضاء نمی کند».

می‌پرسم «ممکن است بگوئید به چه سبکی علاقه دارید وچرا؟»

«ابراهیمی» در هفده‌سالگی با روزی ۱۰ ریال شروع بکار کرد و اکنون در کارخانه ایران‌ناسیونال ماهانه ... ۲ تومان حقوق می‌گیرد.

٥ عبدالکریم ابراهیمی

جواب میدهد : — « به فیلم های رئالیسمی ، واقع گرایانه) بشدت علاقمندم یعنی آن چیزی که قابل لمس ، قابل حس و قابل رؤیت باشد و برای پیدا کردن چنین فیلم هائی از نقد های روزنامه ها و مجلات کمک میگیرم . هر هنرپیشه‌ای که خوب بازی کند مورد علاقه من است و تعصب خاصی روی هیچکدامشان ندارم و اما در مورد خریدن تلویزیون به چند دلیل هنوز تردید دارم اول اینکه زنم مخالف است و دیگر اینکه پسرمن هنوز کوچک است و قدرت تشخیص ندارد نمی‌داند چه برنامه هائی را باید ببیند و می‌ترسم که بجای استفاده صحیح بد آموزی کند . متأسفانه من هم وقت کافی ندارم که کمکش کنم ، و از همه مهمتر اینکه خود من به ساعات استراحت بیشتری احتیاج دارم . مجبورم عصرها که بخانه میآیم استراحت کنم . تا فردا بتوانم بهتر کار کنم . دیدن برنامه های تلویزیونی نیروی مرا از بین می‌برد »

*** اختلافات زناشوئی قابل حل است؟**

از ابراهیمی می‌پرسم که با همسرش اختلافی دارد یا نه و اگر دارد چگونه آنرا حل می کنند؟

می گوید : — « بطور کلی هر ازدواجی که بدون آشنائی کافی انجام گیرد مشکلاتی به همراه دارد و مدتی وقت لازم است که از عقاید و افکار یکدیگر آگاهی پیدا کنند.

چون من و زنم قبل از ازدواج با هم معاشرت نکرده بودیم بالطبع از یکدیگر شناخت کافی نداشتیم و همین امر سبب میشود گهگاه اختلافاتی بوجود بیاید مثلا من از تنبیه بدنی بشدت بدم میآید ولی زنم بعضی اوقات بچه ها را کتک میزند.»

از خانم ابراهیمی می‌پرسم که چرا بچه ها را کتک میزنید؟

جواب می‌دهد : — « حسین خیلی شیطان است از دیوار راست بالا میرود هر که جای من بود همین کار را میکرد ، حرف سرش نمی‌شود ».

*** آمال و آرزوها**

حرف آرزو بمیان می‌آید ابراهیمی دراین بارەمیگوید : — « سؤال بسیار مشکلی است

چون آرزوهای بسیاری دارم که مطمئنم بهمه آنها دست پیدا میکنم ولی بزرگترین آرزویم داشتن یک هواپیمای شخصی است ، شاید این برای شما کودکانه جلوه کند ولی بهر حال آرزوی من همین است و آرزوهای دیگر اینکه بتوانم در رشته مهندسی ماشین‌آلات تخصص بگیرم و دیگر اینکه فرد مفیدی برای جامعه کارگری باشم ».

از خانم ابراهیمی در مورد آرزوهایش سئوال میکنم میگوید — « بزرگترین آرزوی من این است که همه به اصول اخلاقی و دینی پای‌بند باشند و آرزوهای دیگر من نیز در همین آرزو خلاصه میشود چرا که اگر مردم دین‌دار باشند نمی‌توانند کارهای بد انجام دهند ».

از خانم ابراهیمی می‌پرسم «شوهرش را خیلی دوست دارد ؟ »جواب اینست «بله »باز می‌پرسم که به خاطر این علاقه زیاد چه‌ها

بقیه در صفحه ۸۳

مادر

«اگرچه کور
اگرچه پیر
اگرچه خسته و بیمار
دعا کنیم که مادر صدا شود و بماند»

«از شعر بلند به یادها گفتم»
مینا

همه جا بود . توی هشتی ، توی دالان ، دم پاشویهٔ حوض ، دم درگاه اتاق و سر سجادهٔ نماز .

هر جا که پا میگذاشتیم او را میدیدیم . هیکل کوچک و ظریفش را در یک چادر کودری می پیچید و از صبح تا پاسی از نیمه شب می دوید. حیاط را آبپاشی میکرد ، به گلها آب میداد ، غذا می پخت ، رخت ها را می شست و گاه اگر فرصتی می یافت توی ایوان در کمرکش آفتاب می نشست و دو رشتهٔ حنائی رنگ گیسوانش را میگشود ، شانه میکرد و دو باره می بافت و روی شانه هایش می انداخت و باز دو باره کارهای خانه را از سر میگرفت.

یک لحظه آسایش نداشت . با اینهمه همیشه می خندید و همیشه مهربان بود .

نزدیکیهای غروب، که ما مشغول درس و مشق بودیم کمی گونه هایش را رنگ میزد و به انتظار پدر می نشست . پدر را که میدید لبهایش بخنده باز میشد . سلام میگفت و کت پدر را از دستش میگرفت و به جارختی می آویخت و بعد همانگونه ساکت و مهربان کنار سماور می نشست، برای پدر چای میریخت و پدر خسته از کار روزانه ، روزنامه عصر را میگشود و بی آنکه حالی از مادر بپرسد سرش را توی روزنامه فرو میبرد و میخواند تا مادر ما را برای شام صدا میکرد . سر سفره شام تنها جائی بود که همه دور هم جمع می شدیم اینجا نیز وظیفهٔ مادر حکم میکرد که شام همه را بکشد . وقتی او مشغول کشیدن شام بود ، پدر از درس و مشق ما می پرسید . ما از مدرسه حرف میزدیم . از معلمهایمان، از دوستانمان و پدر از ته دل می خندید و بعد از کارش حرف میزد و ما گوش میدادیم و آنکه همیشه در سکوت بما گوش میداد و هرگز در گفتگوی ما دخالت نمیکرد ، مادر بود .

شامش را از همه دیر تر میخورد . حتی از فاطمه کلفت مان نیز دیرتر . شام او را هم که میداد تازه خاطرش جمع می شد و بعد به شام می نشست . هرگز بیاد ندارم که او با ما هم لقمه شده باشد . بعد از شام نیز تا پاسی از نیمه شب، بکار می پرداخت . جای او همیشه در آشپزخانه و کنار اجاق بود .

تب چهل درجه هم که داشت توی رختخواب نمی ماند . همیشه می خندید و ما

هیچگاه جز درمواقع بیماری خودمان، گلهٔ او را از زندگی نشنیدیم واشکشش را ندیدیم . بیمار که میشدیم سرآسیمه و نگران میشد . دست و پایش را گم میکرد و مرتب گوشی تلفن دستش بود که حال مارا به پدر بگوید و از او کسب تکلیف کند. پدر جز خبر کردن دکتر کاری نداشت . دکتر که بخانه میامد مادر کمی آرام میگرفت، ودرعین نگرانی لبخندمیزد. وفقط درچنین مواقعی بود که مادر پر حرف میشد و پشت سر هم توضیح میداد که : زبانش بار دارد، کمی تب دارد، معدهاش سنگین است. خوابش نمیبرد. دیشب دم کرده گل گاو زبان خورده است. وآنقدرمیگفت که دکتر را خسته میکرد و ساعتی بعد که نسخهٔ دکتر پیچیده میشد و مادر دواهایمان را میداد نفسی تازه میکرد و رو بقبله می‌نشست و برای سلامت ما دعا میکرد. ما هر کدام سرمان بکار خودمان بند بود. از پدر که ازصبح تاشام دربازار بود تا برادر کوچکم که به کودکستان میرفت همه و همه درفکر خودمان بودیم. نه اینکه مادر را دوست نداشتیم. او همهٔ زندگی و هستی مان بود اما بفکرمان نمیرسید که مادرنیز با آنهمه قدرت و صلابت، احتیاجی به همزبان و حامی داشته باشد. چهره‌اش آنچنان گشاده بود که ما گمان میکردیم این اوست که میتواند و باید بما محبت بدهد، بارغم از دلهایمان بر دارد و به تسلایمان زبان بگشاید. و شاید تصورغلط ما باعث میشد که مادر هرگز از دردهایش با ما سخن نگوید و درد که شاید ابتداء کم و قابل تحمل بود شدید و شدید ترشد آنچنان که او را از پای درآورد و در بستر افکند. و تازه درآن زمان بود که ما به این فکر افتادیم که مادر نیز میتواند بیمارشود. او نیز به همدرد و همزبان نیاز دارد، او نیز حق دارد و باید که استراحت کند. و بعد وقتی که فهمیدیم مادر هم انسانی با نقطه قوتها و نقطه ضعف های ماست تلاش کردیم که به جبران محبت هایش بپردازیم.

دیگر عصر ها که از مدرسه باز میگشتیم به اتاقمان نمی‌رفتیم. میامدیم کنار بسترمادر و آنجا می‌نشستیم و برایش حرف میزدیم. از او سئوال میکردیم و با دقت به جوابهایش گوش میدادیم. پدر نیز با او مهربان شده بود ومحبتی را که درقلبش میگذشت با او درمیان میگذاشت.

هفته ها گذشت تا مادر از بستر برخاست اما اینبار ما دیگر آن آدمهای خود خواه نبودیم. بیماری مادر زنگ خطری برایمان بود. دیگر فکر نمیکردیم که مادر از آهن ساخته شده است، که محبت کردن وصبرو تحمل تنها وظیفه اوست.

و بعد خوشحالی از سرمان دست بر داشت و برای مادر نگران شدیم. تصوراین که مادر نباشد، مادر بمیرد و دیگر صدای مهربانش مارا بنام نخواند بند دلمان را پاره میکرد. از راه که میرسیدیم کتابهایمان را بگوشه‌ای میانداختیم و بسوی آغوش گشودهٔ مادر میدویدیم و او را بخود می‌فشردیم. میز را می‌چیدیم، از دست پختش تعریف میکردیم برایش هدیه میخریدیم کمکش میکردیم و دیگر از دردهایمان و مشکلاتمان با او سخن نمیگفتیم چرا که دریافته بودیم آن زن نحیف و کوچک اندام توانائی تحمل اینهمه غم را ندارد، که اونیز میتواند درهم بشکند و تمام بشود.

سالها بعد که مادر تمام شد و صدای مهربانش دیگر در هشتی خانه نپیچید و پدر، پیر و تنها در خانهٔ سوت و کور نشست تازه ما به ارزش واقعی اش پی بردیم.

شاید دیر دانستیم که تنها دوست واقعی در روزگار سخت بی مهری، مادر است و تنها اوست که صادقانه گوش میدهد. صادقانه می‌اندیشد، صادقانه میگرید و صادقانه پناه میدهد. اینست که می‌گویم دریغ از روزگار خوش مادر داشتن و اینست که می‌گویم دعا کنید که مادر صدا شود و بماند.

داستانهای شاهنامه

داستان آتش

به روایت: ن. همغانی

شاهنامه یکی از کتاب‌های بسیار مهم و ارزنده و از شاهکارهای بی‌نظیر ادبیات پارسی است که هر ایرانی میهن پرست و شاهدوست باید با این اثر بزرگ و داستان های افتخارآمیز و غرورانگیز آن آشنا باشد.

میدانید که حکیم ابوالقاسم فردوسی — که در شهر توس، از شهرهای خراسان، زاده شده و در قرن چهارم هجری می‌زیسته — یکی از بزرگترین شاعران ایرانی بوده و چنان به گذشته‌ی میهنش علاقه داشته که سی سال از عمر خود را صرف به شعر درآوردن داستان های حماسی و پهلوانی و شرح حال شاهان ایران کرده است.

ما، برای اینکه کارگران عزیز را با روح این شاهکار جاویدان ادب ایران و با داستانهای شیرین و هیجان انگیز آن آشنا کنیم، تصمیم گرفتیم که داستانهای شاهنامه را به نثر و بزبانی ساده، بصورت پاورقی، در رستاخیز کارگران چاپ کنیم.

این داستانها را از زندگی و پادشاهی کیومرث، نخستین پادشاه گیتی، آغاز می کنیم و تا پادشاهی یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ایران باستان — که آخرین داستان شاهنامه‌ی فردوسی نیز هست — ادامه خواهیم داد.

البته این، بدان معنی نیست که ما همه‌ی شاهنامه را به نثر درخواهیم آورد. نه، ما فقط داستانهای شاهنامه را برایتان نقل می کنیم و آنچه را که خارج ازمتن داستانها باشد حذف خواهیم کرد و یا درصورت لزوم به اختصار در چند کلمه یاد آور خواهیم شد مثلا نخستین داستانی — که در همین شماره — برایتان تعریف می کنیم **داستان آتش** است که شما طی آن با چگونگی پیدایش آتش در دوره‌ی **هوشنگ** و نیز با دوره پادشاهی و زندگی **کیومرث**، **سیامک**، **هوشنگ و تهمورس** آشنا می‌شوید.

امیدواریم این داستانها مورد توجه کارگران گرامی و خانواده آنان قرار گیرد.

درضمن، کارگران عزیز هرسئوالی درباره‌ی شاهنامه، شعرها و داستانهای آن داشته باشند می توانند به ما بنویسند و مطمئن باشند که به همه پرسشهایشان با دقت — درمجله و یا بطور خصوصی بوسیله مکاتبه — پاسخ خواهیم داد. روی پاکت قید کنید «مربوط به داستان های شاهنامه» تا زود بدست ما برسد.

—۱—

نخستین پادشاه جهان کیومرث بود. او مردی نیرومند و با هوش بود و نه تنها همه‌ی مردمان بلکه جانوران از شیر و پلنگ و گرگ و حتی مرغ ها و پرنده ها — نیز از او اطاعت می کردند.

کیومرث درمیان کوهها مسکن گزیده بود و خود و یارانش بعنوان تن پوش از پوست پلنگ استفاده می کردند. او پسری داشت بنام سیامک که بیش از همه‌ی دنیا دوستش می‌داشت.

در دوره‌ی پادشاهی کیومرث سراسر گیتی درصلح و آرامش بود و آدمها و جانوران در کمال آسودگی در کنارهم زندگی می کردند. کیومرث هیچ دشمنی نداشت جز اهریمن سیاهدل که بر او و آسایش و آرامشی که برقرار کرده بود رشک و حسد می برد.

اهریمن بچه دیوی داشت که بسیار دلاور و پر زور بود. او برای این بچه دیو سپاهی از دیوها گرد آورد و او را میان مردمان فرستاد تا بین آنها دشمنی بیندازد و آنها را بر ضد کیومرث تحریک کند.

***

سیامک روزی با چند تن از دوستانش در بالای کوهها گردش می کردند که ناگهان در دامنه‌ی کوهی چشمش به گروهی موجودات زشت و بد قیافه افتاد که دور هم نشسته بودند و صداهای ناهنجاری از خود در می‌آوردند. سیامک بدوستانش گفت:

— این ها کی هستند؟ من درعمرم موجوداتی چنین زشت و نفرت انگیز ندیده‌ام.

یکی ازدوستانش گفت:

— اتفاقاً چند روزی است که من می خواهم شما را از این راز آگاه کنم. مدتی است که گروه بزرگی از این موجودات در دره‌های آنسوی کوهها پیدا شده‌اند. آنها وقتی بمیان مردمان می‌آیند شکل و قیافه‌ی آدمی پیدا می کنند اما پهلوی هم که هستند این شکل زشت و نفرت—انگیز را دارند. من دورادور مراقب چند تا از آنها بوده‌ام. آنها با مردمان از کیومرث بدگوئی می کنند و مردم را به جنگ و دشمنی با هم تحریک می کنند. دیروز دو تن ازآنها چند نفر را بجان هم انداختند و اگر من و دوستانم نرسیده بودیم ممکن بود آنها با چنگ و دندان همدیگر را تکه پاره کنند.

سیامک با تعجب سرش را تکان داد و گفت:

— من فکر می کنم اینها دیوها و اهریمنان هستند که آمده‌اند آرامش و آسایش مردمان گیتی را بهم بزنند.

دوستش گفت:

— منهم همینطور فکر می کنم. سالار آنها دیو بچه ایست که هیکل یک گرگ بزرگ را دارد و بسیار زورمند و بیرحم بنظر می رسد.

سیامک گفت:

— باید پدرم را آگاه کنم و با اجازه‌ی او به جنگ این دیوها بروم. نباید بگذاریم این موجودات زشت صلح وآرامش را بهم بزنند.

سیامک از همانجا به کاخ پدرش رفت و بعدازآنکه دربرابر شاه سرفرود آورد گفت:

— پدر بزرگوارم! اجازه بدهید خبر بدی به شما بدهم!

شاه خندید و با مهربانی گفت:

— مگر در دنیای پر ازشادی و آسایش ما خبر بدی هم وجود دارد جز مرگ کسان که آنهم به اراده‌ی پروردگار است و از ما کاری ساخته نیست......

— اما پدر، سخن از پروردگار نیست. آنچه من میخواهم بگویم مربوط به اهریمنان است.

شاه بر تخت خود صاف نشست و پرسید:

— چی شده پسرم؟

— پدر، گروهی از دیوها و اهریمنان بمیان مردمان آمده‌اند و می کوشند تخم کینه و دشمنی را در دل مردمان بیفشانند. آنها روزها بشکل آدمیان همه جا راه می افتند و از شما بدگوئی میکنند و آدمها و جانوران را بجان هم می اندازند و شبها در دره‌های آنسوی کوهها گرد هم می‌آیند. درآنجا شکل و قیافه‌ی اصلی خود را دارند که بسیار زشت و نفرت انگیز است. سالار آنها دیو بچه‌ای زورمند است که باید دست پرورده‌ی اهریمن بزرگ باشد.

کیومرث لحظه ای فکر کرد و سپس گفت:

— تو می گوئی ما چه باید بکنیم؟

— پدر، شما بمن اجازه بدهید سپاهی گرد آورم و بجنگ این دیوها بروم و دنیا را از شر آنها خلاص کنم. باکی ازآنها ندارم و به یاری پروردگار بر آنان پیروز خواهم شد.

کیومرث مدتی ساکت ماند و آنگاه گفت:

— بسیار خوب پسرم، به جنگ دیوها و اهریمنان برو، خدای بزرگ یار و یاور تو باد!

وآنگاه رو به اطرافیان خود کرد و گفت:

— همه‌ی شما سیامک را در این جنگ بزرگ همراهی و یاری خواهید کرد.

***

سیامک سپاهی ازمردمان و جانوران گرد آورد و به جنگ دیوها رفت.

دو سپاه در برابر هم صف کشیدند و آنگاه سیامک که تن پوشی از چرم پلنگ پوشیده بود (درآن روزگار هنوز جوشن و زره وجود نداشت) وسط میدان رفت و دیو بچه را به مبارزه طلبید. دیو بچه با حرکاتی خشن بمیدان آمد و با سیامک درآویخت و چون بسیار زورمندتر از سیامک بود با یک حرکت او را بالای دست برد و بر زمین کوفت و بی امان با چنگالهای تیزش، وحشیانه، جگرگاه پهلوان جوان را درید.

سپاهیان سیامک که سردار خود را کشته دیدند پشت بدشمن کردند و پا بگریز گذاشتند و خبرمرگ فرزند برومند را به کیومرث بردند.

کیومرث از شنیدن خبر مرگ فرزند سخت اندوهگین شد و همه‌ی مردمان و جانوران در سوگ سیامک اشک ریختند.

کیومرث یکسال تمام برای پسرش سوگوار بود و شب و روز درماتم او اشک می ریخت.

***

سیامک پسری داشت بنام هوشنگ که پیش کیومرث بسیار گرامی بود و بعد ازمرگ سیامک، شاه تمام امیدش را بوجود او بسته بود. هوشنگ ازمرگ پدرش بسیار غمگین بود و یک لحظه هم ازفکر گرفتن انتقام پدر آسوده نبود اما منتظر بود تا درد و اندوه کیومرث کمی آرام بگیرد و بعد درباره‌ی گرفتن انتقام سیامک از دیوها با او سخن بگوید.

وقتی یکسال گذشت و مرور زمان اندکی غم و اندوه شاه را تسلی بخشید، یک روز هوشنگ نزد پدربزرگش رفت و گفت:

— ای شاه بزرگ، اینک هنگام آن رسیده است که بمن اجازه دهی تا انتقام خون پدرم را از دشمنان او بگیرم.

کیومرث که همیشه می دانست روزی هوشنگ این خواهش را پیش خواهد کشید و خود نیز درانتظار این روز بود، قد و قامت پهلوانی هوشنگ را برانداز کرد و گفت:

— این کار را با هم انجام خواهیم داد با این تفاوت که تو — که جوان و نیرومند هستی پیشاپیش سپاه خواهی جنگید و من پیر و فرسوده پشت سر سپاه......

هوشنگ شادمان شد و دربرابر شاه زانو زد و گفت:

— سپاسگذارم پدربزرگ! ما پیروز خواهیم شد.

— مطمئنم فرزندم!

هوشنگ و کیومرث سپاه بزرگی ازآدمیان، شیران، گرگان، پلنگان و جانوران دیگر فراهم آوردند و درحالی که سپهسالار جوان و نیرومند پیشاپیش آنها حرکت می کرد به پناهگاه دیوها و اهریمنان حمله کردند.

سپاه آدمیان و ددان با سپاه دیوها درهم آویختند. یاران کیومرث که سخت خشمگین و تشنه‌ی انتقام بودند با بیباکی حمله کردند و دیوها را دسته دسته به دوزخ می‌فرستادند. هوشنگ که کینه و خشم تمام وجودش را پر کرده بود بی اعتنا به دیگران به سوی دیو بچه اهریمن زاده که سالار دیوها بود هجوم برد و چنان ضربه‌ای به او زد که دیو بچه افتاد و دیگر نتوانست برخیزد و هوشنگ به انتقام خون پدر سر دیو سیاهدل را ازتن جدا کرد.

***

کیومرث و هوشنگ درمدتی کوتاه دیوها را بکلی تارومار کردند و پیروز و شادمان به جایگاه خود بازگشتند وآنگاه کیومرث دستور داد جشن بزرگی برپا کنند و دراین جشن، هوشنگ را به جانشینی خود برگزید و بدست خود تاج شاهی را برسر او گذاشت و او را بعنوان دومین پادشاه جهان برتخت نشاند.

چند روز بعد، کیومرث بعد از سی سال پادشاهی رخت ازجهان بربست.

—۲—

هوشنگ پادشاهی دادگر و خردمند بود. او ساعات فراغتش را به گردش در دشت و بیابان

بقیه در صفحه ۸۸

...برای خانهٔ شما

غذاهای خوشمزه خانواده را خوشبخت‌تر می کند، شما بعنوان همسران کارگران می‌دانید که شوهرانتان کاربدنی دارند واز نیروی جسمانی بیشتری باید برخوردار باشند.
همسرانتان در بیرون زحمت می کشند تا بهسازندگی کشور کمک کنند، ایران را نیرومندتر سازند وشما هم درداخل منزل میتوانید سهمی بیشتر درپیشرفت کشور برعهده گیرید.
هر چه شوهران شما در خانه آسایش بیشتری داشته باشند، تندرست‌تر ونیرومندتر باشند، محیط خانواده شما گرمتر وخوشبختی خانوادگی تان افزون‌تر خواهد بود.
آشپزخانه محل کار زنان خانه‌دار وکدبانو است، شما باید غذاهای مقوی وخوشمزه درست کنید تا افراد خانواده‌تان تندرستی خود را حفظ کنند.
البته باید توجه داشته باشید غذای خوشمزه سالم ومقوی بمعنای غذای گران نیست، ما در این بخش ازهفته نامه «رستاخیز کارگران» سعی می کنیم درهرشماره چند نمونه از غذاهای کم خرج اما مقوی را بشما معرفی کنیم.

«کوفته نخودچی»

مواد لازم برای ۴ نفر
«۳۰۰» گرم گوشت چرخ کرده
«۲۵۰» گرم آرد نخودچی
یک پیاز متوسط
نمک و زردچوبه و روغن با توجه به مقدار مواد دیگر.

طرزتهیه

ابتدا پیاز را روی گوشت رنده کرده، آرد نخودچی و زردچوبه و نمک را به آن اضافه کنید. به اندازه یک استکان، آب سرد روی آن ریخته خوب به هم بزنید. اگر مایع سفت بود بازهم مقداری آب به آن اضافه کنید. مایع را به‌اشکال مختلف درآورده و در روغنی که قبلا خوب داغ کرده‌اید، سرخ کنید.

این کوفته نخودچی را در دو صورت می‌توانید سرسفره بیاورید: سرخ شده آن را دریک دیس بگذارید و دور آنرا با جعفری و تربچه تزئین کنید.

و نوع دیگر اینکه یک پیاز کوچک را خرد کرده درمقدار کمی روغن سرخ کنید تا طلائی شود. سپس یک قاشق چایخوری زردچوبه و مقداری نمک به آن اضافه کنید و روی آن دو لیوان آب بریزید. آب که جوش آمد کوفته نخودچی های سرخ را درآن بیاندازید و بگذارید پنج دقیقه بجوشند. اگر مایل باشید می‌توانید از چاشنی هم استفاده کنید.

طرزتهیه چاشنی

مقداری سرکه وشکر را مخلوط کنید. وقتی شکر کاملا درسرکه حل شد، به کوفته نخودچی اضافه کنید. به این نکته هم توجه داشته باشید:

* از کوفته نخودچی خشک می‌توانید به عنوان غذای سفر استفاده کنید، چون نسبت به غذاهای دیگر دیرتر فاسد می‌شود

آبگوشت ساده برای چهار نفر

مواد لازم:

۱ — نیم کیلو گوشت گردن گوسفند یا سرسینه که چربی داشته باشد.
۲ — ۲۵۰ گرم نخود و لوبیا
۳ — یک پیاز متوسط
۴ — رب گوجه فرنگی دوقاشق سوپخوری
۵ — شش عدد سیب زمینی متوسط.
۶ — لیموعمانی ۳ عدد

طرزتهیه

ابتدا گوشت و نخود و لوبیا را با آب سرد خوب بشوئید و سپس در قابلمه بریزید. پیاز و نمک و مقدار کمی زردچوبه به آن اضافه کنید و به اندازه کافی روی آن آب بریزید.

وقتی آب جوش آمد شعله چراغ را کم کنید که با حرارت ملایم بپزد. نزدیک به کشیدن آبگوشت، رب گوجه فرنگی و لیمو عمانی را به آن اضافه کنید

وقتی که کاملا پخته شد، گوشت و نخود ولوبیا وسیب زمینی را باگوشت کوب می کوبید و دریک دیس قرارمی دهید روی آن رامی توانید با حلقه های پیاز تزئین کنید. فراموش نکنید که معمولا پیاز را با گوشت میل کنید.

«آبگوشت بزباش»

مواد لازم برای شش نفر:

۵۰۰ گرم گوشت ماهیچه باقلم و کم چربی
۳۰۰ گرم لوبیا قرمز
نیم کیلو سبزی تره — جعفری — شنبلیله.
۵ عدد لیموعمانی
۱ عدد پیاز
مقدار کمی نمک و زردچوبه

طرزتهیه

ابتدا گوشت را خوب تمیز کرده و موهای کوچکی که امکان دارد به آن چسبیده باشد، جدا می کنید. سپس لوبیا را به آن اضافه کرده، با آب سرد بشوئید. پس ازمخلوط کردن نمک و فلفل و زردچوبه و آب روی آتش می‌گذارید. نزدیک آماده شدن لیموها را با نوک کارد سوراخ کرده و درمایع آبگوشت بریزید.

«طرز پختن لوبیا چیتی»

مواد لازم:

نیم کیلو لوبیا چیتی
یک عدد پیاز درشت
۳ عدد خیارشور
مقداری تره
۴ قاشق سوپخوری روغن زیتون
مقداری آب لیمو
نمک و فلفل با توجه به مقدار دیگر مواد، به اندازه کافی

طرزتهیه:

لوبیا چیتی را خوب بشوئید دقت کنید که سنگ ریزه در آن نباشد. پیاز بزرگ را پوست بگیرید و با مقداری آب پیاز. لوبیا را روی آتش بگذارید. وقتی که جوش آمد شعله آتش را کم کنید. هنگامیکه لوبیا خوب پخته شد، تره و خیارشور را خرد کرده با آب لیمو و نمک و فلفل و روغن زیتون به آن اضافه کنید.

کاموادوزی روی بالشی

این نقشه فوق‌العاده قشنگ را ابتدا روی کاغذ بکشید، و سپس کاغذ را به وسیله نخ کوك و سوزن روی پارچه رویالشي کوك بزنید. گلها را با کامواهائی به رنگ آبی تیره و بنفش، و برگها را با رنگهای سبز وسبز کم رنگ، کاموادوزی کنید. بعد نقشه را به آرامی از روی پارچه جدا کنید. طرح بالا بدست میآید.

کارگران هنرمند تئاتر

بقیه از صفحه ۳۵

بازیگران نمایشنامهٔ «جسد» کارمان را دوباره آغاز کردیم و همین نمایشنامه را روی صحنه آوردیم.

*«محسن مرزبان» با لبخندی به نشان موفقیت، ولی با فروتنی و صمیمیت سخن میگوید:

«کارگر ماشین‌سازی هستم. تآتررا دوست دارم و اکنون پنج‌سال است که در این رشته، فعالیت‌میکنم، ولی کار تآتر هیچوقت باعث نخواهد شد که حرفهٔ اصلی خودم را کنار بگذارم. تآتر فقط ازنظر معنوی مرا اقناع میکند، ولی برای معاش زندگی، حرفهٔ خودم را ترجیح میدهم. درحقیقت کار تآتر را برای خودم یک کارجنبی میدانم و در اینکار معلومات را حربهٔ مهمی برای بهترشدن کارم تشخیص میدهم و سعی میکنم آنرا مانند چرخهای گردانندهٔ ماشین در تآتر به کاربرم، تا حاصل کارم به‌صورت ایده‌آل درآید.»

*«روح‌الله میرزائی» بازیگر دیگر این گروه با روحیه‌ای شاد که نشانی از فعال‌بودن اوست، ازخودش وگروهش حرف می‌زند:

«شغل های متعددی تابحال داشته‌ام از کارگری‌گرفته تا فروشندگی. علاقهٔ زیادی که به کارهای هنری داشتم، باعث شد تا در این نمایشنامه بازی کنم.»

* مجدآبادی «چه میگوید»

«فرهاد مجدآبادی» نویسنده و کارگردان نمایشنامه «جسد» که تحصیلات دانشگاهی خود را در رشتهٔ تاتر و سینما انجام داده است، درمورد فعالیتش با «گروه تآتر زنده» میگوید:

«با نمایشنامهٔ «آسید کاظم» با کارگروه آسنا شدم. در این نمایشنامه با اعضای گروه درمقام «همکاری» کارم را شروع کردم. از همان آشنائی اولیه، حس کردم، با این گروه خودساخته، خیلی بهتر و راحت‌تر میتوان کار کرد و استعدادهای ناشکفته‌شان را شکوفا کرد.

علاقهٔ بیش‌از اندازه‌ای که اعضای گروه از خودشان نشان دادند، کار را آسان‌تر کرد. درحقیقت، من نبودم که «گروه تآتر زنده» را تشکیل دادم، بلکه خود بچه ها بودند که با علاقه و پشتکار زیاد اینکار را کردند و فقط به من امکان دادند تا استعدادهای آنها را کشف کرده، به اثبات برسانم.

البته، لازمست بگویم که اعضای گروه چهارده‌نفر هستند که فقط از شش تن آنان در این نمایشنامه استفاده‌شده است.»

وقتی میپرسم: «هنگام انتخاب نمایشنامهٔ جسد»، ارتباط و بستگی تم آن با روحیهٔ بچه ها درنظرگرفته شده است یا نه؟»

«مجدآبادی» با قاطعیت جواب میدهد: «بله» مسلماً! تم «جسد» و فلسفه‌ای که بافت آنرا تشکیل میدهد، به روحیهٔ بچه ها خیلی نزدیک است. برای همین هم بود که بچه ها خیلی راحت توانستند کارشان را انجام بدهند، چون شخصیتهای نمایشنامه کاملا با روحیه وشخصیت آنان هماهنگی داشتند.

در اینجا هیچ مشکلی از این نظر برای ما وجود نداشت. این نوع مسایل را خیلی راحت توانستیم حل کنیم، به دلیل آنکه ما با همدیگرگروهی را تشکیل داده‌ایم که میتوانیم باهم فکر کنیم، تبادل‌نظر کنیم و پیشنهادهای یکدیگر را مورد بررسی قرار دهیم. تا بالاخره رفع مشکل کنیم.

همه ما باید خودمان را موظف به‌انجام این فریضهٔ ملی ومیهنی بدانیم. خودمانرا نسبت‌به حفظ واشاعهٔ فرهنگ وادبیاتمان مسؤل بدانیم. مثنوی وغزل یکی از پشتوانه های فرهنگ و ادبیات غنی کشور ماست. دراین نمایشنامه نیز من ضمن انجام وظیفه، از این اشعار برای بیان هدف وکمک به مطالب نمایشنامه استفاده کرده‌ام.

از «مجدآبادی» دربارهٔ هدفهای بعدی «گروهٔ تآتر زنده» سئوال میکنم. جواب میدهد:

«نمایشنامه تلویزیونی «بساز، حرابش کن، بساز» را برای پخش از تلویزیون و نمایشنامه» دلیران تنگستانی» را بانام جدید «زنده باد ایران» برای اجرای صحنه‌ای آماده کرده‌ایم که اولی قراراست از تلویزیون پخش شود و دومی را نیز بعد ازاتمام اجرای نمایشنامه جسد» روی صحنه خواهیم آورد. برای آینده سعی خواهیم کرد با سنجیدن موقعیت خودمان ومحیط تآتر کشورمان کار بکنیم وبرمشکلاتی ازقبیل کمبودسالن نمایش غلبه کنیم.

ستاره دنباله دار

بقیه از صفحه ۸۵

فریدون سر بلاکی را گرفت و باتمام قدرت اورا ازمیان بوته بیرون کشید سرتاپای بلاکی را ماده چسبناکی پوشانده بود. فریدون اورا بغل کرده با سرعت بطرف ستاره دنباله‌دار دوید روی آن نشست و بلاکی را محکم در آغوش فشرد.

بلاکی خیلی ترسیده بود و به شدت میلرزید، ستارهٔ دنباله‌دار چرخی زد و بلند شد درهمین وقت ستارهٔ سرخرنگ دوباره از دور پیدا شد و باسرعت به‌طرف ستارهٔ‌دنباله‌دار آمد و دریک لحظه با آن برخورد کرد، هردوستاره آتش گرفتند.. فریدون وبلاکی که درمیان شعله های آتش به دام افتاده بودند از وحشت‌خودرا به طرف فضا پرتاب کردند در همین موقع فریدون به‌شدت تکان خورده چشمانش را باز کرد و تازه متوجه شد صبح شده و تمام اتفاقاتی که با آن مواجه شده درعالم خواب بوده است.

سردار استقلال....

بقیه ازصفحه ۸۹

بویژه از اختلافات عمال اموی و مضریها و یمانیها* درخراسان حداکثر استفاده را خواهی برد و من سفارش دیگری را لازم نمی‌دانم، فقط می‌گویم هر کس را درخراسان دیدی که به عربی سخن می‌گوید بکش و مخصوصاً به مضری ها رحم نکن!

ابومسلم برای نخستین بار لبخندی زد و گفت:

— یا امام، این بهترین دستوری بود که دریافت داشتم و یقین بکنید که بدقت اجرا خواهم کرد!

ابراهیم فوری حکمی نوشت و مهر و امضا کرد و بدست ابومسلم سپرد و درحالیکه بامحبت پدرانه دست به پشت اومیزد گفت:

— برو پسرم، موفق باشی! من برایت دعا خواهم کرد.

ادامه دارد،

*«مضری ها» و «یمانی‌ها» دو طایفه‌ی عرب بودند که در خراسان سخت با هم مخالفت می کردند و پیوسته درجنگ وستیز بودند.

اینست کاراته

بعلت تراکم مطالب، متاسفانه در این شماره موفق به چاپ دنباله مطلب «اینست کاراته» نشدیم. دنباله این مطلب را درشماره آینده مطالعه فرمائید.

دنیای غرورآفرین....

بقیه ازصفحه ۷۱

برای شوهرش انجام می‌دهد؟ می‌گوید: «سعی میکنم از کار که برمیگردد یکی دوساعت او را با خودش تنها بگذارم تا بتواند کار و محیط کار را فراموش کند ازمسائلی که به او ارتباطی ندارد، هرگز حرف نمی‌زنم مثلا نزاع همسایه با شوهرش و شکستن شیشه ها بوسیله بچه ها.سعی میکنم بیشتر او سئوال کند تا من وقتی روزنامه یا کتاب میخواند می کوشم محیط آرامی برای او به وجود بیاورم بهرحال، چون قبول کردم شریک شادیها و غمهایش باشم سعی میکنم این وظیفه‌را به طرز بسیار خوبی انجام دهم.»

از برنامه روزانه خانم ابراهیمی می پرسم میگوید: «از اولین ساعات صبح به نظافت خانه، آشپزی، بچه‌داری و خیاطی مشغول میشوم. هرچه بخواهم شوهرم برایم میخرد و من اصولا اهل خرید رفتن نیستم. دوست ندارم با مردهای غریبه روبروشوم وحرف بزنم.»

*فروش سهام کارخانه ها

ابراهیمی درمورد فروش سهام کارخانه ها معتقداست«درسال گذشته سیزده سهم به‌مبلغ هزاروسیصد تومان خریداری کردم. که در حال حاضر هر سهم صد تومانی به دویست وپنجاه تومان افزایش یافته است. و امسال نیز طبق اوامر شاهنشاه آریامهر، تا ده‌هزار تومان وام از طرف بانک رفاه در اختیار کارگرها قرار گرفته بود و من چهار هزار تومان دیگر سهم خریدم. این امر تأثیر بسیار خوبی در جامعه کارگری داشته، یعنی زندگی کارگر ایرانی پس ازانقلاب شاه ومردم بطور اساسی دگرگون شده است. مثلا همین سهیم کردن کارگررا در سود ویژه کارخانه درنظربگیرید، کارگر احساس میکند برای خودش کارمیکند نیروی انسانیش فقط در جهت پر کردن جیب کارفرما ضایع نمی‌شود. موضوع دیگر تشکیل سندیکاهای کارگری است که گرفتاری های رابطه کارگر و کارفرما را بطورعادلانه‌ای حل میکنند»

*رابطه کارگروکارفرما

از ابراهیمی می‌پرسم: «میدانید که کارفرمای شما زمانی یک کارگرساده بوده و با پشتکار و تلاش پی‌گیر به موقعیتی این چنین دست پیدا کرده آیا هنوز روح کارگری خود را حفظ کرده و می تواند مثل یک کارگر ساده با شما روابط صمیمانه برقرار کند؟»

پاسخ می‌دهد: «بله گاهی می‌بینم که ساعت پنج صبح دم در کارخانه ایستاده است و دراین موقع هر کارگری به طور آزادمی‌تواند مشکلاتش را با او درمیان بگذارد، و حتی به تنهائی نیز به مشکلات کارگران می‌اندیشد. همینطور که می‌بینید به محض اینکه فرمان حل مشکل مسکن از جانب شاهنشاه صادر شد کارفرمای ما فوراً درصدد تاسیس واحدهای مسکونی برای کارگران برآمد. درست است که هنوز عده زیادی از کارگران ما خانه ندارند، ولی درمورد وضع آنها نیز فکر شده وقول مساعدی دراین جهت ازطرف او داده شده است»

*اثرات‌مبارزه باگرانفروشی

ابراهیمی درباره اثرات مبارزه با گرانفروشی اظهار می‌دارد: «این مسئله نیز ازاقدامات‌بسیار سودمند است. چون خودم خرید خانه رامیکنم، متوجه کاهش قیمت ها شده‌ام و درنتیجه قدرت خرید بیشتری پیدا کرده‌ام، حالا راحت میتوانم برای بچه هایم انگور بخرم. دیگر مثل گذشته از افزایش ساعت افزون قیمت‌ها ترسی ندارم و می‌توانم روی مقدار پولی که در دست دارم و مقدارجنسی که میتوانم درآینده بخرم حساب کنم، میدانم کمیته های مبارزه با گرانفروشی ازمن حمایت میکنند، البته من نیز دراین مبارزه سهمی دارم یعنی همه باید داشته باشند همه وظیفه دارند که در راه مبارزه با گرانفروشان سکوت‌نکنند»

* کاردستی های بدیع

همه وسائل زینتی اتاق محصول دستساز خانم ابراهیمی است گلدوزی های پرده، پوشش رادیو وازاین قبیل چیزها دراین باره میگوید: «من ازدوران کودکی به کارهای‌دستی علاقه بسیاری داشتم تابستانها به کلاس کاردستی می‌رفتم و درحال حاضرسعی میکنم ازمواد اولیه بسیار ارزان و حتی بعضی اوقات چیزهای بی‌مصرف برای زیباتر ساختن محیط زندگی استفاده کنم به خیاطی هم آشنائی کامل دارم و لباسهای بچه ها را خودم میدوزم.»

*تئاتروموزیک

ابراهیمی اصرار دارد که درموردتئاتر نیز حرف بزنیم، می گوید: «از کارهای داود رشیدی بسیار خوشم می‌آید ولی پنج سال است که از او کاری ندیده‌ام. از هنرپیشه های تاتر به جعفری احترام می‌گذارم و گربه روی شیروانی داغ اثر تنسی‌ویلیامز را بهترین کار جعفری میدانم. موسیقی ایرانی را نیز بسیار دوست دارم و از دستگاههای ایرانی به دستگاه شور علاقه‌دارم، قبل از اینکه ازدواج کنم مدتی به فراگیری نواختن گیتار مشغول بوده‌ام و خواننده مورد علاقه من شماعی زاده‌است. به موزیک فرنگی نیز علاقمندم، و گهگاه موزیک کلاسیک گوش می کنم»

*ورزش‌موردعلاقه

از علاقه او به‌ورزش های مختلف سئوال می‌شود.

می‌گوید: «از کوهنوردی بسیارلذت‌می‌برم چون هنگام کوه‌پیمائی خودم را در تنهائی مطلق حس می کنم وازهوای پاکیزه کوهستان لذت می‌برم، فوتبال را نیز دوست دارم ولی متاسفانه بعلت دسته بندی های متداول درمیدان مسابقه هرگز برای دیدن مسابقه‌ای به‌ورزشگاه نمی‌روم. منظورمن از تماشای فوتبال فقط لذت‌بردن از تکنیک بازی است و این خواسته را می‌توانم با رفتن به منزل خواهر یا برادرم و نشستن پای تلویزیون برآورده کنم وعقیده‌دارم تیم هما مهمترین تکنیک بازی را ارائه میدهد.»

پیام‌برای کارگران

ابراهیمی در پایان گفتگو می‌گوید«دلم می‌خواهد کارگران ایرانی بهترین کار را ارائه بدهند، از نیروی انسانی خود در راه پیش‌برد فرامین همایونی برای بهتر ساختن ایران عزیز به بهترین وجه‌ممکن استفاده کنند.»

نورآبی ایمان

بقیه از صفحه ۶۱

سرانجام احمد سکوت را شکست و با کلمات بریده‌بریده‌ای گفت: بعد از این ... دیگه ... دلم نمی‌خواد انقده کار کنی ... خودم کار میکنم، تو هم باید توی خونه بنشینی و مث وقتی که بابام زنده بود ادای خانم‌ها رودرباری !..

مادر دست‌هایش را باز کرد و پسرش را در آغوش گرفت اما اشک‌هایی که از چشمانش جاری شد دیگر از اندوه مایه نمی‌گرفت، بلکه اشک شادمانی بود.

چند قدم بیشتر به خانه نمانده بود و احمد که از هوای عطرآگین بهار مثل شراب‌زده‌ها مست می‌نمود، هنوز آهنگ هایده را با سوت می‌زد. از سالی که در آن گاراژ با سمت پادویی مشغول کار شده بود، زمان درازی می‌گذشت و او حالا یک مکانیک درست‌وحسابی بود و به علت اخلاق خوشی که داشت، همه کارگرها دوستش می‌داشتند و وجودش مثل خورشید برای زمین در کارگاه لازم بود. جلوی درخانه که چند خانوار در آن زندگی می‌کردند، مثل همیشه نیمه‌شلوغ بود، اما از پیرزن‌های پرچانه همیشگی نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد و چهره‌ای که بر آستانه در می‌درخشید چهره تازه‌ای بود، چهره تازه یک دختر جوان با چشم‌های قهوه‌ای روشن و موهای بلند خرمایی، با سینه‌های برجسته وگردن بلند و سپید. و با لبخندی به روشنائی طلوع بهاری ... دختر با دختر جوان دیگری که پشت به احمد ایستاده بود، مشغول صحبت بود. احمد به طرف آنها آمده نگاه قهوه‌ای دختر چند لحظه در چشم‌های روشن احمد. توقف ماند و به دنبال آن سایه لبخندی از روی لب‌های هر دوی آن‌ها گذشت. احمد با یک «ببخشید» راه خود را بازکرد. دختر خودش را از آستانه درکنار کشید و احمد از آستانه به حیاط خزید. ازوجود دختر عطر غریبی برمی‌خاست مثل بوهایی که انسان در خواب های بلوغ می‌شنود و احمد همان‌طور که به طرف اتاقش می‌رفت آن بوی ناشناس را با خود می‌برد و به هویت صاحب آن فکر می‌کرد. در آستانه در اتاق ایستاد. بی‌اختیار برگشت و مسیری را که دختر ناشناس در انتهای آن ایستاده بود با یک نگاه تعقیب کرد. دختر هم برگشته بود و در انتهای مسیر او را می‌کاوید. هر دو باز یک لحظه به هم نگاه کردند و در لحظه دیگر یکدیگر راگم کردند. آن شب شام نخورد. به دیدن آن فیلم بزن‌بزنی هم نرفت مثل همیشه با برادر کوچکش سربسر نگذاشت. با مادرش شوخی نکرد و هیچ کار دیگر هم نکـــــرد. فقط مثل سنگ شده‌ها در رختخواب افتاده بود و بدون آنکه دلیلی پیدا کند، بی‌جهت به آن دختر که به همان زودی فهمیده بود با مادر و مادربزرگش در یکی از اتاق‌های اجاره‌ای آن خانه سکونت کرده است فکر می‌کرد و آنچنان در رؤیا فرورفته بود که به همان زودی از زندگی مادی مسافت زیادی فاصله پیدا کرده بود. حالا دیگر هروقت خود را در چندقدمی خانه می‌یافت، قلبش آنچنان تپیدن می‌گرفت که نفس به زحمت ازگلویش بیرون می‌آمد. تمام کوچه از بوی پروانه پر بود. و خون عشق قطره، قطره از قلبش فرو می‌چکید. بیشتر غروب‌ها دخترک را که همیشه مثل شکوفه هلو خوش‌رنگ بود جلوی در خانه باز می‌دید. گاهی اوقات هم او را در کنار حوض بزرگی که اطرافش ازگلدان‌های شمعدانی و یاس پر بود، پیدا می‌کرد. همیشه با شنیدن صدای پای احمد کمی روی لبه حوض خم می‌شد و درحالی که سینه‌های سفت و کوچکش از التهاب زیر پیراهن می‌لرزیدند، خودش را به بازی با ماهی‌ها سرگرم نشان می‌داد. درمیان آن‌ها جز چند نگاه عمیق سخنگو راز دیگری وجود نمی‌داشت. و این راز با همه سادگی و کوچکیش به اندازه یک غزل بلند حال و معنی داشت.

احمد بـــه طرف خانـــه می‌آمد و حالت کشتی‌ای را داشت که به سوی کرانه پیش می‌رود و در اشتیاق لنگرانداختن می‌سوزد. دیگر باید همه‌چیز را به مادرش می‌گفت و از او می‌خواست با مادر پروانه صحبت کند. سکوت نمی‌تواند همیشه ادامه داشته باشد و سکوت عشق پس از مدتی به خفقان می‌انجامد.

پروانه جلوی در نبود، دل احمد کمی گرفت. همیشه از دیدن پروانه همین حالت را پیدا می‌کرد، اگرچه این امید را داشت که پروانه را لب‌حوض آب پیدا کند. اما پروانه در کنار حوض هم دیده نمی‌شد و ماهی‌های سرخ و قهوه‌ای، در سکوت، در آب‌های سبز، مسیر همیشگیشان را تکرار می‌کردند. احمد بی‌اختیار لب حوض ایستاد و دست‌های کار کردهٔ روغنیش را درجیب شلوار کارش فروبرد. چراغ اتاق پروانه روشن بود، اما از پشت پرده‌های کشیده هیچ سایـــه‌ای به چشم نمی‌خورد. انگار ساکنین اتاق در مه فرو رفته بودند. گربه چاق زردرنگی که همیشه در کمین ماهی‌ها بود با غرشی پلنگ‌آسا از هره دیوار پائین پرید و در چندقدمی حوض از دیدن احمد با نارضائی راهش را کج کرد و به‌طرف اتاق صاحب‌خانه رفت. احمد نفس عمیقی کشید. بعد از هشت‌ماه اولین شبی بود که پروانـــه را نمی‌دیـــد و بــــه همان زودی ازیاد بودن او خودش را اندوهگین می‌یافت. حالت عاشقی را داشت که در وعده‌گاه با معشوق روبرو نشده و از بدقولی او خشمگین شده بود. دری به هم خورد، صدای دم‌پایی‌هایی که به روی زمین کشیده می‌شد درگوش‌های مضطرب کارگر جوان پیچید و به‌دنبال آن صدای مهربان مادرش را شنید که می‌گفت: — «اوا احمد تو اومدی، پس چرا نمیای‌تو؟ !... امشب واست طاس کباب پختم. نمیدونی چی شده... می‌دونم انگشت‌هات روهم می‌خوری...»

احمد برگشت و مثل کسی که از پشت شیشه تاری به خارج نگاه کند، به مادرش نگاه کرد. آنهمه ضعف از جوانی مثل او بعید بود و حتی کمی شرم‌آور به‌نظر می‌رسید. شانه‌هایش را بالا انداخت و با قدم‌های کند به‌طرف مادرش به‌راه افتاد. کاش آن شب هیچکس با او حرف نمی‌زد و از او چیزی نمی‌پرسید.

اما چشم‌های مراقب مادر در یک آن کسالت چهرهٔ پسر را باز دید و به روی آن متوقف ماند و بلافاصله صدایش بلند شد که میگفت: «احمدجان، چی‌شده، چرا سگرمه هات توهمه؟..»

احمد در حالی که کفش‌هایش را ازپا در می‌آورد، جواب داد: «حوصله ندارم مادر. آقاعلی حالش خیلی‌بده، چندروزه همه توی گاراژعزاگرفته‌اند ...» و آقاعلی صاحب کار احمد بود. همان‌مرد پا کدلی که سالها پیش او را با مهربانی به شاگردی پذیرفته بود.

مادردرحالی که‌سفره‌را پهن میکرد، دومرتبه گفت:

— آخه دکترها چی‌میگن. هیچکی نفهمیده چه دردیشه؟...

— چی میدونم مادر. هرکی یک‌چیزی میگه. اما هیچکی تاحالا نتونسته واسش کاری کنه.... خدا خودش حفظش کنه...

شام در سردی و سکوت خورده شد. برادر احمد ازغروب درگوشه اتاق به خواب‌رفته بود. رادیو یک‌برنامه موسیقی پخش میکرد. پیرزن مشغول وصله کردن یکچادرنماز کهنه بود واحمدرشته های‌فکرش‌رادرسکوت‌مثل کلافهای ابریشم باز و بسته میکرد. برنامه موسیقی تمام شد و نوبت به اخبار رسید. پیرزن صدای رادیو را کمی پائین‌آورد ولی احمد مثل هرشب به او اعتراضی نکرد. شاید هم آنچنان در خودش فرو رفته بود که اصلا آن حرکت او را نفهمید. چشم‌های پروانه در ذهنش روشن و خاموش میشد و خیال او مثل زالو خون قلبش را می‌مکید. چه اتفاقی افتاده و دختر رؤیاهای او به کجا پرواز کرده بود؟ آیا به میهمانی رفته بود؟... به مسافرت رفته بود؟... بیمارشده بود؟ یا دیگر از آن عشق ساکت نامعلوم به تنگ آمده و به سوی حادثه هیجان‌آوری گریخته بود؟... مادر یک دفعه سرش را از روی کار خیاطی برداشت و گفت: «راستی میدونی همین روزا یک عروسی داریم؟» احمد از دنیای ذهنی خود بیرون‌آمد و با بی‌تفاوتی گفت:

— عروسی؟.. عروسی کی؟

— واسه پروانه دختر معصومه خانم یک خواستگار حسابی پیدا شده. نمیدونی چه‌برو بیایی داره... الان چندروزه دارن میرن‌ومیان..

یک‌دفعه صدایی مثل زنگ در مغز احمد طنین انداخت. چندلحظه بهت‌زده به آن‌صدا گوش داد. بعد درحالی که حالت برق‌زده ها را پیدا کرده بود، گفت:

— پروانه دختر معصومه خانم... همسایه‌های خودمون را میگی؟

— خوب معلومه، پس چه کسی رو میگم... داماد از اون خرپول های بازاره.... میگن دختره توراه مدرسه دیده و عاشقش شده. نمیدونی چه ماشینی داره... عینهو کشتی... خدا شانس بده. خوشگلی هم خوب‌چیزیه.

دنباله داستان رادرشماره آینده بخوانید

براینجا هم تفاهم سایه افکنده است

بقیه از صفحه ۳۷

سیدهیم. آنان در کارخانه یک دوره فشرده می‌بینند و پس از آن به کشورهای آلمان‌فدرال‌و چکسلواکی خواهند رفت تا در آنجا تعلیمات لازم را دیده و با کارخانجات خریداری شده از این دو کشور به ایران بازگردند تا هم در نصب کارخانه‌های جدیدشرکت جویند و هم اینکه تا حد امکان ازمتخصص خارجی بی‌نیاز شویم.

***ـــدر زمینه وسایل ایاب‌وذهاب چـــه اقداماتی نموده‌اید؟**

اعتمادیه: — خوشبختانه وسیله‌ایاب و ذهاب برای کارگران و کارامندانی که‌خانه‌های سازمانی ندارند، باندازه کافی وجود دارد و ازاین بابت همکارانم هیچ نگرانی ندارند.

***ـــیکی از نمایندگان کارگران‌ضمن‌قدردانی از طرف‌خود و سایر کارگران از مسئولین کارخانه به‌گزارشگر «رستاخیز کارگران» اظهار داشت که در تمام مؤسسات دولتی رانندگان رسمی هستند، ولی درمیان ما چند راننده مشغول انجام وظیفه هستند که باوجود داشتن گواهینامه پایه یک هنوز رسمی نشده‌اند. از اینرو تقاضا داشتندترتیبی داده شود که آنها هم رسمی شوند. آیا باتوجه به مقررات انجام این امـــر مقدوراست؟**

اعتمادیه: — درسمان ری پس ازپا زنشسته شدن ۳ نفر ازرانندگان با تمایل خود کارگران ازآنهائی که گواهینامه پایه یک داشتند استفاده شد. درباره رسمی شدن آنان بایستی بگویم که ترتیبی داده‌شده که همگی ازمزایای کارمندی استفاده کنند.

واما بگذارید مساله‌یی را با شما در میان بگذارم — از بدو کارمن در این واحد همیشه تلاش کرده‌ام که اصلا بین مسئولین کارخانه و کارگران عنوان کارفرما و کارگرمطرح نباشد. با هم جلسه عمومی داریم، با یکدیگرحرفهایمان را به‌سادگی بازگو می کنیم وآنقدر به یکدیگر نزدیک هستیم که حتی درسود ویژه کارخانه یا دیگر مزایائی که بکارگران تعلق می‌گیرد، خود کارگران بخاطر این که سازمان «سیمان‌ری» یک سازمان سود دهنده نیست مزایای کمتری‌از حدمتداول درخواست میکنندو این خود نشانهٔ یک تفاهم کامل بین مسئولین کارخانه و کارگران است.

ـــمنهم این گفته را تصدیق میکنم، زیرا این تفاهم در گزارشی که گزارشگران‌ما از کارخانه تهیه کرده‌اند بخوبی بچشم میخورد. درخاتمه از اینکه با حوصلـــه به‌پرسش های من جواب داده‌ایدمتشکرم.

گفتگو با نمایندگان کارگر

بقیه از صفحه ۲۳

مرکز میتواند داشته باشد مشکلاتی را بوجود می‌آورد.

اگر این «اتحادیه امکان» بتواند شعباتی در تهران و سپس در استانها تأسیس کند و کارگران بتوانند جنس دست اول وابا قیمت ارزانتر و با کیفیت خوب از این اتحادیه‌ها تهیه کنند قوه‌خرید کارگر بسیار بالا میرود.

در این زمینه باید توجه داشت که کارگر باید دانش خرید نیز داشته باشد یعنی بداند با حقوق خود چطوروچه چیز را بخرد تا مایحتاج خود ر کاملا تهیه کرده باشد.

پوربردباری: — مسئله‌ای را که در این زمینه باید تذکر داد لازمهٔ همکاری هرچه بیشتر کارفرمایان با هیئت مدیره این تعاونیها است. به این صورت که اول‌مکان‌مناسب برای ایجاد تعاونی‌وسپس کادراداره کننده خوب در اختیار ایشان بگذارند و از ایجاد هزینهٔ اضافی برای ادارهٔ این تعاونیها جلوگیری نمایند.

دیگر اینکه اکثر این تعاونیها در محل کارخانه است و کارگری که به طورمثال در شهنازسکونت دارد و محل کاراو در شهرری است مجبور میشود خود ساعتی از کارش را برای خرید مرخصی بگیرد یا درغیراین صورت آمد و رفت های مکرر انجام دهد که خود مستلزم هزینه و وقت اضافی خواهد بود. پس لازم است که تعاونی امکان مانند تعاونیهای شهر و روستا در تمام نقاط کارگر نشین شعباتی داشته باشد و چه بهتر که کارگران ما نیز در امر مبارزه با گرانفروشی ستادی داشته باشند و به نمایندگان آنها همانطور که اکنون در انجمنهای‌محلی‌رایج‌است کارت بازرسی بدهند.

عباس میرزایی: — به دنبال گفته‌های آقای پوربردباری باید اضافه کنم کارگران مصرف کنندگان بزرگی هستند که چون مزدشان ثابت است اگر جنس گران بخرند اثر محسوسی بر زندگیشان خواهد گذاشت. پس لازم است کارگران هم درمبارزه با گرانفروشی درحدخودشرکت کنند.

الداغی: — به علاوه به این مسئله توجه داشته باشید که نمایندهٔ کارگر از اعتماد متقابل کارگر برخوردار است و نیز در ارتباط مستقیم با او است چنانکه هراشکال یا مسئله تازه‌ای رامیتواند فردای آن روز به اطلاع کارگر برساند ومتقابلا کارگر نیز اگرجنس گران خریده و نمی‌تواند کارش را برای رفتن به کمیته‌ها و مراکز دیگر برای شکایت کردن رهاکند می‌تواند مستقیماً به نماینده‌اش مراجعه کند تا او این مسئله راتعقیب کند.

ستاره دنباله‌دار

از: محمود احیایی

فریدون در حالیکه روی پشت‌بام دراز کشیده‌بود، ستارهٔ دنباله‌داری را که ازچند شب پیش در آسمان پیدا شده بود نگاه میکرد.

هرشب، اهالی محل برای تماشای این ستارهٔ زیبا به پشت‌بام‌ها هجوم می‌آوردند و فریدون ازاین ستاره که به‌شکل یک سوسمار بزرگ بود خیلی خوشش می‌آمد. آن‌شب همانطور که به ستاره خیره شده بود باخودش گفت:

— «چه‌خوب بود اگر این ستاره آنقدرپائین می‌آمد تامن می‌توانستم روی آن سوار شوم و به‌آسمان بروم.»

این فکر چندبار دیگرهم از مغزش گذشت اما نگاهش به‌ستاره دوخته‌شده بود.

ناگهان حس کرد ستاره باو نزدیکمی‌شود باتعجب از جایش نیم‌خیز شد. ستاره مستقیماً به‌طرف پشت‌بام پائین‌آمد و پس‌از چندلحظه کنار او روی زمین قرار گرفت.

برخلاف تصور فریدون، ستاره دنباله‌دار زیاد بزرگ نبود و فقط نیمی از پشت‌بام را گرفته بود و نورآبی‌رنگی از آن به‌اطراف پخش‌می‌شد فریدون چندلحظه باتعجب به ستاره نگاه کرد و پس‌از آن جرأتی بخود داد و بلند شد و بطرفش رفت. درهمین‌وقت «بلاکی» سگ پشمالوو سیاه او به‌طرفش دوید.

فریدون که می‌دید به آرزویش رسیده روی ستاره سوار شد «بلاکی» هم در نزدیکی او بر پشت‌ستاره نشست.

ستارهٔ‌دنباله‌دار تکانی خورد و بطرف آسمان حرکت کرد و باسرعت اززمین فاصله گرفت.

فریدون زمین و خانه ها را که لحظه به‌لحظه کوچکتر می‌شدند نگاه میکرد، کم‌کم پشت بام خانه آنها به‌صورت نقطه کوچکی درآمد.

پس‌از چندلحظه ستاره به‌قدری اززمین دورشد که دیگر زمین دیده نمی‌شد. بلاکی همینطور آرام و بی‌سروصدا کنار فریدون نشسته بود وفضا را نگاه‌میکرد.

شهاب‌های فضائی که در اطراف آنها دیده می‌شد فضارا به‌صورت‌شب های چراغانی درآورده‌بود.

فریدون با تعجب به‌این همه شگفتی‌های فضا نگاه میکرد و ازاینکه به آرزویش رسیده‌بود لذت می‌برد و شهاب‌های فضائی مرتباً بیشتر می‌شدند وفضا را روشن‌ترمیکردند.

ناگهان از دور یک ستاره نورانی سرخ رنگ پیدا شد این ستاره مستقیماً به‌طرف‌ستاره‌دنباله‌دار می‌آمد.

دریک لحظه وحشت‌شدیدی وجود فریدون را فرا گرفت او می‌دانست اگر این ستاره درهمین مسیرجلو بیاید تاچند لحظه‌دیگر باستارهٔ دنباله‌دار برخورد خواهد کرد.

دوستاره‌سرعتا بهم نزدیکترمی‌شدند فریدون ازوحشت برخود می‌لرزید درهمین وقت ستاره سرخ رنگ به چندمتری ستارهٔ دنباله‌دار رسید «بلاکی» از جاپرید و به شدت زوزه کشید. چشمان فریدون سیاهی رفت، ستارهٔ قرمز باسرعت فوق‌العاده زیادی از نزدیکی ستاره دنباله‌دار گذشت.

فریدون تاچند لحظه گیج و بهت‌زده به اطراف نگاه‌میکرد اما خطر رفع شده بود.

پس‌از چند لحظه ستاره دنباله‌دار شروع به چرخیدن در اطراف یک کره بزرگ کرد و بآرامی روی آن فرود آمد.

فریدون پی‌برد که ستارهٔ‌دنباله‌دار، او و بلاکی را به کره دیگری آورده است او همیشه آرزوداشت به‌یک کره دیگر سفر کند. بآرامی بلند شد و قدم روی سطح کره آسمانی گذاشت، بلاکی هم بااو رفت.

فریدون با قدمهای آهسته شروع به‌گردش کرد. هیچ‌موجود زنده‌ای درآن اطراف دیده نمی‌شد، کمی که گردش کرد نشست وبه‌دور خیره شد بلاکی هم دراطراف اوشروع به چرخیدن کرد. درهمین‌وقت چشم فریدون به بوتهٔ قرمزرنگ بزرگی افتاد که چندمتر دورتر ازسطح کره سربدرآورده‌بود.

فریدون با کنجکاوی آن‌را نگاه کرد، تا آنزمان اینطور گیاهی ندیده بود. بآرامی بلند شد خود را به نزدیکی آن رساند بلاکی‌هم دنبالش رفت.

آنها نزدیک بوته ایستادند ناگهان برگهای بوته به‌سوی آنها خم‌شد، فریدون وحشت‌زده خودش را عقب کشید اما برگهای گیاه بلاکی را بدام انداختندواورا درمیان‌بوته فروبردند.

فریدون دریک لحظه فهمید این‌بوته، نوعی گیاه گوشتخوار است که انسانو حیوان را به‌آسانی هضم‌می کند.

صدای نالهٔ بلاکی ازمیان بوته به‌گوش می‌رسید، فریدون ازشدت ناراحتی می‌خواست گریه کند. اما می‌دانست درآن لحظات حساس نباید دست روی دست بگذارد، وگرنه تاچند لحظهٔ‌دیگر بلاکی در میان برگهای چسبنده گیاه گوشتخوارجان میدهد.

اما نمی‌دانست چکار کند در اینموقع چشمش به‌یک قطعه‌سنگ بزرگ و برنده افتاد که چندقدم دورتر افتاده بود.. فوراً به‌جلو پرید آن را برداشت نوک برنده‌اش را به‌طرف‌برگهای گیاه گرفت و چند ضربه‌محکم برآن زد. برگهای گیاه ازهم باز شدند و سر بلاکی ازمیان برگها بیرون آمد.

بقیه درصفحه ۸۹

"چند ترانه»

نگاری درسفر دارم ، خدایا
دوچشمون پشت در دارم خدایا
دوجشمون شد سفید ودل نیومد
نه قاصد نه خبر دارم خدایا

خودب ما هی ، قسم برروی ما هت
که من میرم بدل می‌مونه داغت
که من میرم ، بیا بم تا نیا بم
زمرغون هوا گیرم سراغت

بقربون قدوبالای چویدت
بقربونت کمربند سفیدت
اگر دونم که حرفت ، حرف باشد
نشینم تاقیامت درامیدت

گل سرخم چرا رنگت شده زرد
مگرباد خزون برتو گذر کرد
روباد خزون هرگز نبائی
که رنگ گلعذارم کرده‌ای زرد

عجب بادی ، زروی قبله اومد
که جونم رفته بود وباز اومد
بگوئید دیده یعقوب روشن
که بوی یوسف ازپیراهن اومد

«پای دل»

دوش گفتم : عقل ای رسوای دل
خوارگشتی عاقبت درپای دل

وعده دادی سوزدل درمان کنی
حال، خود مسوزی ازسودای دل
تاکسی از پای دل زنجیر زهـد
تا نشکسته بشکن بی‌محابا پای دل

از: مجتبی لامعی
کارگر نقاش

«ابوالقاسم حالت» ،

هیچکس...

بی‌اجرومزد، کس نکند کارهیچکس
کالای مفت نیست ببازار هیچکس

هرکس که بارتست کند فکرسود خویش
بیهوده هیچکس نشود یار هیچکس

مدخار منت‌است‌به دنبال هرگلی

چشم طمع مدوز به گلزارهیچکس
هرکس که‌جیره‌خوار شودخوار میشود
منت‌مکش زسایه‌دیوار هیچکس

درزیر آفتاب،سرو روی خود بسوز
منت‌مکش زسایهٔ دیوار هیچکس
ازهول مرگ، ترس طلبکاربدتراست

درزندگی مباش بدهکار هیچکس
از رنگ‌مهروکینه بری شو ، چوآینه
دردل مگیر هیچ زدیدار هیچکس

تاپی نبرده‌ای که دلش بازبان یکی‌است
دل‌خوش‌مکن بگرمی گفتار هیچکس
«حالت» بدوش هیچکسی بارخودمنه
باشانه‌هم تهی‌مکن از بارهیچکس

از: پژمان بختیاری

کار کن

نفس هوس‌پرور خود خوار کن
آینه را پاک ز زنگار کن
گلشن فطرت تهی از خار کن
تا نشوی خوار جهان کار کن
کار کن

گر تو شوی طالب تن پروری
خصم تو گردد فلک چنبری
طالعت از کار کند یاوری
تا نشود از تو سعادت بری
کار کن

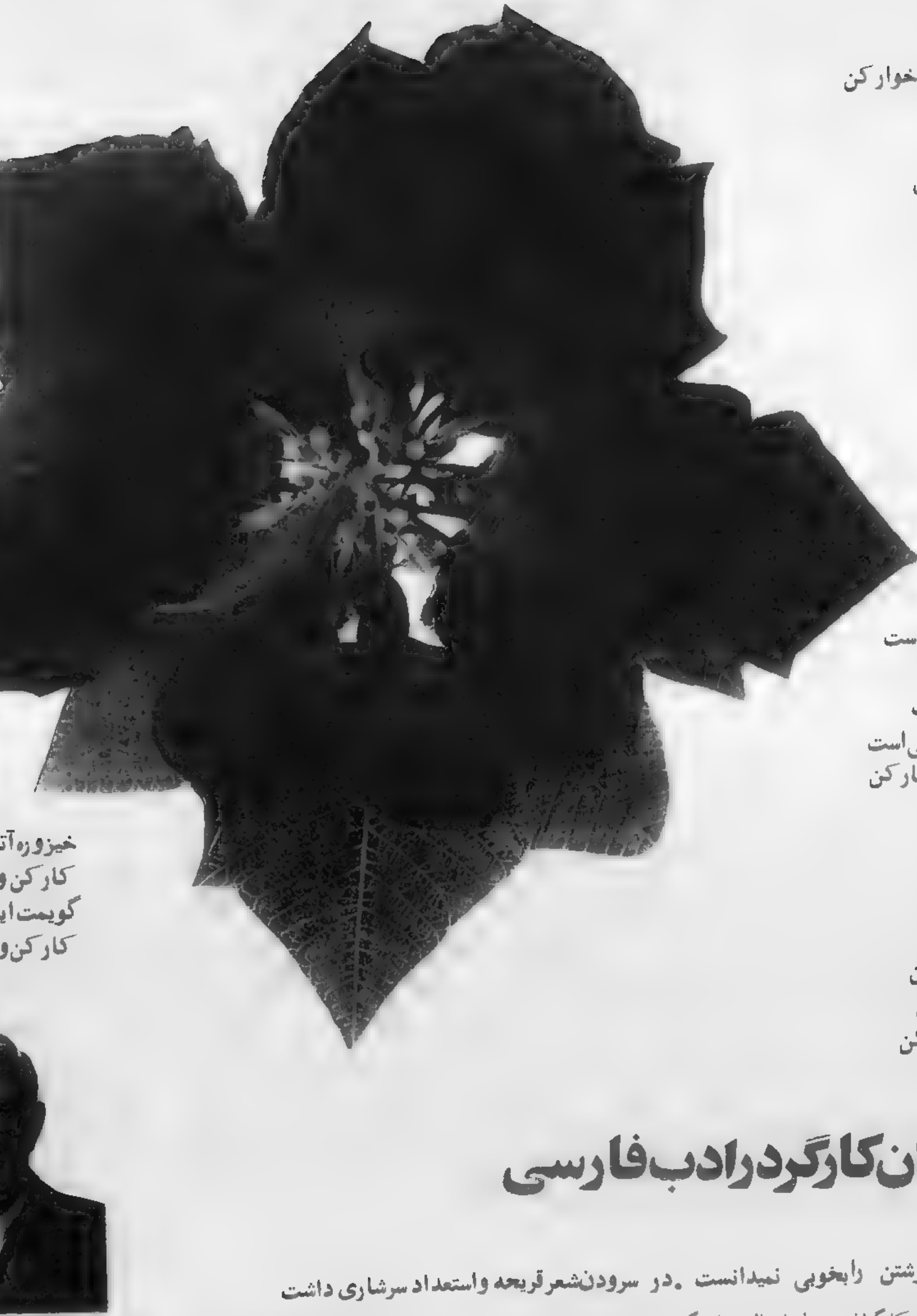

دشمن خونخوار بشر کاهلی است
مانع فیض ابدی مهملی است
روح کسل مظهر ناقابلی است
خصم وطن، دشمن دین، تنبلی است
کار کن

منبع فیض ابدی چیست؟ کار
هستی بی کار بود ناگوار
کس ببطالت نکند افتخار
کارگر از کار شود کامکار
خواب گران از سر خود دور کن
خانهٔ ویرانشده معمور کن
مکتب خویش از روش مور کن
دیدهٔ بدخواه وطن کور کن

کار کن
خیز و ره آتیه هموار کن
کار کن و طالع خود یار کن
گویمت این لفظ و تو تکرار کن
کار کن و کار کن و کار کن
کار کن

چهره شاعران کارگر در ادب فارسی

با اینکه «رنجی» خواندن ونوشتن رابخوبی نمیدانست .در سرودن شعر قریحه واستعداد سرشاری داشت

در تاریخ ادب فارسی ، تعداد کارگران و پیشه‌ورانی که در کار شاعری به انگیزه شوق واستعداد شاعری، خوش درخشیدند کم نیست واز این گروه بسیار بودند که در زمان حیاتشان بشهرت رسیدند ، و نیز بسیار بودند که پس از مرگ نامشان در تاریخ شعر زبان ما آمد . گرچه در میان آنان بیشتر افراد دیده می‌شوند که در زبان ادب فارسی تبحرو دستی وسیع نداشتند ، اما آنچه این گروه را در زمره شاعران چیره دست و جاودانی ادبیات نشانده ، صداقت کلام و کوششی است که در زمینه پاکیزگی بیانشان نشان داده‌اند ...

«رستاخیز کارگران» براین هدف استوار است که از این پس ، در حد توانائی خویش چهره‌های شعر فارسی را که از طبقه شریف کارگر و پیشه‌ور برخاسته‌اند بطوراجمال بخوانندگان عزیزخویش معرفی کند ،و دراین طریق ،نخستین بار ،شاعری را معرفی می کند ، که بی‌تردید از چهره‌های جاودانی شعر فارسی درسبک هندی است ، وچه بسیار براین عقیدت‌اند که پس از «صائب تبریزی» ، مقتدرترین شاعراین شیوه می‌باشد .

«هادی پیشرفت» متخلص به «رنجی بسال ۱۲۸۶ ، در تهران بدنیا آمد ، هنوز خواندن ونوشتن رافرا نگرفته بود که ناچارشد به کسب و کار بپردازد . ازاین رو به حرفه «قفل‌سازی» روی آورد و هنوز بسن بلوغ نرسیده بود که متکفل تأمین‌هزینه‌معاش چند تن شد . در اشعار او بمناسبت شغلی که داشت واژه‌های کلید و قفل بارها بچشم میخورد ، از جمله :

باتحمل بتوناساز، جهان‌سازشود
این کلیدی‌است که هرقفل ازآن بازشود
بناامیدی‌ازاین درمرو، امیداینجاست
فزون‌ترازعددقفل ها کلیداینجاست

«رنجی» سرودن شعر را از ده — دوازده سالگی شروع کرد و مرحوم «شکوهی» و «مشگین» که از استادان زمان خود بودند ، در این راه مشوق او بودند «رنجی» هنگامی که اوزان‌شعری راشناخت به‌سرودن انواع شیوه‌های شعر پرداخت و هنگامی که اشعار خود راقابل عرضه دید در انجمنهای ادبی شرکت‌جست . طولی نکشید که به استعداد خود در سرودن غزل پی‌برد و از همان هنگام خواندن اشعار بزرگان ادب فارسی را آغاز کرد ... «رنجی» باوجودی که خواندن و نوشتن را بطور کامل آنگونه که شاعران بزرگ‌میدانستند نمی‌دانست، دوستانش از کثرت معلومات او درشگفت‌بودند. همچنانکه در ادب فارسی به شاعرانی مانند او کمتر برمیخوریم... با اینحال دارای اطلاعات بسیار تاریخی ، دینی وشعری بود. با این که در راه دبستان و دبیرستان گام‌ننهاد ، برای پیدا کردن فنون و رموزشاعری راههای دوروددرازی را پیمود و از استادان فن رموز این کار را فرا گرفت.

«رنجی» در بین اساتید ادب ارادت خاصی به «صائب» و «حافظ» و «سعدی» داشت. چون اهل عرفان بود ، بدین جهت از سخن خواجه شیراز بیش از سروده‌های شیخ لذت میبرد . ارادت او به اشعار حافظ به حدی بود که با وجودی که دوستدار و پیرو سبک هندی و شیوهٔ «صائب» بود ، میگوید :

رنجی ازصائب تبریزدل ازدستم برد
دادجان‌دگری، حافظ‌شیرازبمن

بقیه درصفحه ۹۱

چهره شاعران کارگر

بقیه از صفحه ۸۷

رنجی روز پنجشنبه چهارم اسفند ماه سال یکهزار و سیصد و سی و نه در سن پنجاه و سه سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران چشم از جهان فرو بست. نامش به نام یاد و یادش همیشه در یادها جاودان.

ابیاتی چند از رنجی

رحب و بغض کسی شاد و دل غمین نشوم
همین صفات کند عاقبت بخیر مرا
***
مارا دل از کشاکش دنیا شکسته است
این کشتی از تلاطم دریا شکسته است
خواهی اگر بدرگه مقصود سرنهی
دست از طلب مدار گرت پا شکسته است
***
گر بقا خواهی شدن، در راه جانان شو فنا
تا بعالم سودها از این زیان آری بدست
***
از تیغ زبان مباش غافل
شمشیر دو دم همین زبان است
***
حدیث خلق بشهر محو که بنوانی کن
تو نپندار در عالم به از این کاری هست
هر متاعی بجهان پست شود غیر سخن
این گهر را همه جا گرمی بازاری هست
***
هست فرصت شرط، در هر کار، اما کار خیر
چون بهمت بستگی دارد به فرصت بسته نیست

جمعه های شاد بنفشه

بقیه از صفحه ۶۵

عروسک ها دلش را شاد نمیکردند، مینشست لب ایوان به مامان نگاه میکرد که مثل گذشته حال درست و حسابی نداشت، بنفشه فقط به جمعه فکر میکرد.

هر روز از مامان میپرسید چندشنبه است. یکشنبه ودوشنبه— سه شنبه— چهارشنبه— و پنج شنبه گذشت. اولین جمعه تنهائی رسید، صبح جمعه بنفشه زودتر از مامان از خواب بیدار شد، لباس قرمز رنگی را که بابا برایش خریده بود پوشید. موهایش را شانه کرد بساط صبحانه راآهسته آماده کرد وبعد رفت طرف مامان وخواست اورا از خواب بیدار کند که ناگهان قطره اشکی را روی صورتش دید. ماماں او را بوسید و گفت:

—دختر قشنگم، خوشحالم که امروز شاد هستی، از اول بیدار بودم. بعد بلند شد. بنفشه گفت:

—صبر کنیم بابا بیاد وصبحانه بخوریم.
ماماں درحالیکه برای او چای میریخت گفت:

—بابا کار دارد. به صبحانه نمیرسید. وقتی آمد تو باید بروی در را باز کنی وبا او بیرون بروی. من کار دارم. بعداً او را میبینم.

بنفشه فکر کرد حتماًیک چیزی هست، وگرنه ماماں هر روز زودتر بلند میشد. بابا را بیدار میکرد. باهم میگفتند ومیخندیدند. حالا چرا ماماں نمیخواهد بابا را ببیند. یکدفعه یادش افتاد که بهاره، دوست کوچک او یکبار گفت از باباوماماںش شنیده که باباوماماں او دیگر باهم زندگی نمیکنند، فکر کرد مگر میشود پدرومادر باهم زندگی نکنند؟

بنفشه دیگر حرفی نزد. رفت روی ایوان نشست. آفتاب از دیوار داشت پائین میآمد که باصدای زنگ در از جا پرید وبطرف در دوید. و در را باز کرد فریادی از خوشحالی کشید وپرید توی بغل بابا. صورتش رابوسید و او را بوئید.

پدر گفت:
خوب باید برویم.
—ماماں جی
—از ماماں خداحافظی کن تاعصر که برمیگردیم.

بنفشه دوید داخل خانه. حالا دیگر حسابی میدانست. بین مادر وپدرچه اتفاقی افتاده مادر او را بغل کرد.

—خوب بروعزیزم. مواظب خودت باش. بابا رواذیت نکنی ها...

بنفشه سرش راپائین انداخت وگفت:
—من عصر با بابام برمیگردم. من فقط جمعه هارو نمیخوام. شماها را میخوام مادر رویش را بجانب دیگر برگرداند.

بنفشه دیگر حرفی نزد. با پدرش رفتند بیرون. اول رفتند باغ وحش.

ولی پدر احساس میکرد او غمگین است. از او پرسید:
—خوشحال نیستی که بامنی.
—چرا، خوشحالم، ولی توهم خوشحالی؟
—خوب بله.... با توهستم.
—فقط همین.

پدر نگذاشت او ادامه بدهد. برایش یک بستنی خرید. بنفشه برای یک لحظه همه چیز را فراموش کرد.

همه جا را گشتند. باهم راه رفتند. ناهار را در یک رستوران خوردند. بنفشه ساکت بود.

طرفهای عصر احساس کرد دارد همه چیز تمام میشود، نمیتوانست بیشتر انتظار بکشد یکدفعه زد زیر گریه.
—چرا داری سنوگول میزنی
پدر برآشفت.
— کی تورو گول زده، سر؟
—بله شما وماماں، همتون. شما بهم گفتین دروغ بده. ولی خودتون دروغ گفتین. گفتین میرین مسافرت ولی دروغ بود. ماماں گفت: باید عادت کنم. به چی؟ به اینکه شما ها نباشین. باغچه ها را کی آب بده. کی ماماںنو ببره گردش. مگه همه ماماںا را باباها نمیبرن گردش. مگه....؟

بنفشه زد زیرگریه. پدراحساس کرد غم بزرگی روی قلبش سنگینی میکند. پدر میخواست همه سالهای بعد را جدا زندگی کند ولی بنفشه چی....

شاهنامه—داستان آتش

بقیه از صفحه ۸۰

میگذرانید و به زندگی و آسایش مردم میاندیشید. او می کوشید راه های تازه‌ای برای بهتر زیستن مردم پیدا کند و در همین جست و جو بود که به وجود آهن پی برد و توانست آهن را از سنگ جدا کند. در همین زمان آهنگری و ساختن اره و تیشه شروع شد. آنگاه هوشنگ برای اینکه زمین ها را از خشکی و بی آبی نجات دهد، آب دریا را در رودخانه ها و جوی ها انداخت و به این ترتیب کشت و زرع و کشاورزی را رونق داد.

در دوره‌ی پادشاهی هوشنگ اهریمنان و دیوها از ترس پنهان شده بودند و مردم در خوشی و راحتی می زیستند و زندگی آنها روز بروز بهتر و آسوده تر می شد و در مدت چهل سال پادشاهی او حتی یک جنگ کوچک نیز پیش نیامد.

***

یک روز هوشنگ برای گردش و تفریح با یارانش به دامنه‌ی کوهی رفته بود. در همانحال که با دوستانش مشغول گفت و شنید بود ناگهان چشمش به مار سیاه درشت و بزرگی افتاد که روی سنگها می خزید و از دهانش دود تیره‌ای بهوا برمیخاست.

هوشنگ به یارانش اشاره کرد که بی سرو صدا و بی حرکت بایستند و خود سنگ بزرگی برداشت و با تمام نیروی پهلوانیش به طرف مار رها کرد. مار خود را از روی سنگ به پائین پرت کرد و سنگی که هوشنگ انداخته بود به سنگ کوه خورد و تکه تکه شد و از برخورد دو سنگ به هم روشنی بزرگی پدید آمد که هوشنگ از دیدن آن با خوشحالی فریاد زد:

- یافتم! یافتم!

دوستانش با حیرت پرسیدند:
—چه را یافتید، شاها؟

هوشنگ در حالیکه به سوی سنگها میدوید گفت:
—آتش را، آتش!

هوشنگ سنگهای خرد شده را برداشت و رو به یارانش کرد و گفت:

— ببینید دوستان من، این چیزی است که به زندگی ما گرمی می بخشد و بسیاری از مشکلات ما را حل می کند. نگاه کنید.

هوشنگ دو تکه سنگ را محکم بهم زد و جرقه ای از آنها بیرون جست.

هوشنگ خنده کنان گفت:
—این آتش است. ما به کمک این میتوانیم در زمستانها خانه های خود را گرم کنیم، به کمک آن می توانیم از گندم نان بپزیم، بکمک آن میتوانیم آهن را نرم کنیم و هر چه می خواهیم از آن بسازیم... وخیلی کارهای دیگر به کمک این آتش می توانیم انجام دهیم.

دوستانش با ناباوری گفتند:
— اما این فقط یک روشنایی کوچک است که می جهد و ناپدید می شود.

هوشنگ گفت:
— اما ما میتوانیم آنرا نگهداریم و تبدیل به آتش بزرگ وگرم کنیم. نگاه کنید.

هوشنگ کنار یک بوته خشک زانو زد و دوتا سنگ را نزدیک بوته چند بار بهم کوفت. بوته آتش گرفت و با شعله شروع به سوختن کرد.

یاران هوشنگ دور بوته جمع شدند و در حالیکه با دستهایشان گرمی آتش را امتحان می کردند باشادمانی فریاد زدند:
—این عجیب است! این مقدس است! این آتش مقدس است!

هوشنگ گفت:
—بله، این نشانه‌ای از نور پروردگار است و ما باید به آن احترام بگذاریم.

هوشنگ آنگاه دستور داد مقدار زیادی چوب و هیزم فراهم آوردند و آتش بزرگی برافروخت و آنگاه همه‌ی مردمان دور آتش جشن گرفتند، به شادی پرداختند، باده خوردند و رقص و پایکوبی کردند.

هوشنگ این جشن بزرگ را جشن سده* نام گذاشت.

***

هوشنگ پس از آن باز هم در آبادانی جهان و آسایش مردم کوشید و کارهای نیکو بنیاد نهاد. او حیواناتی را که می توانستند به آدمها باری دهند مثل اسب و خر و گاو و گوسفند، از دیگر جانوران جدا کرد و بدست مردمان سپرد تا آنها را پرورش دهند و به کار بگیرند همچنین به مردم آموخت که جانورانی را که پوست پرپشم و گرم داشتند مانند سنجاب و روباه و سمور، بکشند و از پوست آنها برای خود تن پوش درست کنند.

***

بدینسان، هوشنگ چهل سال با داد و نیکویی پادشاهی کرد و چون عمرش به سرآمد، تخت شاهی به فرزندش تهمورس سپرد و خود به دار باقی شتافت.

—۳—

تهمورس جوانی شایسته و خردمند بود و چون بجای پدر بر تخت شاهی نشست، ادامه کار پدر را پیش گرفت و در راه آسایش مردمان و آبادانی جهان گام های تازه برداشت.

او به مردم یاد داد که پشم گوسفند و بره و میش را بتراشند و از آنها نخ بریسند و با این نخها برای خود تن پوش و لباس درست کنند. همچنین آموخت که از حیواناتی مثل اسب و قاطر و خر برای باربری و کارهای کشاورزی استفاده کنند و از سبزه و کاه و جو به آنها غذا بدهند.

تهمورس به همین ترتیب تربیت و نگهداری باز و شاهین و پرندگان شکاری و مرغ و خروس را به آدمیان آموخت و از آنها خواست که از ستایش پروردگار غافل نمانند.

تهمورس وزیر با کدل و خداپرستی داشت بنام شیداسب که شب و روزش را به عبادت خدا می گذراند و پیوسته تهمورس را به کارهای نیک رهنمون بود.

دیوها که از هوشنگ به سختی میترسیدند و در دوره پادشاهی او جرئت دم زدن نداشتند. وقتی از مرگ هوشنگ و پادشاهی تهمورس آگاه شدند و شنیدند که تهمورس پیوسته به کار آبادانی جهان و تأمین رفاه مردمان مشغول است، بفکر افتادند که باز در جهان پراکنده شوند و نادرستی و فتنه و دشمنی را میان مردمان رواج دهند. برای این منظور دورهم گرد آمدند و سپاهی فراهم آوردند تا به انتقام شکستی که از هوشنگ خورده بودند پسر او تهمورس را محو و نابود کنند و اختیار گیتی و مردمان آنرا بدست بگیرند.

تهمورس چون از نقشه ی دیوها آگاه شد، بی درنگ سپاه بزرگی گرد آورد. سپاهی که با گرز و شمشیر و سپر مجهز شده بود و با این سپاه بر دیوها حمله برد، نیمی از آنها را به اسیری گرفت و بند و زنجیر بردست و پایشان انداخت و نیمی دیگر را کشت.

دیوهای اسیر چون خود را شکست یافته دیدند از تهمورس زینهار خواستند و به او پیام فرستادند که:

— ای شاه دیوبند توانا! اگر ما را نکشی و به جان امان دهی، هنری تازه به تو می‌آموزیم که آدمیان از این هنر بهره های فراوان ببرند.

شاه دستور داد آنها را آزاد کنند و دیوها که زندگیشان را مدیون تهمورس بودند بخدمت او کمر بستند و نوشتن و خط را به تهمورس آموختند.

***

تهمورس که بعد از آن به تهمورس دیوبند شهرت یافت، سی سال به خوشی پادشاهی کرد و گیتی را روز به روز آبادتر ساخت و هر روز گامی تازه در راه آسایش و خوشبختی مردمان برداشت.

و چون عمرش به سر آمد، فرزندش جمشید جانشین او شد و هفتصد سال پادشاهی کرد.

درشماره‌ی آینده: جمشید وضحاک

***

آفتاب رفته بود وغروب داشت به شب میرسید. مادر بنفشه در خانه همه کارهایش را کرده بود وتنهانشسته وفکر میکرد، زنگ در بصدا درآمد. از جابلند شد. رفت دررابازکرد بهناگهان بخود لرزید.

بنفشه دست پدر را در دست داشت و پدر دردست دیگرش یک گلدان باگلهای قرمزآتشی داشت وروی صورتش خنده بود. بمادرنگاه کردوگفت:

—برای من جا هست؟ میتونم شریک باشم ؟ میتونم شماهارو ببرم گردش؟ مادر ضجه ای زدوگریست.

—اینجا بی توخالیه. ساکته. اینجاباتو شاده. بنفشه باتوشاده. بیاتو. بنفشه ارلای در سید که آنها رفتند تو.....در راببست. آمد توی حیاط. باباوماما ن برگشتند وبه او نگاه کردندو بنفشه فریاد کرد:

.مگه میشه باباهای دنیا از مامانهای دنیا دورباشن؟ »

خانه، خانه شادی بود، نه تنها جمعه، همه روزهای هفته.

در اعماق زمین

بقیه ازصفحه ۷۳

در این منطقه حکمفرمائی میکند زیراتشعشع گرمابخش خورشید مستقیما از میان هوای رقیق به زمین که در زیرقرار دارد می پیوندد. قسمت بسیاری از استراتوسفر، دمائی در حدود ۵۵ درجه سانتیگراد زیرصفر دارد (۵۵ درجه کمتر از نقطه انجماد آب). چون این درجه حرارت تقریباً برتمام نقاط این طبقه حکمفرماست لذا ازجریان های شدید هوا مانند تروپوسفر دراینجا خبری نیست.

پرواز هواپیماها در این منطقه بسهولت صورت میگیرد زیرا دراینجا نه ابر است و نه برف وباران ونه رعد وبرق. علاوه برآن هوا رقیق است ودر نتیجه هواپیما باسرعت زیادتری پرواز میکند.

در قبال این مزایا، پرواز در این منطقه با زیان هایی نیــزروبرو است که از آن جمله میتوان سرمای شدید هوا وبدی عمل تنفس را ذکر کرد که هواپیماها باید باهزینه زیاددر کابین بااین نقص مبارزه کنند. از آن گذشته پرواز هر هواپیما از ۵میل بالاتر هزینه گزافی در بردارد که معمولا جت های دورپرواز وهواپیماهائی از این نوع بدان دستمی زنند.

هرچند که هوا به مفهومــی که ماآنرا میشناسیم در این قسمت وجود ندارد اما بادهای نیرومند بطور افقی در آن قسمت میوزند که غالباً تا ۱۳۰ میل در ساعت سرعت دارند و ناگهان عقب گردمیکنند وباهمان سرعت بتاخت پس میروند.

*یونوسفر

این طبقه که برروی استراتسفر قرارگرفته از پنجاه میلی شروع میشود وبیالا میرود. اندازه گیری ضخامت این طبقه معمولا دشوار است زیراهرقدر که روبالا برویم هوارقیق تر و رقیق تر میشود وهرگزبجائی نمیرسیم که ادعا کنیم که این دیگر (پایان جو زمین است.)

در ارتفاع ۵۰۰ میلی زمین، مولکولها باندازه ای از هم جدا هستند که هریک هزاران میل باید پروازکنند تابه مولکول دیگری برخورد نمایند. بعضی از اقمار مصنوعی که توسط دانشمندان به فضا پرتاب شده توانسته اند مطالعاتی درباره یونسفر انجام دهند.

روزی که اکبرآقا....

بقیه ازصفحه ٦٤

— خیلی خوب دور بزن، خونه من مثل خونه خودته.......

اکبر آقا از هیجان چنان دوری زد که سایه سیاه لاستیک اتومبیل روی زمین جا انداخت.خانم وحدتی تعجب زده باو نگاه می کرد. . اکبر آقا دیگر حالش دست خودش نبود.درخت بود وخیابان که از جلو چشمانش می گذشت. فقط زمانی رسید که خانم وحدتی گفت:

همین جاست.

واکبر آقا چنان کوبید روی ترمز که هر دوشان افتادند جلو خانم وحدتی نفس عمیقی کشید و بسرعت پیاده شد. اکبرآقا هم پیاده شد و بعد آرام به ساختمان خیره شد. خانه با سنگ مرمر قهوه ای پوشش شده بود. از در قهوه ای رنگ چوب افرا گذشتند وبه راهرویی که از دوطرف باشیشه های مات تزئین شده بود رفتند. . اکبر آقا مثل بچه معصومی باخانم وحدتی وارد خانه شد. صدای پایش روی موکت، قلبش را میلرزاند. با خودش فکر کرد:

— خدای من ! چه بلائی داره بسرم میاد. چرا توی اینهمه جوون خوشگل وژیگول میگول عاشق من شده ! این چه جورشه که به دختر از آدم خواستگاری کنه !...وهنوز بقیه فکرهایش را نکرده بود که رسیدند جلوی یک سالن بزرگ وپراز مبل ومیز وصندلی، اکبرآقا مردی را دید که پشت بردر اتاق، روی مبل نشسته بود وحلقه های دود سیگاری که می کشید در فضا اوج می گرفت.خانم وحدتی اوارا به نشستن تعارف کرد واکبرآقا معصومانه رفت مقابل مرد ایستاد. خانم وحدتی بسرعت گفت:

— بابا ! این آقا همون جوونیه که گفتم تو تعمیرگاه شماره ۲ کار میکنه، ببین چقدر آقاس. مرد، دستی به سبیل پرپشت سیاه و سفیدش کشید. کمربندوشانیر بتهجقه یی اش رابست، از جا بلند شد ودر حالیکه خنده ای قرض میداد، دستش را جلو آورد واکبرآقا بااو دست داد ......دوباره نشستند. خدمتکار چای و کیک آورد. اکبرآقا چشمش را بزمین دوخته بود وبا خودش می گفت:

— جای مادرم خالی، طفلک حالا دلخور میشه که من تنهائی اومدم خواستگاری، یعنی منو آوردن خواستگاری . . . . حالا چه جوری شروع کنم، این پدر زنهام که انگار عصا قورت دادن، چرا حرفی نمیزنه، هی منو میپاد.........

صدای مرد او را تکان داد:

— میدونید اکبر آقا، من صاحب کمپانی ماشین های . . . . هستم. دخترم که ازهمین نوع ماشین داره، عقیده داشت شما بهتر ازهر مکانیکی به زیروبم این ماشین ها وارد هستین، اینبود که خواستم شمارو ببینم ودر ضمن به رئیس تعمیرگاه بگم حقوقتون رو زیاد کنه. فردا تشریف بیارید کمپانی که به امتحانی از شما بشه و. . . .اکبر آقا وارفت.... اول بغضش گرفت وبعد خنده آمد رولبهایش، ودر حالیکه آقای وحدتی داشت حرف میزد، می خندید. . . هی خندید. . . وبعد کیک را کند وگذاشت دهانش. لبهای پیرمرد تکان تکان میخورد واکبر آقا بدون اینکه بفهمد پدر خانم وحدتی چه میگوید، چای داغ را ریخت توی دهانش.........

وقتی زبان ولبهایش سوخت، تازه فهمید برای چه او راخواسته اند ! . . . . .

سرداراستقلال....

بقیه ازصفحه ۷۵

از آنست که بتواند دشمنانش را مدت زیادی دربند نگهدارد. یاران ما در بیرون مشغول فعالیت هستند و اگر نه امروز، فردا حتماً ما را از اینجا نجات میدهند. وقتی در زندان گشوده شد، یک کیسهٔ زر زنجیرهای ترا هم پاره خواهد کرد.

جوان دیگر حرفی نزد...

***

همانطورکه سلیمان گفته بود، هنوز آن روز بــــــه شب نرسیده بود که در سیاه چال با سروصدا گشوده شد و زندانبان وارد شد و با خوشرویی واحترام گفت:

— حضرت سلیمان بن کثیر، شما و یارانتان آزاد هستید ومی توانید تشریف ببرید.

سلیمان بن کثیر به زندانبان نزدیک شد و آهسته چیزی درگوش اوگفت و یک کیسه زر در مشتش گذاشت . زندانبان با تردید نگاهی به اطراف کردوگفت:

— اما...آخه...

سلیمان خندیدوگفت:

— نگران نباش، ما شبانه او را همراه خودمان از کوفه می بریم و دیگر هرگز او را در این شهر نمی بینند.

زندانبان لحظه ای هم مردد ایستاد و بعد به طرف جوان آمد و درحالیکه زنجیر را از پای او می گشودگفت:

— جوان، ترا هم به ریش سفید حضرت سلیمان بخشیدم. بروو همهٔ عمر ممنون او باش !

جوان حرفی نزد، از جا برخاست و همراه سلیمان و یارانش ازسیاه چال بیرون آمد.

بیرون زندان، سه اسب منتظر آنها بود. سلیمان از مردی که اسبها را نگهداشته بود یک عباگرفت و روی دوش جوان انداخت و او را بر ترک خود نشاند و سه اسب به تاخت حرکت کردند و لحظه ای بعد شهر کوفه را پشت سرگذاشتند.

***

وقتی به مکه رسیدند، سلیمان یک دست لباس برای جوان فراهم کرد وآنگاه همه با هم به خانه ابراهیم امام رفتند.

ابراهیم با مهربانی ومحبت سلیمان ویارانش راپذیرفت واز اوضاع خراسان و چگونگی پیشرفت امر دعوت سوآلهایی کردو آنگاه گفت:

— این جوان کیست ؟ من قبلا او را ندیده بودم.

سلیمان بن کثیرگفت:

— یا امام، او یک جوان دلیر ایرانی است که دلی پر خون از امویان دارد. ما او را از زندان کوفه نجات دادیم و به محضر شما آوردیم. فکر می کنم او در مبارزه ی بزرگ ما سهم بزرگــی میتواند به عهده بگیرد.

امام بدقت قامت کوتاه، چهره ی روشن و قیافه ی جدی او را برانداز کردوگفت:

— کجایی هستی جوان ؟

—من ایرانی و زاده ی مرو هستم.

—اسمت چیست؟

— بهزادان.

امام باخوشروئی گفت:

— ما عرب ها اسممان را با اسم پدرمان همراه می کنیم.

—من عرب نیستم، ایرانم !

—میدانم، اسم پدرت چیست؟

—ونداد هرمز.

—مسلمان هستی؟

—من ایرانیم !

—دینت را پرسیدم.

—دین ایرانی !

—بسیارخوب جوان. با دین اسلام مخالفتی که نداری ؟

— نه، من پاک دین محمدی احترام زیادی قائلم و به محمد - ص - وفرزندانش ارادت میورزم اما دینی را که بنی امیه آلت دست خودساخته اند قبول ندارم.

— لعنت بر بنی امیه !

لحظه ای سکوت برقرار شدو بعد ابراهیم از بهزادان پرسید:

— توحاضری به ما خدمت کنی کـه نسل بنی امیه را از روی زمین برداریم ؟

—من برای برانداختن حکومت امویان هر کاری ازدستم برآیدمی کنم وبا هرگروهی کـه هدفشان این باشد همکاری می کنم امــا من ایرانی هستم و بیش از هرچیز به آزادی میهنم می اندیشم......

— آفرین پسرم، من ترا صمیمانـه تحسین می کنم.

ابراهیم امام آنگاه دستورهایی به سلیمان و یارانش داد وآنها رامرخص کرد اما بهزادان را نزد خود نگهداشت و چون تنها شدند با او بـه گفت و گو نشست تا بهتر او را بشناسد و از مقـدار هوش وآگاهی و درک اوآگاه شود.

بهـزادان به هـمه سوآل هـای ابن عبـاس پاسخ های دقیق و روشن داد وابراهیم ازاینکـه خداوند چنین جوان شجاع ، هوشمند وآگاهـی را به یاری او فرستاده بدرگاه پروردگار سپاس گفت و آنگاه او را فرستاد تا استراحت کند وگفت:

—فردا بازهم پیش من بیا تا درباره ی کار— های بزرگی که در پیش داریم باهم تبادل نظر بکنیم.

***

روزبعد بهزادان نزد ابراهیم آمدوابراهیم تاچشمش به او افتاد با مهربانی گفت:

—راستی به من نگفتی چندسال داری؟

—من باید ۱۷ — ۱۸ سال داشته باشم.

ابراهیم او را کنارخود نشاندو گفت:

—میدانم برای مسئولیت بزرگی که برایت درنظر گرفته ام خیلی جوان هستی امامطمئنم که ازعهده این کارعظیم برمی آیی.

—خلیفه می توانید به من اعتماد بکنند.

ابراهیم خندیدو گفت:

— هنوز زود است که مرا خلیفه صدا کنی. اما میدانم که بیاری تو خلافت، به حق بـه خاندان من خواهد رسید. حالا کارمان را شروع می کنیم. برای اینکه بتوانی داعی آل پیغمبر باشی باید اسمی مناسب این کار برای خــودت انتخاب کنی. من اسم تراعبدالرحمن می گذارم و کنیه ات (لقبت) ابومسلم خواهد بود.

بهزادان زیرلب تکرار کرد:

— عبدالرحمن ابومسلم ! عبدالرحمن — ابومسلم !

امام پرسید:

—این اسم و کنیه را می پذیری؟

— بله یا امام، می پذیرم... عبدالرحمن— ابومسلم !

— بسیار خوب ابومسلم، من هم اکنـون نوشته ای بمهر و امضای خود بدست تومی دهم و امر دعوت به خاندان آل عباس را در خطـه ی خراسان بدست تومی سپارم. تو همین امروز به سوی خراسان حرکت می کنی و بمحض رسیدن کار دعوت را شروع می کنی. این کار را الان ابن کثیر و دیگران مخفیانه در خراسان انجام میدهنـد امـا کارشان پیشرفت رضایتبخشی ندارد. من مطمئنم تو با شجاعت و کاردانـی خودت توفیق فراوانی کسب خواهی کرد. تو خودت همه ی جوانب کار را خواهی سنجید و

جشنواره جهانی فیلم تهران،

دریچه‌ای به آ
سینمای جها

فیلم «غزل» ساخته مسعود کیمیائی، از چهره های درخشان سینمای ایران بشمار میآید

«ت. مثل تقلب» یک سرمایه ایرانی به هدر رفت

محمدعلی عرفی نژاد

تهران یکی دیگر از جشنواره های بزرگ وبین المللی خود را پشت سرگذاشت. جشنواره‌ای که بیش از چهارسال ازعمرش نمیگذرد، ولی در همین مدت کوتاه در جامعه هنری جهان موفقیت های بزرگی را تاکنون بدست آورده و بعنوان یکی از چند جشنواره مهم سینمائی و بازارفیلم شناخته شده است. امسال نیز به‌گونه سه جشنواره‌قبل فستوال تهران باحضور بسیاری از صاحبنظران و هنرپیشگان بزرگ جهان برگزار شد و مراسم جشنواره با استقبال بی نظیر تماشاگران سینما که موفق به تهیه کارت و بلیط شده بودند روبروشد.

جشنواره روز چهارشنبه پنجم آذر ماه با نمایش فیلم «ولگردآقا» ساخته ریچارد باترسون بخاطر تجلیل از سرچارلزچاپلین افتتاح شد. در این شب دختران‌چارلی چاپلین «فرزندان این سینماگر بزرگ شرکت داشتند و بهمین جهت این شب افتتاح را «شب چاپلین» نامیدند.

نمایش عمومی

نمایش عمومی جشنواره جهانی فیلم تهران از روز پنج شنبه ششم آذرماه آغاز شد و درجمع هر روز ۸ ، برنامه ارائه نمود که این برنامه ها شامل مسابقه ، نمایش های ویژه ؛ بزرگداشت فرانسوا تروفو، میکل آنجلوآنتونیونی، جشنواره جشنواره ها ، سینمای اساندوست چارلی چاپلین فیلمسازی آمریکای لاتین ، فیلم سازان آینده ایران ، جنگ فیلم های کوتاه ایرانی و چشم اندازبین المللی سینمای هنروتجربه بود.

دراین جشنواره رویهم . ۳۲ فیلم به نمایش د که فقط . ۶ فیلم کوتاه و بلند در قسمت مه شرکت داده شد. وجالب است بدانیم در قسمت مسابقه دو فیلم نیز نمایش داده شد که هیئت ژوری ورأی دهندگان از نظر شرکت در مسابقه آنها را نادیده گرفتند . این دو فیلم که جدید ترین فیلم های سینماست عبارت بودند از «شامپو» ساخته هال اشبی و «مسیح» ساخته روبرتوروسلینی.

آخرین فیلمی که در برنامه اختتامیه به نمایش گذاشته شد، «پرستاربچه» نام داشت که از کارهای جدید «رنه کلمان» بود.

بازارفیلم

ازدومین سال فعالیت‌جشنواره جهانی تهران بازارفیلم نیز در تهران برگزار شده است. با توجه بابنکه تهران درحال حاضرمرکز نقل‌معاملات تجاری و هنر شده است ، بازارفیلم توجه بسیاری ازخریداران بین المللی فیلم راجلب کرده‌است وبهمین جهت سالن مخصوصی برای این گروه تدارك دیده شد که در تمام مدت روز چندین فیلم تجارتی از کشور های مختلف به نمایش گذاشته میشد و خریداران باانتخاب فیلم ها نسبت به خرید آنها اقدام میکردند.

فیلم های ایرانی

از ایران دو ، بلند داستانی به نمایش گذاشته شد. ایر ما عبارت بودند از «غزل» ساخته جدید ، کیمیائی که برای اولین بار از یک چو ,نی ، یعنی فردین، درفیلم خود استفاده بود. بگونه‌ای باید پذیرفت برای نخستین بار فردین در نقش دلخواهش ظاهر شده بود و بارهبری مسعود کیمیائی که پس از قیصر بابهروز وثوقی به طرف فردین رفت ، چهره تازه‌ای را در سینمای ایران بدست آورد . فیلم «غزل» یکی از فیلم های درخور اهمیت جشنواره‌جهانی فیلم درتهران بشمارمیآمد.

، کندو» دومین فیلم شرکت کننده در جشنواره بود که «فریدون گله» آنرا کارگردانی کرده بود . این فیلم از نظر داستانی در ردیف همان آثار همیشگی سینمای فارسی قرار داشت که با وجود هنرپیشگان سرشناسی چون بهروز وثوقی و نیز داود رشیدی ، اعتبار بازیگری برای خود یافته بود. داستان فیلم‌درباره یک نوع شرط بندی قهوه خانه‌ای بود که دو نفر یک راه‌طولانی را با شرایطی طی میکردند و بیشتر فاجعه درمد نظر قرار داشت. البته میتوان اشاره کرد به یک فیلم آمریکائی بنام «شناگر» که برت‌لانکستر در آن بازی کرده بود و تصمیم براین بود که او تمام استخر های سر راه را طی کند واستخر به استخر خود را بخانه برساند که باز با یک فاجعه بپایان میرسید.

غیرازاین درقسمت جشنواره جشنواره‌ها نیز یک فیلم از «سهراب شهید ثالث » کارگردان ایرانی‌بنمایش گذاشته‌شد. شهیدثالث‌این‌فیلم را باشرکت پرویزصیاد درآلمان ساخته بود که در فستیوال بـــرلین با تحسین روبرو شد . این کارگردان نیز سال قبل بخاطر نمایش فیلم «طبیعت بیجان» جایزه فستیوال برلن را بدست آورده بود.

فیلم سازان آینده ایران

جشنواره جهانی فیلم در تهـــــران ، امـــــــسال توجهی نشان داده بود به فیلم‌سازان جوان و سینمای آزاد که در این مورد حرف بسیار بود ، چرا که این فیلم سازان برای خود جشنواره هائی را درایران دارند ونمونه‌اش جشنواره فیلم سازان جوان آسیا (ا.بی. یو) و جشنواره سینمای هشت میلیمتری میباشد و شرکت آنان ونشان دادن فیلم های صد بار نشان داده شده لطف زیادی نداشت.

تکرار افتخار

از کارهای درخورتقدیر جشنواره ، نمایش دو باره فیلم کوتاه «اونشب که بارون اومد» بود که کامران شیردل آنرا ساخته بود و سال قبل درقسمت مسابقه بعنوان بهترین فیلم کوتاه جشنواره جایزه مخصوص را بدست آورد. شیردل این فیلم را حدود هشت سال قبل ساخته بود و بهرحال کارجالب یک کارگردان ایرانی بود که برای باردوم دیدن ارزش بسیاری راداشت.

هرپیشه فیلمساز

جالب است بدانیم که امسال یک فیلم

آینده
نی...

نیز از «شرلی مک‌لین» نمایش داده شد. این کارگردان که از هنرپیشگان توانای سینماست مدتی قبل این فیلم را بانام «آنسوی آمریکا ساخت که کار بدی هم نبود. از هنرپیشگان دیگری که خودشان نیز کارگردان‌فیلمشان بودند میتوان از «وودی آلن» نام برد که با فیلم «عشق ومرگ» که جایزه مخصوص فستیوال برلن را بدست آورده بود، در جشنواره شرکت جست. کار وودی آلن در ردیف دیگر آثار او بود که خودش همه کاره‌فیلمش است.

فیلم خوب

از فیلم های خوب جشنواره که در قسمت جشنواره جشنواره ها به نمایش گذاشته شد، لنی بود که باب فاس آنرا کارگردانی کرده و هنرپیشه‌اش جایزه بهترین بازیگر فستیوال کان را بدست آورده است. فیلم های خوب دیگر جشنواره «شب آمریکائی» به کارگردانی فرانسواتروفو، کلیه فیلم های سرچارلزچاپلین، فیلم های میکل آنجلوآنتونیونی بود.

فیلم مشترك

در جشنواره جهانی فیلم در تهران یک‌فیلم مشترك نیز به نمایش گذاشته شد. این فیلم «مثل تقلب» نام داشت که «ارسن ولز» با سرمایه مشترك ایران و فرانسه آنرا کارگردانی کرده (میدانیم که ایران طی قراردادی که باارسن‌ـ ولز دارد این کارگردان چندین فیلم با سرمایه مشترك ایران و فرانسه میسازد و ازکارگردانان دیگر میتوان اشاره کرد به کارلوپونتی که بزودی کار تهیه چند فیلم را با هنرپیشگان و سرمایه ایرانی آغازخواهد کرد.

بهترین ها وبدترین ها

از فیلم های خوب جشنواره میتوان از فیلم های غزال ساخته مسعود کیمیائی — تامی بکارگردانی کن راسل — پرستاربچه بکارگردانی رنه کلمان — معمای‌کاسپارهاورز — لنی و عشق ومرگ نام برد وفیلم هائی هم بودند که

فیلم های غزال و« ث — ش — تقلب » با سرمایه‌گذاری شرکت گسترش خدمات سینمائی » ساخته شد ، درمورد « ث — ش — تقلب » ساخته اورسن‌ولز ، آنچه مشخص نبود، مسئله سرمایه‌گذاری بود ، چرا که این فیلم بهیچوجه برای فروش ساخته نشده ، عده‌ای آدم میآیند وراجع به نقاشی‌های پیکاسو صحبت می کنند وکه گاه نیز مستندوار مسئله سکس پوشیده یک زن ونگاه مردم را مورد بررسی قرار میدهد . بهرحال اگر برای تاریخ سینما سرمایه گذاری شده حرفی نیست ، ولی در اینکه این سرمایه بهدر نرفته‌باشد ، خیلی‌حرف است ،

جشنواره امید آینده

جشنواره جهانی فیلم در تهران امید باروری است برای سینمای جدید ایران ، چرا که با شرکت کردن فیلم های ایرانی دراین‌جشنواره ها اثرات آینده آنرا از لحاظ بهتر شدن فیلم های ایران و سینمای ایران میتوان مجسم کرد . البته اگر بسیاری از بازیگران ایرانی خیال نکنند عکس گرفتن با هنرپیشگان سرشناس خارجی میتواند در پیشرفت سینمای ایران‌مؤثر باشد . و به امید اینکه مسئولین جشنواره توجه بیشتری از لحاظ برنامه ریزی و نمایش فیلم ها ارائه کنند که با وجود صندلی های شماره دار باز هزاران ناراحتی پیش نیاید . و توجهی هم به‌تماشاگر ایرانی از خود نشان بدهند ومهر خارجی بودن آدمها آنها را نفریبد.

ژاله‌سام‌وجشنواره

ژاله سام که با بازی در فیلم‌های «راز درخت سنجد» و «بستچی» شهرت سینمائیش را تثبیت کرد، یکی دو سال قبل درست زمانیکه در اوج شهرت بود و مرتباً قرارداد برای بازی باو پیشنهاد میشد، در سکوت فرو رفت و تنها در یک فیلم «خانه خراب» شرکت جست.

از سوی دیگر با توجه باینکه ژاله سام زمانی مانکن بود، حالا که وقت کافی دارد درصدد است یک جشنواره مد لباسهای ایرانی برپا کند.

بازیگری تازه‌وارد

مروری بر آثار تلویزیونی در مورد سریال‌ها و نگاهی بـه فیلم‌های سینمائی ورود و حضور چهره‌های جدید را مشخص می کند، ایران‌شمس بازیگری است که سینما و تلویزیون را توأماً شروع کرده است، او که دختر خاله پوری بنائی است با تشویق او بـه بازیگری روی آورده‌ومدتیست در مجموعه تلویزیونی غریبه تماشایش میکنیم و غیر از این در فیلم «عبدالله» ساختـه مشترك ایران و آمریکا نقش مهمی را بعهده دارد.

ملک‌مطیعی فقط درسینما

ناصر ملک‌مطیعی بازیگر نقش امیر کبیر در تلویزیون درمجموعه سلطان صاحبقران این بازی راآخرین نقش خود در تلویزیون میداند. گویا او در یـک محفل خصوصی اظهار داشته : اگر قرار بود در یک سریال تلویزیونی بازی کنم ایفای نقش امیر کبیر برایم کافی است و بعد از آن چه نقشی را بازی کنم که بالاتر و یا حداقل همطراز امیر کبیر باشد.

ملک‌مطیعی تا کنون درچند فیلم‌سینمائی ساخته علی حاتمی بازی کرده بود و بازی در سریال سلطان صاحبقران را نیز به انگیزه علاقه یی که به حاتمی دارد پذیرفت و فعلا هم تصمیم ندارد نقش دیگری به عهده بگیرد.

نصرت کریمی درتلویزیون

نصرت کریمی که بازیگری را از تلویزیون آغاز کرد وبه سینما راه یافت اخیراً دوباره به تلویزیون بازگشته است و اولین کار او بازی در مجموعه « دائی‌جان ناپلئون » است که تا بحال چندین بخش آن توسط ناصر تقوائی تهیه و کارگردانی شده است. کار بعدی کریمی تهیه وکارگردانی یک مجموعه تلویزیونی است بنام « آقا معلم » که در صورت تصویب پس از بازی درسریال « دائی‌جان ناپلئون » به تهیه و کارگردانی آن خواهد پرداخت.

مرضیه پول نگرفت

مرضیه تنها خواننده‌ایست که ازآغاز کار تلویزیون همیشه سعی کرده است که درهیچ برنامه تلویزیونی شرکت نکند تا اینکه چندی ولی دریک برنامه نیاه نسب مرضیه شرکت کرد و با استقبال زیادی روبرو شد ولی جالب است بدانید مرضیه برای شرکت دراین برنامه اصلا پولی دریافت نکرد وگفت: هرچه هست به یک مؤسسه خیریه بپردازید. البته ازآن زمان تا کنون تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونـی از او میخواهند بازهم برنامه هائی درتلویزیون داشته باشد، ولی مرضیه عقیده دارد همان یک برنامـه کافیست وحاضرنیست بهیچ عنوان جلو دوربین تلویزیون قرار بگیرد.

مسعود توحیدی، درسینما

ازجمله هنرپیشگان تلویزیون که از طریق شرکت درسریال به شهرت رسید وجذب سینما شد، مسعود توحیدی، ایفاگر نقش « داریوش » درسریال « تلخ وشیرین » است. هفته گذشته گفته شد توحیدی با عباس‌شباویز قراردادی منعقد کرده که بموجب آن یکی از نقش های مهم فیلم « حاجی‌فیروز » ساخته شباویز را ایفا خواهد کرد، باین ترتیب نخستین نقش سینمائی‌اش را به عهده خواهد گرفت. باانهمه توحیدی معتقد است که همیشه تلویزیون را برسینما ترجیح خواهد داد، وحتی قرار است در یک سریال ده دقیقه یی که هر شب پخش خواهد شد، نقش یک کارگر را بازی کند.

برای تهیه سریال «سمک عیار» یک شهرک در شوشتر ساخته شد.

«سمک عیار» اولین مجموعه رنگی تلویزیون در دست تهیه است

تلویزیون ملی ایران از هم اکنون غالب فیلم ها وسریالهای خود را به‌طریق رنگی ضبط میکند تا بهنگام شروع کار تلویزیون رنگی دچار کمبود برنامه، بخصوص برنامه های ایرانی نشود وبهمین جهت مجموعه سمک عیار را بعنوان اولین مجموعه رنگی در ۲۶ قسمت در دست تهیه دارد.

این مجموعه توسط باربد طاهری که قبلا فیلم سینمائی رگبار را از او دیده‌ایم، تهیه میشود و در آن گروهی از هنرمندان اداره تئاتر وزارت فرهنگ وهنر وبازیگران سینما شرکت دارند.

طراحی

همانطور که میدانید برای تهیه یک فیلم تاریخی ویا مجموعه تلویزیونی احتیاج به طراحی است که بتواند نسبت به موضوع و مسائل مربوط به‌لباس وابزارکار اطلاعات کافی داشته باشد و برای طراحی این مجموعه مشکل که ۲۶ ساعت طول نمایش آنست و حدود . . . ساعت باید فیلم برداری شود احتیاج به‌طراحی بود که فضای فیلم را کاملا بشناسد و درباره قهرمانان داستان اطلاعات کافی داشته باشد. بهمین لحاظ برای اولین بار از وجود یک خانم طراح بنام «جهان ملک خزاعی» استفاده شده است. در تماسی که با ملک‌خزاعی طراح این مجموعه تلویزیونی داشتیم درباره کارش گفت.

— تا این حال برای بسیاری از برنامه های تالار ۲۵ شهریور طرح لباس و دکور داده‌ام و قبل از این سریال در پاریس وبعد در چند فیلم سینمائی بعنوان طراح صحنه فعالیت داشته‌ام. وقتی که باربد طاهری از من خواست طراحی این مجموعه تقریباً مشکل را بعهده بگیرم ترس اول مردد بوده ولی قبلا طراحی قسمت ... را انجام داده بوده و از کارم هم رضایت کافی داشتم. بهمین جهت پس از یک هفته فکر کردن قبول کرده که طراحی مجموعه رنگی سمک عیار را بعهده بگیرم. در مورد این سریال اولا باید بگویم عنوان ... فرم وطرح لباسهای عیاران نداشتیم و نمیدانستیم که این داستان در قرن ششم هجری میگذرد وبهمین جهت ناچار شدیم از مینیاتورهای این دوره که بسیار هست استفاده کنیم ولباسهائی که تن عیاران و دیگر بازیگران این مجموعه خواهند دید از همین مینیاتورها استفاده شده است.

شهرسازی

برای تهیه ده بخش از این مجموعه گروه تهیه سمک‌عیار یک شهر کوچک به‌سبک همان ایام در شوشتر که سابقه تاریخی زیادی دارد بنا کرد. در حدود دویست بازیگر وسیاهی لشکر وگروه فنی در این شهرک مستقر شدند و در مدت شش‌ماه این ده بخش فیلم برداری شد. از اتفاقات ناگواری که بهنگام تهیه این مجموعه رخ داد، فوت بازیگر سرشناس وخوب تئاتر و سینما عصمت صفوی بود که در تهیه های مجموعه دراثرسکته قلبی درگذشت.

کارگردانی این مجموعه رنگی تلویزیونی در ده بخش اول بعهده محمدرضا اصلانی بوده و بخش هـای بعدی را واروژ کریم مسیحی کارگردانی میکند، فیلم برداری این مجموعه در شوشتر– یزد– کاشان وشهرهائی که دارای بافت معماری قدیمی هستند، انجام گرفته ومیگیرد برای اولین بار صحنه های جنگ قدیمی نیز در این مجموعه گنجانیده شده که در آن از فرم سلاح های قرون پنجم وششم هجری استفاده شده است.

مرجان فقط در فیلمهای ژورك

جدائی مرجان را که میدانید، البته در دنیای هنر این مسایل بکلی بی‌اهمیت است. از این که بگذریم، می‌گویند مرجان از این پس فقط در فیلم هائی شرکت می کند که «ژورك» آنها را کارگردانی خواهد کرد و نه در فیلم های دیگر و خبر دیگر اینکه مرجان تصمیم گرفته است در زمینه خوانندگی هم فعالیت کند

فروزان فیلم میسازد!

فروزان پس از سه سال دوری از سینما که این مدت تنها در یک فیلم با سرمایه تلویزیون شد، ناگهان با دریافت مبلغ دویست وپنجاه‌هزار تومان بازی در فیلم را شروع کرد

تنظیم کارگران

نقش سازنده کارگر درالمپیک ۱۹۸۴ تهران

چهل و چهار روز پیش از این ، شاهنشاه آریامهر ، در شرفیابی هیأت ورزشی کشور بمناسبت جشن فرخنده چهارم آبان ، خطاب به معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی فرمودند :

« از حالا بفکر المپیک ۱۹۸۴ باشید و با جدیت مقدمات کار را فراهم کنید . » با بیانات شاهنشاه — و بخصوص تاکید معظم‌له بر این نکته که از حالا با جدیت مقدمات کار را فراهم کنید — نامزدی ایران برای المپیک ۱۹۸۴ را از حدود « شایعه » تا مرز یک کار رسمی و جدی بالا برده است . شانس ایران برای برگزاری المپیک ۸۴ بسیار زیاد است ، چون ما از امکانات عظیم مالی و تأسیساتی و انسانی برخور داریم . یکسال پیش از المپیک ۸۴ ، قرار است ایران میزبانی بازیهای جهانی دانشجویان را بعهده گیرد .

سال گذشته ما با برگذاری المپیک آسیائی تهران ، کارآئی ورزشی و مهارت فنی و تشکیلاتی خود را تجربه کرده‌ایم . اگربگوئیم المپیک آسیائی تهران بدون عیب و نقص برگزار شد خودمان را گول زده‌ایم . چون واقعیت اینست که تجارب خاطرات ما از این بازیها ، تلخ و شیرین بود . شیرینی بدین خاطر که پیروزیهای ورزشی ما چشم گیر و همبستگی و همگامی سازمانهای مختلف کشور در حل بسیاری از مشکلات ، یک روحیه سازنده و هماهنگ اجتماعی را نشان داد . این تجربه بسیار گرانبهائی است هر بار که سازمانها و مسئولان مختلف ، در اجرای برنامه‌ای واحد ، صادقانه وصمیمانه دست دردست هم میگذارند ، مشکلی نیست که آسان نشود و هیچ مساله‌ای بدون حل نخواهد ماند .

تلخی تجربه بازیهای آسیائی تهران — که خود می‌تواند عبرت آموز باشد — سر در گمی و شتابی بود که بخصوص در یکسال مانده به آغاز بازیها ، دراکثر زمینه ها بچشم می‌خورد که خوشبختانه رئیس دولت شخصاً وارد میدان شد و با استقرار یک ستاد اجرائی در مجموعه ورزشی آریامهر و نظارت در حسن اجرای برنامه ها نارسائی ها را به سامان رساند . علت چه بود ؟

بررسی علت یا علل نارسائی ها و رواسقابله با آنها ، بی تردید می‌تواند مشکل گشای بسیاری از دشواریهای احتمالی ما در المپیک ۱۹۸۴ باشد .

علت اصلی — که کافی است بدان بسنده کنیم — کشتن فرصت و از دست دادن «وقت» بود . به گفته یکی از مسئولان ، بجای اینکه ما ازفردای اعلام رسمیت میزبانی‌مان در برگزاری المپیک آسیائی ، دست بکارشویم و همه عوامل را بکار بگیریم ، دست روی دست گذاشتیم و... ما المپیک ۱۹۸۴ تهران را در پیش داریم . ظاهراً هشت سال فاصله زمانی ، مدت درازی است ، بخصوص اینکه از برکت بازیهای آسیائی ، درزمینه تاسیسات ورزشی اندوخته های گرانبهائی داریم . ولی تجارب کشورهای برگزار کننده المپیک نشان میدهد که حتی از دست دادن یک روز خطاست و تنها درصورتی می‌توان به اجرای موفقیت آمیز بازیها امید بست که کارها طبق برنامه طرح ریزی و درمحدوده زمانی مشخص پیش میرود . بعنوان مثال از شوروی یاد میکنیم که میزبان المپیک ۱۹۸۰ مسکو است . روسها پس از یک رقابت سخت با لوس آنجلس میزبانی المپیک ۸۰ را بدست آوردند . منابع و امکانات فنی و ورزشی وانسانی روسها بر کسی پوشیده‌نیست . باوجود این از دو سه‌سال پیش ، بهتر بگوئیم ازفردای المپیک ۹۷۶ ۱ مونیخ ، در راه المپیک ۱۹۸۰ مسکو قدم گذاشتند . همین هفته پیش بود که یک هیأت فرانسوی به دعوت روسها راهی مسکو شد تا در باره همکاریهای آماده سازی ورزشکاران دو کشور برای المپیک ۱۹۸۰ ، وساختن چند هتل ، نصب سیستم های مخابراتی و پخش جهانی بازیها و ایجاد فرودگاههای غیرنظامی برای المپیک مذاکره کنند ، چون بموجب قرارداد همکاریهای فنی دو کشور، روسها ایجاد این تأسیسات ونیازهای المپیک را به فرانسویها واگذار کرده‌اند . بنابراین ملاحظه میکنیم که تأسیسات و تجهیزات مجموعه ورزشی آریامهر — و دیگر امکانات ورزشی ما — به تنهائی جوابگوی المپیک ۱۹۸۴ نخواهد بود بهمان سان که اصولاً کیفیت و کمیت المپیک درسطح جهانی با المپیک‌های منطقه‌ای از زمین تا آسمان تفاوت دارد.

این را میدانیم که ما درسطح مسابقات جهانی وبازیهای المپیک‌درا کثررشته ها حرفی برای‌گفتن نداریم وتاالمپیک۸۴ نیز قهرمانان نامدار فعلی ما اگر « بازنشسته » نشوند — که حتماً خواهند شد — بهیچوجه قادر به رقابت با جوان‌ترها نخواهند بود . پس باید در این هفت — هشت سال روی جوانهائی کار کنیم که مرحله نوجوانی را آغاز کرده‌اند و کارگران جوان و با استعداد زیر بیست سال معادن گرانبها و دست نخورده‌ای هستند. نگاهی به زندگینامه قهرمانان سرشناس ما نشان میدهد که اکثراً از میان خانواده‌های کارگری برخاسته اند . در کارخانه‌ها ، در کارگاهها جوانان کارگرباا ستعدادی هستند که با همکاری سازمان های مربوط میتوان چون مروارید — های کم نظیر از قعر صدفهای فراموشی و بی‌-توجهی کشفشان کرد.

کارگران ایرانی ، در زمینه‌های فنی و تخصصی نیز میتوانند نقش مهمی در المپیک ۸۴ کشورشان ایفا کنند . هم‌اکنون دهها کارگر ایرانی با توجه به نیازهای بخش خصوصی و دولتی از سوی وزارت کار و امور اجتماعی در کشورهای اروپائی سرگرم طی دوره‌های تخصصی هستند . آیا بهتر نیست سازمان تربیت بدنی — که در رهبری سازمانها و مؤسسات مختلف در راه برگزاری المپیک ۸۴ نقش اصلی را بعهده دارد — از هم اکنون در زمینه های فنی با وزارت کار و امور اجتماعی وارد گفتگو شود و در صورت لزوم کارگران متخصص مورد نیازخود را ازهم اکنون ، ازمیان بهترین ها ، دست‌چین کند ؟

تجربه نشان داده است کارگری که برای طی دوره تخصصی به خارج میرود ، بهتر ازدیگر افراد چیزمی‌آموزدو تجربه‌می‌اندوزد.

بخاطر بیاورم که سازمان تربیت بدنی برای کسب تجربه از المپیک مونیخ دست یک کار بسیار خوب و ارزنده زد و گروهی از دست اندر-کاران ورزش را برای « مطالعه » وآشنائی با زیر و بم کارها به مونیخ فرستاد . کارخوبی بود که متأسفانه بدعمل شد و نتیجه‌ای نداد ، درحالیکه اجرای چنین برنامه‌هائی برای کارگران متخصص در زمینه های فنی و تکنیکی بدون تردید پربار و ثمر بخش خواهد بود.

دراین زمینه باز هم بحث خواهیم کرد.

اسماعیل یگانگی

ورزش باید درمیان ک

نمایندگان تیمهای قهرمان پنجمین دوره مسابقات کارگری از والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی کاپ افتخار گرفتند

نمایندگان تیمهای قهرمان پنجمین‌دوره مسابقات کارگری پس از دریافت جوایز خود با والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی عکسی بیادگار گرفتند . آقای امیرقاسم معینی وزیر کارو امور اجتماعی و خانم مهرانگیز حجازی معاون آن‌وزارتخانه درعکس دیده‌میشوند.

پیش از ظهر روز شنبه هشتم آذرماه ، والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست کمیته ملی المپیک ایران وریاست شورای عالی ورزش کارگری، نمایندگان تیم‌های قهرمان پنجمین دوره‌مسابقات کارگری کشور را بحضور پذیرفتند.

دراین مراسم که باحضورآقای امیرقاسم معینی وزیر کار وامور اجتماعی، تیمسار حجت کاشانی معاون نخست وزیر وسرپرست سازمان تربیت‌بدنی و خانم مهرانگیز حجازی معاون وزارت کار وجمعی از شخصیتهای برجسته ورزشی کشور برگزار شد، نمایندگان تیم‌های قهرمان ازوالاحضرت کاپ افتخار گرفتند. ابتدا آقای امیرقاسم معینی گزارشی از برنامه‌های ورزشی کارگری درسال گذشته معروض داشت وگفت پیشرفتهای ورزشی کارگران مرهون توجهات خاص شاهنشاه آریامهر میباشد که همواره اوامر ملوکانه در جهت تامین رفاه و آسایش بیشتر کارگران کشورصادرمیفرمایند.

وزیر کار وامور اجتماعی افزود: بموازات برگزاری مسابقات قهرمانی کارگران ایران که برنامه آن در تقویم ورزشی کشور گنجانیده شده و بطور مرتب جریان دارد ، باشگاههای ورزشی کارگری وابسته به آوزارت کارو اموراجتماعی در تهران و شهرستانها فعالانه در مسابقات باشگاهی شرکت می‌نمایند و با اینکه مدت کمی از تاریخ اخذ پروانه باشگاهی و تشکیل تیم های مختلف ورزشی باشگاهها میگذرد ، معهذا نتیجه فعالیت آنها رضایت بخش میباشد که ذیلا خلاصه‌ای از آن باستحضار میرسد :

۱ — شرکت تیم فوتبال باشگاه کارگران رضائیه در مسابقات باشگاهی جام رستاخیز و احراز مقام اول بین ۱۲ تیم شرکت کننده .

۲ — شرکت تیم دوچرخه سواری باشگاه کارگران رضائیه در مسابقات باشگاهی واحراز مقام دوم .

۳ — شرکت تیم تنیس روی میز جوانان و نوجوانان باشگاه کارگران رضائیه درمسابقات جام پلیس رضائیه و احرازمقام اول وسیله تیم جوانان و مقام دوم وسیله تیم نوجوانان.

۴ — شرکت تیم بوکس باشگاه کارگران رضائیه در مسابقات قهرمانی باشگاهها و احراز مقام‌سوم.

۵— شرکت تیم فوتبال باشگاه کارگران رضائیه درمسابقات قهرمانی فوتبال باشگاههای رضائیه که هم اکنون ادامه دارد.

۶— شرکت تیم والیبال جوانان باشگاه کارگران رضائیه در مسابقات باشگاههای رضائیه.

۷— انجام مسابقه دوستانه فوتبال بین باشگاه کارگران رضائیه و باشگاههای پاس و جوانان رضائیه و پیروزی تیم باشگاه کارگران‌در هردومسابقه.

...ارگران بیش از پیش گسترش یابد

یکی از دختران کارگر از طرف دختران و زنان ورزشکار کاپ یادبودی به حضور والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی تقدیم میکند.

۸— شرکت تیم‌های فوتبال جوانان باشگاههای کارگری تهران و شهرستانها در مسابقات فوتبال جام والاحضرت ولیعهد.

۹— شرکت تیم ها ی فوتبال نوجوانان و بزرگسالان باشگاه کارگران اراك در مسابقات باشگاههای اراك.

۱۰ — انجام مسابقه دوستانه کشتی بین تیم های کشتی کارگران کاشان و بروجرد و پیروزی تیم کشتی کارگران کاشان.

۱۱— شرکت تیم بدمینتون باشگاه کارگران اصفهان درمسابقات تشویقی باشگاه‌های اصفهان.

۱۲—شرکت تیم های کشتی آزاد وفرنگی باشگاه کارگران کرمان درمسابقات باشگاههای کرمان.

۱۳— برگزاری مسابقه تشویقی دوچرخه‌سواری کاپ مشروطیت وسیله باشگاه کارگران مشهد.

۱۴— برگزاری مسابقه تشویقی دوومیدانی برای فرزندان کارگر وسیله باشگاه کارگران مشهد.

۱۵— برگزاری مسابقه تشویقی دوچرخه‌سواری کاپ ۲۵ شهریور وسیله باشگاه کارگران مشهد.

۱۶ — انجام مسابقه فوتبال دوستانه بین تیم باشگاه کارگران مشهد با تیم‌های فوتبال شهرستان‌های کاشمر، چناران، قوچان.

۱۷—شرکت تیم پینگ پنگ باشگاه کارگران تبریز در مسابقات باشگاهی آن شهرستان واحراز مقام اول، درسال ۵۰ درمورد تجهیز باشگاههای کارگری ازجهات مختلف نسبت به تکمیل کادر مربیان و تجهیز باشگاهها متناسب با نیازهای کارگران و همچنین نصب دودستگاه تصفیه درباشگاههای رضائیه ویزد اقدام واینک از این لحاظ از زمره باشگاههای مجهز درشهرستانها بشمار میروند.

اظهار رضایت والاحضرت

والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی طی سخنانی اظهار داشتند:

«فکر نمی کنم سابقه داشته باشد که وزارت کار وامور اجتماعی دراین چندسال تا این حد توجه شایان به امر رفاه وآسایش کارگران کشور بخصوص امر ورزش نموده باشد. خیلی خوب است به موازات فعالیت‌های ورزشی برنامه های تفریحات سالم وامور هنری کارگران نیز پی گیری شود. فکر میکنم این رویه در روح و فکر خانمها وآقایان کارگران تاثیر فراوان خواهد داشت. ضمناً از اینکه برنامه های ورزشی آن وزارتخانه یکی پس از دیگری انجام میشود و یا درشرف انجام است خوشحالم وامیدوارم با همکاری سازمان تربیت‌بدنی با یک برنامه ریزی وشالوده صحیح این فعالیتها دنبال گردد، تا اینکه تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در امر ورزش و تفریحات سالم کارگران پیشرفتهای چشم گیری دیده شود.»

در این وقت به استدعای وزیر کار وامور اجتماعی نمایندگان قهرمانان رشته های مختلف ورزشی بشرح زیر از طرف والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی جوایز خود را دریافت داشتند.

معصومه روشنک—ژیمناستیک — شرکت مخابرات شیراز

نساء عباسی—دو ومیدانی — کارگر کارخانه ارسسه لسی رسب.

شمس‌السادات آرامش—بسکتبال — کارگر کارخانه ارج.

فرزانه آخوندی—دوچرخه سواری — کارگر کارخانه ارج

فاطمه معاونی—والیبال — کارگر کارخانه آزمایش.

زهرا زرین تاج افشار—تنیس روی میز — کارگر کارخانه آزمایش.

مهری شیروانی—شطرنج — کارگر کارخانه آزمایش.

آقای آرام محمدعلیان—دوچرخه سواری — کارگر کارخانه نساجی شاهی.

مسعود نوری طالمی—شنا — کارگر سازمان بنادر و کشتیرانی بندر پهلوی.

جمال غفوریان—تنیس روی میز — کارگر کارخانه آزمایش.

محمود کیازان—والیبال — کارگر کارخانه آزمایش.

ناصر ذبلهم—وزنه برداری — سازمان آب منطقه ای تهران.

اسداله دیناری—ژیمناستیک — سازمان آب منطقه ای مشهد.

حسین اردبیلی اصل—فوتبال — کارگر کارخانه تراکتورسازی تبریز.

محمود بلندا—بسکتبال — کارخانه ذوب آهن آریامهر اصفهان.

هاشم قنبری— کشتی فرنگی — کارگر کارخانه ذوب آهن آریامهر اصفهان.

رحیم رحیم‌زاده—شطرنج — کارگر شرکت دخانیات ایران.

قنبر بهشتی— کشتی آزاد — کارگر کارخانجات ایران ناسیونال تهران.

علی روا— بوکس — کارگر کارخانه پارس الکتریک تهران.

هاشم عفراوی— دو ومیدانی — کارگر سازمان آب وبرق خوزستان.

تقویم مسابقات قهرمانی

ژیمناستیک:	۲۰—۲۳ آذر	یزد
والیبال	۲۱—۲۶ دی	اهواز
بسکتبال	« « « دی	اهواز
کشتی آزاد وفرنگی	۲—۲۲ بهمن	تهران
دوی رضاشاه کبیر:	۲۳ اسفند	ساری

* برای ورزش اجباری در کارخانه ها
از طرح ژاپنی استفاده کنیم

آقای مدیرکل

آیا ۱۰ ورزشگاه برای میلیونها کارگر کشور کافی است؟

بیاتی ، محمود ، در ورزش ما چهره‌ای آشناست. سالهای سال در میدانهای فوتبال توپ میزد. سالها بابازوبند کاپیتانی تیم‌های تاج و ملی را در میدان‌های مسابقه رهبری کرده است. در زمینه مربی گری لیاقتش را نشان داد و در نقش مربی تیم‌ملی پیروزی تیم‌ملی فوتبال ایران در مسابقات قهرمانی آسیا را به ارمغان آورد و افتخار بزرگی در زندگی ورزشی خود بدست آورد. بیاتی ، صمیمی، صادق ، بی ادعا، و درکارش بصیر و مطلع است. وی هم اکنون باتصدی پست مدیر کل اداره کل تربیت بدنی و تفریحات سالم وزارت کار و امور—اجتماعی باورزش زندگی میکند. بیاتی را به دفتر مجله دعوت میکنیم و به حرفش میگیریم. میکوشیم برجنبه های مثبت و « کارهای انجام شده» تکیه نکنیم و محور گفتو شنود را بر کمبودها و نبودهای ورزش کارگری بگذاریم، چراکه عصر رستاخیز، عصر سازندگی است. عصر بحث‌ها و گفتگوها و انتقادهای سالم و سازنده است. عصر تلاش برای دست‌آوردهای تازه است. باچنین برداشتی ، بحث را شروع میکنیم:

رستاخیز کارگران : آقای سرهنگ بیاتی : این را میدانیم که در سالهای اخیر برای ورزش کارگران کارهائی صورت گرفته است ، و بدون تعارف باید گفت کارنامه وزارت کار در این زمینه واقعاً خوب بود، ولی بلافاصله اضافه میکنیم که این خدمات ، باخدمتگزاری—و یا هرچه که اسمش را میگذارید — در مقایسه با دیگر دست‌آوردهای کارگران در زمینه های مختلف ، سیمای درخشانی ندارد. چرا؟

سرهنگ بیاتی : با شما موافقم. ولی تصدیق میکنید که موفقیت در کارها نسبی است و به عوامل مختلف بستگی دارد. کارهای انجام شده ما در زمینه های ورزشی، هنری و رفاهی باتوجه به امکانات رضایت‌بخش بود. بعبارت دیگر، موفقیت‌های کارگران در زمینه های دیگر آنقدر چشم‌گیر بود که اقدامات ما را در سایه خود قرار داد...

رستاخیز کارگران : اینجا را ما با شما موافق هستیم. ولی نگاهی به آمار کارگران شرکت—کننده در مسابقات قهرمانی کارگران از فقر کمی و کیــــفی ورزش کارگران سخن میگوید. مثلا امسال ، در مسابقات قهرمانی زنان کارگر در شیراز تنها هفتادنفر زن کارگر، آنهم از پنج استان شرکت داشتند.

سرهنگ بیاتی : مسأله ورزش زنان بی ارتباط باورزش زنان کشور نیست. اصولا ورزش زنان ما — در مقایسه باورزش مردان — در سطح پائین تری قرار دارد . درمورد مسابقات قهرمانی زنان کارگرها اشاره کردید ، خوشبختانه امسال برای اولین بار زنان کارگر ورزشکار خوی وارا ک هم در این مسابقات شرکت داشتند.

رستاخیز کارگران : «ما در سطح کشور چندتا ورزشگاه و باشگاه کارگری داریم و اصولا چقدر کارگر داریم ؟

سرهنگ بیاتی : درحال حاضر وزارت کار و امور—اجتماعی ، سوای تهران، هشت ورزشگاه کارگری در شهرستانهای مشهد ، اصفهان ، کرمان ، یزد، رضائیه، تبریز، اراك و کرمانشاه داریم و ورزشگاههای شیراز و اهواز هم در دست ساختمان است. در حقیقت ماده ورزشگاه مجهز کارگری داریم باضافه ۲۲۰ باشگاه ورزشی کارگری که درسراسر کشور فعالیت می کنند. تعداد دقیق کارگران کشور را نمی دانم.

رستاخیز کارگران : چند روز پیش یک مقام مهم دولتی و حزبی بمناسبتی از دو ملیون و ۲۵۰ هزار نفر کارگر کشور نام برد . اگر این تعداد را مأخذ قرار بدهیم راستی آقای مدیر کل ! آیا بنظر شما تنها ده ورزشگاه و ۲۲۰ باشگاه برای دو میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر کارگـــر کشور کافی است ؟ این را هم در نظر داشته باشید که کشور ما بسرعت رو به صنعتی شدن می رود و این یعنی افزایش روزافزون کارگر...

سرهنگ بیاتی : حق باشماست . و تازه من حرف دیگری هم دارم و آن اینکه اغلب تاسیسات ورزشی کارخانه ها بلااستفاده می ماند. مثلا فلان کارخانه تولیدی ، مخارج قابـــل توجهی صرف تاسیسات ورزشی خود کرده است ولی کارگران چه جوری از آن استفاده کنند ؟ کارگری که هشت ساعت در روز کار کرده خسته است و نمی تواند بلافاصله از سر کار به زمین ورزش برود . دیگر اینکه اغلب فاصله منزل کارگران تا زمین های ورزشی زیاد است و کارگر بفرض اینکه به ورزش علاقه داشت چگونه می تواند این مسافت طولانی را برود و ورزش کند و دوباره برگردد ؟ اینست که اگر بنظر من استفاده از این قبیل تاسیسات ، ورزشی را برای جوانان بخصوص دانشجویان و دانش آموزان اختصاص می دادند هم بدسالم سازی نسل جوان کمک شایانی میکردند و هم اینهمه امکانات ورزشی عاطل و باطل نمی ماند.

مسأله دیگر سن کارگران است. ما نمی توانیم به کارگری که بالای بیست سال است تکلیف کنیم حتماً فوتبال بازی کند یا کشتی بگیرد.

رستاخیز کارگران: ببخشید که حرفتان را قطع می کنیم — جوانان زیر بیست سال چند درصد کارگران کشور ما را تشکیل می دهند ؟

سرهنگ بیاتی : بدرستی نمی‌دانم . اجازه بدهید یک مطلب دیگر را خدمتتان عرض کنم. اصولا هدف اصلی وزارت کار و امور اجتماعی تنها برگزاری مسابقات و تشویق کارگران به ورزشهای «قهرمانی» نیست . هدف بزرگ ما گسترش و تعمیم ورزش درمیان کارگران است. امروز بعلت مکانیزه شدن موسسات تولیدی و صنعتی کارگر کمتر فعالیت بدنی دارد . و بعد از کار هم یا در منزل به استراحت می پردازد و پای تلویزیون می نشیند و یا به سینما و دید و بازدید اقــوام و دوستـــان می رود . به هرحـــال ، چنین کارگرانی ، که گروه بیشماری هستند عمـــلا از فعالیت بدنی محروم می‌شوند . در نتیجه پس از چند سال سلامت و نشاط خود را از دست می دهند.

رستاخیز کارگران : این نکته‌ایست کـــه باید کارفرمایان بیشتر از همه بآن توجه کنند همانطور که در کشورهائی نظیر ژاپن این مشکل را حل کرده‌اند.

سرهنگ بیاتی : در مورد ژاپن که اشاره کردید در تمام کارخانه ها ، در ساعات معینی ، از بلند گوها آهنگهای خاصی پخش می‌شود ، در آن ساعت هر کارگر، در هرجائی که هست دست از کار می کشد وچندقیقه باآهنگ ورزش و نرمش می کند...

رستاخیز کارگران : ولی این را هم اضافه کنیم که چنین اقبال به ورزش و نظم و انضباط ورزشی ، از توجه جامعه ژاپنی به ورزش حکایت دارد. کمااینکه ، هرروز هزاران زن و مرد و پیر و جوان ژاپنی از دقایق انتظار در ایستگاههای مترو ، استفاده می کنند و به حرکات بـــدنـــی می پردازند.

سرهنگ بیاتی : اصولا «ورزش» در ایجاد تفاهم بین کارگر و کارفرما و ایجاد روابط عاطفی بین این دو نقش مهمی دارد . گذشته از این ، ورزش کارگر ، بازده کار را بالا می‌برد. سالها پیش در انگلستان گروهی کارشناس آمدند روی این مسألـــه تجــربـــه کـــردنـــد بدین معنی که دو گروه کارگر را با مختصات سنی و جسمی و روحی مشابه ، به کار مشابه گماردند . برای گروه اول ، ضمن کـــار ساعات ورزش ترتیب دادند و گروه دوم بشکل عادی کار می کردند بعد از مدتی نتایج بررسیهـــا حیرت‌انگیز بود اول اینکه بازده کارگران گروه نخست بیشتر و بهتر بود . دوم اینکه کارگران دسته اول سالمتر و شاداب‌تر بودند . سوم اینکه کارگران گروه نخست در اوقات فراغت بـــه باشگاهـــهای ورزشی روی مـــی آوردند.

مهمتر از اینها ، شرکت‌های بیمه مطالعاتی انجام داده‌اند تا از مراجعه کارگران به پزشک و درمانگاه بکاهند که این خود نیز نفع بزرگ مادی برای شرکتهای بیمه دربرداشت . سرانجام مطالعات متخصصین به اینجا رسید که تنها با پرورش جسم و روح ، یعنی ورزش و ایجاد محیطی سالم و نشاط‌آور در کارخانه ها و کارگاهها میتوان به این مهم دست یافت.

رستاخیز کارگران : آیا در زمینه کارخانه—های ما اقداماتی صورت گرفته است ؟

سرهنگ بیاتی : هنوز نه . ولی طرح هائی داریم و به اجرای آن امیدواریم.

رستاخیز کارگران : اشاره نکردید که چرا مسابقات کارگری از نظر شرکت کنندگان فقیر است؟

سرهنگ بیاتی : اداره تفریحات سالم وزارت کار و امور اجتماعی بیش، از هفده سال است که فعالیت دارد ، ولی مسابقات قهرمانی کارگری تازه شش سال است که شروع شده. در گذشته شرکت کارگران در مسابقات قهرمانی کارگری تابع ضابطه خاصی نبود و برخی از افراد غیـــر کارگر نیز در مسابقات شرکت می کردند ، ولی از یکی دو سال پیش آمـــدیـــم برای شرکت کارگران در این مسابقات مقرراتی وضع کردیم بدین شکل که تنها کارگرانی می‌توانند در مسابقات قهرمانی کارگری شرکت کنند که دارای کارت بیمه کارگری بوده و مشمول قانون کار باشند بهمین جهت پارسال تیم فـــوتبـــال رضائیه و تیمهای ورزشی قم و کاشان را که واجد شرایط نبودند از شرکت در مسابقات قهرمـــانـــی کارگری محروم کردیم . پارسال در مسابقات ما شش هزار نفر شرکت کرده بودند . ولی باتوجه به اینکه امسال کلیه کارگران کشور زیر پوشش درمانی و بیمه قرار گرفته اند انتظار می رود سالهای آینده شرکت کنندگان در مسابقات قهرمـــانـــی کارگری رقم قابل توجهی را تشکیل دهند.

پرسپولیس، قهرمان سومین دوره جام تخت جمشید

جام‌فوتبال تخت‌جمشید در پایان سومین دوره خود با قهرمان پیش‌آهنگ خود را شناخت. «پرسپولیس» نایب قهرمان سال پیش با مساوی بدون گل با برق، به ۱۳ امتیاز رسید. واز نزدیک‌ترین حریفش تیم پاس، باشش امتیاز جلو افتاد وباین ترتیب هیچیک از تعقیب کنندگان پیشاهنگ قادر به ادامه رقابت نیستند وحالا، پاس، هما وتاج برای دست یابی به عنوانهای بعدی مدعی هستند.

جام تخت‌جمشید، در آستانه چهارمین سال خود بر اصالت وخلاقیت خود صحه نهاد وگرد آمدن یکصدهزار تن تماشاگر در یک دیدار خانگی در کمتر جای دنیا سابقه دارد. جام تخت‌جمشید که بین تیم‌های فوتبال باشگاههای کشور بصورت رفت و برگشت انجام میشود، در گسترش این ورزش پربیننده وپردوستدار در شهرستانها تأثیر بسزایی داشت ومهمش در ایجاد تأسیسات تازه ورزشی (درحقیقت فوتبال) درشهرستانها غیرقابل انکار است.

جام تخت‌جمشید، شور و هیجان فراوانی درمیان جوانان شهرستانها برانگیخت وجام‌های دیگری را نیز بدنبال آورد که جام والاحضرت ولایتعهد مهمترین آنهاست حضور تیم هائی چون دارائی، ملوان، ذوب‌آهن، ابومسلم وتراکتورسازی برگرمی وحرارت جام افزود وآوازه جام را به دورترین نقاط کشوررسانید.

آمدن تیم فوتبال «شهباز» به چهارمین دوره جام فوتبال تخت‌جمشید بیش از پیش برلطف جام خواهد افزودورقابت ها رافشرده‌تر خواهدساخت.

تیم قهرمان سومین دوره جام تخت‌جمشید را این بازیکنان همراهی میکردند: بهرام مودت — حسین‌قره‌خانلو — ابراهیم‌آشتیانی — بیژن‌ذوالفقارنسب — جوادالله‌وردی — رضاوطن‌خواه — ایرج‌سلیمانی — اصغرادیبی — محمدرضاخلعت‌بری — محمدزادمهر — محمددستجردی — جهانگیرفتاحی — علی پروین — محمدرزمجو — فریدون‌معینی — یعقوب‌فاطمی وفرزین‌قوام رضائی.

قهرمان مسابقات والیبال انتخابی کارگران تهران

(ایستاده) اسکندرپور سرپرست — لطف‌الله عسگری — اصغر امانت‌دار — جلال‌رضوی (کاپیتان) علی‌ستوده
نشسته — نعمت‌سعیدی — ناصرمسگری — خلیل حدوی ومحمدحسین حسینی

مسابقات والیبال انتخابی کارگران‌تهران، باشرکت تیم های ارج — پارس‌مینو — ایران‌ناسیونال — راه‌آهن — لیلاندموتور — پارس الکتریک انجام شده و این مسابقات پنج روز بطول انجامید و نتایج زیر بدست آمد-

ارج با پارس مینو ۳ — ۰ بنفع ارج
لیلاندموتوربا ایران‌ناسیونال ۳ — ۰ بنفع ایران ناسیونال
راه‌آهن با پارس الکتریک ۳ — ۰ بنفع راه‌آهن
لیلاندموتوربا پارس مینو ۳ — ۰ بنفع لیلاند موتور
ارج باپارس الکتریک ۳ — ۰ بنفع ارج
راه‌آهن با ایران ناسیونال ۳ — ۰ بنفع ایران ناسیونال
ارج باایران‌ناسیونال ۳ — ۰ بنفع ایران ناسیونال
پارس مینوباپارس الکتریک ۳ — ۰ بنفع پارس الکتریک
لیلاندموتوربا راه‌آهن ۳ — ۰ بنفع راه‌آهن
ارج باراه‌آهن ۳ — ۰ بنفع راه‌آهن
ایران‌ناسیونال با پارس‌مینو ۳ — ۰ بنفع ایران ناسیونال
پارس الکتریک بالیلاندموتور. ۳ — ۰ بنفع لیلاند موتور

و سرانجام تیم ایران‌ناسیونال بمقام‌قهرمانی رسید و به عنوان‌نماینده‌والیبال باشگاههای کارگری تهران درهشتمین دورمسابقات‌قهرمانی کارگران که در اواخر ماه آینده در اهواز برگزار خواهندشدشرکت خواهد کرد.

نادرحقیقی کارگرزاده‌جوان گیلانی در«رینگ»جان باخت !

بالاخره «نادر» چگونه مرد ؟ !

اول گفتند توی رینگ زیر ضربات مشت حریف بینی‌اش خونین شد و بعد ازمسابقه ازحال رفت بطوریکه او را سر دست به رخت کن بردند و ازآنجا به بیمارستان و اتاق عمل ....

بعد گفتند مشت‌زن کوچولوی گیلانی پس ازمسابقه با حریف ، سرحال وقبراق بود و دو سه ساعت بعد ازمسابقه ناگهان حالش بهم خورد و به زمین افتاد . . . و به روایتی شاید هم شدت تأثر ازشکست آنچنان ناراحتش کرده بود که سرش را به دیوار کوفت..

یکی گفت تیم بکس گیلان آماده نبود و این سهل‌انگاری مربی « نادر » بود که بموقع به کمک بکسورش نشتافت و از بروز حادثه جلوگیری نکرد . دیگری به گفتار رئیس هیأت بکس گیلان پیش ازمسابقه که ازآمادگی تیم گیلان دم میزد و می‌خواست طعم شکست را به زبده‌ترین بکسورهای غیرحرفه‌ای جهان بچشاند ، استناد می کرد و می گفت اگر این رجز-خوانیها نبود و درحالیکه نوجوان گیلانی زیر ضربات مشت حریفی نیرومند بسختی مقاومت می کرد فریاد « — بازهم مقاومت کن . . . . ادامه بده . . . . بیا نا ک اوت نشی » کنار رینگی ها نبود ، شاید امروز « نادرحقیقی » جوان شجاع و جسور گیلانی درمیان ما بود و چنانکه خود بارها آرزو کرده بود ، برای وطن و زادگاهش افتخارات فراوانی کسب می کرد .

نادرحقیقی در یک خانواده کارگری بزرگ شده بود و نان‌آور خانواده‌شان — پدرش با شرافت و سربلندی ماشین زندگی یک خانواده پراولاد رامی گرداند.

بهرحال این حادثه ناگوار پیش آمده و همه رامتأثر کرده ، اما جا دارد که اقدامات اصولی انجام گیرد و ورزشکار چه در صحنه مسابقات و چه دربرابرحوادث « بیمه » شود .

* سرویس ورزشی « رستاخیز کارگران » درگذشت اندوهبار این کارگر زاده شجاع گیلانی را به جامعه ورزش ، مادرو پدر داغدار و برادرو خواهراز ماتم زده نادرحقیقی و کلیه ورزشکاران و ورزش‌دوستان گیلانی صمیمانه تسلیت می گوید.

یک کارگر ایرانی ،قله مون بلان رافتح کرد

قله مون بلان که از بلندترین قله های آلپ است ، توسط یک کارگر ایرانی بنام محمود مرتضوی فتح شد . حماسه این کارگر جوشکار ایرانی که تا بحال قلل دماوند ، پوسوری ، مون بلان و ماترهورن را فتح کرده است از نظر شناخت روحیه و فکر یک کارگر ایرانی قابل ستایش است.

حماسه محمود مرتضوی ، کارگر کوهنورد ایرانی که به‌قله‌های بزرگ جهان راه پیدا کرده خواندنیست.

رستاخیز کارگران ، برای نشان دادن ارزش کارگر ایرانی مطالبی درباره موفقیت چشمگیر این گروه ، درشماره آینده خواهد داشت وبا محمود مرتضوی و با شما ،سفر داغی در کوههای یخ بسته ویخچالهای بین راه خواهد کرد . این رپرتاژ را در شماره آینده حتماً بخوانید.

درششمین دوره‌مسابقات قهرمانی زنان کارگردرشیراز:

۷۰ زن ورزشکار کارگر در هفت رشتهٔ ورزشی شرکت کردند!

زنان کارگرخوزستان، مازندران، خراسان وآذربایجان شرقی حتی یک نماینده نداشتند !

بمناسبت سال زن، امسال مسابقات قهرمانی زنان کارگرانجام گرفت که این مسابقات درشیراز برگزارشد.

این مسابقات، اگرچه درقیاس با سالهای پیش از کیفیت بهتری برخوردار بود وبا وضع آبرومند تری برگزار گردید، ولی تعدادشرکت کنندگان در این مسابقات نسبت به سال گذشته کاهش داشت و تنها نمایندگان پنج استان (گیلان، فارس، اصفهان، آذربایجان‌غربی و استان مرکز) ونیز اراك وخوی شرکت جسته بودند که جمعاً هفتاد نفر بودند. باوجود این جای خوشحالی است که زنان‌ورزشکار شهرهای خوی و اراك امسال برای اولین بار در این مسابقات شرکت جستند. زنان کارگر بمدت چهار روز(از ۲۰ تا ۲۳ آبان ماه) در رشته های دو ومیدانی-والیبال وبسکتبال، ژیمناستیک، دوچرخه‌سواری، پینگ‌پنگ‌وشطرنج به‌مبارزه پرداختند وسرانجام ورزشکاران زیر بمقام قهرمانی رسیدند .

دوومیدانی

پرتاب نیزه

۱-ثریاریاضی خوئی از(گیلان)
۲-نساءعباسی از(گیلان)
۳-شهلا اسدزاده ازاستان مرکزی

دو ۲۰۰ متر

۱-زهرامؤثرازفارس
۲-رقیه یگانه ازگیلان
۳-مریم خسرو ارشاد ازاستان مرکزی

دو ۱۰۰ متر

۱-زهراربی ازمرکزی
۲-فاطمه صفاری نژاد ازگیلان
۳-ناهید خسروی ازفارس

پرش طول

۱-زهراربی ازمرکزی
۲-فاطمه اخلاق پسند ازگیلان
۳-رقیه یگانه ازگیلان

پرش ارتفاع

۱-زهرامؤثر ازفارس
۲-فاطمه صفاری نژاد ازگیلان
۳-سیمین حسنی ازمرکزی

پرتاب نیزه

۱-خدیجه هوردی ازمرکزی
۲-شمسی اسدزاده ازمرکزی
۳-معصومه حیدری ازگیلان

والیبال

تیم والیبال استان مرکزی اول—استان گیلان دوم واستان فارس سوم

بسکتبال

استان مرکزی اول -استان‌فارس دوم‌و استان گیلان‌سوم

ژیمناستیک

چوب‌موازنه
۱—روشنک ازفارس
۲—صیادی ازگیلان
۳—نامدار ازفارس

حرکات زمینی

۱—روشنک ازفارس
۲—نامدار ازگیلان
۳—موسوی ازگیلان

پرش خرك

۱—موسوی ازگیلان ۲—صفاری‌نژاد ازگیلان ۳—روشنک ازفارس

پارالل

۱-روشنک ازفارس ۲—نسرین نامدار ازفارس ۳—عباس پور ازگیلان

مجموع چهاراسباب

۱—معصومه روشنک ازفارس
۲—نسرین نامدار ازفارس
۳—سید بانوموسوی ازگیلان

درنتیجه تیم فارس به مقام قهرمانی رسید و تیم‌های گیلان و استان مرکزی مقام های دوم وسوم را بدست آوردند.

دوچرخه‌سواری

در دوچرخه‌سواری یک کیلومتری سیمین حقیقی ازفارس اول شد و هما حسنی از گیلان و رقیه زیبائی فرد ازفارس به ترتیب مقام های دوم وسوم را بدست آوردند.

پینگ پنگ

انفرادی ۱- زرین تاج افشار از مرکزی ۲- پریچهر شاهسمن ازفارس ۳-مرضیه آزاد کناری ازفارس.

دوبل- ۱- زرین تاج افشار ومامنیر محمود کلایه ازاستان مرکزی

۲- رقیه زیبائی فرد وپریچهر شاهسمن از فارس.

درنتیجه تیم پینگ پنگ زنان کارگر استان مرکزی به مقام قهرمانی ششمین دوره مسابقات قهرمانی زنان کارگرایران دست یافت و تیم های فارس وگیلان دوم وسوم شدند.

شطرنج

۱-نسرین نامدار ازفارس
۲-ثریا ریاضی خوئی ازگیلان
۳-سکینه جولائی ازمرکزی

درنتیجه تیم فارس بمقام قهرمانی رسید و تیم های گیلان و استان مرکزی مقام های دوم وسوم را بدست آوردند.

رحیم‌علی‌آبادی کارگر افتخارآفرین ورزش ایران هفته پیش داماد شد.

علی‌آبادی برنده مدال‌نقره جهانی کشتی‌فرنگی ماردل‌پلاتا (۱۹۶۵)، برنده‌مدال برنز المپیک مونیخ (۱۹۷۲) برنده مدال‌برنز مسابقات‌جهانی کشتی تهران (۱۹۷۴)

این عکس که‌پیش‌ازعروسی‌علی‌آبادی گرفته شده ، کارگر تراشکار قهرمان ما را درمیان افرادخانواده‌اش نشان می‌دهد.